

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج ٢ ؛ ص ٤٦٦

أصول الكافي / ترجمه مصطفوی ؛ ج ٤ ؛ ص ٢١٠

کِتَابُ الدُّعَاءِ

کتاب دعا

بَابُ فَضْلِ الدُّعَاءِ وَ الْحَثِّ عَلَيْهِ

باب فضیلت دعا و تشویق کردن بر آن

١ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ- إِنَّ الدَّيْنَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ^١ قَالَ هُوَ الدُّعَاءُ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ قُلْتُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لِأَوَاهٍ حَلِيمٌ^٢ قَالَ الْأَوَاهُ هُوَ الدُّعَاءُ.

زراره از حضرت باقر علیه السلام حدیث کند که فرمود: خدای عز و جل فرماید: «همانا آنان که سرفرازی کنند از عبادت (و پرستش) من، زود است که سرافکننده بدوزخ درآیند» (سوره مؤمن آیه ٦٠) حضرت فرمود: (مقصود از عبادت) دعاء است، و بهترین عبادت دعاء است، عرض کردم: (مقصود از آواه در این آیه چیست که خداوند فرماید:) «همانا ابراهیم آواه و شکیبای بود» (سوره توبه آیه ١١٤) فرمود: آواه یعنی بسیار دعاکننده بدرگاه خداوند.

٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ وَ ابْنِ مَجْبُوبٍ جَمِيعاً عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع أَيُّ الْعِبَادَةِ أَفْضَلُ فَقَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَنْ يُسْئَلَ وَ يُطْلَبَ بِمَا عِنْدَهُ وَ مَا أَحَدٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِمَّنْ يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يَسْأَلُ مَا عِنْدَهُ.

^١ (١) المؤمن: ٦٠ و قوله: «داحرین» أي صاغرین ذلیلین.

^٢ (٢) التوبة ١١٥. قال الطبرسي (ر): الاواه: الدعاء و البكاء، عن ابن عباس و هو المراد عن أبي عبد الله عليه السلام.

سدید گوید: بامام باقر علیه السلام عرض کردم: کدام عبادت بهتر است؟ فرمود: چیزی نزد خدای عز و جل بهتر از این نیست که از او درخواست شود و از آنچه نزد او است خواسته شود، و کسی نزد خدای عز و جل مبعوض تر نیست از آن کس که از عبادت او تکبر ورزد (و سرپیچی کند) و آنچه نزد او است درخواست نکند.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُيَسَّرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ لِي يَا مُيَسَّرُ ادْعُ وَلَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا سَدَّ فَاهُ وَ لَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئًا فَسَلْ تُعْطَ يَا مُيَسَّرُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُفْرَغُ إِلَّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ^۱.

میسر بن عبد العزیز گوید: حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود: ای میسر دعا کن و مگو که کار گذشته است و آنچه مقدر شده همان شود (و دعا اثری ندارد)، همانا نزد خدای عز و جل منزلت و مقامی است که بدان نتوان رسید جز بدرخواست و مسألت، و اگر بنده ای دهان خود ببندد و درخواست نکند چیزی باو داده نشود، پس درخواست کن تا بتو داده شود، ای میسر هیچ دری نیست که کوبیده شود جز اینکه امید آن رود که بروی کوبنده باز شود.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: اینکه فرمود: «و مگو که کار گذشته است» این نهی امام علیه السلام از این گفتار دو وجه دارد: یکی آنکه این گفتار باطل است زیرا این گفتار یهود و برخی از حکماء است بلکه باید ایمان به بداء داشت و باینکه خداوند سبحان هر روز در کاری است، و هر چه خواهد محو کند و هر بخواید ثبت کند و قضا و قدر مانع دعا نیستند چون تغییر در لوح محو و اثبات ممکن است، گذشته از اینکه خود دعاء نیز از اسباب قضا و قدر است و امر بدعاء نیز از همانها است.

دیگر اینکه درست است که علم خداوند بمر چه تعلق گرفته همان شود ولی این مانع از دعا نیست و اینکه امام علیه السلام او را از این گفتار نهی فرموده یعنی نهی از اینست که این کلام را (که در جای خود صحیح است) مانع از دعاء قرار ندهی که سبب اعتقاد بر بی فائده بودن دعای تو شود، و حاصل جوابی که حضرت از آن فرموده است بدو وجه برگردد:

اول اینکه: دعا بخودی خود مطلوبست چون عبادت بزرگیست و بمقام بلندی انسان را نزد خدای تعالی رساند که جز بوسیله دعا و زاری رسیدن بدان مقام ممکن نیست.

دوم اینکه مقدرات گاهی کم و زیاد می شود و بسا باشد که بواسطه شرطی از میان برود مثلا در تقدیر خداوند عمر کسی سی سال گذشته است بشرط اینکه صله رحم نکند و اگر کرد شصت سال مقدر شده، و روزیش در فلان روز بیک درهم مقدر شده اگر دعا نکند و بیشتر درخواست نکند، و اگر دعا و درخواست کرد دو درهم مقدر شده و هم چنین سایر چیزها، و حاصل اینکه

^۱ (۱) اعلم أن لوجود الكائنات و عدمها اسبابا و شروطا و أبي الله ان يجرى الأشياء الا بالأسباب و من جملة الأسباب لبعض الأمور الدعاء فما لم يدع لم يعط ذلك الشيء و اما علمه سبحانه تابعا للمعلوم لا يصير سببا لحصول الأشياء؛ و قضاؤه تعالی و قدره ليسا قضاء لازما و قدرا حتما و الا لبطل الثواب و العقاب و الامر و النهي كما مر عن أمير المؤمنين عليه السلام.

برای وجود تمام کاینات و عدم آنها شرائط و اسبابی است و خدای سبحان نخواستہ است کارها را بدون اسباب انجام دهد، و از جمله اسباب برای برخی از چیزها دعا است که اگر دعا نکند آن چیز بدو داده نشود؟

و اما علم خداوند پس آن تابع معلوم است و علت پیدایش چیزی نگردد، و قضا و قدر حتمی و لازم نیستند و گر نه ثواب و عقاب و امر و نهی باطل گردند چنانچه از امیر المؤمنین علیه السلام گذشت، سپس کلامی از غزالی و دیگران در این باره نقل کند که ایراد آن از وضع و شرح و ترجمه ما بیرون است.

۴- **حُمَيْدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحُشَّابِ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ افْتَقَرَ.**

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که از فضل خدای عز و جل درخواست نکند نیازمند و فقیر گردد.

۵- **عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ ادْعُ وَ لَا تَقُلْ قَدْ فُرِعَ مِنَ الْأَمْرِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ- إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ وَ قَالَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ^۱.**

- حماد بن عیسی گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که میفرمود: دعا کن و مگو کار از کار گذشته است زیرا دعا همان عبادت است و خدای عز و جل فرماید: «آنان که از عبادت من تکبر و رزند زود است که سرافکننده بدوزخ در آیند» (سوره مؤمن آیه ۶۰) و نیز فرموده است: «مرا بخوانید تا اجابت کنم» (این آیه نیز اول همان آیه پیشین است).

شرح

- مجلسی (ره) گوید: مقصود اینست که چنانچه پیش گفته شد دعا بخودی خود عبادت است زیرا در این آیه آن را عبادت دانسته و خدای تعالی بدان فرمان داده پس بر فرض که باجابت نیز نرسد بخاطر اطاعت امر او باید انجام شود مانند سایر عبادات، و ترك آن موجب خواری و کوچکی و ورود در دوزخ است چنانچه آیه بر آن دلالت دارد، علاوه بر اینکه خدای سبحان وعده اجابت فرموده و در وعده خویش تخلف نرزد، و این مطلب با تقدیر هم منافات ندارد، زیرا دعا نیز مقدر است و فایده‌ای هم که بر آن مترتب شود مقدر گردیده است.

۶- **أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي نُجْرَانَ عَنْ سَيْفِ الثَّمَارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ عَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْرَأُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَا تَتْرَكُوا صَغِيرَةً لِيَصْعَرَهَا أَنْ تَدْعُوا بِهَا إِنَّ صَاحِبَ الصَّعَارِ هُوَ صَاحِبُ الْكِبَارِ.**

^۱ (۲) المؤمن: ۶۰.

- سیف تمار گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که میفرمود: بر شما باد به (ملازمت) دعاء، زیرا بهیچ چیز مانند آن بخدا نزدیک نشوید، و هیچ حاجت کوچکی را بخاطر کوچکیش رها نکنید از اینکه برای آن بدرگاه خداوند دعا کنید، زیرا آن کس که حاجات کوچک بدست اوست همان کس است که حاجات بزرگ در اختیار اوست.

شرح

- یعنی نپندارید که کارهای کوچک بدون تقدیر خداوند انجام شود بلکه تمامی کارها از کوچک و بزرگ بدست او است.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عِ الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَكِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي الْآيَةَ ادْعُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِعَ مِنْهُ قَالَ زُرَّارَةُ إِنَّمَا يَعْنِي لَا يَمْنَعُكَ إِيْمَانُكَ بِالْمُقْضَاءِ وَ الْقَدْرِ أَنْ تُبَالِغَ بِالْدُّعَاءِ وَ تَجْتَهِدَ فِيهِ أَوْ كَمَا قَالَ^۱.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: دعاء همان عبادتی است که خدای عز و جل فرموده است:

«همانا آنان که از عبادت من تکبر ورزند» تا آخر آیه. خدای را بخوان (و دعا کن) و مگو کار گذشته است.

زراره گوید: مقصود آن حضرت اینست که عقیده تو بقضا و قدر جلوگیری تو نشود از اصرار در دعا و کوشش در آن- یا (آنکه زراره کلامی) مانند این گفت-.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ قَالَ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عِ رَجُلًا دَعَاءً.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرماید: محبوبترین کارها در (روی) زمین برای خدای عز و جل دعا است، و بهترین عبادت پرهیزکاری و پارسائی است و امیر المؤمنین علیه السلام مردی بود که بسیار دعا میکرد.

بَابُ أَنَّ الدُّعَاءَ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ

باب اینکه دعا سلاح مؤمن است

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صِ الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُو الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ.

^۱ (۳) «لا يمنعك» في بعض النسخ [لا يملك] من الاملال أي لا يجعلك ملولا ذا سامة.

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده: دعاء سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمانها و زمین است.

۲- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ^۱ وَ خَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ صَدْرِ نَقِيِّ وَ قَلْبِ نَقِيِّ وَ فِي الْمُنَاجَاةِ سَبَبُ النَّجَاةِ وَ بِالْإِخْلَاصِ يَكُونُ الْخَلَاصُ فَإِذَا اشْتَدَّ الْفَرْعُ فَإِلَى اللَّهِ الْمَفْرَعُ.

و نیز فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده: دعاء کلیدهای نجات و گنجینه‌های رستگاریست، و بهترین دعاء آن دعائیست که از سینه پاک و دلی پرهیزکار برآید، و وسیله نجات در مناجات است، و خلاصی با خلاص آید، و چون فرع و بی‌تابی سخت شود مفرع و پناه‌گاه خدا است.

۳- وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّيْكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يُدِيرُ أَرْزَاقَكُمْ^۲ قَالُوا بَلَى قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ.

و نیز فرمود: پیغمبر (ص) فرمود: آیا شما را بسلاحی راهنمایی نکنم که شما را از دشمنان رهائی دهد و روزی شماها را فراوان سازد؟ عرضکردند: چرا، فرمود: پروردگارتان را در شب و روز بخوانید زیرا سلاح مؤمن دعا است.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع الدُّعَاءُ ثَرَسُ الْمُؤْمِنِ^۳ وَ مَتَى تُكْثِرَ قَرَعَ الْبَابِ يُفْتَحَ لَكَ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: دعا سپر مؤمن است، و هر گاه بسیار دری را کوبیدی بروی تو باز شود.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الرِّضَا ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ فَقِيلَ وَ مَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ الدُّعَاءُ.

حضرت رضا علیه السلام همیشه باصحاب خود میفرمود: بر شما باد باسلاحه پیمبران باو عرض شد: اسلحه پیمبران چیست؟ فرمود: دعاء است.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْجَلِّيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الدُّعَاءَ أَنْفَعُ مِنَ السِّنَانِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: دعاء از نیزه نافذتر است.

^۱ (۱) النجح الرجل إذا قضيت له الحاجة. و المقاليد جمع مقلاذ: المفتاح.

^۲ (۲) الادرار: الإكثار.

^۳ (۳) الترس: صفحة من الفولاذ تحمل للوقاية من السيف و نحوه و يقال له بالفارسية: «سیر»

۷- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الدُّعَاءُ أَنْفَعُ مِنَ السِّنَانِ الْحَدِيدِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: دعا از نیزه تیز نافذتر است.

بَابُ أَنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَ الْقَضَاءَ

باب اینکه دعا بلا و قضا را دفع میکند

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ يَنْقُضُهُ كَمَا يُنْقَضُ السَّلْكُ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا.

حماد بن عثمان گوید: شنیدم که میفرمود: همانا دعاء قضا را برمیگرداند، و آن را از هم و اتابد و بزند چنانچه رشته نخ اگر چه بسختی تابیده شده باشد از هم باز شود.

۲- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ مَا قَدْ قُدِّرَ وَ مَا لَمْ يُقَدَّرْ قُلْتُ وَ مَا قَدْ قُدِّرَ عَرَفْتُهُ فَمَا لَمْ يُقَدَّرْ قَالَ حَتَّى لَا يَكُونَ^۱.

عمر بن یزید گوید: از حضرت ابی الحسن (کاظم) علیه السلام شنیدم که میفرمود: همانا دعاء برمیگرداند آنچه را مقدر نشده و آنچه را مقدر نشده، عرض کردم: مقدر شده را دانستم مقدر نشده کدام هست؟

فرمود: تا اینکه تقدیری در باره آن نشود.

شرح

- یعنی دعاء جلو تقدیر را میگیرد و بداء حاصل گردد.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ بِسْطَامِ الرِّثَاتِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: دعا برگرداند قضائی که از آسمان نازل گردیده و بسختی ابرام شده (و محکم گردیده) است.

^۱ (۱) ابرمت الشيء: أحكمته و المرهم: المحكم.

^۲ (۲) الضمير راجع إلى التقدير أي لا يحصل التقدير

٤ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي هَمَّامٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الرَّضَا ع قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع إِنَّ الدُّعَاءَ وَ
الْبَلَاءَ لَيَتَرَاقِفَانِ^١ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ الدُّعَاءَ لَيُرْدُ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِتْرَامًا.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: علی بن الحسین علیهما السلام فرموده: همانا دعا و بلاء تا روز قیامت با هم رفاقت کنند، و همانا دعاء برگرداند بلاء را که بسختی ابرام شده است.

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: در بعضی از نسخ «لیتواقفا» بجای «لیتواقفا» ضبط شده و آن ظاهرتر است یعنی با هم مبارزه و
مخاصمه کنند. و تأیید کند آن را آنچه عامه از پیغمبر (ص) نقل کنند که فرمود:

دعاء بلاء را دیدار کند پس در هوا با هم بجدال برخیزند.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ الدُّعَاءُ
يُدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ.

و نیز از حضرت رضا علیه السلام از آن حضرت علیه السلام حدیث شده که فرمود: دعا بلائی را که نازل شده و آنچه نازل
نشده دفع کند.

٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ لِي أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ لَمْ يَسْتَسْنِ
فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ص^٢ قُلْتُ بَلَى قَالَ الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِتْرَامًا وَ ضَمَّ أَصَابِعُهُ.

زراره گوید: حضرت باقر علیه السلام بمن فرمود: آیا تو را راهنمایی نکنم بچیزی که رسول خدا (ص) در آن استثناء نزده (و
چیزی را از آن بیرون نکرده)؟ عرض کردم: چرا، فرمود: دعاء است که برگرداند قضاء مبرم را که بسختی محکم شده- و (برای تشبیه
و بیان مطلب) انگشتانش را بهم چسباند- (یعنی شدت ابرام آن مانند این انگشتان چسبیده بهم باشد).

٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ
بَعْدَ مَا أُبْرِمَ إِتْرَامًا فَأَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ مِفْتَاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ وَ بَحَاحُ كُلِّ حَاجَةٍ وَ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا بِالدُّعَاءِ وَ إِنَّهُ لَيْسَ
بَابٌ يُكْتَرُ قَرْعُهُ إِلَّا يُوْشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ.

^١ (٣) في بعض النسخ [ليتواقفا].

^٢ (١) أي لم يقل إن شاء الله لا يخلل الوعد و عدم لزوم العمل به و ضم الأصابع إلى الكف لبيان شدة الإبرام (آت).

عبد الله بن سنان گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام میفرمود: دعاء قضاء مبرم شده را برگرداند، پس بسیار دعا کن که آن کلید هر رحمت و پیروزی در هر حاجت است، و بآنچه نزد خدای عز و جل است نتوان رسید جز بوسیله دعا، و هیچ دری بسیار کوبیده نشود جز این که امید بباز شده آن نزدیک شود.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع عَلَيْكُمْ بِالْدُعَاءِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ لِلَّهِ وَالطَّلْبَ إِلَى اللَّهِ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ قُدِّرَ وَفُضِيَ وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا إِمْضَاؤُهُ- فَإِذَا دُعِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُئِلَ صَرْفَ الْبَلَاءِ صَرْفَةً.

ابو ولاد گوید: حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: بر شما باد (که ملازمت کنید) بدعا، زیرا دعاء بدرگاه خدا و خواستن از او، برگرداند بلائی را که مقدر شده و حکم بدان شده، و جز اجرای آن چیزی نمانده، پس چون خدای عز و جل خوانده شد و از او درخواست شد یکباره بلا را بگرداند.

۹- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيُدْفَعُ بِالْدُعَاءِ الْأَمْرَ الَّذِي عَلِمَهُ أَنْ يُدْعَى لَهُ فَيَسْتَجِيبُ وَ لَوْ لَا مَا وَفَّقَ الْعَبْدُ مِنْ ذَلِكَ الدُّعَاءِ لَأَصَابَهُ مِنْهُ مَا يَجْتَنُّهُ مِنْ جَدِيدِ الْأَرْضِ^۱.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل هر آنچه دفع کند بوسیله دعاء آنچه را که میداند اگر برای آن دعاء شود اجابت خواهد کرد، و اگر نبود که بنده باین دعا موفق شود باو بلائی میرسید که او را از روی زمین بردارد.

شرح

- مجلسی (ره) پس از تجزیه و ترکیب قسمتی از حدیث کلامی گوید: که حاصلش اینست که خدای سبحان دفع کند بلائی را که بنده مستحق نزول آن گشته، هر گاه بداند که آن بنده پس از این برای برطرف شدن آن دعا میکند، پس آن بلا را نازل نکند بخاطر آن دعائی که پس از این از آن بنده سر زند، پس دعا پیش از وقوعش در دفع بلا اثر کند.

بَابُ أَنَّ الدُّعَاءَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ

باب اینکه دعا شفاء و درمان هر دردی است

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَسْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَلَاءِ بْنِ كَامِلٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَيْكَ بِالْدُعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ.

علاء بن کامل گوید: حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود: بر تو باد بدعا زیرا آن درمان هر دردی است.

^۱ (۲) قوله: «ما يجئه من جديد الأرض» بالباء المثلثة من الجث و هو القطع و انتزاع الشجر من أصله أي ينزعه منها. و في بعض النسخ بالنون من الاجتنان و هو الاستتار.

بَابُ أَنَّ مَنْ دَعَا اسْتُجِيبَ لَهُ

باب اینکه هر که دعا کند مستجاب گردد

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الدُّعَاءُ كَهْفُ الْإِجَابَةِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ الْمَطْرِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: دعا مخزن و گنجینه اجابت است چنانچه ابر مخزن باران است.

شرح

- مجلسی (ره) گوید:

«الدعاء كهف الاجابة»

یعنی مخزن و محل و مظنه اجابت است چنانچه ابر محل و مظنه باران است ... تا اینکه گوید: و گفته شده: اینکه تشبیه بابر فرموده اشاره باینست که ابر محل باران است جز اینکه روی نبودن مصلحت گاهی باران نبارد، دعا نیز این چنین است که گاهی روی نبودن مصلحت در دنیا مستجاب نگردد ولی در آخرت عوض آن را بدهند.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا أَبْرَزَ عَبْدٌ يَدَهُ إِلَى اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ إِلَّا اسْتَحْيَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَرُدَّهَا صِفْرًا حَتَّى يَجْعَلَ فِيهَا مِنْ فَضْلِ رَحْمَتِهِ مَا يَشَاءُ فَإِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلَا يَرُدُّ يَدَهُ حَتَّى يَمْسَحَ عَلَى وَجْهِهِ وَ رَأْسِهِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای دست بدرگاه خدای عزیز جبار نگشاید جز اینکه خدای عز و جل شرم کند که آن را تھی بازگرداند تا اینکه از فضل رحمت خود در آن بنهد، پس هر گاه یکی از شماها دعا کرد دستش را برنگرداند تا آن را بسر و روی خود بکشد.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: شرم و حیاء گرفتگی نفس است از کار بد بخاطر بیم نکوهش و چون بخدای تعالی نسبت داده شود مقصود از آن لازمه آن است که ترك باشد یعنی خدا آن کار را نکند ...

تا آنکه گوید:

و در اینجا شبهه ایست که باید آن را دفع کنیم و بخاطر بسیاری از مردم بیاید و آن اینست:

که چگونه خدای سبحان وعده اجابت داده و خلف وعده او محال است و گذشته آیات و روایات بسیاری در این باره آمده، و دروغ از خدای تعالی و حجت‌های او علیهم السلام ممتنع است (پس چگونه است که بسیاری از دعاها بااجابت نرسد)؟

و جواب از این اعتراض را ممکن است بچند وجه گفت:

اول: اینکه وعده خدا مشروط به مشیت است یعنی اگر بخواهم اجابت کنم و بهمین دلالت کند گفتارش که (در سوره انعام آیه ۴۱) فرماید: «و برطرف کند آنچه را بدرگاه او دعا کنید اگر بخواهد».

دوم: اینکه مقصود از اجابت که خداوند و حجج او فرمودند لازمه آنست که آن توجه و استماع دعا است یعنی فوراً شنیده شود و مورد توجه قرار گیرد ولی در دادن آنچه را خواهد تأخیر کند تا باز او را بخواند و آوازش بشنود چون آن را دوست دارد.

سوم: اینکه اجابت مشروط بمصلحت و خیر بودن برای دعاکننده است زیرا خدای حکیم بدخواه بندگان از آنچه خیر و صلاح آنهاست دست برندارد.

چهارم: لازم نیست اجابت دعا فوری باشد و ممکن است دعا مستجاب شده باشد ولی ظهور آثار آن روی پاره‌ای از مصالح بمدت زیادی تأخیر افتد، چنانچه در تفسیر گفتار خدای تعالی: **فَلَمَّا دَعَوْهُمْ كَانُوا كَالْإِصْبَاءِ** که خدا بموسی و هارون که دعا کردند پروردگارا اموال ایشان را تباه سازد .. خطاب فرمود:

«که همانا مستجاب شد دعای شما» (سوره یونس آیه ۸۹) حدیث شده که فرمودند: میان این خطاب و میان غرق فرعون و نابودی او و پیروانش (که برای آن دعا کرده بودند) چهل سال طول کشید ...

مترجم گوید

: مجلسی (ره) وجوه دیگری نیز ذکر کرده که بهمین چهار وجه اکتفاء شد.

بَابُ إِلَهَامِ الدُّعَاءِ

باب اینکه برای دعا بمؤمن الهام شود

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَلْ تَعْرِفُونَ طَوْلَ الْبَلَاءِ مِنْ قَصْرِهِ قُلْنَا لَا قَالَ إِذَا أَلْهِمَ أَحَدُكُمْ الدُّعَاءَ عِنْدَ الْبَلَاءِ فَاعْلَمُوا أَنَّ الْبَلَاءَ قَصِيرٌ.

هشام بن سالم گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: آیا طولانی بودن بلا را از کوتاهی آن می شناسید (و میفهمید چه بلائی طولانی و چه بلائی کوتاه است)؟ عرض کردیم: نه، فرمود چون در هنگام بلاء بکسی [از شما] الهام شد که دعا کند بدانید که بلاء کوتاه است (و مدت آن سپری شده).

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلاَدٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُلْهِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الدُّعَاءَ إِلَّا كَانَ كَشَفُ ذَلِكَ الْبَلَاءِ وَشِيكاً وَ مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُمَسِكُ عَنِ الدُّعَاءِ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْبَلَاءَ طَوِيلًا فَإِذَا نَزَلَ الْبَلَاءُ فَعَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ وَ التَّصَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

ابو ولاد گوید: حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: هیچ بلائی بر بنده مؤمن نازل نشود که خدای عز و جل بدو الهام دعا کند، جز اینکه بزودی آن بلا برطرف شود، و هیچ بلائی بر بنده مؤمن نازل نگردد که از دعا کردن خودداری کند جز اینکه آن بلا طولانی است، پس هر گاه بلا نازل شد بر شما باد که بدرگاه خدای عز و جل دعا و زاری کنید.

بَابُ التَّقَدُّمِ فِي الدُّعَاءِ

باب پیش افتادن در دعا

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ تَقَدَّمَ فِي الدُّعَاءِ اسْتَجِيبَ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ صَوْتٌ مَعْرُوفٌ وَ لَمْ يُحْجَبْ عَنِ السَّمَاءِ وَ مَنْ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الدُّعَاءِ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ إِذَا نَزَلَ بِهِ الْبَلَاءُ وَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ ذَا الصَّوْتِ لَا نَعْرِفُهُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که در دعا پیش افتد (یعنی همیشه دعا میکند و اختصاصی بهنگام رسیدن بلا ندارد) بلائی که باو برسد دعایش مستجاب شود، و فرشتگان گویند: صدای آشنائی است و از بالا رفتن با آسمان ممنوع نگردد، و کسی که پیشدستی بدعا نکند، چون بلا باو برسد دعایش مستجاب نشود، و فرشتگان گویند ما: این آواز را نشناسیم.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَنبَسَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ تَخَوَّفَ مِنْ بَلَاءٍ يُصِيبُهُ فَتَقَدَّمَ فِيهِ بِالْدُّعَاءِ لَمْ يَرِهِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ الْبَلَاءَ أَبَدًا.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هر که از بلائی بترسد که بدو رسد و پیش از رسیدن آن بلا در باره (برطرف شدن) آن دعا کند خدای عز و جل هرگز آن بلا را بدو ننمایاند.

^۱ (۱) الوشيك: السريع و القريب.

^۲ (۱) في بعض النسخ: [لم يرد الله].

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ يَسْتَخْرِجُ الحَوَائِجَ فِي البَلَاءِ^۱.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: دعا در حال راحتی و آسایش نیازمندیهای در حال بلا را برمیآورد (یعنی گرفتاریهای آن زمان را برطرف میکند).

۴- عَنْهُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ فِي الشَّدَّةِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هر که را خوش آید (و خواهان است) که دعایش در حال سختی باجابت رسد باید در حال راحتی و آسایش بسیار دعا کند.

۵- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ غَوَاصٍ الطَّائِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ جَدِّي يَقُولُ تَقَدَّمُوا فِي الدُّعَاءِ فَإِنَّ العَبْدَ إِذَا كَانَ دَعَاءً فَتَنَزَّلَ بِهِ البَلَاءُ فِدَعَا قِيلَ صَوْتُ مَعْرُوفٍ وَ إِذَا لَمْ يَكُنْ دَعَاءً فَتَنَزَّلَ بِهِ بَلَاءٌ فِدَعَا قِيلَ أَيْنَ كُنْتَ قَبْلَ اليَوْمِ.

محمد بن مسلم گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: جدم می فرمود: در دعا پیش دستی کنید (و پیش از آنکه گرفتار شوید دعا کنید) زیرا چون بنده ای بسیار دعا کند و بلائی باو رسد و دنبالش دعا کند گفته شود: آوازی آشنا است، و چون بسیار دعا نکند (و پر دعا نباشد) و بلائی باو رسد و دنبالش دعا کند بدو گفته شود: تا بامروز کجا بودی؟.

۶- الحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الوَشَاءِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي الحَسَنِ الأوَّلِ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الحُسَيْنِ ع يَقُولُ الدُّعَاءُ بَعْدَ مَا يَنْزِلُ البَلَاءُ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ.

حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: همیشه علی بن الحسین علیهما السلام می فرمود:

دعای بعد از رسیدن بلا سود ندارد.

توضیح

- مجلسی (ره) گوید این روایت حمل شود بر اینکه پیش از آن عادت بدعا کردن نداشته و مقصود از سود نداشتن هم سود کامل است.

^۱ (۲) «استخرج الحوائج» یعنی من القوة إلى الفعل (آت).

بَابُ الْيَقِينِ فِي الدُّعَاءِ

باب يقين داشتن (باجابت) در حال دعا

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ الْفَرَاءِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا دَعَوْتَ فَظَنَّ أَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ^۱.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه دعا کردی گمان کن که حاجتت بر در خانه است.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: کلینی (ره) گمان را حمل بر یقین کرده و بمعنای یقین دانسته بقرینه آنچه در حدیث (۱) باب آیند بیاید، و ممکن است حمل بر معنای ظاهر خود آن که گمان است شود زیرا یقین باجابت مشکل است، مگر اینکه گفته شود مقصود یقین بوعده اجابت باشد که خدا فرموده است، در صورتی که دعاء بشرائطش باشد.

بَابُ الْإِقْبَالِ عَلَى الدُّعَاءِ

باب اقبال (و رو آوردن و توجه) بدعا

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ سَاهٍ^۲ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجَابَةِ.

سلیمان بن عمرو گوید: شنیدم حضرت صادق علیه اسلام میفرمود: خدای عز و جل اجابت نکند دعائی که از روی دل غافل باشد، پس هر گاه دعا کردی بدل توجه کن و یقین داشته باش که اجابت شود.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْفَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَاهٍ وَ كَانَ عَلِيٌّ^۳ ع يَقُولُ إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ لِلْمَيِّتِ فَلَا يَدْعُو لَهُ وَ قَلْبُهُ لَاهٍ عَنْهُ وَ لَكِنْ لِيَجْتَهِدَ لَهُ فِي الدُّعَاءِ.

^۱ (۱) حمل المصنّف (ره) الظنّ على اليقين لما سيأتي في الحديث الأول من الباب الآتي و يمكن حمله على معناه الظاهر فان اليقين بالاجابة مشکل الا أن يقال: اليقين بما وعد الله من اجابة الدعاء إذا كان مع شرائطه و أعمّ من أن يعطيه أو عوضه في الآخرة (آت).

^۲ (۲) قوله: «بظهر قلب» المشهور أن الظاهر هنا زائد مقحم، قال في المغرب: في الحديث لا صدقة الا عن ظهر غنى. اى صادرة عن غنى فالظهر فيه مقحم كما في ظهر القلب. «ساه» أي غافل عن المقصود و عما يتكلم به غير مهتم. او غافل من عظمة الله و جلاله و رحمته، غير متوجه إليه بشرائره و عزمه و همته (آت).

^۳ (۳) في بعض النسخ [و كان عليّ بن الحسين عليهما السلام يقول].

حضرت صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرموده است: خدای عز و جل دعای دل غافل و سرگرم بلهو را نپذیرد، و علی علیه السلام همیشه میفرمود: هر گاه یکی از شماها برای مرده‌ای دعا کند، در حالی که دلش از او غافل است دعا نکند، بلکه در دعای بر او کوشش کند (یعنی براستی از دل دعا کند).

شرح

- مجلسی (ره) گوید: اینکه تخصیص بمرده داده شده است برای اینست که مرده بدعا نیازمندتر است، یا برای آنست که در میان مردم شایع شده و معمول است که برای سرسلامتی که میروند طبق معمول و مرسوم برای مرده دعا می‌کنند بدون اینکه توجه و تصمیمی در دعا داشته باشند و منظور امام علیه السلام اینست که این دعای برای مرده نیست- و معنای اول ظاهرتر است.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ الْقُرَّاءِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ وَ ظَنِّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه دعا کردی بدل توجه کن و گمان کن که حاجتت بر در خانه است.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبٍ قَاسٍ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: بدرستی که خدای عز و جل اجابت نکند دعائی که از روی دل سخت و با قساوت باشد.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا اسْتَسْقَى رَسُولُ اللَّهِ ص وَ سُقِيَ النَّاسُ حَتَّى قَالُوا إِنَّهُ الْعَرَقُ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَبْدِهِ وَ رَدَّهَا اللَّهُمَّ حَوْلَيْنَا وَ لَا عَلَيْنَا^۱ قَالَ فَتَفَرَّقَ السَّحَابُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ اسْتَسْقَيْتَ لَنَا فَلَمْ نُسَقِ ثُمَّ اسْتَسْقَيْتَ لَنَا فَسُقِينَا قَالَ إِنِّي دَعَوْتُ وَ لَيْسَ لِي فِي ذَلِكَ نَبِيَّةٌ ثُمَّ دَعَوْتُ وَ لِي فِي ذَلِكَ نَبِيَّةٌ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هنگامی که رسول خدا (ص) طلب باران کرد و باران آمد تا جایی که گفتند: غرق میشویم و رسول خدا (ص) بدست مبارک اشاره کرد و آنها را برگرداند، و گفت: خدایا باطراف ما باران را بفرست و بر ما نفرست، پس ابرها پراکنده شدند (و گرد شهر مدینه را حلقه وار گرفتند و باطراف مدینه باریدند، اصحاب و مسلمانان) عرضکردند: ای رسول خدا يك بار دیگر نیز برای ما طلب باران کردی ولی باران بر ما نبارید و دومین بار که طلب باران کردی بر ما بارید؟ (این چگونه بود؟) فرمود: من (در اولین بار که) دعا کردم تصمیم بدان نداشتم، سپس که دعا کردم تصمیم داشتم.

^۱ (۱) القول بمعنى الفعل أي حرك يده يمينا و شمالا مشيرا إلى تفرق السحاب و كشفها عن المدينة و قد ردها سابقا عن الدعاء و يقدر القول قبل «اللهم» (آت)

^۲ (۲) يريد اللهم أنزل الغيث في مواضع النبات لا في مواضع الانبية.

- فیض (ره) گوید: شاید آن حضرت (ص) در بار اول در این که آیا طلب باران مصلحت است یا نه مردد بوده است و لذا تصمیم بر طلب آن در دعا نداشته است و فقط بخاطر دلخوشی اصحاب دعا کرده ولی در بار دوم چون مصلحت دیده است از روی تصمیم دل دعا کرده است.

بَابُ الْإِلْحَاحِ فِي الدُّعَاءِ وَ التَّلَبُّثِ

باب پافشاری کردن و اصرار در دعا و انتظار اجابت

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الطَّوِيلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا چون بنده دعا کند خدای تبارک و تعالی در کار حاجت او است مادامی که آن بنده شتاب نکند.

- مجلسی (ره) گوید: یعنی مادامی که شتاب در آن را نخواهد که اگر تأخیر در اجابت آن شد نومید گردد و در نتیجه از خداوند روگردان شود و پندارد که چون تأخیر در اجابت شده خداوند دعایش را مستجاب نفرماید، یا معنای کلام حضرت علیه السلام اینست: مادامی که آن بنده در دعا شتاب نکند و بدان اعتنا نکرده و بدون پافشاری و اصرار در اجابت آن بدنبال کار خود رود چنانچه ظاهر خبر دوم است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الطَّوِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَهُ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَ غَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَلَ فَقَامَ لِحَاجَتِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمَا يَعْلَمُ عَبْدِي أَيُّ أَنَا اللَّهُ الَّذِي أَقْضِي الْحَوَائِجَ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: همانا بنده چون شتاب کند و برای کار (های) خود برخیزد (و بدنبال کار خود رود) خدای تبارک و تعالی فرماید: آیا بنده من نداند که برآستی منم آن خدائی که حاجتها را برآورم.

- مجلسی (ره) گوید: «اذا عجل» یعنی در تعقیب نماز شتاب کند و آن را واگذارد و باندک توجهی اکتفا کند و برخیزد دنبال کار خود برود، یا باندک دعائی اکتفا کند و دنبال آن کاری که برای آن دعا کرده برود، یا مقصود همان باشد که در خبر سابق گفتیم.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ عُقْبَةَ الْهَجْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ وَاللَّهِ لَا يُلِحُّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ.

ولید بن عقبه هجری گوید: شنیدم حضرت باقر علیه السلام فرمود: بخدا سوگند هیچ بندهای در دعا پافشاری و اصرار بدرگاه خدای عز و جل نکند جز اینکه حاجتش را برآورد.

۴- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ حَسَّانَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ الْحَاحِ النَّاسِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَ أَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُسْأَلَ وَ يُطْلَبَ مَا عِنْدَهُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا خدای عز و جل خوش ندارد که مردم در انجام حاجت بهمدیگر اصرار کنند ولی برای خودش آن را دوست دارد، خدای عز و جل دوست دارد که از او درخواست شود و آنچه نزد او است خواهش شود.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَا وَاللَّهِ لَا يُلِحُّ عَبْدٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: نه بخدا سوگند هیچ بندهای بدرگاه خدای عز و جل اصرار نرزد جز اینکه خداوند دعایش را مستجاب کند.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا طَلَبَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةً فَالْحَاحَ فِي الدُّعَاءِ اسْتَجِيبَ لَهُ أَوْ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ- وَ أَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا.

^۱ (۱) مریم: ۴۸. حکایة عن إبراهيم عليه السلام حيث قال مخاطباً لقومه: «واعتزلکم و ما تدعون من دون الله» قال الطبرسي (ره): اي و اتنحى منكم جانباً و اعتزل عباداً ما تدعون من دونه و «أدعوا ربِّي» قال اي اعبد ربِّي «عسى ألا أكون بدعاء ربِّي شقيًّا» كما شقيتم بدعاء الأصنام و اما ذكر «عسى» على وجه الخضوع انتهى. و سبب الاستشهاد بالآية قوله عليه السلام: «استجيب له» أي سريعاً أو لم يستجب» أي كذلك أو لم يستجب في حصول المطلوب لكن عوض له في الآخرة. و الحاصل انه لا يترك الاحاح لبطء الإجابة فالاستشهاد بالآية لان إبراهيم عليه السلام اظهر الرجاء بل الجزم اذا الظاهر أن «عسى» موجبة في عدم شقائه بدعاء الرب سبحانه و عدم كونه خائياً ضائع السعى كما خابوا و ضل سعيهم في دعاء آلهتهم كما ذكره المفسرون. و يحتمل أن يكون في الكلام تقديراً أي فرضي بعد الاحاح سواء استجيب له أم لم يستجب و لم يعترض على الله تعالى لعدم الإجابة و لم يسئ ظنه به فالاستشهاد بالآية بحملها على أن المعنى عسى أن لا يكون دعائي سبباً لشقاوتي و ضلالي و يحتمل أن يكون ذكر الآية لمحض بيان فضل الدعاء (آت).

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: خدا رحمت کند بنده‌ای را که از خدای عز و جل حاجتی بخواهد و در دعای در باره آن پافشاری و اصرار کند، خواه اجابت شود و خواه اجابت نشود، و این آیه را تلاوت فرمود (که ابراهیم علیه السلام فرماید): «و دعا کنم بدرگاه پروردگار خود شاید بوسیله دعای پروردگارم تیره بخت نباشم» (سوره مریم آیه ۴۸).

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: حاصل معنای حدیث اینست که: برای تأخیر در اجابت اصرار را رها نکند و استشهاد بآیه برای آنست که ابراهیم علیه السلام اظهار امیدواری و بلکه اطمینان کرد زیرا لفظ عسی برای اثبات است باینکه دعا بدرگاه خداوند موجب عدم شقاوت او گردد ... و محتمل است که در کلام تقدیری باشد یعنی پس از پافشاری و اصرار راضی شود چه باجابت رسد و چه نرسد و دنبالش بر خداوند اعتراض نکند و بدگمان باو نشود پس استشهاد بآیه باینست که حمل شود بر این معنا که: «امید است که دعای من سبب شقاوت و تیره بختی من نگردد». و محتمل است که ذکر آیه شریفه فقط بخاطر بیان فضیلت دعا باشد.^۱

بَابُ تَسْمِيَةِ الْحَاجَةِ فِي الدُّعَاءِ

باب نام بردن حاجت در دعا

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَعْلَمُ مَا يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَ لَكِنَّهُ يُجِبُّ أَنْ تُبَيَّنَّ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ فَإِذَا دَعَوْتَ فَسَمِّ حَاجَتَكَ.

ابو عبد الله فراء گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی میداند که بنده‌اش چه میخواهد هر گاه بدرگاهش دعا کند، لیکن دوست دارد که حاجتها بدرگاهش شرح داده شود پس هر گاه دعا کردی حاجتت را نام ببر.

- وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَعْلَمُ حَاجَتَكَ وَ مَا تُرِيدُ وَ لَكِنْ يُجِبُّ أَنْ تُبَيَّنَّ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ.

و در حدیث دیگری گوید: که فرمود: خدای عز و جل حاجت تو را میداند و نیز داند که تو چه خواهی ولی دوست دارد که حاجتهای (خود را) بدرگاه او شرح دهی.

بَابُ إِخْفَاءِ الدُّعَاءِ

باب پنهان کردن دعا

^۱ کلینی، محمد بن یعقوب، أصول الکافی / ترجمه مصطفوی - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۹ ش.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي هَمَّامٍ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ع قَالَ: دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرًّا دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَلَانِيَةً.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: دعای بنده در پنهانی يك دعایش برابر با هفتاد دعای آشکار است.

- وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى دَعْوَةٌ تُخْفِيهَا أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ دَعْوَةً تُظْهِرُهَا^۱.

و در حدیث دیگر است که: يك دعائی که در پنهانی کنی بهتر است نزد خداوند از هفتاد دعا که آشکار کنی.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: این دو حدیث دلالت کند بر اینکه پنهان کردن دعا بهتر از آشکار کردن آنست، و اینکه دعای در پنهانی برابر است یا بهتر است از هفتاد دعای آشکار در صورتی که آشکار کردن آن مشوب بریاء و سمعه نباشد و گر نه میان آنها نسبتی نیست.

و اما جمع میان این اخبار و آنچه روایت شده است از اینکه مستحب است اجتماع در دعا پس از این بحث در آن بیاید ان شاء الله تعالی.

بَابُ الْأَوْقَاتِ وَالْحَالَاتِ الَّتِي تُرْجَى فِيهَا الْإِجَابَةُ

باب اوقات و حالاتی که امید اجابت دعا در آنها رود

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع اَطْلُبُوا الدُّعَاءَ فِي أَرْبَعِ سَاعَاتٍ عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيحِ وَ زَوَالِ الْأَفْيَاءِ^۲ وَ نُزُولِ الْقَطْرِ وَ أَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الْقَتِيلِ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ عِنْدَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: دعا را در چهار هنگام بخوانید: هنگام وزیدن بادهای، و (گاه) برطرف شدن سایه‌ها (یعنی هنگام ظهر)، و (نزد) فرو شدن باران، و (هنگام) ریخته شدن اولین قطره خون مؤمن (در جهاد یا غیر آن) زیرا در این چیزها درهای آسمان باز شود.

^۱ (۱) الفرق بین الروایتین أن الأولى تفيد السماوات بين الواحدة الخفية والسبعين والثانية تفيد الزيادة عليها ثم الحكم بالمساواة والزيادة إنما إذا كانت الظاهرة عرية عن الرياء والسمعة والا فلا نسبة بينهما (ق). و قال المجلسي (ره): الحكم بالمساواة في الخبر الأول والأفضلية في الثاني إما باختلاف مراتب الاخفاء والاعلان أو المراد بالأول الاخفاء عند الدعاء وبالثاني بعده.

^۲ (۱) في المصباح فاء الظل يفيء فيئا: رجع من جانب المغرب إلى جانب المشرق والجمع فيوء وأفياء.

۲- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ وَ غَيْرِهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ فَضْلِ الْبُقَّاقِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةٍ مَوَاطِنَ فِي الْوَتْرِ وَ بَعْدَ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: دعا در چهار جاه باجابت رسد: در نماز وتر، و بعد از سپیده دم، و بعد از ظهر، و بعد از مغرب.

توضیح

: مجلسی (ره) گوید: ظاهر اینست که در سه مورد اخیر بعد از نمازهای این اوقات است نه بعد از دخول اوقات. (مترجم گوید: وجهی برای این استظهار بنظر نرسید، و الله اعلم).

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع اَعْتَمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ أَرْبَعٍ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ عِنْدَ الْأَذَانِ وَ عِنْدَ نُزُولِ الْعَيْثِ وَ عِنْدَ التَّقَاءِ الصَّغِيرِ لِلشَّهَادَةِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: دعا را در چهار جا غنیمت شمارید:

نزد قرائت قرآن، و نزد گفتن آذان، و نزد آمدن باران، و نزد برخورد کردن دو صف (از مؤمنین و کفار) برای قتال.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ أَبِي إِذَا كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ طَلَبَهَا فِي هَذِهِ السَّاعَةِ يَعْنِي زَوَالَ الشَّمْسِ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: پدرم هر زمان بدرگاه خداوند حاجتی داشت در این ساعت آن را میخواست - یعنی هنگام زوال خورشید- (و اول ظهر که خورشید از میانه آسمان بطرف مغرب متمایل شود).

۵- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا رَقَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَدْعُ فَإِنَّ الْقَلْبَ لَا يَرُقُّ حَتَّى يَخْلُصَ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه دل یکی از شما رقت کرد (و نرم شد) در آن حال دعا کنید، زیرا دل تا پاک نشود رقت نکند.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: رقت ضد قساوت است و نشانه رقت دل گریه است، و حاصل اینکه رقت نشانه پاکی دل از دغلی و حسد و افکار باطله و خیالاتی است که انسان را از توجه بخدای تعالی سرگرم کند، و خلوص و پاکی دل نشانه و سبب اجابت دعاء است.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرٌ وَفِي دَعْوَتِهِمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ الْأَسْحَارُ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ فِي قَوْلِ يَعْقُوبَ ع - سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي^۱ وَ قَالَ أَخْرَجَهُمْ إِلَى السَّحَرِ

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: بهترین وقتی که در آن خدای عز و جل را بخوانید (و دعا بدرگاهش کنید) سحرها است، و این آیه را که در باره گفتار حضرت یعقوب علیه السلام است تلاوت فرمود: «گفت بزودی آمرزش خواهم برای شما از پروردگار خود» (سوره یوسف آیه ۹۸) فرمود: (دعا کردن برای آنها را) بسحر تأخیر انداخت (و موكول بوقت سحر کرد).

۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ أَبِي إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ طَلَبَهَا عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ - فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ قَدَّمَ شَيْئًا فَتَصَدَّقَ بِهِ وَ شَمَّ شَيْئًا مِنْ طِيبٍ وَ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ دَعَا فِي حَاجَتِهِ بِمَا شَاءَ اللَّهُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم هر گاه حاجتی از خدا طلب میکرد آن را هنگام ظهر طلب میکرد، و چون اراده آن را میکرد چیزی می آورد و صدقه میداد، و مقدار کمی عطر میزد و بمسجد میرفت و برای حاجت خود دعا میکرد بدان چه خدا میخواست.

توضیح

- «و شم شیئا من الطيب»

کنایه از استعمال آن است چنانچه ترجمه شد، و نیز مرحوم مجلسی و دیگران گفته اند: و این حدیث دلالت کند که دعا چند شرط دارد (۱) هنگام زوال باشد (۲) صدقه دادن پیش از آن (۳) استعمال عطر (۴) بمسجد رفتن.

^۱ (۲) یوسف: ۹۸.

۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا افْتَشَعَرَ جِلْدُكَ وَ دَمَعَتْ عَيْنَاكَ فِدُونَكَ دُونَكَ فَقَدْ قُصِدَ قَصْدُكَ^۱.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هر گاه بدنت لرزید و چشمت گریان شد پس خود را باش، خود را باش (و بوسیله دعا بگیر از خدای سبحان آنچه خواهی - از فیض ره-) که بتو توجهی شده است.

توضیح

- «قصد قصدك» آن طور که ترجمه شد بنا بر وجهی است که فیض (ره) و مجلسی (قده) و دیگران معنا کرده‌اند باینکه «قصد» بصیغه مجهول خوانده شود و «قصدك» نائب فاعل آن باشد یعنی «برآورده شدن قصد، و مقصود تو مورد قصد و اراده حقتعالی قرار گرفته است» و ممکن است «قصد» بصیغه معلوم خوانده شود و «قصدك» نیز فاعلش باشد ولی باین نحو چنانچه مجلسی (ره) گوید بعید است.

قَالَ وَ رَوَاهُ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ سَعِيدٍ مِثْلَهُ.^۲

۹ - عَنْهُ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ^۳ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ صُنْدَلٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُجِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ عَبْدٍ دَعَا فَعَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ فِي السَّحْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تَفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تُقَسَّمُ فِيهَا الْأَرْزَاقُ وَ تُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: خدای عز و جل از میان بندگان مؤمنش آن بنده‌ای را دوست دارد که بسیار دعا کند، پس بر شما باد بدعا از هنگام سحر تا زدن آفتاب زیرا آن هنگامی است که درهای آسمان در آن هنگام باز گردد، و روزیها در آن تقسیم شود، و حاجتهای بزرگ برآورده شود.

^۱ (۱) قوله: «دونك دونك» أي حذوه فهو دونك و قريب منك، يقال: هذا دونه أي قريب منه فهو اغراء و التكرير للمبالغة. و القصد: اتیان الشيء، تقول: قصدته و قصدت له و قصدت إليه بمعنى.

و قصدت قصده نحووت نحوه، و الظاهر أنه على بناء المفعول و «قصدك» مفعول مطلق نائب مناب الفاعل و الإضافة إلى المفعول أي إذا ظهرت تلك العلامات فعليك بطلب الحاجات و الاهتمام في الدعاء للمهمات فقد اقبل الله عليك بالرحمة و توجه نحوك للاجابة.

^۲ (۲) هو ابن يسار.

^۳ (۳) جاموراني هو محمد بن أحمد أبو عبد الله الرازي.

١٠ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً مَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ ثُمَّ يُصَلِّي وَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَ أَيُّ سَاعَةٍ هِيَ مِنْ اللَّيْلِ قَالَ إِذَا مَضَى نِصْفُ اللَّيْلِ وَ هِيَ السُّدُسُ الْأَوَّلُ مِنْ أَوَّلِ النَّصْفِ^١.

عمر بن اذینه گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که میفرمود: همانا در شب ساعتی است که درك نکند آن را بنده مسلمانی که در آن نماز گزارد و خدای عز و جل را در آن ساعت بخواند (و بدرگاهش دعا کند) جز اینکه اجابت شود (و دعایش مستجاب گردد) و این ساعت در هر شب هست، عرض کردم: خدایت خیر دهد بفرماید آن چه ساعتی از شب است؟ فرمود: هنگامی که نیمی از شب بگذرد، شش يك از اول نیمه شب.

بَابُ الرَّغْبَةِ وَ الرَّهْبَةِ وَ التَّضَرُّعِ وَ التَّبَتُّلِ وَ الْإِبْتِهَالِ وَ الْإِسْتِعَاذَةِ وَ الْمَسْأَلَةِ

باب رغبت و رهبت و تضرع و تبتل و ابتهاج و استعاذه و مسألت

توضیح

- رغبت بمعنای میل و شوق و رهبت بمعنای ترس و بیم، و تضرع یعنی فروتنی کردن، و تبتل بمعنای بریدگی و انقطاع بدرگاه خداوند، و ابتهاج بمعنای زاری کردن است و استعاذه یعنی پناه جستن، و مسألت بمعنای درخواست کردن است، اینها ترجمه‌های فارسی آن است و معانی دیگر آنها در ضمن اخبار بیاید.

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ^٢ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الرَّغْبَةُ أَنْ تَسْتَقْبِلَ بِبَطْنِ كَفَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ الرَّهْبَةُ أَنْ تَجْعَلَ ظَهْرَ كَفَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَوْلُهُ وَ تَبَتَّلَ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا^٣ قَالَ الدُّعَاءُ بِأَصْبَعٍ وَاحِدَةٍ تُشِيرُ بِهَا وَ التَّضَرُّعُ تُشِيرُ بِأَصْبَعَيْكَ وَ تُحَرِّكُهُمَا وَ الْإِبْتِهَالُ رَفْعُ الْيَدَيْنِ وَ تَمُدُّهُمَا وَ ذَلِكَ عِنْدَ الدَّمْعَةِ ثُمَّ ادْعُ.

^١ (٤) أي النصف الثاني و ظاهره أن المراد سدس النصف لا سدس الكل (آت).

^٢ (٢) الأظهر أن أبا إسحاق هو ثعلبة بن ميمون.

^٣ (٣) المُرْتَل: ٨. و قوله: «الرغبة» هذا و نظائره يحمل الوجهين: الأول أن يكون المعنى أنه إذا كان الغالب عليه في حال الدعاء الرغبة و الرجاء ينبغي أن يفعل هكذا فإنه يظن أن يد الرحمة انبسطت فيسقط يده ليأخذه و إذا كان الغالب عليه الخوف و عدم استهاله للاجابة يجعل ظهر كفيه إلى السماء إشارة إلى أنه لكثرة خطايا مستحق للحرمان و إن كان مقتضى كرمه وجوده الفضل و الاحسان. الثاني أن يكون المعنى أنه إذا كان مطلوبه طلب منفعة ينبغي أن ييسط بطن كفيه إلى السماء لما مر و إن كان مطلوبه دفع ضرر و بلاء يخاف نزوله من السماء يجعل ظهرها إليها كأنه يدفعها بيديه و لا يخفى أن فيما عدا الأولين الأول أنسب و الخبر الخامس يؤيد الثاني و يمكن الجمع بين المعنيين بحمل الأولين على الثاني و البقية على الأول و يحتمل حمل الأولين على المطالب الدنيوية و ما بعدها على المناجاة و المطالب الاخروية و الحمل اما بتقدير مضاف أي أدب الرغبة مثلا أو هذه الأسماء صارت في عرف الشرع اسما لتلك الافعال أو اطلق عليها مجازا لدلالاتها عليها (آت).

ابو اسحاق گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: رغبت آن است که کف دو دست خود را بسوی آسمان بداری، و رهبت آن است که پشت دستهایت را بسوی آسمان بداری. و در گفتار خدای عز و جل: **و تَبْتَئِلُ إِلَيْهِ تَبْتِيَالًا** فرمود: تبتل: دعا کردن بیک انگشت است که بدان اشاره کنی، و تضرع:

اینست که با دو انگشت اشاره کنی و آن دو را حرکت دهی، و ابتهال: بالا بردن هر دو دست است و اینکه آنها را بکشی، و این موقع اشک ریختن است، و سپس دعا کن.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: در این خبر و نظائر آن در معنای رغبت دو احتمال است:

اول: اینکه معنی این باشد که اگر در حال دعا شوق و امید بر او غالب شد سزاوار است که دو کف دستهای خود را به آسمان باز دارد که گویا میخواهد رحمت خدا را دریافت کند، و اگر ترس و بیم بر او غالب آمد از اینکه دعایش باجابت رسد پشت دو دست را بآسمان کند کنایه از اینکه بخاطر بسیاری گناه سزاوار حرمان است اگر چه مقتضای کرم و جود خداوند فضل و احسان باوست.

دوم: معنی این باشد که اگر برای سودی دعا میکند سزاوار است دو کف را بطرف آسمان بردارد، و اگر دعا برای دفع زبانی است که از آمدن آن ترسان است پشت دستها را بآسمان کند که گویا آن را دفع میکند.. تا اینکه گوید: و طبرسی گفته است: تبتل بمعنی انقطاع بدرگاه خدا است برای عبادت، و اخلاص عمل برای او واصل آن از «بتل الشیء» بمعنی بریدن و قطع کردن آن است و از این رو فاطمه (ع) را بتول گفتند: چون با عبادت خدا از دیگران بریده بود، سپس مجلسی (ره) گوید: محتمل است معنای حدیث این باشد که این قسم بهترین اقسام تبتلی است که خداوند فرموده، و اشاره با انگشت ممکن است اشاره ببلندی و پستی باشد، و حرکت دادن انگشتان اشاره به چپ و راست باشد، و گفته شده: بلندی و پستی اشاره باینست که پروردگارا نمیدانم آیا مرا بلند گردانیده یا پست کرده‌ای، و حرکت دادن بچپ و راست اشاره بدان است که نمیدانم آیا از اصحاب یمن هستم یا از اصحاب شمال.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- **فَمَا اسْتَكَانُوا لِزَيْبِهِمْ** وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ^۱ فَقَالَ **الْإِسْتِكَانَةُ هُوَ الْخُضُوعُ وَ التَّضَرُّعُ هُوَ رَفْعُ الْيَدَيْنِ وَ التَّضَرُّعُ بِهِمَا.**

^۱ (۱) الآية في سورة المؤمنون ٧٥ هكذا «وَ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآجِرَةِ عَنِ الصَّوْطِ لَنَأْكُفُونَ» وَ لَوْ رَجَحْنَاهُمْ وَ كَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرِّ اللَّجْوِ فِي طُعْيَانِهِمْ نِعْمَهُونَ* وَ لَقَدْ أَخَذْنَا لَهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِزَيْبِهِمْ» E\ أَى مَا تَوَاضَعُوا وَ مَا انْقَادُوا\ «وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ» E\ أَى وَ مَا يَرِغْبُونَ إِلَى اللَّهِ فِي الدُّعَاءِ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِسْتِكَانَةُ فِي الدُّعَاءِ وَ التَّضَرُّعُ رَفْعُ الدِّينِ فِي الصَّلَاةِ قَالَهُ الطَّبْرَسِيُّ.

محمد بن مسلم گوید: از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم از (تفسیر) گفتار خدای عز و جل: «پس فروتن نشدند برای پروردگار خویش و زاری نکردند» (سوره مؤمنون آیه ۷۶) فرمود: استکانت همان فروتنی است و تضرع: بلند کردن هر دو دست و زاری کردن بدانها است.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ بِنَاعِ اللَّؤْلُؤِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ذَكَرَ الرَّغْبَةَ وَ أُبْرَزَ بَاطِنَ رَاحَتَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ^۱ وَ هَكَذَا الرَّغْبَةُ وَ جَعَلَ ظَهْرَ كَفِّهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ هَكَذَا التَّضَرُّعُ وَ حَرَّكَ أَصَابِعَهُ يَمِيناً وَ شِمَالاً وَ هَكَذَا التَّبْتُلُ وَ يَرْفَعُ أَصَابِعَهُ مَرَّةً وَ يَضَعُهَا مَرَّةً وَ هَكَذَا الْإِبْتِهَالُ وَ مَدَّ يَدَهُ تَلْقَاءَ وَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ لَا يَبْتَهِلُ حَتَّى تَجْرِيَ الدَّمْعَةُ.

حضرت صادق علیه السلام رغبت را ذکر کرد و درون دو کف خود را بطرف آسمان باز کرد (یعنی رغبت چنین است) و اما رهبت چنین است: و پشت دو دست را بطرف آسمان کرد، و اما تضرع چنین است:

و انگشتانش را براست و چپ گردانید، و تبتل چنین است: و انگشتانش را بالا میبرد و پائین می‌آورد، و ابتهال چنین است: و دست خود را تا برابر رویش بجانب قبله کشید (فرمود) و ابتهال نباشد تا اشک روان شود.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَرَّ بِي رَجُلٌ وَ أَنَا أَدْعُو فِي صَلَاتِي بَيْسَارِي فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَمِينِكَ فَقُلْتُ يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَقًّا عَلَى هَذِهِ كَحَقِّهِ عَلَى هَذِهِ وَ قَالَ الرَّغْبَةُ تَبْسُطُ يَدَيْكَ وَ تُظْهِرُ بَاطِنَهُمَا وَ الرَّهْبَةُ تَبْسُطُ يَدَيْكَ وَ تُظْهِرُ ظَهْرَهُمَا وَ التَّضَرُّعُ حُرُّكَ السَّبَّابَةَ الْيُمْنَى يَمِيناً وَ شِمَالاً وَ التَّبْتُلُ حُرُّكَ السَّبَّابَةَ الْيُسْرَى تَرْفَعُهَا فِي السَّمَاءِ رِسَالاً وَ تَضَعُهَا^۲ وَ الْإِبْتِهَالُ تَبْسُطُ يَدَيْكَ وَ ذِرَاعَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ الْإِبْتِهَالُ حِينَ تَرَى أَسْبَابَ الْبُكَاءِ.

محمد بن مسلم گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام میفرمود: مردی بمن گذر کرد و من با دست چپ در نماز دعا می‌کردم، پس گفت: یا ابا عبد الله با دست راست (دعا کن) من گفتم: ای بنده خدا همانا برای خدای تبارک و تعالی بر این هم حقی است مانند حقی که بدان دارد.

مجلسی (ره) گوید

: «ممکن است آن حضرت دست چپ را با دست راست بلند کرده بوده و ممکن است بدون دست راست بوده مانند نماز وتر، و گویا سائل نادان پیش خود فکر کرده که دست راست اشرف است ولی بی‌خبر بوده از اینکه همه بدن را از عذاب سهمی است، که باید از آن پناه جست، و برای هر کدام از اعضاء بدن بسوی پروردگار در هستی و بقاء و پرورش نیازی است، بلکه چپ در

^۱ (۲) الضمیر فی «قال» للراوی و فی ذکر «للامام» و «هكذا الرهبة» أيضا كلام الراوي أو هو كلام الامام بتقدير القول أي قال: هكذا الرهبة.

^۲ (۳) الرسل بالكسر: الرفق و التؤدة و بالفتح: السهل من السير.

اینجا مناسب‌تر است، زیرا فرشته نویسنده گناهان در سمت چپ است و گناهان از جانب چپ نفس که میل بشهوت و لذت و اعمال پست دنیائی است بیاید. و جواب آن حضرت بآن مرد پس از نماز بوده، و محتمل است که مقصود آن حضرت که فرماید: «در نماز دعا می‌کردم» یعنی در تعقیب نماز بودم و آن را تأیید کند آنچه بیاید در باب دعای بعد از نمازها (در دعائی) که دست راست را بریش بگیرد و دست چپ را بسوی آسمان بلند کند» برگردیم بدناله حدیث (۴):

و فرمود: رغبت اینست که: هر دو دست را بگشائی و درون آنها را آشکار کنی، و رهبت اینست که:

دو دست را بگشائی و پشت آن دو را ظاهر سازی، و تضرع آنست که: انگشت سبابه راست را بر است و چپ بجنبانی، و تبتل: جنبانیدن انگشت (سبابه) چپ است که آن را بآرامی بسوی آسمان بالا بری و پائین آوری، و ابتهاج آنست که: هم دستها و هم دو ذراع را بسوی آسمان بگشائی، و ابتهاج در وقتی است که بینی و سائل گریه فراهم شده است.

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: این خبر چون تفسیری بر اخبار گذشته است.

۵- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدُّعَاءِ وَ رَفْعِ اليَدَيْنِ فَقَالَ عَلِيٌّ أَرْبَعَةٌ أَوْجُهُ أَمَّا التَّعَوُّذُ فَتَسْتَقْبِلُ الْقَبْلَةَ بِبَاطِنِ كَفَيْكَ وَ أَمَّا الدُّعَاءُ فِي الرَّزْقِ فَتَبْسُطُ كَفَيْكَ وَ تُفْضِي بِبَاطِنِهِمَا إِلَى السَّمَاءِ وَ أَمَّا التَّبَتُّلُ فَأَيْمَاءٌ بِإِصْبَعِكَ السَّبَابَةِ وَ أَمَّا الْإِبْتِهَالُ فَرَفْعُ يَدَيْكَ بُحَاوُزَ يَمَانِكَ وَ دُعَاءُ التَّضَرُّعِ أَنْ تُحَرِّكَ إِصْبَعَكَ السَّبَابَةَ مِمَّا يَلِي وَجْهَكَ وَ هُوَ دُعَاءُ الْخَيْفَةِ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِي أَيُّوبَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ قَالَ الْإِسْتِكَانَةُ هِيَ الْخُضُوعُ وَ التَّضَرُّعُ رَفْعُ اليَدَيْنِ وَ التَّضَرُّعُ بِهَيْمًا.

ابو بصیر گوید: از حضرت صادق علیه السلام از دعا کردن و بلند کردن دستها پرسیدم فرمود: بر چهار گونه است: اما برای پناه بردن بخدا (از شر دشمنان) درون دستهای خود را بطرف قبله کنی، و اما در دعای برای روزی دستهای خود را باز کنی و درون آن دو را بسوی آسمان بداری، و اما تبتل پس آن اشاره کردن با انگشت سبابه است، و اما ابتهاج: بلند کردن دستها است بطوری که از سرت بگذرد، و دعای تضرع اینست که انگشت سبابه را در برابر رویت بجنبانی و آن دعای خیفه (و هراس) است.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: ظاهر آنست که مقصود از تعوذ: پناه بردن از شر دشمنان است، و ممکن است آن را تعمیم داد که دشمنان باطن را هم چون نفس و شیطان شامل شود، و این حالت (یعنی حالتی که امام علیه السلام در تعوذ فرمود) حالت نهایت بیچارگی

است، زیرا کسی که سنگی یا شمشیری یا نیزه‌ای را بیند این گونه دست خود را سپر سازد تا آنها را از اعضاء شریف بدن خود دور سازد.

- (این خبر مانند حدیث (۲) است که با ترجمه‌اش گذشت).

۷- **عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ قَالَا قُلْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ الْمَسْأَلَةُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَالَ تَبَسُّطُ كَفِّكَ قُلْنَا كَيْفَ الْإِسْتِعَاذَةُ قَالَ تُفْضِي بِكَفِّكَ^۱ وَ التَّبَتُّلُ الْإِمَاءُ بِالْإِصْبَعِ وَ التَّضَرُّعُ تَحْرِيكُ الْإِصْبَعِ وَ الْإِبْتِهَالُ أَنْ تَمُدَّ يَدَيْكَ جَمِيعاً.**

محمد بن مسلم و زراره گویند: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردیم: مسألت بدرگاه خدا چگونه است؟ فرمود: دو دست خود را باز کنی، عرض کردیم: استعاذۀ چگونه است؟ فرمود: هر دو کف دست خود را بجانب فضا کنی (مانند کسی که میخواهد دست بدیوار بگذرد و خلاصه اینکه کف دستها را بطرف قبله میگیری- از مجلسی (ره) و تبتل: اشاره با انگشت است، و تضرع: جنبانیدن انگشت است، و ابتهال اینست که هر دو دست را با هم بکشی.

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: عارف ربانی در کتاب عدة الداعی گفته است: این حالات و هیئتهائی که در این اخبار ذکر شده است یا تعبد است برای علتی که ما آن را نمیدانیم، و یا (برای بعضی مناسبات عرفی) مثلاً:

مقصود از گشودن دستها در حال رغبت و شوق بخاطر این است که این حال و کیفیت بحال شخص امیدوار بفضل خدا نزدیک تر است، و مانند کسی است که دستهای خود را برای ریزش احسان در آنها باز کرده.

و در رهبت گویا بنده بزبان خواری و بیمقداری بعالم خفیات و اسرار عرضه میدارد: پروردگارا من بیاز کردن کف دست بسوی تو اقدام نکردم و روی آنها را بواسطه شرمندگی و خواری بطرف زمین متوجه کرده‌ام.

و مقصود بجنبانیدن انگشتان بطرف راست و چپ در حال تضرع اینست که خود را بآن کس که فرزند مرده است شبیه سازد زیرا چنین کسی در آن حال دستها را باین سو و آن سو کند.

و در حال تبتل که انگشتان را گاهی بالا برد و گاهی پائین آورد مقصود این است که گویا بزبان حال به برآورنده حاجات و آمال عرض کند: من از همه بریدم و بدرگاه تو رو آوردم و با يك انگشت اشاره کند که نشانه یگانگی خداوند است.

^۱ (۱) أي ترفع باطن كفيك إلى القبلة.

و مقصود از کشیدن دستها بسوی قبله در برابر رو در حال ابتهال، یا کشیدن دو دست و دو ذراع بسوی آسمان، یا کشیدن دستها و گذراندن از سر، بحسب اختلافاتی که در روایات بود، آن است که این یکنوع از انواع عبادتها و اظهار کوچکی و خواری است، یا مانند غرقی است که دستهای لخت خود را از آب برآورده و بدامن رحمتش آویزان در آویخته.

بَابُ الْبُكَاءِ

باب گریه

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ وَ وَزْنٌ إِلَّا الدَّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ تُطْفِئُ بِحَاراً مِنْ نَارٍ فَإِذَا اغْرُورِقَتْ الْعَيْنُ بِمَائِهَا لَمْ يَرَهُنَّ وَجْهًا قَتْرٌ وَ لَا دِلَّةٌ فَإِذَا فَاضَتْ حَرَمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ بَاكِيًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرِحِمُوا.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه پیمانۀ و وزنی دارد جز گریه که يك قطره اش دریاهاى از آتش را خاموش سازد، و چون چشم باشك خود پر شود (و اشك در آن حلقه بزند) آن چهره پریشانی و خواری نبیند، و چون اشك بریزد خدا آن را بر آتش دوزخ حرام کند، و اگر هر آینه در میان يك امت يك نفر گریان باشد همه آنها مورد ترحم قرار گیرند.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَبِيلَةَ وَ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ عَيْنٍ إِلَّا وَ هِيَ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنًا بَكَتْ مِنْ خَوْفِ اللَّهِ وَ مَا اغْرُورِقَتْ عَيْنٌ بِمَائِهَا مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ سَائِرَ جَسَدِهِ عَلَى النَّارِ وَ لَا فَاضَتْ عَلَى خَدِّهِ فَرَهَقَ ذَلِكَ الْوَجْهَ قَتْرٌ وَ لَا دِلَّةٌ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ وَ وَزْنٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُطْفِئُ بِالْيَسِيرِ مِنْهَا الْبِحَارَ مِنَ النَّارِ فَلَوْ أَنَّ عَبْدًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرِحِمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ تِلْكَ الْأُمَّةَ بِبُكَاءِ ذَلِكَ الْعَبْدِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هیچ چشمی نیست جز اینکه روز قیامت گریان است مگر چشمی که از ترس خدا گریسته باشد، و هیچ چشمی نیست که از ترس خدای عز و جل باشك خود پر شود جز اینکه خدای عز و جل همه آن بدن را باتش دوزخ حرام گرداند، و آن اشك بر گونه‌ای روان نگردد که گرد پریشانی و خواری ببیند، و هیچ چیزی نیست جز اینکه پیمانۀ و وزنی دارد مگر اشك که همانا خدای عز و جل باندکی از آن دریاهاى از آتش را خاموش کند، پس اگر بنده‌ای در میان يك امتی بگرید خدای عز و جل بخاطر گریه آن بنده ب همه آن امت رحم کند.

^۱ (۲) اغرورقت عيناه دمعاً كأنهما غرقت في دمعهما. و رهقه رهقاً: غشيه. و القتر: الغبار و ضمير «وجهه» راجع الى صاحب العين. و في القاموس فاض الماء فيضا: كثر حتى سال كالوادي و ضمير «فاضت» اما راجع الى الدموع أو الى العين للاسناد المجازى كالفيض و ضمير «حرمه» اما راجع الى الباكي أو الى الوجه و في بعض النسخ [حرمها] فالضمير راجع الى العين و تحريمه يستلزم تحريم الشخص بل المبالغة فيه (آت).

۳- عَنْهُ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَجْرَانَ عَنْ مُتَّى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دُمُوعٍ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ خَافَهُ مِنَ اللَّهِ لَا يُرَادُ بِهَا عَيْبُهُ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: هیچ قطره‌ای نزد خدا محبوبتر نیست از آن قطره اشکی که در تاریکی شب از ترس خدا بریزد و جز خدا چیز دیگری بآن منظور نباشد.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ صَالِحِ بْنِ رَزِينٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ وَ غَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُلُّ عَيْنٍ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر چشمی در روز قیامت گریان است جز سه چشم: چشمی که از (دیدن و نظر به) آنچه خداوند حرام کرده بر هم نهاده شده، و چشمی که در راه طاعت خداوند بیداری کشیده، و چشمی که در دل شب از ترس خدا گریسته است.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: «عین شهرت» یعنی بیش از مقدار متعارف و عادت بیدار بوده، و طاعت خدا چون نماز و تلاوت قرآن و دعا و مطالعه علوم دینی و در راه جهاد و حج و زیارت‌های دیگر و هر چه برای خدای سبحان اطاعت باشد شامل شود.

۵- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ^۱ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ دُرُسْتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ وَ وَزَنٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ مِنْهَا تُطْفِئُ بِحَاراً مِنَ النَّارِ فَإِذَا اغْرُورَقَتْ الْعَيْنُ بِمَائِهَا لَمْ يَرْهَقْ وَجْهَهُ قَتْرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ فَإِذَا فَاصَتْ حَرَمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ بَاكِيًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لُرْجِمُوا.

این حدیث مانند حدیث (۱) است که با ترجمه‌اش گذشت.

۶ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى ع أَنَّ عِبَادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلَاثٍ خِصَالٍ قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ وَ مَا هُنَّ قَالَ يَا مُوسَى الرَّهْدُ فِي الدُّنْيَا وَ الْوَرَعُ عَنِ الْمَعَاصِي وَ الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَتِي قَالَ مُوسَى يَا رَبِّ فَمَا لِمَنْ صَنَعَ ذَا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَمَّا الرَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا ففِي الْجَنَّةِ وَ أَمَّا الْبُكَاءُونَ مِنْ خَشْيَتِي ففِي الرَّفِيعِ الْأَعْلَى لَا يُشَارِكُهُمْ أَحَدٌ وَ أَمَّا الْوَرَعُونَ عَنْ مَعَاصِي ففِي أُمَّةٍ لُرْجِمُوا وَ لَا أُفْتَشُهُمْ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل بموسی علیه السلام وحی فرمود: که همانا بندگان من بمن تقرب نجستند بچیزی که محبوبتر باشد نزد من از سه خصلت، موسی عرضکرد: پروردگارا آنها کدام است؟ فرمود: زهد در باره دنیا (و بی‌اعتنائی

^۱ (۱) «ابن عمیر» معطوف علی السند السابق.

بدان) و ورع (و پارسائی) از نافرمانیها و معاصی، و گریه از ترس من، موسی عرضکرد: پروردگارا هر که اینها را بجا آورد چه پاداشی دارد؟ خدای عز و جل بموسی وحی کرد: ای موسی اما آنان که در باره دنیا زهد ورزیدند در بهشت باشند، و اما آنان که از ترس من گریه کنند در بلندترین منازلند، و احدی در آن منازل با آنها شریک نباشد، و اما آنها که از نافرمانیهای من بپرهیزند پس من که همه مردم را (در روز قیامت) بازرسی و تفتیش کنم آنها را بازرسی و تفتیش نکنم.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: رفیع اعلی آن مکان بلندی است که در بهشت بلندترین منزلها است، و آن مسکن انبیاء و اولیاء است، و مقصود از اینکه (در دسته سوم) فرمود: آنها را بازرسی و تفتیش نکنم یعنی آنها بی حساب ببهشت روند.

۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ أَكُونُ أَدْعُو فَأُشْتَهِيَ الْبُكَاءَ وَ لَا يَجِيئُنِي وَ زَيْمًا ذَكَرْتُ بَعْضَ مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِي فَأَرِقُّ وَ أَبْكِي فَهَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ فَقَالَ نَعَمْ فَتَدَكِّرْهُمْ فَإِذَا رَقَّتْ قَابِكِ وَ ادْعُ رَبَّكَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.

اسحاق بن عمار گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرضکردم: من دعا میکنم و میل دارم گریه (نیز) بکنم ولی گریهام نمی آید، و بسا بیاد برخی از مردگان خانواده خودم می افتم پس رقت می کنم و گریه کنم آیا این کار درست است؟ فرمود: آری آنها را بیاد آور و چون رقت کردی گریه کن و پروردگار تبارک و تعالی را بخوان (و بدرگاهش دعا کن).

۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَنبَسَةَ الْعَابِدِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ لَمْ تَكُنْ بِكَ بُكَاءٌ فَتَبَاكَ^۱.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر گریه نداری خود را بگریه وادار کن (یا مانند گریه کن بنما).

۹ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنِّي أَتَبَاكِي فِي الدُّعَاءِ وَ لَيْسَ لِي بُكَاءٌ قَالَ نَعَمْ وَ لَوْ مِثْلَ رَأْسِ الدُّبَابِ.

سعید بن یسار گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرضکردم: من در حال دعا خود را بگریه وادار کنم اگر چه گریه ندارم؟ فرمود: آری گر چه باندازه سر مگسی باشد.

^۱ (۱) في بعض النسخ [إن لم تكن بكاء]. و في بعضها [إن لم تك بكاء] و التباكي: حمل النفس على البكاء و السعي في تحصيله.

۱۰ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِأَبِي بَصِيرٍ إِنْ حَفَّتْ أَمْرًا يَكُونُ أَوْ حَاجَةً تُرِيدُهَا فَأَبْدَأْ بِاللَّهِ وَبِحُدُّهُ وَ أَتْنِ عَلَيْهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ص وَ سَلِّ حَاجَتَكَ وَ تَبَاكَ وَ لَوْ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبَابِ إِنْ أَبِي ع كَانَ يَقُولُ إِنْ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ سَاجِدٌ بَاكِ.

علی بن ابی حمزه گوید: حضرت صادق علیه السلام بآبی بصیر فرمود: اگر از وقوع چیزی ترس داشتی یا حاجتی خواستی بنام خدا (دعا را) آغاز کن، و او را تمجید کن و ستایشش کن چنانچه شایسته آن است، و بر پیغمبر (ص) صلوات بفرست و حاجت خود را بخواه و خود را بگریه وادار کن اگر چه به اندازه سر مگسی باشد، همانا پدرم همیشه میفرمود: نزدیکترین حالی که بنده پروردگار عز و جل دارد آن زمانی است که در سجده باشد و گریان.

۱۱ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْحَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ لَمْ يَجِئَكَ الْبُكَاءُ فَتَبَاكَ فَإِنَّ خَرَجَ مِنْكَ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبَابِ فَبِحْ بَعْ^۱.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: اگر گریهات نیاید خود را بگریه وادار کن، پس اگر از دیدهات باندازه سر مگسی اشک بیرون آمد پس به به (خوشا بر احوالت).

بَابُ التَّنَائِ قَبْلَ الدُّعَاءِ^۲

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ مِنْ رَبِّهِ شَيْئًا مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ حَتَّى يَبْدَأَ بِالتَّنَائِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَدْحِ لَهُ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ص ثُمَّ يَسْأَلَ اللَّهَ حَوَائِجَهُ.

حارث بن مغیره گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام میفرمود: مبدا چون یکی از شما بخواهد از پروردگار خویش چیزی از حاجات دنیا و آخرت مسألت کند بدان مبادرت ورزد تا بستایش او و صلوات بر پیغمبر (ص) سخن خود را آغاز کند، و سپس حاجات خود را بخواهد.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنْ فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ص إِنَّ الْمَدْحَةَ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ فَإِذَا دَعَوْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَجِّدْهُ قُلْتُ كَيْفَ أَجِدُّهُ قَالَ تَقُولُ- يَا مَنْ هُوَ

^۱ (۱) «بخ ببع» هي كلمة تقال عند المدح والرضا بالشيء.

^۲ (۲) ليس هذا العنوان في بعض النسخ و في بعضها [باب البداية بالتناء] و في بعضها [إذا أراد أحدكم أن يسأل ربه].

أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ* يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ.

محمد بن مسلم گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا در کتاب امیر المؤمنین علیه السلام است که ستایش پیش از درخواست است، پس هر گاه خدای عز و جل را خواندی (و بدرگاهش دعا کردی) او را تمجید کن، عرض کردم: چگونه تمجیدش کنم؟ فرمود: میگوئی: «ای کسی که بمن از رگ گردن نزدیکتری، ای کسی که هر چه را بخواهی انجام دهنده آنی، و ای کسی که میان مرد و دلش حائل شوی، و ای کسی که در برترین نظر اندازهایی، و ای آنکه بمانندش چیزی نیست.

شرح

- مجلسی (ره) در جمله «یا من یحول بین المرء و قلبه»

چند وجه گفته است:

- اول: اینکه کنایه از نزدیکی خداوند به بندگانش میباشد زیرا کسی که حائل بین دو چیز شد بدان چیز نزدیکتر از دیگر است.
- دوم: اشاره باینست که او بر مکنوناتی از دلها آگاه است که شاید صاحبان آنها از آنها بیخبر باشند و در روایتی نیز هست که فرمود: معنای این جمله اینست که دلها نتوانند چیزی را از خداوند مخفی و پنهان دارند.
- سوم: یعنی بوسیله مرگ بین انسان و دلش جدائی اندازند و این جمله دعا برای وادار کردن مردم است باینکه پياك کردن دلهاشان مبادرت ورزند پیش از آنکه خداوند بسبب مرگ بین آنها و دلها جدائی اندازد ...
- چهارم: اینکه کنایه از اینست که خداست که مالک دلهای بندگان است هر تصمیمی که گرفته باشند بهم زند و مقاصد او را تغییر دهد و او را بحالت مختلف بگرداند از ذکر بفراموشی و از فراموشی بذكر، و از ترس بآسودگی خاطر و از آسودگی بترس ... و در حدیث است که دل مؤمن میان دو انگشت او است بھر سو که خواهد بگرداند، و در دعا است «یا مقلب القلوب» ..
- پنجم: آنچه از دو حدیث از تفسیر عیاشی آمده که معنایش اینست که حایل می شود میان انسان و میان اینکه باطل را از حق تمیز دهد.

ششم: یعنی او را از آنچه در دلش نهفته است غافل کنی.

و در جمله «یا من هو بالمنظر الاعلی»

گوید: در قاموس گفته: «منظر» چیزی است که بدان نگاه کنی و شاید حضرت علیه السلام مکانت و درجه رفیعه معنویه را بمکانهای بلند ظاهری تشبیه فرموده، پس این یا کنایه از اطلاع او است بر تمامی مخلوقات، زیرا کسی که در جای بلندی بود مشرف بر پائین آن هست و اطلاع بر آن دارد، و یا کنایه از تسلط و اقتدار او بر آنچه بجز او است از ممکنات، و یا کنایه از نرسیدن خردها و اندیشه‌ها بساحت معرفت او است، و محتمل است «منظر» از نظر بمعنای فکری باشد یعنی او بالاتر است از اینکه افکار خلق بدو رسد.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّمَا هِيَ الْمِدْحَةُ ثُمَّ الثَّنَاءُ ثُمَّ الْإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ ثُمَّ الْمَسْأَلَةُ إِنَّهُ وَاللَّهِ مَا خَرَجَ عَبْدٌ مِنْ ذَنْبٍ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: جز این نیست که (آداب دعا) همان مدح است، و سپس ستایش، و بعد اقرار بگناه، آنگاه درخواست، همانا بخدا سوگند هیچ بنده‌ای از گناه بیرون نشده جز باقرار بآن.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: شاید مراد از مدح بیان آن چیزهایی است که دلالت بر بزرگواری ذات و صفات او دارد بدون ملاحظه نعمت، و مراد بستایش و ثناء: اعتراف بنعمتهای او و شکرگزاری بر آنها است.

۴- وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ قَالَ ثُمَّ الثَّنَاءُ ثُمَّ الْإِعْتِرَافُ بِالذَّنْبِ.

و نیز از آن حضرت علیه السلام مانند حدیث گذشته روایت شده جز اینکه در این حدیث فرموده:

سپس ستایش و بعد اعتراف بگناه (و بجای اقرار که در حدیث گذشته بود اعتراف ذکر شده).

۵ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُوَ فَمَجِّدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَحْمِدْهُ وَ سَبِّحْهُ وَ هَلِّلْهُ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ ثُمَّ سَلْ تُعْطَ.

حارث بن مغیره گوید: که حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه خواهی دعا کنی پس خدای عز و جل را تمجید کن، و سپاسگزار و او را تسبیح و تهلیل بگو و او را ثنا گوی (و ستایش کن) و بر محمد (ص) و آل او صلوات فرست سپس درخواست کن تا بتو داده شود.

شرح

^۱ (۳) ضمیر «عنه» راجع إلى أحمد.

^۲ (۱) في بعض النسخ [الحسين بن علي].

- مجلسی (ره) گوید: گاهی گفته شود که تمجید گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» است، و تمجید «الحمد لله» است، و تسبیح «سبحان الله» است، و تحلیل «لا اله الا الله» است، و ثناء آن است که نعمتهائی که خداوند بر بنده عطا فرموده بشمارد، ولی دور نیست که معانی اینها را تعمیم دهیم که شامل گردد هر چه را باین معانی برسانند و اختصاصی باین الفاظ مخصوص نداشته باشد چنانچه تمجید بر «لا حول و لا قوة الا بالله» نیز اطلاق شده است.

۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا طَلَبَ أَحَدُكُمْ الْحَاجَةَ فَلْيُثْنِ عَلَى رَبِّهِ وَ لِيَمْدَحْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ مِنَ السُّلْطَانِ هَيَأُ لَهُ مِنَ الْكَلَامِ أَحْسَنَ مَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَإِذَا طَلَبْتُمُ الْحَاجَةَ فَمَجِّدُوا اللَّهَ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ وَ اَمْدَحُوهُ وَ اَثْنُوا عَلَيْهِ تَقُولُ- يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى وَ يَا خَيْرَ مَنْ سئِلَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ* وَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ وَ يَقْضِي مَا أَحَبَّ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ يَا سَمِيعٌ يَا بَصِيرٌ وَ أَكْثَرُ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّ أَسْمَاءَ اللَّهِ كَثِيرَةٌ وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ مَا أَكْفُ بِهِ وَجْهِي وَ أُوْدِي بِهِ عَنْ أَمَانَتِي وَ أَصِلْ بِهِ رَحْمِي وَ يَكُونْ عَوْنًا لِي فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ وَ قَالَ إِنَّ رَجُلًا دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَجَّلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَ جَاءَ آخِرُ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ أَتَى عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَلْ تُعْطَ.

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه یکی از شما حاجتی خواهد پس پروردگار را ستایش کند و او را مدح گوید، زیرا چون مردی از سلطان حاجتی خواهد بهترین سخنی که توانائی آن را دارد برای او آماده سازد، پس چون حاجتی خواستی پس خدای عزیز جبار را تمجید کنید و او را مدح گوئید و ستایش کنید (و با این بیان) میگوئی:

«یا اجود من اعطی، و یا خیر من سئل، یا ارحم من استرحم، یا احد یا صمد، یا من لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، یا من لم يتخذ صاحبة و لا ولدا، یا من يفعل ما يشاء و يحكم ما يريد و يقضي ما أحب، یا من هو بالمنظر الاعلى، یا من ليس كمثله شيء، یا سمیع یا بصیر»

و از نامهای خدای عز و جل بسیار بگو، زیرا نامهای خدا بسیار است و صلوات فرست بر محمد (ص) و آلش و بگو:

«اللهم اوسع على من رزقك الحلال ما أكف به وجهي و أودی به عن امانتي و أصل به رحمي و يكون عوناً لي في الحج و العمرة».

و فرمود: مردی وارد مسجد شد و دو رکعت نماز خواند و از خدای عز و جل در خواست کرد، رسول خدا (ص) فرمود: این بنده نسبت (بدرخواست از) پروردگارش شتاب کرد، مرد دیگری آمد و دو رکعت نماز خواند سپس بر خدای عز و جل ثناء خواند (و او را ستایش کرد) و بر پیغمبر و آلش صلوات فرستاد، پس رسول خدا (ص) فرمود: (اکنون) درخواست کن که بتو داده شود.

توضیح

- در حدیث (۲) دعائی بود که هم ترجمه بفارسی شد و هم شرح بعضی از فقرات آن را در آخر حدیث ذکر کردیم، ولی چون از این پس تا آخر کتاب دعا بیشتر احادیث مشتمل بر دعاهائی است که رسول خدا یا ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین دستور خواند آنها را فرموده‌اند، و ترجمه و شرح آن برای خوانندگان پارسی زبان بسیار کم فائده بود، زیرا با دستور و سیره‌ای که بر خواندن دعاها بمتن عربی آن رسیده، و از طرفی تمامی این دعاها در کتب ادعیه با ترجمه‌اش برای کسانی که بخواهند از معانی آن استفاده کنند موجود بود، بدین جهت حدیثهائی که از این پس مشتمل بر دعا است، قسمی از آن که مربوط بکیفیت خواندن آن دعا است و یا چیزهای دیگری که از متن دعای مورد نظر بیرون است ترجمه خواهد شد، ولی از ترجمه متن دعاها خود داری می‌شود جز در پاره‌ای از موارد که مناسب باشد.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَ فَأَبْتَدَأَ قَبْلَ الشَّائِ عَلَى اللَّهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَاجِلُ الْعَبْدِ رَبَّهُ ثُمَّ دَخَلَ آخِرُ فَصَلَّى وَ أَنْتَى عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَلْ نِعْمَةً ثُمَّ قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ ع^۱ إِنَّ الشَّائِ عَلَى اللَّهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَأْتِي الرَّجُلَ يَطْلُبُ الْحَاجَةَ فَيُحِبُّ أَنْ يَقُولَ لَهُ خَيْرًا قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَهُ حَاجَتَهُ.

ابو کهمس گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می‌فرمود: مردی وارد مسجد شد و پیش از ستایش بر خدا و صلوات بر پیغمبر (ص) شروع بدعا کرد، رسول خدا (ص) فرمود: این بنده در (دعا و درخواست از) پروردگارش شتاب کرد، سپس مرد دیگری وارد شد و نماز خوانده و خدای عز و جل را ستایش نمود و بر رسول خدا (ص) صلوات فرستاد، پس رسول خدا (ص) بوی فرمود: بخواه تا بتو داده شود.

سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا در کتاب علی علیه السلام است که: ستایش بر خدا و صلوات بر رسول خدا پیش از حاجت خواستن است، و یکی از شماها (چون) نزد مردی آید و حاجتی خواهد آن مرد دوست دارد که پیش از خواستن حاجتش سخن خوشی گوید.

۸ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ آيَاتِنِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَطْلُبُهُمَا فَلَا أَجِدُهُمَا قَالَ وَ مَا هُمَا قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ^۲ فَتَدْعُوهُ وَ لَا تَرَى إِجَابَةً قَالَ أَ فَتَرَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَخْلَفَ وَعَدَهُ قُلْتُ لَا قَالَ فَمِمَّ ذَلِكَ قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ لَكِنِّي أَخْبِرُكَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا أَمَرَهُ ثُمَّ دَعَاهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ أَجَابَهُ قُلْتُ وَ مَا جِهَةُ الدُّعَاءِ قَالَ- تَبَدُّأُ فَتَحْمَدُ اللَّهَ وَ تَذْكُرُ نِعْمَهُ عِنْدَكَ ثُمَّ تَشْكُرُهُ ثُمَّ تُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ ص ثُمَّ تَذْكُرُ ذُنُوبَكَ فَتُقَرِّبُهَا ثُمَّ تَسْتَعِيدُ مِنْهَا^۳ فَهَذَا جِهَةُ الدُّعَاءِ ثُمَّ قَالَ وَ مَا الْآيَةُ الْآخِرَى قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ

^۱ (۱) هذا من كلام الصادق عليه السلام.

^۲ (۲) المؤمن: ۶۰.

^۳ (۳) في بعض النسخ [ثم تستغفر].

شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ^۱ وَإِنِّي أَنفِقُ وَلَا أَرَىٰ خَلْفًا قَالَ أَفَتَرَىٰ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْلَفَ وَعْدَهُ قُلْتُ لَا قَالَ فَمِمَّ ذَلِكَ قُلْتُ لَا أَذْرِي قَالَ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَكْتَسَبَ الْمَالَ مِنْ حِلِّهِ وَانْفَقَهُ فِي حِلِّهِ^۲ لَمْ يُنْفِقْ دِرْهَمًا إِلَّا أَخْلَفَ عَلَيْهِ.

عثمان بن عیسی از کسی که برای او حدیث کرده نقل کند که بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم:

دو آیه در کتاب خدا (قرآن) است که آن دو را میجویم و نمی یابم، فرمود: کدام است آن دو آیه؟ عرض کردم:

گفتار خدای عز و جل: «مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم» (سوره مؤمن آیه ۶۰) و ما او را میخوانیم و اجابتی نمی بینیم؟ فرمود: آیا تو پنداری که خداوند خلاف وعده خود کرده؟ عرض کردم: نه، فرمود:

پس این (باجابت نرسیدن دعاها) از چیست؟ عرض کردم: نمیدانم، فرمود، ولی من تو را آگاه کنم:

هر که خدای عز و جل را در آنچه باو فرمان داده اطاعت کند سپس او را از جهت دعا بخواند او را اجابت کند، عرض کردم: جهت دعا چیست؟ فرمود: شروع میکنی پس خدا را حمد و ستایش کنی، و نعمتهائی که بتو داده است بزیان آری، و سپس او را شکر کنی، سپس بر محمد (ص) صلوات فرستی، و سپس گناهان خود را یاد آور شوی و بدانها اعتراف کنی و از آنها بخدا پناه ببری، اینست جهت (و راه) دعا.

سپس فرمود: آیه دیگر کدام است؟ عرض کردم: گفتار خدای عز و جل: «و آنچه بدهید از چیزی پس خداوند عوضش را بدهد و اوست بهترین روزی دهندگان» (سوره سبأ آیه ۳۹) و من انفاق کنم (و بدهم ولی عوضی (برای آن) نبینم؟ فرمود: آیا پنداری که خدای عز و جل خلاف وعده خود کند؟ عرض کردم:

نه، فرمود: پس این از چیست؟ عرض کردم: ندانم، فرمود: اگر هر آینه یکی از شماها مالی را از راه حلالش بدست آورد، و آن را در راه حلالش انفاق کند (و بدهد) هیچ دره‌می از آن انفاق نکند جز اینکه بر آن عوض داده شود.

توضیح

- انفاق در لغت عرب بمعنای خرج کردن و بخشیدن یا دادن مال بکسی و نفقه دادن و امثال این معانی است، و در این آیه شریفه طبرسی (ره) در مجمع البیان گوید: یعنی آنچه از مال خود را در راه خیر صرف کنید پس خدای سبحان عوض آن را بشما عطا فرماید، اما در دنیا باینکه نعمت شما را افزون کند، و اما در آخرت پاداش آن بهشت است، و کلبی گفته: آنچه در راه خیر صدقه دهید خداوند عوض آن را بشما بدهد یا در دنیا و یا برای آخرتتان ذخیره کند، و جابر از پیغمبر (ص) حدیث کند که فرمود:

^۱ (۴) الزمر: ۳۹. قال الطبرسی: أي ما أخرجتم من أموالكم من وجوه البر فإنه سبحانه يعطيكم خلفه و عوضه اما في الدنيا بزيادة النعمة و اما في الآخرة بثواب الجنة، يقال: أخلف الله له و عليه إذا أبدل له ما ذهب عنه.

^۲ (۵) في بعض النسخ: [في حقه].

هر کار معروفی صدقه است و هر چه مرد بوسیله آن آبروی خود را نگهدارد صدقه است، و هر چه انسان خرج کند خدا ضامن عوض آن است مگر آنچه در بنا و نافرمانی باشد.

۹ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ فَلْيُطَبِّ مَكْسَبَهُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که شاد شود که دعایش باجابت رسد باید کسب خود را پاک و حلال کند.

بَابُ الْاجْتِمَاعِ فِي الدُّعَاءِ

باب اجتماع برای دعا کردن

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنْ عُبيدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مِنْ رَهْطٍ أَرْبَعِينَ رَجُلًا اجْتَمَعُوا فَدَعَوْا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَمْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعِينَ فَأَرْبَعَةَ يَدْعُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعَةَ فَوَاحِدًا يَدْعُو اللَّهَ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فَيَسْتَجِيبُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ لَهُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هیچ چهل نفر مردی برای دعا نزد هم اجتماع نکنند و خدای عز و جل را در کاری نخوانند (و دعا نکنند) جز اینکه خداوند دعای آنها را مستجاب کند، پس اگر چهل نفر نبودند، و چهار نفر بودند (نزد هم جمع شوند و) ده بار خدای عز و جل را بخوانند خداوند دعایشان را اجابت کند، و اگر چهار نفر هم نباشند و یک نفر باشد که چهل مرتبه خدا را بخواند پس خدای عزیز جبار برای او اجابت کند.

توضیح

- پیش از این گذشت که دعا کردن در پنهانی هفتاد برابر یا بیشتر از دعاهای آشکار است و مجلسی (ره) وعده کرده که میان آن دسته از روایات و این روایات را در این جا جمع کند و از این روی در اینجا گوید:

بسا توهم شود که میان اینجا و آنچه گذشت که دعای پنهانی ثوابش بیشتر است منافات است و ممکن است بدو وجه جواب داده شود:

(اول): اجتماع در اجابت مؤثرتر است گرچه ثوابش کمتر است.

(دوم): این در جایی است که از ریاء و خود نمائی مأیوس باشد، و آنچه در آن باب گذشت در صورتی است که از ریاء ایمن نیست.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا اجْتَمَعَ أَرْبَعَةٌ زَهَطٍ قَطُّ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ فَدَعَا اللَّهَ إِلَّا تَفَرَّقُوا عَنْ إِجَابَةٍ.

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: هیچ گاه چهار نفر با هم اجتماع نکرده‌اند که برای مطلبی بدرگاه خدا دعا کنند جز اینکه با اجابت آن دعا از هم جدا شده‌اند.

۳- عَنْهُ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقْبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ أَبِي ع إِذَا حَزَنَهُ أَمْرًا جَمَعَ النِّسَاءَ وَ الصِّبْيَانَ ثُمَّ دَعَا وَ آمَنُوا.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هر گاه پیش آمدی پدرم را غمناک میکرد زنان و کودکان را جمع میکرد، سپس دعا میکرد و آنها آمین میگفتند.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الدَّاعِي وَ الْمُؤْمِنُ فِي الْأَجْرِ شَرِيكَانِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: دعاکننده و آمین گو در مزد و اجر شریکند.

بَابُ الْعُمُومِ فِي الدُّعَاءِ

باب عمومیت دادن در دعا (و برای همه دعا کردن)

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيُعَمِّمْ فَإِنَّهُ أَوْجِبَ لِلدُّعَاءِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: هر گاه یکی از شماها دعا کند پس عمومیت دهد (و همه را دعا کند) زیرا که آن با اجابت نزدیکتر است

بَابُ مَنْ أَبْطَأَتْ عَلَيْهِ الْإِجَابَةُ

باب کسی که اجابت دعایش بتأخیر افتد

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع ۲ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي قَدْ سَأَلْتُ اللَّهَ حَاجَةً مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا سَنَةً وَ قَدْ دَخَلَ قَلْبِي مِنْ إِبْطَائِهَا شَيْءٌ فَقَالَ يَا أَحْمَدُ إِنَّاكَ وَ الشَّيْطَانُ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْكَ

^۱ (۱) في بعض النسخ [إذا أحزنه أمر].

^۲ (۱) هو الرضا عليه السلام (آت).

سَبِيلٌ حَتَّى يُقْنَطَكَ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ ص^١ كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةً فَيُؤَخَّرُ عَنْهُ تَعَجِيلَ إِجَابَتِهِ حُبًّا لِصَوْتِهِ وَاسْتِمَاعِ نَجْوَاهُ^٢ ثُمَّ قَالَ وَاللَّهِ مَا أَخَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرٌ لَهُمْ مِمَّا عَجَّلَ لَهُمْ فِيهَا وَ أَيْ شَيْءٍ الدُّنْيَا إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ ع كَانَ يَقُولُ يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ دُعَاؤُهُ فِي الرَّخَاءِ نَحْوًا مِنْ دُعَائِهِ فِي الشَّدَّةِ لَيْسَ إِذَا أُعْطِيَ فَتَرَ فَلَا تَمَلَّ الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكَانٍ^٣ وَ عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَ طَلَبِ الْحَلَالِ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ وَ إِيَّاكَ وَ مُكَاشَفَةَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصَلُ مَنْ قَطَعَنَا وَ نُحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْنَا فَتَرَى وَاللَّهِ فِي ذَلِكَ الْعَاقِبَةَ الْحَسَنَةَ؛ إِنَّ صَاحِبَ النَّعْمَةِ فِي الدُّنْيَا إِذَا سَأَلَ فَأُعْطِيَ طَلَبَ غَيْرِ الَّذِي سَأَلَ وَ صَعُرَتِ النَّعْمَةُ فِي عَيْنِهِ فَلَا يَشْبَعُ مِنْ شَيْءٍ وَ إِذَا كَثُرَتِ النَّعْمُ كَانَ الْمُسْلِمُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى خَطَرٍ لِلْحُقُوقِ الَّتِي تَجِبُ عَلَيْهِ وَ مَا يُخَافُ مِنَ الْفِتْنَةِ فِيهَا أَخْبَرَنِي عَنْكَ لَوْ أَنِّي فُلْتُ لَكَ قَوْلًا أَ كُنْتُ تَتَّقِي بِهِ مِنِّي فَمَلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِذَا لَمْ أَتَّقِ بِقَوْلِكَ فَبِمَنْ أَتَّقُ وَ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ قَالَ فَكُنْ بِاللَّهِ أَوْثَقَ - فَإِنَّكَ عَلَى مَوْعِدٍ مِنَ اللَّهِ أ لَيْسَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - وَ إِذَا سَأَلْتَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ^٤ وَ قَالَ لَا تَمْتَنُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ^٥ وَ قَالَ اللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا^٦ فَكُنْ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْثَقَ مِنْكَ بِغَيْرِهِ وَ لَا تَجْعَلُوا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا خَيْرًا فَإِنَّهُ مَغْفُورٌ لَكُمْ.

احمد بن محمد بن أبي نصر گوید بحضرت ابی الحسن (رضا) علیه السلام عرض کردم: قربانت:

من چند سال است که از خدا حاجتی درخواست کرده‌ام و از تأخیر اجابتش در دلم شبهه و نگرانی آمده است؟

فرمود: ای احمد مبدا شیطان بر (دل) تو راهی باز کند، تا تو را ناامید کند همانا امام باقر علیه السلام می فرمود: هر آینه مؤمن حاجتی از خدا بخواهد و اجابت آن پس افتد برای محبوبیت آوازش (نزد خداوند) و شنیدن صدای گریه‌اش، سپس فرمود: بخدا سوگند آنچه خدای عز و جل برای مؤمنین از آنچه خواهند پس اندازد، بهتر است برای ایشان از آنچه زود بآنها عطا فرماید، و دنیا چیست؟ امام باقر علیه السلام می فرمود: سزاوار است برای مؤمن که دعایش در حال آسایش همانند دعای او در حال خسته باشد، و چون باو داده شد (آنچه درخواست کرده از دعا) سست نشود. پس تو از دعا خسته مشو زیرا که دعا نزد خدای عز و جل منزلتی دارد (بس بزرگ) و بر تو باد بشکيبائی، و دنبال روزی حلال رفتن، و صله رحم کردن و مبدا با مردم اظهار دشمنی کنی، زیرا که ما خاندانی هستیم که پیوند کنیم با هر که از ما ببرد، و نیکی کنیم بهر که بما بدی کند، پس بخدا سوگند در این کار سرانجام نیکوئی ببینیم (چه در دنیا و چه در آخرت)، همانا کسی که در این دنیا دارای نعمت است اگر هر گاه درخواست (چیزی از خدا) کند و باو داده شود (حرصش زیاد گردد) و جز آن را نیز بخواهد، و (در نتیجه) نعمت خدا در چشم او کوچک و خوار گردد، و از هیچ چیز سیر نشود، و چون نعمت فراوان شود مسلمان از این راه بخطر افتد (و این خطر) بخاطر آن حقوقی (است) که بر او

^١ (٢) هو الباقر علیه السلام (آت).

^٢ (٣) النحب: أشد البكاء و كان حبه تعالى ذلك كناية عن كون ذلك أصلح للمؤمن و بين ذلك بقوله: «والله ما أضر الله» و كلمة «ما» في قوله: «ما أضر الله» مصدرية و في «ما يطلبونه» موصولة. و في «ما» اما موصولة أو مصدرية. و «من» في قوله: «من هذه» بيانية أو تبعضية (آت).

^٣ (٤) «فانه» أي الدعاء من الله تعالى «بمكان» أي بمنزلة عظيمة رفيعة، يحب اشتغال عبده المؤمن في جميع الأحوال به (آت).

^٤ (٥) في بعض النسخ: [العاقبة الحسنة].

^٥ (١) البقرة: ١٨٦. تمثيل لكمال علمه بافعال العباد و اطلاعه على أحوالهم من قرب مكانه منهم.

^٦ (٢) الزمر: ٥٣. أي لا تياسوا من مغفرتة.

^٧ (٣) البقرة: ٢٦٨.

واجب شود، و بخاطر آن چیزی است که بیم آن رود بواسطه این حقوق در فتنه و آزمایش افتد (و در آداء آنها کوتاهی کند)، بگو بدانم که اگر من بتو چیزی گفتم بدان وثوق و اعتماد داری؟ عرض کردم: فدایت گردم اگر من بگفته شما اعتماد نکنم پس بگفتار چه کسی اعتماد کنم با اینکه شما حجت خداوند بر خلق او هستی؟ فرمود: پس تو بخدا (و وعده‌ها و گفتارهای او) اعتمادت بیشتر باشد، زیرا خداوند بتو وعده اجابت داده است (یا اینکه اجابت دعای تو بموعدی واگذار شده) آیا خدای عز و جل نفرماید: و هر گاه پرسندت بندگان من از من، پس همانا من نزدیکم و اجابت کنم دعای آنکه مرا خواند» (سوره بقره آیه ۱۸۶)؟ و فرموده است: «نومید نباشید از رحمت خدا» (سوره زمر آیه ۵۳) و نیز فرموده است: «و خدا نویدتان دهد بآمرزش و فضل» (سوره بقره آیه ۲۶۸) پس تو بخدای عز و جل اعتمادت بیشتر باشد از دیگران، و در دل خود جز خوبی راه ندهید، که شما آمرزیده‌اید.

توضیح

- مجلسی (ره) در ضمن شرح قسمتهای حدیث وجوهی برای تأخیر در اجابت دعا از آن استفاده نموده که تا هشت وجه آن را ذکر کرده است (اول): حقارت و پستی دنیا و اینکه تأخیر بآخرت بهتر است. (دوم) اینکه از شرائط اجابت دعا اینست که در هر حال نباید دست از دعا برداشت چه در حال آسودگی و چه در حال سختی (سوم) شکیبائی در تأخیر آن (چهارم) اینکه کسب خود را حلال کند؛ یا اینکه دعائی بااجابت رسد که حرامی در بر نداشته باشد. (پنجم) قطع رحم نکند (ششم) اظهار دشمنی با مردم نکند (هفتم) اینکه اگر زود بااجابت رسد موجب حرص بر دنیا گردد و نعمتهای خدا در نظر خوار و کوچک شود (هشتم) آنکه بواسطه فراوان شدن مال و ثروت و قدرت در خطر اداء نکردن حقوق آن افتد، و سپس در آخر گفتارش گوید: و در این حدیث فوائد بسیار و حقیقتهای فراوانی است برای کسی که پدیده حقیقت و یقین در آن بنگرد.

۲- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَنْصُورِ الصَّيْقَلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع رُبَّمَا دَعَا الرَّجُلُ بِالْدُعَاءِ فَاسْتُجِيبَ لَهُ ثُمَّ أُخِّرَ ذَلِكَ إِلَى جِنِّ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ لِمَ ذَلِكَ لِيُزَادَ مِنَ الدُّعَاءِ قَالَ نَعَمْ.

منصور صیقل گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: بسا هست که مردی دعا کند و دعایش مستجاب گردیده، ولی تا مدتی (اثر آن استجابت ظاهر نگردد و) پس افتد؟ فرمود: آری (چنین است) عرض کردم: این برای چیست؟ آیا برای اینست که بیشتر دعا کند؟ فرمود: آری.

۳ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ أَبِي هَلَالٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ حَدِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمَلَائِكِينَ قَدْ اسْتَجَبْتُ لَهُ وَ لَكِنْ احْسِبُوهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَجَلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أُبْغِضُ صَوْتَهُ.

^۱ (۴) کأن المراد بالاستجابة تقديرها (آت).

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: همانا بنده‌ای دعا کند پس خدای عز و جل بدو فرشته (که موکل بر انسان هستند یا دو فرشته دیگر) فرماید: من دعای او را باجابت رساندم ولی حاجتش را نگهدارید، زیرا که من دوست دارم آواز او را بشنوم، و همانا بنده‌ای هم هست که دعا کند پس خدای تبارک و تعالی فرماید:

زود حاجتش را بدهید که آوازش را خوش ندارم.

۴ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ يُسْتَجَابُ لِلرَّجُلِ الدُّعَاءُ ثُمَّ يُؤَخَّرُ قَالَ نَعَمْ عِشْرِينَ سَنَةً.

اسحاق بن عمار گوید: بحضرت صادق عرض کردم: (ممکن است) دعای مردی مستجاب شده (باشد) ولی بتأخیر افتد (و اثر استجاب آن همان زمان ظاهر نگردد؟) فرمود: آری تا بیست سال (ممکن است تأخیر افتد).

۵ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ بَيْنَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا^۱ وَ بَيْنَ أَخْذِ فِرْعَوْنَ أَرْبَعِينَ عَامًا.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: میان گفته خدای عز و جل (که بموسی و هارون- در مقابل تقاضای نابودی فرعون و پیروانش- فرمود): «هر آینه دعای شما باجابت رسید» (سوره یونس ۸۹) و میان نابودی فرعون چهل سال طول کشید.

۶ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو فَيُؤَخَّرُ إِجَابَتُهُ إِلَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ^۲.

ابو بصیر گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که میفرمود: همانا مؤمن دعا کند و اجابت دعایش تا روز جمعه [یا روز قیامت] بتأخیر افتد.

۷ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الْعَبْدَ الْوَلِيَّ لِلَّهِ يَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَمْرِ يَنْوِبُهُ^۳ فَيَقُولُ لِلْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ بِهِ اقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَ لَا تُعَجِّلْهَا فَإِنِّي أَشْتَهِي

^۱ (۵) یونس: ۸۹.

^۲ (۱) فی بعض النسخ: [یوم القیامة].

^۳ (۲) نابه الامر و اتابه أي أصابه. و النائبة: المصيبة و فی بعض النسخ [ینویه] فی الموضعین

أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَ صَوْتَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ الْعَدُوَّ لِلَّهِ لَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَمْرِ يُنُوبُهُ فَيَقَالُ لِلْمَلِكِ الْمُؤَكَّلِ بِهِ أَفْضِلْ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَ عَجَّلْهَا فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَ صَوْتَهُ قَالَ فَيَقُولُ النَّاسُ مَا أُعْطِيَ هَذَا إِلَّا لِكِرَامَتِهِ وَ لَا مُنِعَ هَذَا إِلَّا لِهَوَانِهِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: همانا بنده‌ای که دوست خدا است در پیش آمدی که برای او رخ داده دعا کند، و خدا بفرشته‌ای که موکل باو (یا بآن دعا) است فرماید: حاجت بنده مرا بر آور ولی در (دادن) آن شتاب مکن زیرا که من میل دارم صدا و آواز او را بشنوم. و همانا بنده‌ای دشمن خدا بدرگاه خدای عز و جل در باره اتفاقی که برای او پیش آمده دعا کند پس بفرشته موکل بر او (یا بر آن دعا) گفته شود: حاجتش را برآور و در (دادن) آن شتاب کن زیرا من خوش ندارم آواز و صدایش را بشنوم.

فرمود: پس مردم (که خبر از این جریان ندارند بآن که حاجتش زود برآورده شده) گویند: باین داده نشده جز برای گرامی بودنش (نزد خدا، و بآن که در اجابتش تأخیر شده گویند:) از او دریغ نشده جز برای زبونی و خواریش.

۸ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَزَالُ الْمُؤْمِنُ يَخِيرُ وَ رَحَاءِ رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ فَيَقْنَطْ وَ يَتْرُكْ الدُّعَاءَ قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَسْتَعْجَلُ قَالَ يَقُولُ قَدْ دَعَوْتُ مُنْذُ كَذَا وَ كَذَا وَ مَا أَرَى الْإِجَابَةَ^۲.

ابو بصیر گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: پیوسته مؤمن در حال خیر و امیدواری است تا مادامی که شتاب نکند پس نومید شود و دعا را رها کند، عرض کردم: چگونه شتاب کند؟ فرمود: گوید از فلان وقت و فلان وقت دعا کرده‌ام و اجابت آن را نمی‌بینم؟.

۹- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَخْرُوا إِجَابَتَهُ شَوْقًا إِلَى صَوْتِهِ وَ دُعَائِهِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَبْدِي دَعَوْتِي فَأَخْرْتُ إِجَابَتَكَ وَ ثَوَابِكَ كَذَا وَ كَذَا وَ دَعَوْتِي فِي كَذَا وَ كَذَا فَأَخْرْتُ إِجَابَتَكَ وَ ثَوَابَكَ كَذَا وَ كَذَا قَالَ فَيَتَمَتَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرَى مِنْ حُسْنِ الثَّوَابِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: همانا مؤمن خدای عز و جل را در باره حاجت خود بخواند و خدای عز و جل فرماید: اجابت او را بتأخیر اندازید بخاطر شوقی که باآواز و دعای او دارم، پس چون روز قیامت شود خدای عز و جل فرماید: ای بنده من تو مرا خواندی (و دعا کردی) و من اجابت را پس انداختم اکنون ثواب و پاداش تو چنین و چنان است، و باز در باره فلان چیز

^۱ (۳) «و عجلها» أي قد يكون التعجيل لذلك فلا يعجب المرء بتعجيل ظهور أثر دعائه و لا يقنط تأخيره و الا فكثيرا ما يظهر أثر دعاء الأنبياء و الأوصياء و الأولياء من غير تأخير لظهور كرامتهم و لكونه معجزا لهم (آت).

^۲ (۴) مر مضمونه و الحاصل انه ينبغي أن لا يفتر عن الدعاء لبطء الإجابة فانه انما يكون التأخير لعدم المصلحة في هذا الوقت فسيعطى ذلك في وقت متأخر في الدنيا أو سوف يعطى عوضه في الآخرة و على التقديرين فهو في خير لانه مشغول بالدعاء الذي هو أعظم العبادات و يترتب عليه اجزل الثواب و رجاء رحمه في الدنيا و الآخرة هذا أيضا من أشرف الحالات (آت).

و فلان چیز مرا خواندی (و دعا کردی) و من اجابت تو را بتأخیر انداختم و پاداش تو چنین و چنان است، فرمود: پس مؤمن آرزو کند که کاش هیچ دعائی از او در دنیا اجابت نمی شد برای آنچه ثواب و پاداش نیک که می بیند.

بَابُ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

باب (ذکر) صلوات بر محمد (ص) و خاندانش علیهم السلام (در دعا و غیر آن)

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: پیوسته دعا محجوبست (و میانه آن و استجابتش حجاب و پرده ای حائل است) تا بر محمد و آلش صلوات فرستاده شود (که آنگاه پرده و حائل برطرف شود).

شرح

- جز ری در نهایه گفته است: صلاة در لغت بمعنای دعا است، و عبادت مخصوصه را که شامل دعا است صلاة گفته اند، و برخی گفته اند: صلاة در لغت بمعنای تعظیم است، و عبادت مخصوصه را هم صلاة گفته اند چون در آن تعظیم خداوند است- تا آنکه گوید:- و اما اینکه گوئیم «اللهم صل على محمد» معنایش اینست که خدایا او را بزرگوار کن در دنیا بوسیله بلند کردن نام او و آشکار کردن دعوت و نگهداری شریعتش، و در آخرت بقبول کردن شفاعت او در باره امتش و دو چندان کردن اجر و پاداشش.

فیض (ره) در وافی گوید: معنای صلاة خدا بر پیغمبرش (ص) افاضه انواع کرامات و لطائف نعمتها است بر او، و اما صلوات ما و فرشتگان بر او پس آن درخواست آن کرامت و افاضه آن بر او است.

و مجلسی (ره) گوید: مشهور آنست که صلاة از خدای سبحان رحمت است و از فرشتگان استغفار (و طلب آمرزش) و از بندگان دعا است. و در معنای «آل» گفته است: آل پیغمبر (ص) نزد شیعه امامیه عترت طاهره و خاندان معصوم او هستند، و اینکه شهید ثانی (ره) آن را مخصوص بأمیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام کرده است وجهی و دلیلی ندارد، و اما نزد عامه در این باره اختلاف بسیاری است پس برخی گفته اند: آل پیغمبر (ص) تمامی امت او هستند و برخی گفته اند: عشیره اویند، و برخی گفته اند، هر که از بنی هاشم و بنی عبد المطلب که گرفتن زکاة بر آنها حرام است آل پیغمبرند، سپس وجهی برای اینکه دعا بدون صلوات محجوبست ذکر فرموده است.

^۱ (۱) قولنا: اللهم صل على محمد آل محمد فمعناه عظمه في الدنيا باعلاء ذكره و إظهار دعوته و ابقاء شريعته و في الآخرة بتشفيعه في امته و تضعيف أجره و مثوبته (آت) و لصاحب الوافي (ره) في معنى صلاة الله على نبيه و صلاتنا عليه و صلاة الملائكة عليه و استدعائه الصلاة من امته بيان مفصل لطيف و لا يسعنا ايراد راجع الوافي المجلد الثاني ص ۲۲۶ كتاب الصلاة.

۲- عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ دَعَا وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ ص رُفِرَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ^۱ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ ص رُفِعَ الدُّعَاءُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که دعائی کند و نام پیغمبر (ص) را نبرد آن دعا بالای سرش (چون پرنده‌ای) بچرخد، و چون نام پیغمبر (ص) را برد دعا بالا رود.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص إِنِّي أَجْعَلُ لَكَ ثَلَاثَ صَلَوَاتِي لَا بَلَّ أَجْعَلُ لَكَ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَا بَلَّ أَجْعَلُهَا كُلَّهَا لَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا تُكْفَى مَثْوَنَةُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۲.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: مردی نزد پیغمبر (ص) آمد عرضکرد: ای رسول خدا من يك سوم صلواتم را برای شما قرار دهم، نه بلکه نیمی از صلواتم را مخصوص شما گردانم، نه بلکه تمامی آن را از آن شما گردانم؟ رسول خدا (ص) فرمود: در این صورت خرج و مئونه دنیا و آخرت تو کفایت شود. (شرح این حدیث از زبان امام علیه السلام در حدیث (۴) بیاید).

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مَعْنَى أَجْعَلُ صَلَوَاتِي كُلَّهَا لَكَ فَقَالَ يُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ كُلِّ حَاجَةٍ فَلَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ شَيْئًا حَتَّى يَبْدَأَ بِالنَّبِيِّ ص فَيُصَلِّيَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَسْأَلُ اللَّهَ حَوَائِجَهُ.

ابو بصیر گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم معنای اینکه: همه صلواتم را برای شما قرار دهم» چیست؟ فرمود: یعنی پیغمبر (ص) را مقدمه و جلو هر حاجتی قرار میدهد، و از خدای عز و جل چیزی درخواست نکند تا بنام پیغمبر (ص) ابتداء کند و صلوات بر او فرستد، سپس حاجات خود را از خدا درخواست کند.

شرح

- فیض (ره) در شرح حدیث (۳) گوید: مقصود از صلاة معنای لغوی آن است که دعا باشد و معنای گفتار آن مرد به پیغمبر اینست که هر گاه بدرگاه خداوند در باره حاجتی دعا میکنم اول بشما دعا میکنم و آن را ریشه و پایه قرار میدهم سپس آنچه برای خود خواهم روی آن قرار دهم و همین است معنای آنچه از تفسیر این حدیث بیاید (که اشاره بحدیث (۴) است).

^۱ (۲) رُفِرَ الطَّائِرُ إِذَا حَرَّكَ جَنَاحَيْهِ حَوْلَ الشَّيْءِ بَرِيدٌ أَنْ يَقَعَ عَلَيْهِ، وَ اسْتَعِيرَ هُنَا لِانْفِصَالِ الدُّعَاءِ عَنِ الدَّاعِي وَ عَدَمِ وَصُولِهِ إِلَى مَحَلِّ الِاسْتِحَابَةِ (آت).

^۲ (۳) أَي أَجْعَلُ ثَلَاثَ دَعَوَاتِي لَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِأَنَّ الْمَقْصُودَ بِالذَّاتِ فِيهِ الدُّعَاءُ لَكَ وَ جَعَلْتَ الدُّعَاءَ لَكَ مُقَدِّمًا ثُمَّ اتَّبَعَهُ بِالدُّعَاءِ لِنَفْسِي أَوْ أَجْعَلُ ثَلَاثَ دَعَوَاتِي الصَّلَاةَ عَلَيْكَ أَوْ نِصْفَهَا أَوْ كُلَّهَا، بِمَعْنَى أَنَّهُ لَا يَدْعُو لِنَفْسِهِ وَ كَلِمًا أَرَادَ أَنْ يَدْعُو لِحَاجَةٍ يَتْرَكَ ذَلِكَ وَ يَصَلِّيُ بِدَلِّهِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ:

وَ الْمَثْوَنَةُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ فِيهِ صُعُوبَةٌ أَيْ إِذَا كَانَ الْأَمْرُ كَمَا ذَكَرْتَهُ يَكْفِيكَ اللَّهُ مَثْوَنَتَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَحُذَفَ الْفَاعِلُ وَ أُقِيمَ الْمَفْعُولُ الْأَوَّلُ مَقَامَهُ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْمَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَجْعَلُونِي كَقَدْحِ الرَّكَبِ فَإِنَّ الرَّكَبَ بَمَالًا قَدَحَهُ فَيَشْرِيهِ إِذَا شَاءَ اجْعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدَّعَاءِ وَ فِي آخِرِهِ وَ فِي وَسْطِهِ^۱.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود مرا چون قدح شتر سوار قرار ندهید، زیرا شتر سوار قدح خود را پر کند و هر زمان خواست بنوشد مرا در اول دعا و وسط و آخر آن قرار دهد.

شرح

- فیض (ره) گوید: ابن اثیر گفته است: یعنی در آخر بیاد من نیفتید چنانچه شتر سوار قدح خود را در آخر بار و بنه خود قرار دهد، و پس از آنکه از بار کردن همه آنها فارغ گردید آن را پشت آنها بیاویزد، سپس فیض (ره) گوید: و شاید مقصود این باشد (که همیشه بیاد من باشید نه مانند قدح شتر سوار زیرا که) شتر سوار یاد قدح خود نکند تا گاهی که تشنه شود و بخواهد آب بیاشامد که در آن هنگام آن را پر کند و بیاشامد، و اوقات دیگر از آن غافل است.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي هَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ: إِذَا ذُكِرَ النَّبِيُّ ص فَأَكْتَرُوا الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ النَّبِيِّ ص صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ لِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ صَلَاةِ مَلَائِكَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَرْعَبْ فِي هَذَا فَهُوَ جَاهِلٌ مَغْرُورٌ قَدْ بَرِيَ اللَّهُ مِنْهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون نام پیغمبر (ص) برده شد بسیار بر او صلوات بفرستید، زیرا هر کس يك صلوات بر پیغمبر (ص) فرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشته‌ها بر او صلوات فرستد، و چیزی از مخلوقات خدا نماند جز اینکه بر این بنده صلوات فرستد برای آنکه خداوند و فرشتگان برای او صلوات فرستند، و هر کس در این فضیلت رغبت نکند پس او نادان و مغرور است، و خدا و رسول و خاندانش از او بیزارند.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: اینکه فرمود: «بسیار صلوات بر او بفرستید» محمول بر استحباب است چنانچه اجماع بر آن است، و اینکه فرمود: «خداوند در هزار صف فرشتگان بر او صلوات فرستد» چند معنی دارد، و معنی اول که ظاهر هم همانست اینست که خداوند بر او ثنا گوید و صلوات فرستد بکلامی که آن کلام را هزار صف از فرشتگان بشنوند و آنها نیز بصلوات خداوند عز و جل صلوات فرستند. و پس از آن چند وجه دیگر نقل کرده (و در آخر باب هم در فائده پنجم از فوائدی که ذکر کرده معانی دیگری نقل کند)- تا آنکه گوید:- و مقصود از صلوات بر پیغمبر (ص) صلوات بر او و آل او است، نه صلوات بر پیغمبر (ص)

^۱ (۱) أي لا يجعلوني كقدح الراكب لا يذكره إلا إذا عطش و اضطر إليه فيلقت إليه و يشرب منه و أمّا في سائر الأوقات غافل عنه (آت).

فقط، زیرا در روایات خاصه و عامه وارد شده که صلوات با و بدون صلوات بر آل پذیرفته نیست، بلکه از اخبار ما ظاهر گردد که حرام و موجب عقاب است ... و در آخر این خبر نیز اشاره‌ای بدان شده.

۷- **عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُقِلِّ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَكْتَبْ.**

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: هر که بر من صلوات فرستد خدا

و فرشتگان بر او صلوات فرستند، هر که خواهد کم فرستد و هر که خواهد بیش.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالنَّفَاقِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: صلوات بر من و بر اهل بیت من نفاق را میبرد.

۹ **أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ الْأَزْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ يَا رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ فَضِيَّتْ لَهُ مِائَةُ حَاجَةٍ نَلَأْتُونَ لِلدُّنْيَا وَ الْبَاقِي لِلْآخِرَةِ.**

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که صد بار بگوید: «یا رب صلی علی محمد و آل محمد» صد حاجت از او برآورده شود که سی حاجت آن از (حاجات) دنیا باشد [و باقی از آخرت].

۱۰ **مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ الْجُمَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُلُّ دُعَاءٍ يُدْعَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.**

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هر دعائی که خدای عز و جل بدان خوانده شود از رفتن باسمان محجوبست تا صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده شود.

۱۱ **عَنْهُ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ أَجْعَلْ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَكَ قَالَ نَعَمْ ثُمَّ قَالَ أَجْعَلْ صَلَوَاتِي كُلَّهَا لَكَ قَالَ نَعَمْ فَلَمَّا مَضَى قَالَ- رَسُولُ اللَّهِ ص كُنْفِي هَمَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.**

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: مردی نزد رسول خدا (ص) آمده عرضکرد: من نیمی از صلوات (و دعاهایم) را برای شما قرار دهم؟ فرمود: آری، سپس عرضکرد: همه دعاهایم را بشما مخصوص گردانم؟ فرمود: آری، همین که آن مرد رفت رسول خدا (ص) فرمود: اندوه دنیا و آخرتش کفایت شد.

۱۲ **عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُزَانِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي جَعَلْتُ ثُلُثَ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ لَهُ خَيْرًا فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي جَعَلْتُ نِصْفَ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ لَهُ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ إِنِّي جَعَلْتُ كُلَّ صَلَوَاتِي لَكَ فَقَالَ إِذَا يَكْفِيكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا أَهَمَّكَ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ أَصْلَحَكَ اللَّهُ كَيْفَ يَجْعَلُ صَلَاتَهُ لَهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ شَيْئًا إِلَّا بَدَأَ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ص.**

و نیز فرمود: (ع) مردی نزد رسول خدا (ص) آمده عرضکرد: ای رسول خدا: يك سوم دعاهای خود را بشما اختصاص دهم؟ فرمود: نیکو است، عرضکرد: ای رسول خدا نیمی از دعاهای خود را مخصوص شما گردانم؟ فرمود: این بهتر است، عرضکرد: همه دعاهایم را برای شما قرار دهم؟ فرمود:

در این صورت خدای عز و جل آنچه از کارهای دنیا و آخرت که ترا اندوهناک کند کفایت فرماید. پس مردی بحضرت صادق علیه السلام عرضکرد: خدایت نیکی دهد چگونه دعایش را برای او قرار دهد، حضرت علیه السلام فرمود: چیزی از خدای عز و جل در خواست نکند جز اینکه ابتداء بصلوات بر محمد و آلش علیهم السلام کند.

۱۳ **ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اِرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ.**

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: آوازهای خود را بصلوات بر من بلند کنید، زیرا که آن نفاق را برطرف سازد.

۱۴ **مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ إِسْحَاقَ بْنِ فَرْوَحَ مَوْلَى آلِ طَلْحَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا إِسْحَاقَ بْنَ فَرْوَحَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ أَلْفًا مَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا.**

اسحاق بن فروخ گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق بن فروخ هر که ده بار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد خداوند و فرشتگان او صد بار بر او صلوات فرستند، و هر که صد بار بر محمد و آل محمد صلوات فرستد خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او صلوات فرستند، آیا گفتار خدای عز و جل را نشنیده‌ای (که فرماید: «او است آن خداوندی که رحمت

^۱ (۱) الأحزاب: ۴۳. و الصلاة من الله المغفرة و الرحمة. و من الملائكة دعاؤهم و طلبهم إنزال الرحمة.

(یاد رود) فرستد بر شما (او) و فرشتگانش تا برون آرد شما را از تاریکیها بسوی روشنائی و بوده است بمؤمنان مهربان» (سوره احزاب آیه ۴۳).

توضیح

- استشهد بآیه شریفه برای اثبات این معنا است که چگونه خداوند و فرشتگانش صلوات و درود بر کسی فرستند، و در اینکه صلوات خدا و فرشتگان بر مردم چیست و چگونه است مورد اختلاف است

طبرسی (ره) گوید

: صلوات از خدا آمرزش و رحمت است، و گفته شده: ثنا و ستایش است، و برخی گفته‌اند: کرامت و بخشندگی است، و اما صلوات فرشتگان همان دعای آنها است چنان که از ابن عباس نقل شده، و گفته شده: درخواست آنها است از خدای تعالی برای فرو فرستادن رحمت.

۱۵ **عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَنْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَتَوْضَعُ أَعْمَالَهُ فِي الْمِيزَانِ فَتَمِيلُ بِهِ^۱ فَيُخْرَجُ ص الصَّلَاةِ عَلَيْهِ فَيَضَعُهَا فِي مِيزَانِهِ فَيَرْجَحُ بِهِ.**

محمد بن مسلم از یکی از دو امام باقر و صادق علیهما السلام حدیث کند که فرمود: در میزان (و ترازوی اعمال در قیامت) چیزی سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست، و همانا مردی باشد که اعمالش را در میزان گذارند و سبک باشد، پس ثواب صلوات او درآید و آن را در میزان نهد پس بسبب آن سنگین گردد و (بر کفه دیگر) بچربد.

۱۶ **عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهِورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ رِجَالِهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ثُمَّ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَ يَدَعَ الْوَسْطَ إِذَا كَانَتْ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَا تُحَجَبُ عَنْهُ^۲.**

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که بدرگاه خدای عز و جل حاجتی دارد باید بصلوات بر محمد و آلش شروع کند، و سپس حاجت خود را بخواهد، و در آخر هم بصلوات بر محمد و آل محمد پایان دهد، زیرا که خدای عز و جل کریم‌تر از آن است که دو طرف (دعا) را بپذیرد، و وسط (دعا) را واگذارد (و باجابت نرساند) زیرا صلوات بر محمد و آل محمد محبوب نیست (و بدون برخورد بحجابی بالا رود).

^۱ (۲) فی بعض النسخ [فیمیل].

^۲ (۳) أي معروفة إلى الله مقبولة أبدا.

۱۷ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانَ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ نُعَيْمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِزِّي دَخَلْتُ الْبَيْتَ وَ لَمْ يَحْضُرْنِي شَيْءٌ مِنَ الدُّعَاءِ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَخْرُجْ أَحَدٌ بِأَفْضَلٍ مِمَّا خَرَجْتَ بِهِ.

عبد السلام بن نعیم گوید: بامام صادق علیه السلام عرض کردم: من وارد خانه (کعبه) شدم و هیچ دعائی بخاطر نداشتم جز صلوات بر محمد و آل محمد؟ فرمود: آگاه باش که هیچ کس مانند تو (در فضیلت و ثواب) از خانه بیرون نیامده است.

۱۸ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع فَقَالَ لِي مَا مَعْنَى قَوْلِهِ- وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى^۱ قُلْتُ كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ قَامَ فَصَلَّى فَقَالَ لِي لَقَدْ كَلَّفَ اللَّهُ-عَزَّ وَ جَلَّ هَذَا هَذَا شَطَطًا فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَكَيْفَ هُوَ فَقَالَ كُلَّمَا ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

عبید الله بن عبد الله دهقان گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شدم، پس آن حضرت بمن فرمود: معنای گفتار خداوند چیست؟ (که فرماید:) و یاد کرد نام پروردگارش را پس صلوات بجا آورد «(سوره اعلی آیه ۱۵) من عرض کردم: یعنی هر زمان نام پروردگارش را بیاد آورد برخاست پس نماز خواند (و صلاة بمعنای نماز است) فرمود: (اگر این طور باشد) پس خدا بحقیقت تکلیفی نابجا و بیرون از طاقت و توانائی کرده است؟ عرض کردم: قربانت پس معنای آن چگونه است؟ فرمود: هر گاه نام پروردگارش را یاد کند بر محمد و آل او صلوات فرستد.

توضیح

- مجلسی (ره) پس از نقل تفاسیر زیادی که از معصوم علیه السلام و غیر او در تفسیر آیه رسیده که صلاة در آیه «فصلی» را بتوحید، و ذکر قلبی، و ذکر زبانی- یعنی الله اکبر-، و نماز در صحرا، و نماز فطر و أضحی، تفسیر کرده اند گوید: منافاتی میان این روایت و آن روایات نیست، زیرا این نیز یکی از معانی آیه و بطنی از بطون آن میباشد.

۱۹- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحِ الْأَسَدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ وَ آلَهُ ص فِي صَلَاتِهِ يُسَلِّكُ بِصَلَاتِهِ عَيْرَ سَبِيلِ الْجَنَّةِ^۲ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ دَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ وَ قَالَ ص وَ مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ خَطِيءٌ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه یکی از شماها نماز بخواند و در نماز خود نام پیغمبر (ص) [و آل او] را نبرد، با این نماز بجز راه بهشت می رود (یعنی این نماز او را بیبهشت نخواهد برد). و رسول خدا (ص) فرمود: هر کس که من نزد او نامم برده شود

^۱ (۴) الأعلی: ۱۵.

^۲ (۱) الشطط: مجاوزة القدر في كل شيء. یعنی لو كان كذلك لكان التكليف فوق الطاقة

^۳ (۲) «قال رسول الله» في الموضوعين الظاهر أنه من تنمة رواية الصادق عليه السلام و يحتمل أن يكونا حديثين مرسلين. و «يسلك» على بناء المجهول و الباء في «بصلاته» للتعدية و الظرف نائب للفاعل و «غير» منصوب بالظرفية كناية عن عدم رفعها. و اثابنها في عليين إشارة إلى قوله تعالى: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَنْبِيَاءِ لَفِي عِلِّيِّينَ» (آت).

و بر من صلوات نفرستد بدوزخ رود، پس خدایش (از رحمت خود) دور کند. و فرمود (ص): و هر کس که من نزدش نام برده شوم و صلوات (فرستادن) را بر من فراموش کند از راه بهشت بخطا رفته است.

۲۰- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ^۱ عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ ذَكَرْتُمْ عِنْدَهُ فَتَنَسِيَّ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ خَطَأً اللَّهُ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ^۲.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: هر که من نزدش نام برده شوم و فراموش کند که بر من صلوات نفرستد خداوند او را براهی جز راه بهشت برد.

۲۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَمِعَ أَبِي رَجُلًا مُتَعَلِّقًا بِالْبَيْتِ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فَقَالَ لَهُ أَبِي يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَبْتُرْهَا^۳ لَا تَطْلُمْنَا حَقْنَا قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ^۴.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: پدرم شنید که مردی پیرده کعبه در آویخته و میگوید:

«اللهم صل على محمد»

(و نامی از آل محمد دنبال آن نمی برد) پدرم باو فرمود: ای بنده خدا بریده اش مکن، و در باره حق ما بما ستم مکن، و بگو:

«اللهم صل على محمد و أهل بيته»

بَابُ مَا يَجِبُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ مَجْلِسٍ

باب آنچه لازم است از ذکر خدای عز و جل در هر مجلسی

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْجَارُودِ الْهَدَلِيِّ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا مِنْ مَجْلِسٍ يَجْتَمِعُ فِيهِ أُتْرَارٌ وَ فُجَارٌ فَيُتْمَوْنَ عَلَى غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا كَانَ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

^۱ (۳) في بعض النسخ [عبسة بن هشام].

^۲ (۴) بدل على أن النسيان من الله عقوبة له على بعض اعماله الرذيلة فحرم بذلك تلك الفضيلة و ان لم يكن معاقبا بذلك لقوله صلى الله عليه و آله: رفع عن أمتي الخطاء و النسيان إلخ. و يمكن أن يكون هذا القول لبيان لزوم الاهتمام بهذا الامر.

^۳ (۵) البتر: القطع.

^۴ كليبي، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هیچ مجلسی نباشد که در آن نیکان و بدکاران گرد هم اجتماع کنند که بی‌یاد خدای عز و جل از آن برخیزند جز اینکه در روز قیامت برای آنها مایه حسرت و افسوس باشد.

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: مقصود از ذکر هر آن چیزی است که سبب یاد آوری خدای سبحان در خاطر انسانی گردد، و نیز موجب فرمانبرداری از دستورات خدا و واگذاریدن نهیهای او، و تفکر در آنچه جایز است از صفات خداوند و محامد او، و تذکر تمامی اینها بدل و زبان، و یادآوری پیمبران و ائمه دین و بیان مناقب و فضائل و برهان بر امامت آنها- چنانچه در حدیث آمده که ذکر ما ذکر خدا است و ذکر دشمنان ما ذکر شیطان است- و هم چنین یاد آوری معاد و حشر و حساب- تا آنکه گوید:- ولی عبادات اختراعی و اذکاری که بدعت باشد آنها ذکر خدا نیست.

۲- **مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسٍ قَوْمٌ لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَمْ يَذْكُرُونَا إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذِكْرِ عَدُوِّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ.**

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: هیچ مردمی، در انجمنی فراهم نشوند که در آن ذکر خدای عز و جل و ذکر ما نباشد جز اینکه آن انجمن در روز قیامت مایه حسرت و افسوس آنان باشد، سپس فرمود:

(پدرم) حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمود: همانا ذکر ما ذکر خدا است و ذکر دشمن ما ذکر شیطان است.

۲- **وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْتَنَالَ بِالْمِكْيَالِ الْأَوْفَى فَلْيُقْلِلْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ- سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.**

حضرت باقر علیه السلام فرمود: هر که خواهد به پیمانۀ تمام مزد برد (و) بکاملترین وجهی بی‌کم و کاست از خدا ثواب دریافت کند) باید هنگامی که میخواهد از جای خود برخیزد بگوید:

«سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

۳- **مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الشُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ الَّتِي لَمْ تُغَيَّرْ أَنَّ مُوسَى ع سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ يَا رَبُّ أَ قَرِيبٌ أَنْتَ مِنِّي فَأُنَاجِيكَ أَمْ بَعِيدٌ فَأُنَادِيكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ**

^۱ (۲) في أكثر النسخ [ثم قال أبو جعفر].

وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى أَنَا جَلِيسٌ مَنْ ذَكَرَنِي فَقَالَ مُوسَى فَمَنْ فِي سِتْرِكَ يَوْمَ لَا سِتْرَ إِلَّا سِتْرُكَ فَقَالَ الَّذِينَ يَذْكُرُونِي فَأَذْكُرُهُمْ وَ يَتَحَابُّونَ فِيَّ فَأُحِبُّهُمْ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِسُوءٍ ذَكَرْتُهُمْ فَدَفَعْتُ عَنْهُمْ بِهِمْ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: در آن توراتی که دست نخورده (و مانند این توراۀ فعلی که تحریف شده نیست) نوشته است که موسی علیه السلام از خداوند پرسشی کرده عرضکرد: پروردگارا آیا تو بمن نزدیکی تا با تو آهسته راز گویم یا از من دوری تا فریادت کنم؟ خدای عز و جل باو وحی فرمود: ای موسی من همنشین آن کسم که مرا یاد کند، موسی عرضکرد: کیست که در پناه تو است روزی که پناهی جز پناه تو نیست؟ فرمود: آنان که مرا یاد کنند پس من نیز آنها را یاد کنم، و در راه من (یا بخاطر خشنودی من) با هم دوستی کنند، پس من نیز آنها را دوست دارم، اینهایند که چون خواهم بأهل زمین بلا و بدی برسام یادشان کنم و بخاطر آنها آن بدی را از اهل زمین دفع کنم.

شرح

- مجلسی (ره) در شرح کلام اول حضرت موسی علیه السلام گوید: گویا غرض پرسش از آداب دعا است با اینکه میدانست که او بما از رگ گردن نزدیکتر است، یعنی: آیا دوست داری مانند نزدیکان با تو راز گویم یا مانند دوران فریادت کنم، و بیانی سادهتر: چون بتو نگاه کنم پس تو از هر نزدیکی نزدیکتری، و چون بخود نظر افکنم خود را در منتهای دوری از تو بینم، پس ندانم که هنگام دعاء بدرگاہت بحال خودم نگاه کنم یا بحال تو.

۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ يُصَلُّوا عَلَيَّ نَبِيِّهِمْ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً وَ وَبَالًا عَلَيْهِمْ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده: هیچ مردمی نباشند که در انجمنی گرد هم آیند و نام خدای عز و جل را نبرند، و بر پیغمبر (ص) صلوات نفرستند جز اینکه آن مجلس مایه حسرت و زیان بر آنها باشد.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِذِكْرِ اللَّهِ وَ أَنْتَ تَبُولُ فَإِنَّ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ فَلَا تَسْأَمُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ.^۱

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: ذکر خدا در هنگامی که بول کنی عیب ندارد زیرا ذکر خدا در هر حالی نیکو است، پس از ذکر خدا خسته مشو.

^۱ (۱) سَأَمٌ يَسْأَمُ سَأَمًا وَ سَأَمًا وَ سَأَمَةً: الشيء مَلَهُ. فهو سؤوم.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى ع يَا مُوسَى ع لَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ وَ لَا تَدْعُ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ وَ إِنَّ تَرْكَ ذِكْرِي يُفْسِي الْقُلُوبَ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: خدای عز و جل بموسی وحی کرد: ای موسی بزیرادی مال شاد مشو، و ذکر مرا در هر حالی وامگذار (از یاد من بیرون مرو) زیرا زیرادی مال گناهان را فراموش سازد، و واگذاردن ذکر من دلها را سخت کند.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ النَّبِيِّ لَمْ تُعَيَّرْ أَنَّ مُوسَى سَأَلَ رَبَّهُ فَقَالَ إلهي إِنَّهُ يَأْتِي عَلَيَّ بِجَالِسٍ أُعْزِكُ وَ أُجَلِّكَ أَنْ أَدُكَّرَكَ فِيهَا فَقَالَ يَا مُوسَى إِنَّ ذِكْرِي حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

امام باقر علیه السلام فرمود: در آن توراتی که تغییری در آن داده نشده است (و محرف نیست) نوشته است: که همانا موسی از پروردگار پرسید و عرضکرد: بار الها هر آینه گاهی مجلسی برای من پیش آید که من تو را عزیزتر و والاتر دهم از اینکه در آن مجلسها یاد تو کنم (و نامت را برم).

فرمود: ای موسی یاد من کردن در هر حال خوب است.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُوسَى أَكْثَرَ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ كُنْ عِنْدَ ذِكْرِي خَاشِعًا وَ عِنْدَ بَلَاتِي صَابِرًا وَ اطمئنَّ عِنْدَ ذِكْرِي وَ اعْبُدْنِي وَ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا إِلَيَّ الْمَصِيرُ يَا مُوسَى اجْعَلْنِي دُخْرَكَ وَ ضَعْ عِنْدِي كَنْزَكَ مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل بموسی فرمود: در شب و روز مرا بسیار یاد کن و هنگام ذکر من خاشع باش، و بهنگام بلایم شکيبا باش، و پیش ذکر من آسوده باش (چون با ذکر من دل آسوده شود) و مرا پیرست و چیزی را شریک من قرار مده، بازگشت بسوی من است، ای موسی مرا (برای روز درماندگی) ذخیره خود ساز، و گنج کردارهای شایسته و پاینده خود را بمن بسپار.

۱۰- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُوسَى اجْعَلْ لِسَانَكَ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِكَ تَسْلَمَ وَ أَكْثَرَ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ لَا تَتَّبِعِ الْخَطِيئَةَ فِي مَعْدِنِهَا فَتَنْدَمَ فَإِنَّ الْخَطِيئَةَ مَوْعِدُ أَهْلِ النَّارِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: خدای عز و جل بموسی فرمود: زبانت را دنبال دلت قرار ده تا سالم بمانی، و در شب و روز مرا بسیار یاد کن و گناه را از کان و معدنش دنبال مکن که پشیمان شوی، زیرا خطا کاری و گناه وعده گاه اهل دوزخ است.

^۱ (۱) أي لا يجالس أهل الخطيئة الذين هم معدنهما فتشرك معهم.

شرح

- فیض (ره) گوید: «زیانت را دنبال دلت قرار ده» یعنی در آنچه میخواهی بدان تکلم کنی و بگوئی اول تأمل کن (و بین چگونه است) آنگاه بگو، زیرا اگر چنین کردی از خطا و پشیمانی سالم بمانی. و در جمله «و گناه را از معدنش...» گوید: یعنی با اهل خطا که معدن آن هستند همنشینی مکن زیرا تو نیز با آنان شریک گردی و بر آن پشیمان شوی.

۱۱- وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: فِيمَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى ع قَالَ يَا مُوسَى لَا تَنْسِنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ فَإِنَّ نِسْيَانِي يُمِيتُ الْقَلْبَ.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: در آنچه خدا با موسی مناجات کرد (این بود که) فرمود:

ای موسی مرا در هیچ حالی فراموش مکن زیرا که فراموش کردن من دل را میمیراند.

۱۲ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا ابْنَ آدَمَ ادْكُرْنِي فِي مَلَأٍ أَدْكُرُكَ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْ مَلَأِكَ.

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل فرماید: ای فرزند آدم مرا در میان مردم یاد کن تا من تو را در میان گروهی بهتر (یعنی فرشتگان) یاد کنم.

شرح

- فیض (ره) گوید: شاید مقصود از ذکر در ملاء ستایش او باشد بطوری که مردم بشنوند و آنها را بیاد خدا اندازد. و مجلسی (ره) گوید: این خبر را عامه نیز روایت کرده‌اند، و مقصود از گروه بهتر فرشتگانند چنانچه عامه نیز گفته‌اند و آنان که گویند: فرشتگان بهتر از افراد بشر هستند باین حدیث تمسک جستند.

۱۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ ابْنِ حُبُوبٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ مِنَ النَّاسِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ.^۱

و نیز فرمود: خدای عز و جل فرموده: هر که در میان دسته‌ای از مردم مرا یاد کند من او را در میان دسته‌ای از فرشتگان یاد کنم.

^۱ (۲) هذا لا ينافي كون بعض البشر أشرف من الملك إذ لا شك أن الملك أشرف من أكثر الناس على أنه يمكن أن يكون المراد من الملا ارواح الأنبياء و المرسلين او المشتمل عليهم عليهم السلام و الله تعالى يعلم (آت).

بَابُ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَثِيرًا

باب بسیار ذکر خدای عز و جل کردن

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرَ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْفَرَائِضَ فَمَنْ آذَاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ وَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَمَنْ صَامَهُ فَهُوَ حَدُّهُ وَ الْحَجَّ فَمَنْ حَجَّ فَهُوَ حَدُّهُ إِلَّا الذِّكْرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا فَقَالَ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ قَالَ وَ كَانَ أَبِي ع كَثِيرَ الذِّكْرِ لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ وَ آكُلُ مَعَهُ الطَّعَامَ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ وَ لَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَ مَا يَشْعَلُهُ ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ كُنْتُ أَرَى لِسَانَهُ لَا يَزِقًا بِحَنَكِهِ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ كَانَ يَجْمَعُنَا فَيَأْمُرُنَا بِالذِّكْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ يَأْمُرُ بِالْقِرَاءَةِ مَنْ كَانَ يَقْرَأُ مِنَّا وَ مَنْ كَانَ لَا يَقْرَأُ مِنَّا أَمَرَهُ بِالذِّكْرِ وَ الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ يُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يُضِيءُ الْكَوْكَبُ الدَّرِّيُّ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ الْبَيْتُ الَّذِي لَا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ لَا يُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ تَقِلُّ بَرَكَتُهُ وَ تَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أ لَا أُخِيرُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ لَكُمْ أَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَ أَرْكَأَهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنَ الدِّينَارِ وَ الدِّرْهَمِ وَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقُوا عَدُوَّكُمْ فَتَقْتُلُوهُمْ وَ يَقْتُلُوكُمْ فَقَالُوا بَلَى فَقَالَ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَثِيرًا ثُمَّ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ مَنْ خَيْرٌ أَهْلِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ أَكْثَرُهُمْ لِلَّهِ ذِكْرًا وَ قَالَ- رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى- وَ لَا تَمُنَّ نَسْتَكْبِرُ^۲ قَالَ لَا تَسْتَكْبِرُ مَا عَمِلْتَ مِنْ خَيْرٍ لِلَّهِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیز نیست جز آنکه برای آن حدی (و اندازه‌ای) است که بدان پایان پذیرد مگر ذکر که حدی ندارد تا پایان پذیرد، خدای عز و جل فرائض را واجب کرده و هر که آنها را بجای آورد همان حد و انتهای آنها است، و ماه رمضانست پس هر که آن را روز دارد همان حد آن است، و حج (واجب است) و هر که حج کرد پایان رسانده، مگر همان ذکر که براستی خدای عز و جل باندک آن راضی نشده و انتها و حدی برای آن قرار نداده که بدان پایان یابد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ای آنان که ایمان آوردید یاد کنید خدا را بسیار، و تسبیحش گوئید بامدادان و شامگاهان» (سوره احزاب آیه ۴۱- ۴۲) پس فرمود: خدای عز و جل برای آن حدی که بدان پایان پذیرد قرار نداده است.

فرمود: و پدرم فراوان ذکر خدا میکرد، (گاهی) من بهمراه او میرفتم و او ذکر خدا میکرد، با او غذا میخوردم او ذکر خدا میکرد، و (گاهی) با مردم گفتگو میکرد ولی آن از ذکر خدا بازش نمیداشت و من میدیدم زبانش را که چسبیده بکامش بود و میگفت: «

لا اله الا الله

^۱ (۱) الأحزاب: ۴۲ و الاصل الوقت بعد العصر و المغرب.

^۲ (۲) المدثر: ۶.

« و پیوسته ما را انجمن میکرد، و ما را بذکر خدا فرمان میداد تا آفتاب بزند، و هر کدام ما که خواندن (قرآن) میدانستیم دستور بخواندن میداد، و هر کدام نمیدانست باو دستور ذکر میفرمود.

در هر خانه‌ای که قرآن خوانده شود و ذکر خدای عز و جل شود برکت آن خانه زیاد گردد، و فرشتگان در آن خانه آیند، و شیاطین از آن دوری کنند، و برای اهل آسمان بدرخشد چنانچه ستاره فروزان برای اهل زمین میدرخشد، و (اما) خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نشود و خدا در آن خانه ذکر نشود برکتش کم شود و فرشتگان از آن دوری کنند و شیاطین در آن خانه درآیند.

و بتحقیق رسول خدا (ص) فرموده: آیا شما را آگاه نکم به بهترین کارهایتان که در درجات شما از همه کارها بالاتر، و نزد خداوند از همه پاکتر و پاکیزه‌تر است، و برای شما از دینار (طلا) و درهم (نقره) بهتر، و از اینکه با دشمن خودتان برخورد کنید (و جهاد کنید) و شما آنها را بکشید و آنها شما را بکشند خوبتر است؟ عرضکردند: چرا، فرمود: آن بسیار ذکر خدا کردنست، سپس فرمود: مردی خدمت پیغمبر (ص) فرمود: هر که زبانی گویای بذکر خدا باو داده شده است خیر دنیا و آخرت باو داده شده، و در باره گفتار خدای تعالی: «و منت منه که فرونی جوئی» (سوره مدثر آیه ۶) فرمود، (یعنی) آنچه کار خیر برای خدا کردی آن را بیش مشمار.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حُنَافٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: شَيْعَتُنَا الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَّرُوا اللَّهَ كَثِيرًا.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: شیعیان ما آتھائی هستند که هر گاه تنها باشند ذکر خدا بسیار کنند.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كُتِبَتْ لَهُ بَرَاءَتَانِ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّفَاقِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده: هر که ذکر خدای عز و جل را بسیار کند خداوند او را دوست دارد، و هر که ذکر خدا را بسیار کند برای او دو براءت (یعنی منشور آزادی) نوشته شود، یکی براءت از دوزخ، و دیگری براءت از نفاق (و دورویی).

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ بَكْرِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ع- مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: تسبیح فاطمه زهرا علیهما السلام از جمله ذکر بسیاری است که خدای عز و جل فرموده است: «خدا را یاد کنید یاد کردن بسیار» (سوره احزاب آیه ۴۱). و نیز مانند این حدیث را سعید أعرج از آن حضرت علیه السلام روایت کرده است.

- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدِ الشَّحَامِ وَ مَنْصُورِ بْنِ حَارِثٍ وَ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع
مِثْلَهُ.

۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ دَاوُدَ الْحَمَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَظَلَّهُ
اللَّهُ فِي جَنَّتِهِ.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: هر که بسیار ذکر خدای عز و جل را کند خداوند او را در بهشتش در کنف رحمت خود
جا دهد.

بَابُ أَنْ الصَّاعِقَةَ لَا تُصِيبُ ذَاكِرًا

باب اینکه صاعقه (آتشی که در رعد و برق شدید از آسمان فرو ریزد) شخص ذاکر را نگیرد

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُضَنَّبِلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ
اللَّهِ ع قَالَ: يَمُوتُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ مَيْتَةٍ إِلَّا الصَّاعِقَةَ- لَا تَأْخُذُهُ وَ هُوَ يَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: مؤمن بهر مرگی میمیرد جز بصاعقه زیرا در حالی که او ذکر خدای عز و جل میکند باو
اصابت نکند.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرَةَ عَنِ ابْنِ أُدَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الصَّوَاعِقَ لَا
تُصِيبُ ذَاكِرًا قَالَ قُلْتُ وَ مَا الذَّاكِرُ قَالَ مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ.

برید بن معاویه عجلای گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: صاعقه‌ها بکسی که ذکر خدا گوید و ذاکر است اصابت
نکنند، گوید: من عرض کردم: ذاکر کیست؟ فرمود: آنکه صد آیه بخواند.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: یعنی در هر روز و شب صد آیه بخواند یا در هر يك از شب و روز.

۳- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ مَيْتَةِ الْمُؤْمِنِ
قَالَ يَمُوتُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ مَيْتَةٍ- يَمُوتُ عَرَقًا وَ يَمُوتُ بِالْهَدْمِ وَ يُبْتَلَى بِالسَّيْبِ وَ يَمُوتُ بِالصَّاعِقَةِ وَ لَا تُصِيبُ ذَاكِرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

ابو بصیر گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از مردن مؤمن؟ فرمود: مؤمن بهر مردنی میمیرد: بوسیله غرق شدن بمیرد،
بزیر آوار ماندن بمیرد، بدرنده دچار گردد، بصاعقه بمیرد، ولی این صاعقه به ذکرکننده خدای عز و جل اصابت نکند (و نرسد).

بَابُ الْإِسْتِغَالِ بِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

باب سرگرم شدن بذكر خدا

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ مَنْ شُغِلَ بِذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي أُعْطِيَتهُ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ مَنْ سَأَلَنِي.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا خدای عز و جل فرماید: هر که بسبب ذکر من از درخواست و پرسش از من سرگرم شود (بطوری که درخواست و حاجت خود را فراموش کند) باو بدهم بهتر از آنچه میدهم بآن کس که از من درخواست کند. (و ذکر من او را سرگرم نکرده).

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونسَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ الْحَاجَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَبْدَأُ بِالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى يَنْسَى حَاجَتَهُ فَيَقْضِيهَا اللَّهُ لَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْأَلَهُ بِهَا.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: همانا بندهای بخدای عز و جل حاجتی دارد، و به ثناء و ستایش بر خدا و صلوات بر محمد و آل محمد شروع کند تا اینکه حاجت خود را فراموش کند (و سرگرم ثناء بر خدا و صلوات شود) پس خداوند حاجت او را برآورد بی آنکه در باره آن درخواستی کرده باشد.

بَابُ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي السِّرِّ

باب ذکر خدای عز و جل در نهران

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ ذَكَرَنِي سِرًّا ذَكَرْتُهُ عَلَانِيَةً.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خدای عز و جل فرموده: هر که مرا در نهران یاد کند من او را آشکارا یاد کنم.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: ذکر نھانی یعنی در دل یا در خلوت و تنھائی یا آھسته گفتن در برابر بلند گفتن (که بر تمامی اینھا صادق است).

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ الْخِصَافِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي السِّرِّ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا إِنَّ الْمُنَافِقِينَ كَانُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَلَانِيَةً وَ لَا يَذْكُرُونَهُ فِي السِّرِّ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- يُرَاؤُنَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا^۱.

ابی مغرای خصاف در حدیث مرفوعی از امیر المؤمنین علیه السلام حدیث کند که فرمود: هر کس خدای عز و جل را در نهان یاد کند (از جمله کسانی است که) ذکر خدا را بسیار کرده، زیرا منافقان را شیوه این بود که آشکارا (پیش مسلمانان) ذکر خدا میکردند ولی در نهان ذکر خدا نمیکردند، پس خدای عز و جل فرمود: «خودنمایی کنند بمردم و یاد نکنند خدا را جز اندکی» (سوره نساء آیه ۱۴۲).

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِعِيسَى ع يَا عِيسَى اذْكُرْنِي فِي نَفْسِكَ اذْكُرْكَ فِي نَفْسِي وَ اذْكُرْنِي فِي مَلِكِكَ^۲ اذْكُرْكَ فِي مَلَأِ خَيْرٍ مِنْ مَلَأِ الْأَدَمِيِّينَ يَا عِيسَى أَلَنْ لِي قَلْبَكَ وَ أَكْثَرَ ذِكْرِي فِي الْخَلْقَاتِ وَ اعْلَمْ أَنَّ سُورِي أَنْ تُبْصِصَ^۳ إِلَيَّ وَ كُنْ فِي ذَلِكَ حَيًّا وَ لَا تُكُنْ مَيِّتًا.

ابن فضال در حدیث مرفوعی (که سند آن را بمعصوم رسانده) حدیث کند که خدای عز و جل بعیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی مرا در خاطر خود یاد کن تا من نیز تو را بیاد آرم، و مرا در میان مردمان یاد کن تا من نیز تو را در میان جمعی بهتر از جمع آدمیان (یعنی فرشتگان) یاد کنم، ای عیسی دلت را برای من نرم کن و در تنهاییها بسیار مرا یاد کن و بدان که شادی من باینست که برای من تواضع کنی، و در این باره زنده (دل) باش و مرده (دل و افسرده) مباش.

شرح

- مجلسی (ره) در اینکه «نفس» در این حدیث معنای آن چیست؟ وجوهی نقل کند و بالاخره آن را بمعنای ذات گرفته و همین معنا را تقویت نموده و معانی دیگر را چندان مناسب با این حدیث نداند. سپس گوید: و برخی گفته‌اند: فرمایش خداوند: «اذکرک فی نفسی» مقصود پاداش آن ذکر است، یعنی پاداش و ثواب ذکر تو را میدهم و پاداش ذکر ذکر نامیده شده و مقصود ذکر در مقابل نسیان نیست، زیرا ذکر باین معنی در خدا هست چه آنکه بنده او را یاد کند و چه نکند، یا مقصود این است که تو را یاد کنم بطوری که احدی مطلع نشود.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: لَا يَكْتُبُ الْمَلَكُ إِلَّا مَا سَمِعَ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ خِيفَةً؛ فَلَا يَعْلَمُ ثَوَابَ ذَلِكَ الذِّكْرِ فِي نَفْسِ الرَّجُلِ عِزُّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِعَظَمَتِهِ.

^۱ (۱) النساء: ۱۴۲.

^۲ (۱) فی بعض النسخ [ملی].

^۳ (۲) التبصص: التملق. و تبصص الكلب بذنبه إذا حركه و انما يفعل ذلك من خوف أو طمع.

^۴ (۳) الأعراف: ۲۰۴.

زراره از یکی از دو امام باقر و یا امام صادق علیهما السلام حدیث کند که فرمود: فرشته ننویسد جز آنچه را بشنود، و خدای عز و جل فرموده است: «و یاد کن پروردگار خویش را در درون خود بزاری و ترس» (سوره اعراف آیه ۲۰۵) پس بجز خدای عز و جل ثواب این ذکر را که درون مرد باشد کسی نداند برای بزرگی آن ذکر.

بَابُ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْغَافِلِينَ

باب ذکر خدای عز و جل در میان غافلان (و بی‌خبران از حق)

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الذَّاكِرُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْمُحَارِبِينَ^۱.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: کسی که در میان بی‌خبران یاد خدای عز و جل کند مانند کسی است که در میان جنگجویان (فراری یا آنان که هستند ولی جنگ نکنند) باشد، و (تنها او) بجنگد (و از دیگران دفاع کند).

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: یعنی بواسطه او دفع ضرر از غافلان می‌شود چنانچه بخاطر آن یکنفر مجاهد دفع دشمن از دیگران بشود. و در بعضی از نسخه‌ها «هارین» بجای «محرابین» است که بمعنای «فراریان» است.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاكِرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِسِ وَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِسِ لَهُ الْجَنَّةُ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: یادکننده خدای عز و جل در میان غافلان چون کسی است که (در میدان جنگ با دشمنان دین) جنگ کند بجای گریخته‌ها (بخاطر دفاع از آنها که دشمن آنها را تعقیب نکنند) و هر که بجای گریخته‌ها جنگ کند بهشت برای او (لازم) گردد.

بَابُ التَّحْمِيدِ وَ التَّمْجِيدِ

باب تحمید (یعنی ستایش کردن) و تمجید (یعنی بزرگی و نیکی ستودن)

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَّاطِ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ عَلَّمَنِي دُعَاءَ جَامِعاً فَقَالَ لِي أَحْمَدُ اللَّهُ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى أَحَدٌ يُصَلِّي إِلَّا دَعَا لَكَ يَمُنُّ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ.

^۱ (۴) في بعض النسخ [في الحاربيين] و في بعضها [عن الحاربيين].

مفضل گوید: بامام صادق علیه السلام عرضکردم: قربانت گردهم دعاء جامعی (یعنی تمام و کاملی) بمن بیاموز، فرمود: خدا را ستایش کن زیرا هیچ نمازگزاری نیست جز اینکه (آن زمان) برای تو دعا کند (زیرا هر نمازگزاری در نماز) میگوید: (سمع الله لمن حمده یعنی): خدایا بشنو سخن کسی که تو را ستایش کند.

۲- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ أَنْ تُحَمِّدَهُ.

محمد بن مروان گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرضکردم: چه عملی بدرگاه خدای عز و جل محبوبترین همه اعمال است؟ فرمود: اینکه او را ستایش کنی.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَنْبَارِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَحْمَدُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثِمِائَةَ مَرَّةٍ وَ سِتِّينَ مَرَّةً عَدَدَ عُزُوقِ الْجَسَدِ يُقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) چنان بود که روزی سیصد و شصت بار خدا را حمد (و ستایش) میکرد بشماره رگهای بدن، (و این گونه میفرمود: «

الحمد لله رب العالمين كثيرا على كل حال»

(یعنی ستایش مخصوص پروردگار جهانیانست بسیار بر هر حال).

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فِي ابْنِ آدَمَ ثَلَاثِمِائَةَ وَ سِتِّينَ عِزْقًا مِنْهَا مِائَةٌ وَ ثَمَانُونَ مُتَحَرِّكَةٌ وَ مِنْهَا مِائَةٌ وَ ثَمَانُونَ سَاكِنَةٌ فَلَوْ سَكَنَ الْمُتَحَرِّكُ لَمْ يَنَمْ وَ لَوْ تَحَرَّكَ السَّاكِنُ لَمْ يَنَمْ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَصْبَحَ قَالَ- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ ثَلَاثِمِائَةَ وَ سِتِّينَ مَرَّةً وَ إِذَا أَمْسَى قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ.

يعقوب بن شعيب گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام میفرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: همانا در (بدن) آدمیزاد سیصد و شصت رگ است، که يك صد و هشتاد رگ از آنها میجنبند و يك صد و هشتاد رگ دیگرش ساکن است، پس اگر یکی از رگهای جنبنده ساکن شود (آدمیزاد) خوابش نبرد، و اگر یکی از رگهای ساکن بجنبش درآید خوابش نبرد، و رسول خدا (ص) چنان بود که چون بامداد میکرد سیصد و شصت بار میفرمود: «الحمد لله رب العالمين كثيرا على كل حال»، و چون شام میکرد مانند آن را میگفت.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مَسْعُودٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحَ- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ يَوْمِهِ وَ مَنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ لَيْلَتِهِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که چون صبح کند چهار بار بگوید: «الحمد لله رب العالمین» هر آینه شکر آن روزش را ادا کرده، و هر که آن را همین که شام کرد بگوید هر آینه شکر آن شبش را ادا کرده است.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُلُّ دُعَاءٍ لَا يَكُونُ قَبْلَهُ تَحْمِيدٌ فَهُوَ أَبْتَرٌ إِنَّمَا التَّحْمِيدُ ثُمَّ الثَّنَاءُ فُلْتُ مَا أَدْرِي مَا يُجْزِي مِنَ التَّحْمِيدِ وَ التَّمَجِيدِ قَالَ يَقُولُ- اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

برخی از یاران علی بن حسان از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: هر دعائی که پیش از آن حمد و ستایش (خداوند) نباشد آن ناقم و بی بریده است، حمد باید و سپس ثناء گوئی او، عرض کردم: من نمیدانم چه اندازه از تحمید و تمجید کفایت کند؟ فرمود: میگوید:

«اللهم انت الاول فليس قبلك شيء، و انت الآخر فليس بعدك شيء، و انت الظاهر فليس فوقك شيء، و انت الباطن فليس دونك شيء، و انت العزيز الحكيم»

۶- وَ هَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع مَا أَدْنَى مَا يُجْزِي مِنَ التَّحْمِيدِ قَالَ تَقُولُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

و نیز گوید: از آن حضرت پرسیدم در تحمید (و سپاس گوئی خداوند) چه اندازه بس است؟

فرمود: میگوئی: «الحمد لله الذي علا فقهر، و الحمد لله الذي ملك فقدر، و الحمد لله الذي بطن فخبّر، و الحمد لله الذي يميت الاحياء و يحيي موتى و هو على كل شيء قدير»

بَابُ الْإِسْتِغْفَارِ

. باب استغفار (آمرزشخواهی)

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرُ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: بهترین دعا استغفار (و آمرزشخواهی) است.

شرح

^۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

- مجلسی (ره) گوید: برای آنکه آموزش مهمترین و بزرگترین خواسته‌های (دعاکننده) است، و یا برای آنست که استغفار وسیله برطرف شدن گناهان شود که آنها بزرگترین پرده‌ها و حجابهای مستجاب شدن دعاها است.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَبِي حَمِيلَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ اسْتِغْفَارِ رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَ هِيَ تَتَلَاأُ.

عبید بن زرارہ گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه بنده بسیار استغفار کند (و از خداوند آموزش خواهد) نامه عملش بالا رود در حالی که میدرخشد.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَاسِرٍ عَنِ الرُّضَا ع قَالَ: مِثْلُ اسْتِغْفَارٍ مِثْلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرَةٍ تُحْرَكُ فَيَتَنَاثَرُ وَ الْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: مثل استغفار (و ریختن گناهان بسبب آن) چون برگی است بر درختی که (در فصل پائیز آن درخت) بجنبد و آن برگ بریزد، و کسی که از گناهی استغفار کند و باز آن را انجام دهد مانند کسی است که پروردگار خود را مسخره کند.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ لَا يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ وَ إِنْ خَفَّ حَتَّى يَسْتَغْفِرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَمْسًا وَ عِشْرِينَ مَرَّةً.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: که رسول خدا (ص) را شیوه چنان بود که از هیچ مجلسی بر نمیخواست و گرچه (مدت توقفش در آن) کوتاه بود، تا اینکه بیست و پنج بار بدرگاه خدای عز و جل استغفار میکرد.

توضیح

- در باب استغفار از گناه در کتاب و کفر بیانی از مرحوم اربلی مؤلف کتاب کشف العمة در معنای استغفار رسول خدا (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام که با اینکه معصوم بودند چگونه استغفار از گناه میکردند گذشت بدان جا مراجعه شود.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَسْتَعْفِرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَبْعِينَ مَرَّةً قَالَ قُلْتُ كَانَ يَقُولُ- أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ قَالَ كَانَ يَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ يَقُولُ وَ أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ وَ أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ سَبْعِينَ مَرَّةً.

حارث بن مغیره از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: شیوه رسول خدا (ص) این بود که در هر روز هفتاد بار بدرگاه خدای عز و جل استغفار می‌کرد، و هفتاد بار توبه میکرد، گوید: عرض کردم:

(یعنی) میفرمود:

«استغفر الله و اتوب اليه»

؟ فرمود: هفتاد بار میفرمود:

أستغفر الله، أستغفر الله

، و هفتاد بار (دیگر) میفرمود:

اتوب الى الله، اتوب الى الله

۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص **الِاسْتِغْفَارِ وَ قَوْلُ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ خَيْرُ الْعِبَادَةِ قَالَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ - فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَعْفَرَ لِدُنْبِكَ^۱.**

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: استغفار و گفتن «لا اله الا الله» بهترین عبادتست، خدای عزیز جبار فرموده است: «پس بدان که نیست معبودی جز خدا، و آمرزش خواه برای گناه خویش» (سوره محمد آیه ۱۹).

بَابُ التَّسْبِيحِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ

باب تسبیح (سبحان الله گفتن) و تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و تکبیر (الله اکبر گفتن)

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَ الْفُقَرَاءُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْأَغْنِيَاءَ هُمْ مَا يُعْتَقُونَ وَ لَيْسَ لَنَا وَ هُمْ مَا يُجْحُونَ وَ لَيْسَ لَنَا وَ هُمْ مَا يَتَصَدَّقُونَ وَ لَيْسَ لَنَا وَ هُمْ مَا يُجَاهِدُونَ وَ لَيْسَ لَنَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ كَبَّرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عِتْقِ مِائَةِ رَقَبَةٍ وَ مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ سِيَاقِ مِائَةِ بَدَنَةٍ وَ مَنْ حَمِدَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ حُمَلَانِ مِائَةِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسُرْجِهَا وَ جُمُهَا وَ رُكْبِهَا وَ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ النَّاسِ عَمَلًا ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَّا مَنْ زَادَ قَالَ فَبَلَغَ ذَلِكَ الْأَغْنِيَاءَ فَصَنَعُوهُ قَالَ فَعَادَ الْفُقَرَاءُ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَلَغَ الْأَغْنِيَاءَ مَا قُلْتَ فَصَنَعُوهُ فَقَالَ - رَسُولُ اللَّهِ ص ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ*.

هشام بن سالم و ابی ایوب خزاز هر دو از حضرت صادق علیه السلام حدیث کنند که فرمود: فقراء و مستمندان خدمت رسول خدا (ص) آمدند و عرض کردند: ای رسول خدا، همانا اغنیاء و توانگران (آن اندازه مال) دارند که بنده آزاد کنند و ما نداریم؟ (و

^۱ (۱) سورة محمد ص: ۲۲ و الخطاب للنبي صلى الله عليه و آله و المراد جميع الأمة و اما خطوط بذلك لتستن أمته بسنته.

همچنین) دارند که حج کنند و ما نداریم، و (نیز) دارند چیزی که صدقه دهند و ما نداریم (و هم) دارند که چیزی بدان جهاد کنند و ما نداریم (و در نتیجه ما بواسطه نداری از ثواب این اعمال محروم و بی بهره هستیم؟) پس رسول خدا (ص) (در پاسخشان) فرمود: هر که صد بار «الله اکبر» بگوید بهتر است از آزاد کردن صد بنده، و هر که صد بار «سبحان الله» بگوید بهتر است از راندن صد شتر (برای قربانی کردن در حج) و هر که خدا را صد بار حمد گوید بهتر است از فرستادن صد اسب با زین و لجام و سوار آن در راه خدا (برای جهاد) و هر که صد بار بگوید: «لا اله الا الله» در آن روز از نظر عمل بهترین مردم است مگر (از) کسی که زیاده تر گفته باشد، (حضرت صادق علیه السلام) فرمود: این خبر بگوش اغنیاء رسید آنها (آنچه پیغمبر (ص) فرموده بود) بکار بستند، فرمود: پس فقراء دوباره نزد رسول خدا (ص) بازگشتند و عرض کردند: ای رسول خدا آنچه فرمودید بگوش اغنیاء رسید و آنان (نیز) آن را بکار بستند (و اکنون هر دو ثواب را دریافت کنند؟) فرمود: این فضل خدا است بمر که خواهد دهد.

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: ظاهر این حدیث آنست که فقراء در فضیلت باغنیاء نرسند با اینکه ثواب فقر و صبر آنها بر فقر بسیار بزرگ است چنانچه در اخبار زیادی گذشت، و اخباری نیز بود که دلالت داشت بر اینکه هر که کار خیری را آرزو کند و برایش فراهم نگردد خدای کریم ثواب آن را باو عطا فرماید، و شاید آن حضرت (ص) این مزه را بآنان نداده تا اجرشان زیاده تر باشد، یا میخواستند است آنها را ادب کند که آنچه را بوی حسد و راضی نبودن بقضا و تقدیرات خدا میدهد واگذارند.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ فَضَيْلٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَكْثَرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَ التَّكْبِيرِ.

فضیل از یکی از دو امام باقر و یا صادق علیهما السلام حدیث کند که فرمود: شنیدم از آن حضرت که میفرمود: «لا اله الا الله» و «الله اکبر» بسیار بگوئید، زیرا چیزی نزد خدای عز و جل محبوبتر از گفتن لا اله الا الله، و الله اکبر نیست.

۳ عِلِّيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع التَّسْبِيحُ نِصْفُ الْمِيزَانِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَلَأُ الْمِيزَانَ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ بِمَلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «سبحان الله» گفتن نیمی از میزان اعمال است (که نیم آن را پر کند) و «الحمد لله» همه میزان را پر کند، و «الله اکبر» میان آسمان زمین را پر کند.

شرح

- فیض (ره) گوید: شاید سرش این باشد که برای خدای سبحان صفات ثبوتی جمالی و صفات سلبی جلالی است، و هر گاه بنده ای هر دوی آنها را آورد میزانش پر شود، اما تسبیح چون فقط از صفات سلبی جلالی است نیمی از میزان پر گردد، ولی حمد

گفتن هر دو را شامل گردد، هم از صفات ثبوتی جمالی است و هم از صفات سلبی جلالی پس از این نظر حمد خدا گفتن همه میزان را پر کند، ولی باز هم تسبیح و تحمید از میزان بنده نگذردند، زیرا آن دو باندازه فهم و دانش و معرفت آن بنده در باره صفات خدا است، ولی گفتن «الله اکبر» چون يك برتری دادن مجملی است که تنها با جمال دانستن آنچه خداوند بر آن برتری دارد در این باره کافی است، پس آن میان زمین و آسمان را پر کند.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ ضُرَيْبِ بْنِ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِرَجُلٍ يَغْرَسُ غَرْسًا فِي حَائِطٍ لَهُ فَوَقَفَ لَهُ^۱ وَقَالَ لَا أَذْذُكَ عَلَى غَرْسٍ أَنْتَبْتَ أَصْلًا وَ أَسْرَعَ إِبْنَاعًا^۲ وَ أَطْيَبَ ثَمَرًا وَ أَبْقَى قَالَ بَلَى فَدَلَّنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ فَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَإِنَّ لَكَ إِنْ قُلْتَهُ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ عَشْرَ شَجَرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَاكِهَةِ وَ هُنَّ مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ فَإِنِّي أُشْهِدُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّ حَائِطِي هَذَا صَدَقَةٌ مَقْبُوضَةٌ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَهْلِ الصَّدَقَةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ - فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى^۳.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) بمردی گذر کرد که در باغش درخت میکاشت پس آن حضرت (ص) نزدش ایستاد و فرمود: تو را راهنمایی نکنم برگشت درختی که ریشه‌اش پا برجاتر و میوه‌هایش زودرس‌تر و بهتر و پاینده‌تر باشد؟ عرض کرد: چرا مرا راهنمایی فرما ای رسول خدا، فرمود:

چون بامداد کنی و شام کنی بگو:

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

زیرا اگر آن را بگوئی بشماره هر تسبیحه‌ای (یعنی هر يك مرتبه) ده درخت در بهشت داری (که هر درختی از آنها یکنوع) از انواع میوه‌ها (میدهد) و آنها از کارهای شایسته و پاینده است. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: پس آن مرد گفت: پس من شما را گواه گرفتم که این باغ من صدقه قبض شده و وقف است بر فقرای از مسلمانان که مستحق صدقه باشند، پس خدای عز و جل آیاتی از قرآن را نازل کرد: «پس اما آنکه بخشید و پرهیزکاری کرد، و تصدیق به نکوکاری کرد، زود است که راهنمویش بسوی گشایش شویم» (سوره لیل آیه‌های ۵- ۶- ۷).

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرُ الْعِبَادَةِ قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

^۱ (۱) في بعض النسخ [فوقف عليه].

^۲ (۲) أُنْبَعَتِ الثَّمَارُ أُدْرِكَتْ. وَ نِسْبَةُ الْإِبْنَاعِ هُنَا مَجَازٌ وَ اسْتَعْبِرَ لَوْصُولِ الشَّجَرَةِ حَسَدِ الْإِثْمَارِ.

^۳ (۳) اللیل: ۵- ۸.

بَابُ الدُّعَاءِ لِلْإِخْوَانِ بِظَهْرِ الْعَيْبِ

باب دعا برای برادران (دینی) در پشت سر آنان

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: أَوْشَكَ دَعْوَةَ وَ أَسْرَعُ إِجَابَةَ دُعَاءِ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْعَيْبِ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: دعائی که بیشتر امید استجابت آن می‌رود و زودتر باجابت رسد دعا برای برادر دینی است در پشت سر او.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دُعَاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْعَيْبِ يُدْرُ الرِّزْقَ وَ يَدْفَعُ الْمَكْرُوهَ^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: دعای انسان برای برادر (دینی‌اش) در غیاب او روزی را فراوان کند و از ناخوشی و بدی جلوگیری کند.

۳- عَنْهُ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى- وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ^۲ قَالَ هُوَ الْمُؤْمِنُ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْعَيْبِ فَيَقُولُ لَهُ الْمَلِكُ آمِينَ وَ يَقُولُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ وَ لَكَ مِثْلًا مَا سَأَلْتَ وَ قَدْ أُعْطِيتَ مَا سَأَلْتَ بِحُبِّكَ إِيَّاهُ.

حضرت باقر علیه السلام در تفسیر گفتار خدای تبارک و تعالی: «و می‌پذیرد از آنان که ایمان آوردند و کردار نیک کردند، و بیفزاید برای ایشان از فضل خویش» (سوره شوری آیه ۲۵) فرمود:

مقصود مؤمنی است که برای برادر (دینی) خود در پشت سر او دعا کند، پس فرشته برای دعای او آمین گوید، و خدای عزیز جبار فرماید: برای تو است دو برابر آنچه (برای برادرت) درخواست کردی، و آنچه (نیز برای او) درخواست کردی، بخاطر اینکه او را دوست داشتی بتو داده شد (و دعایت در حق او مستجاب شد).

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْقَمَاطِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع أَسْرَعُ الدُّعَاءِ بُحَاً لِلْإِجَابَةِ^۳ دُعَاءُ الْأَخِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْعَيْبِ يَبْدَأُ بِالدُّعَاءِ لِأَخِيهِ فَيَقُولُ لَهُ مَلِكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ آمِينَ وَ لَكَ مِثْلَاهُ.

^۱ (۱) أدت الريح السحاب حلبته.

^۲ (۲) الشوری: ۲۵.

^۳ (۳) النجح: الظفر بالشيء و انجح إذا أصاب طلبته.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: زودترین دعائی که باجابت رسد دعای برادر (دینی) است برای برادرش در غیاب او، ابتداء شروع بدعا برای برادرش کند پس فرشته‌ای که موکل بر او است گوید:

آمین و برای تو است دو چندان (آنچه برای برادر دینیت خواستی).

۵- **عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ التَّمِيمِيِّ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مِنْ مُؤْمِنٍ دَعَا لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ مِثْلَ الَّذِي دَعَا لَهُمْ بِهِ مِنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مَضَى مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ أَوْ هُوَ آتٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَسْحَبُ^۱ فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ يَا رَبِّ هَذَا الَّذِي كَانَ يَدْعُو لَنَا فَشَفَعْنَا فِيهِ فَيَسْتَعْفِفُهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ فَيَنْجُو.**

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده: هیچ مؤمنی نیست که برای مردان مؤمن و زنان مؤمنه دعا کند جز اینکه خدای عز و جل باو باز گرداند مانند آنچه را برای ایشان دعا کرده است بشماره هر مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای که از آغاز روزگار در گذشته یا تا روز قیامت دنیا آید، همانا بنده‌ای باشد که در روز قیامت دستور دهند که او را بدوزخ برند و او را بدان سو کشند، پس مردان مؤمن و زنان مؤمنه گویند: این است آنکه برای ما دعا میکرد پس شفاعت ما را در باره او بپذیر (و او را بدوزخ مبر) خدای عز و جل شفاعت ایشان را در باره او بپذیرد، و آن بنده نجات یابد.

۶- **عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جُنْدَبٍ فِي الْمَوْقِفِ فَلَمْ أَرَ مَوْقِفًا كَانَ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِهِ مَا زَالَ مَادًّا يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ دُمُوعُهُ تَسِيلُ عَلَى خَدَيْهِ حَتَّى تَبْلُغَ الْأَرْضَ فَلَمَّا صَدَرَ النَّاسُ قُلْتُ لَهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا رَأَيْتُ مَوْقِفًا قَطُّ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِكَ قَالَ وَ اللَّهُ مَا دَعَوْتُ إِلَّا لِإِخْوَانِي وَ ذَلِكَ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع - أَخْبَرَنِي أَنَّ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْعَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَ لَكَ مِائَةٌ أَلْفٍ ضِعْفٍ فَكَرِهْتُ أَنْ أَدْعَ مِائَةَ أَلْفٍ مَضْمُونَةٌ لِوَاحِدَةٍ لَا أَدْرِي تُسْتَجَابُ أَمْ لَا.**

علی بن ابراهیم از پدرش حدیث کند که: عبد الله بن جندب را در موقف (عرفات) دیدم و وقوفی بهتر از وقوف او ندیدم پیوسته دستهایش بسوی آسمان بلند بود، و اشکهایش بر گونه‌اش روان بود بطوری که بزمین میریخت، پس همین که مردم (از عرفات) برگشتند من بوی گفتم: ای ابا محمد من وقوفی بهتر از وقوف تو ندیدم؟ گفت بخدا سوگند من جز برای برادران (دینی) خود دعائی نکردم، و این برای این بود که حضرت ابا الحسن کاظم علیه السلام بمن خبر داد که هر که برای برادر دینی خود پشت سرش دعا کند از عرش بدو ندا شود: برای تو باد صد هزار برابر (آنچه برای برادران دینیت در خواست کردی) پس من خوش نداشتم که صد هزار دعای تعهد شده را بخاطر يك دعا از دست بدهم که نمی‌دانم آن يك دعا هم باجابت برسد یا نه.

شرح

^۱ (۱) سحبه کمنعه: جره علی وجه الأرض و منه سحب ذيله فانسحب.

- مجلسی (ره) گوید: عبد الله بن جنذب از راستگويان اصحاب حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا عليهم السلام است و برای جلالت شان اوست که دعایش هر يك برابر صد هزار دعا است.

٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رَبَاطٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ إِذَا سَمِعُوا الْمُؤْمِنَ يَدْعُو لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بظَهْرِ الْعَيْبِ أَوْ يَذْكُرُهُ بِخَيْرٍ قَالُوا نَعَمْ الْأَخُ أَنْتَ لِأَخِيكَ تَدْعُو لَهُ وَ هُوَ غَائِبٌ عَنْكَ وَ تَذْكُرُهُ بِخَيْرٍ قَدْ أَعْطَاكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِثْلِي^١ مَا سَأَلْتَ لَهُ وَ أَنْتَى عَلَيَّكَ مِثْلِي مَا أَنْتَيْتَ عَلَيْهِ وَ لَكَ الْفَضْلُ عَلَيْهِ وَ إِذَا سَمِعُوهُ يَذْكُرُ أَخَاهُ بِسُوءٍ وَ يَدْعُو عَلَيْهِ قَالُوا لَهُ بَسَّ الْأَخُ أَنْتَ لِأَخِيكَ كُفَّ أَيُّهَا الْمُسْتَرُّ عَلَى ذُنُوبِهِ وَ عَوْرَتِهِ وَ ارْبَعُ عَلَى نَفْسِكَ^٢ وَ أَحْمَدُ اللَّهُ الَّذِي سَتَرَ عَلَيْكَ وَ أَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْلَمُ بِعَبْدِهِ مِنْكَ.

ثوبان (بن ابی فاخته) گوید: شنیدم حضرت (زین العابدین) علی بن الحسین علیهما السلام میفرمود: همانا چون فرشتگان بشنوند که مؤمن برای برادر مؤمنش پشت سر او دعا میکند یا بنیکی او را یاد میکند، گویند: تو چه نیکو برادری هستی برای برادرت که در باره او دعای خیر میکنی با اینکه او از نظر تو پنهان است و او را بنیکی یاد میکنی، هر آینه خدای عز و جل دو برابر آنچه برای او خواستی بتو داد و دو چندان آنچه تو او را به نیکوی یاد کردی بر تو ثنا گوید و تو بر او برتری داری، ولی چون بشنوند که برادرش را بیدی یاد کند و برایش نفرین کند، گویند: توجه بد برادری هستی برای برادرت خود را از این سخنان نگهدار ای کسی که بر گناهانت پرده پوشی شده و بخودت بنگر (و بین خودت چه اندازه عیب و گناه داری) و سپاسگزار آن خدائی را که روی (گناهان و عیوب) تو پرده پوشیده و بدان که خدای عز و جل نسبت ببندهاش از تو داناتر است.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: یعنی خدای عز و جل داناتر بمصلحت بندگانش می باشد اگر صلاح او و صلاح دیگر بندگانش را در دفع آن شخص بداند او را دفع کند و اگر صلاح او را در ابتلاء و یا عافیت او به بیند همان کند و نیازی بدستور تو ندارد.

بَابُ مَنْ تُسْتَجَابُ دَعْوَتُهُ

باب کسی که دعایش مستجاب شود

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ ثَلَاثَةٌ دَعْوَتُهُمْ مُسْتَجَابَةٌ الْحَاجُّ فَإِنْظَرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَهُ وَ الْعَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْظَرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونَهُ وَ الْمَرِيضُ فَلَا تَغِيظُوهُ وَ لَا تُضَجِّرُوهُ^٣.

^١ (٢) في بعض النسخ [مثل ما سألت] في الموضوعين.

^٢ (٣) أي خفف على نفسك أربع العيث ارباعا حبس عن الناس في رباعهم لكثرة. والمعنى اقتصر على النظر في حال نفسك و لا تلفت الى غيرك.

^٣ (١) «تخلفونه» أي تقومون مقامه في غيبته، من الخلافة. و الضجر: السامة و الملال (في).

عیسی بن عبد الله قمی گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که میفرمود: سه دسته‌اند که دعایشان باجابت رسد: (یکی) آن کس که بحج رود، پس بیاید که چگونه در بازماندگانش بجای او رفتار کنید، (دیگر) جهادکننده در راه خدا، پس بیاید چگونه در بازماندگانش در غیاب او رفتار کنید، (سوم) بیمار و مریض، پس او را بخشم در نیاورید و دلتنگش نکنید، (مبادا بشما نفرین کند).

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَائِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَبِي ع يَقُولُ خَمْسُ دَعَوَاتٍ لَا يُجِبْنَ عَنِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى دَعْوَةُ الْإِمَامِ الْمُقْسِطِ وَ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا تَنْتَقِمَنَّ لَكَ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لِوَالِدِيهِ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لِوَالِدِهِ وَ دَعْوَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ فَيَقُولُ وَ لَكَ مِثْلُهُ.

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم میفرمود: پنج دعا است که از درگاه پروردگار تبارک و تعالی محبوب نگردد (و برده و حائلی نیست که جلوش را بگیرد) ۱- دعای امام عادل ۲- دعای ستمدیده که خدای عز و جل فرماید: هر آینه بطور مسلم انتقام تو را (از ستمکارت) بگیرم گر چه پس از زمانی باشد ۳- دعای فرزند صالح (و نیکوکار) برای پدر و مادر ۴- دعای پدر صالح برای فرزندش ۵- دعای مؤمن برای برادرش در پشت سر او که خدا فرماید: برای تو باد مانند آن.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَرْفَعُ فَوْقَ السَّحَابِ حَتَّى يَنْظُرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا فَيَقُولُ ازْعُمُوهَا حَتَّى أَسْتَجِيبَ لَهُ وَ إِيَّاكُمْ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ فَإِنَّهَا أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: بترسید از دعای ستمدیده و مظلوم زیرا که آن از ابرها (و پرده‌های مانع از دعا) بالا رود تا خدای عز و جل در آن بنگرد و فرماید: آن را بالا برید تا برای او اجابت کنم، و پرهیزید از نفرین پدر که آن از شمشیر برنده‌تر است.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: «سحاب» یعنی ابرها در این حدیث کنایه از موانع اجابت دعا است یا مقصود حجابهای معنویه‌ای است که میانه او و پروردگارش حائل است یا کنایه از پرده‌های بالای عرش یا زیر آن بنا بر اختلاف اخبار میباشد و ممکن است حمل آن بر ابرهای معروف بنا بر استعاره تمثیلیه برای بیان کمال اجابت، و مقصود از نظر کردن خداوند نظر رحمت و عنایت و اراده پذیرفتن است.

^۱ (۲) كأن السحاب كناية عن موانع إجابة الدعاء أو الحجب المعنوية الحائلة بينه وبين الله (آت).

٤ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَحِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَبِي يَقُولُ اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم میفرمود: از ستم بهره‌زید زیرا دعای ستم‌دیده با آسمان بالا رود.

٥ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: هر که چهل مؤمن را (در دعا) جلو اندازد (و بآنها دعا کند) سپس (برای خود) دعا کند دعایش اجابت شود.

٦ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ النَّهْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ حَتَّى تُفْتَحَ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تَصِيرَ إِلَى الْعَرْشِ الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ وَ الْمَظْلُومِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ وَ الْمُعْتَمِرِ حَتَّى يَرْجِعَ وَ الصَّائِمِ حَتَّى يُفْطِرَ.

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: چهار کس هستند که دعایشان باز نگردد تا آنکه درهای آسمان برای آنها باز شود و بعرش رسند: دعای پدر برای فرزندش، دعای مظلوم بر آنکه باو ستم کرده، دعای عمره‌کننده تا بوطن باز گردد، دعای روزه‌دار تا وقتی افطار کند.

٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ إِجَابَةً مِنْ دَعْوَةِ غَائِبٍ لِعَائِبٍ.

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرموده: هیچ دعائی زودتر باجابت نرسد از دعای شخص غائب که برای غائب دیگری کند.

٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص دَعَا مُوسَى ع وَ أَمَّنَ هَارُونَ ع وَ أَمَّتِ الْمَلَائِكَةُ ع فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمْ فَاسْتَقِيمَا وَ مَنْ عَزَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اسْتَجِيبَ لَهُ كَمَا اسْتَجِيبَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

^١ (١) الفتح كناية عن القبول أو محمول على الحقيقة و الصيرورة إلى العرش يمتثلها (آت).

و نیز آن حضرت علیه السّلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: حضرت موسی دعائی کرد و هارون آمین گفت، و فرشتگان نیز آمین گفتند، پس خدای تبارک و تعالی فرمود: «هر آینه دعای شما مستجاب شد پس باید استقامت (و پایداری) کنید» (سوره یونس آیه ۸۹) و هر که در راه خدا جهاد کند دعایش مستجاب شود- چنانچه دعای شما باجابت رسید- تا روز قیامت.

بَابُ مَنْ لَا تُسْتَجَابُ دَعْوَتُهُ

باب کسی که دعایش باجابت نرسد

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: صَحِبْتُهُ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطَى ثُمَّ جَاءَ آخَرُ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطَى ثُمَّ جَاءَ الرَّابِعُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يُشْبِعُكَ اللَّهُ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيْنَا فَقَالَ أَمَا إِنَّ عِنْدَنَا مَا نُعْطِيهِ وَ لَكِنْ أَخْشَى أَنْ نَكُونَ كَأَحَدِ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةُ رَجُلٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَالًا فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى امْرَأَتِهِ أَنْ يُرِيحَهُ مِنْهَا وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْرَهَا إِلَيْهِ وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَى جَارِهِ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ السَّبِيلَ إِلَى أَنْ يَتَحَوَّلَ عَنْ جَوَارِهِ وَ يَبِيعَ دَارَهُ.

ولید بن صبیح گوید: میان راه مکه و مدینه همراه حضرت صادق علیه السّلام بودم پس سائلی آمد (و چیزی درخواست کرد) حضرت دستور داد باو چیزی بدهند، سائل دیگری آمد آن حضرت دستور دادند چیزی باو نیز داده شود، سپس دیگری آمد دستور فرمود باو هم داده شود، تا اینکه سائل چهارمی آمد حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خدا سیرت کند (و برای او دستوری نفرمود) سپس رو بما کرد و فرمود:

آگاه باشید هر آینه نزد ما هست چیزی که باو بدهیم ولی میترسم مانند یکی از آن سه کس شویم که دعایشان مستجاب نشود: (یکی) آن مردی است که خداوند مالی باو بدهد و آن را در غیر مورد شایسته اش خرج کند، سپس بگوید: خدایا بمن بده (که چنین کسی) دعایش مستجاب نشود، و (دیگر) مردی که در باره زن خود دعا کند که خدا او را از آن زن راحت کند با اینکه خدای عز و جل کار طلاق آن زن را باو واگذار کرده (و میتواند او را طلاق دهد و بدین وسیله راحت شود)، (سوم) مردی که بر همسایه خود نفرین کند (و از همسایه آزاری او بخدا شکایت کند) با اینکه خدای عز و جل برای او راهی قرار داده، و آن اینست که خانه خود را بفروشد و از همسایگی او بجای دیگر رود.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: ظاهر آنست که سائلین از مخالفین و مستضعفین بوده‌اند و از این روی آن حضرت بسه نفرشان اکتفا فرمود (و بچهارمی چیزی نداد) و گر نه آنها کسانی هستند که شیعیان‌شان را بر خود مقدم می‌داشتند، یا اینکه این کردار حضرت برای یاد دادن و آموختن حکم انفاق بوده و فهماندن اینکه بیش از این مقدار برای توسعه بر مؤمنین لازم نیست.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَرْبَعَةٌ لَا تُسْتَحَابُّ لَهُمْ دَعْوَةُ رَجُلٍ جَالِسٍ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَيَقَالُ لَهُ أَمْ أَمْرُكَ بِالطَّلَبِ وَ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ فَدَعَا عَلَيْهَا فَيَقَالُ لَهُ أَمْ أَعْجَلُ أَمْرَهَا إِلَيْكَ وَ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَفْسَدَهُ فَيَقُولُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَيَقَالُ لَهُ أَمْ أَمْرُكَ بِالْإِفْتِسَادِ أَمْ أَمْ أَمْرُكَ بِالإِصْلَاحِ ثُمَّ قَالَ وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَعُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَفْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا^۱ وَ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَدَانَهُ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ فَيَقَالُ لَهُ أَمْ أَمْرُكَ بِالشَّهَادَةِ^۲.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چهار کس هستند که دعایشان باجابت نرسد: (۱) مردی که در خانه خود نشسته و میگوید: خدایا بمن روزی بده، پس بوی گفته شود: آیا بتو دستور ندادم که بجستجوی روزی برو؟ (۲) مردی که زنی دارد و بر او نفرین کند که باو گفته شود: آیا کار او را بتو واگذار نکردم؟ (اختیار طلاق و رها کردنش بدست تو است) (۳) مردی که مالی دارد و آن را از بین برده و فاسد کرده و میگوید: خدایا بمن روزی ده، پس بوی گفته شود: آیا بتو دستور ندادم؟ آیا بتو دستور اصلاح مالت را ندادم؟ سپس (باین آیه استشهاد کرده) فرمود: «و کسانی که هر گاه انفاق کنند نه اسراف کنند و نه بر خود تنگ گیرند و باشند میان این دو» (سوره فرقان آیه ۶۷) (۴) مردی که مالی را بدون شاهد و گواه بدیگری وام دهد (و سپس بانکار مدیون برخورد کند، و برای دریافت طلبش از مدیون منکر بدرگاه خداوند متعال رو آورد و از او استمداد جوید) که باو گفته شود: آیا بتو دستور ندادم (که هنگام وام دادن) گواه بگیری؟ و مانند این حدیث بسند دیگر نیز از آن حضرت روایت شده.

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ أَبِي عَاصِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَثَلُهُ.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ ثَلَاثَةٌ تَرُدُّ عَلَيْهِمْ دَعْوَتُهُمْ رَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ وَجْهِهِ ثُمَّ قَالَ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي فَيَقَالُ لَهُ أَمْ أَمْرُكَ وَ رَجُلٌ دَعَا عَلَى امْرَأَتِهِ وَ هُوَ لَهَا ظَالِمٌ^۳ فَيَقَالُ لَهُ أَمْ أَعْجَلُ أَمْرَهَا بِإِدِّكَ وَ رَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَ قَالَ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي فَيَقَالُ لَهُ أَمْ أَعْجَلُ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى طَلَبِ الرِّزْقِ.

ولید بن صبیح گوید: از آن حضرت علیه السلام شنیدم که میفرمود: سه کس هستند که دعای آنها بخودشان برگردد و باجابت نرسد: (۱) مردی که خداوند باو مالی ارزانی داشته و او بیجا و بیمورد خرج کرده و سپس بگوید: خدایا بمن روزی ده، که باو گفته شود: آیا بتو روزی ندادم؟ (۲) مردی که بر همسر خود با اینکه باو ستم کند نفرین کند که باو گفته شود: آیا کار (جدائی و طلاق) او را بدست تو ندادم؟ (۳) مردی که در خانه اش بنشیند و بگوید: پروردگارا بمن روزی بده که باو گفته شود:

آیا برای تو راه پیدا کردن روزی را قرار ندادم؟.

شرح

^۱ (۱) الفرقان: ۶۷. اى لم يجاوزوا حد الكرم و لم يضيقوا تضيق الشحيح و القوام بالفتح: العدل و الاعتدال و قرء بالكسر و هو ما يقام به الحاجة لا يفضل منها و لا ينقص.

^۲ (۲) اى الاشهاد على الدين بفتح الدال كما في آية المدائنة.

^۳ (۳) كذا.

- مجلسی (ره) در جمله «و هو لها ظالم» گوید: یعنی آن مرد بسبب آن نفرین نسبت بآن زن ستمکار است، زیرا نفرین او بر آن زن با اینکه قدرت بر خلاصی از او از راه دیگر دارد ظلم و ستم است.

بَابُ الدُّعَاءِ عَلَى الْعَدُوِّ

باب نفرین بر دشمن

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ جَارًا لِي وَ مَا أَلْقَى مِنْهُ قَالَ فَقَالَ لِي ادْعُ عَلَيْهِ قَالَ فَعَلْتُ لِي ادْعُ عَلَيْهِ قَالَ فَعَلْتُ فَلَمْ أَرِ شَيْئًا فَعُدْتُ إِلَيْهِ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ- فَقَالَ لِي ادْعُ عَلَيْهِ قَالَ فَعَلْتُ فِدَاكَ قَدْ فَعَلْتُ فَلَمْ أَرِ شَيْئًا فَقَالَ كَيْفَ دَعَوْتُ عَلَيْهِ فَعَلْتُ إِذَا لَعْنَتُهُ دَعَوْتُ عَلَيْهِ قَالَ فَقَالَ ادْعُ عَلَيْهِ إِذَا أَدْبَرَ^۱ وَ إِذَا اسْتَدْبَرَ فَعَلْتُ فَلَمْ أَلْبَثْ حَتَّى أَرَاخَ اللَّهَ مِنْهُ^۲.

اسحاق بن عمار گوید: بحضرت صادق علیه السلام از دست همسایه‌ای که داشتم و آزاری که از او بمن میرسید شکایت کردم؟ گوید: بمن فرمود: بر او نفرین کن، پس من نفرین کردم ولی نتیجه‌ای ندیدم، پس دوباره خدمتش رفتم و شکایت کردم؟ فرمود: بر او نفرین کن گوید: عرض کردم: فدایت کردم من نفرین کردم و نتیجه‌ای ندیدم، فرمود: چگونه نفرین کردی؟ عرض کردم: هر گاه باو برخوردم نفرینش کردم، گوید: فرمود: چون بتو پشت کند و روگرداند نفرینش کن، پس من این کار را کردم و زمانی نگذشت که خدا مرا از شر او آسوده کرد.

شرح

- ظاهر این خبر با ذیل حدیث اول از باب قبل کمی منافات دارد زیرا در آنجا فرمود نفرین در حق همسایه صحیح نیست و مستجاب نشود چون انسان میتواند خانه خود را بفروشد و از وی خلاص شود و در اینجا فرمود نفرین با چنین شرطی (یعنی هنگام پشت کردن و روگرداندنش) پذیرفته گردد و رفع تنافی بقرینه عنوان باب بدین است که در حدیث قبل مراد نفرین در حق همسایه‌ایست که صدمه‌اش بانسان تنها از جهت همسایگی است نه از راه دشمنی. و در این خبر مراد نفرین بدشمنی است که در همسایگی انسان است نه همسایه فقط.

۲- وَ رُوِيَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ عَلَى أَحَدٍ قَالَ اللَّهُمَّ اطْرُقْهُ بِبَيْتِهِ لَا أُخْتِ لَهَا وَ أَبْحِ حَرِيمَةَ^۳.

^۱ (۱) في بعض النسخ [إذا أقبل].

^۲ (۲) «و ما ألقى منه» یعنی من الاذى و لعله كان عدوا دينيا له و انما كان يؤذيه من هذه الجهة و إلا لما استحق ذلك منه (في).

^۳ (۳) في بعض النسخ [أطرقه ببليله] و الطرق: الضرب و الدق و الإتيان بالليل و منه الحديث «أعوذ بك من طوارق الليل الا طارقا يطرق بخير». و اباحة الحرم كناية عن تسليط العدو عليه.

و از حضرت ابی الحسن علیه السلام روایت شده که فرمود: هر گاه یکی از شماها بر دشمن نفرین کند بگوید: «اللهم اطرقه ببلیة لا اخت لها و ابح حریمه» (یعنی بار خدایا او را ببلائی شبانه که مانند ندارد دچار کن، و دشمن را بر او چیره ساز).

۳ مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِیْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ بْنِ مَالِكٍ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ لِي جَاراً مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ قَدْ نَوَّهَ بِاسْمِي وَ شَهْرِي كَلَّمَا مَرَرْتُ بِهِ قَالَ هَذَا الرَّافِضِيُّ يَحْمِلُ الْأَمْوَالَ إِلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ فَقَالَ لِي فَادْعُ اللَّهَ عَلَيْهِ إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ فِي السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ مِنَ الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جَلِّهِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَاناً بَنَ فُلَانٍ قَدْ شَهَرَنِي وَ نَوَّهَ بِي وَ غَاطَنِي وَ عَرَضَنِي لِلْمَكَارِهِ اللَّهُمَّ اضْرِبْهُ بِسَهْمٍ عَاجِلٍ تَشْعَلُهُ بِهِ عَيِّي اللَّهُمَّ وَ قَرَّبْ أَجَلَهُ وَ اقْطَعْ أَنْزَهُ وَ عَجِّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ السَّاعَةِ السَّاعَةَ قَالَ فَلَمَّا قَدِمْنَا الْكُوفَةَ قَدِمْنَا لَيْلاً فَسَأَلْتُ أَهْلَنَا عَنْهُ قُلْتُ مَا فَعَلَ فُلَانٌ فَقَالُوا هُوَ مَرِيضٌ فَمَا انْقَضَى آخِرُ كَلَامِي حَتَّى سَمِعْتُ الصَّبَاحَ مِنْ مَنْزِلِهِ وَ قَالُوا قَدْ مَاتَ.

یونس بن عمار گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: من گرفتار همسایه‌ای - از قریش از آل محرز - شده‌ام که نام مرا فاش کرده و مرا شهره مردم ساخته (که همه مرا بشناسند) هر گاه باو بگذرم گوید:

این رافضی است و ماها را بنزد جعفر بن محمد میبرد؟ گوید: حضرت بمن فرمود: در نماز شب باو نفرین کن آنگاه که بسجده روی در سجده آخر از دو رکعت اول، پس خدای عز و جل را حمد کن و تمجید نما و بگو: (آنچه ترجمه‌اش اینست): بار خدایا فلان پسر فلان مرا شهره مردم کرده، و نام مرا فاش کرده و مرا بخشم آورده و در معرض خطرها قرار داده بار خدایا او را با تیر شتابانی بزن که او را از من باز داری، بار خدایا مرگش را نزدیک کن و اثرش را از میان بردار، و پروردگارا در آن شتاب کن، الساعة (یعنی هم اکنون)، گوید: همین که بکوفه آمدیم شبانه وارد شدیم، و از خانواده خود از حال آن مرد پرسیدم و گفتم: فلانی چه کرد؟ گفتند: مریض و بیمار است، و هنوز سختم را پایان نرسانده بودم که صدای شیون از خانه‌اش بلند شد و گفتند: مرد.

۴ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ التَّيْمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ الْعَلَاءُ بْنُ كَامِلٍ إِنَّ فُلَاناً يَفْعَلُ بِي وَ يَفْعَلُ فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ هَذَا ضَعْفٌ بِكَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ فَافْكُنِي أَمْرَ فُلَانٍ يَمُوتُ وَ كَيْفَ شِئْتَ وَ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ أَيْ شِئْتَ.

یعقوب بن سالم گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم پس علاء بن کامل بآن حضرت عرض کرد:

همانا فلان کس بمن (آزار) میکند (و هر چه خواهد) میکند؟ اگر صلاح میدانید بدرگاه خدای عز و جل بر او نفرین کنید؟ فرمود: این از ضعف (و ناتوانی) تو است بگو: «بار خدایا تو از هر چیز کفایت کنی و چیزی از تو کفایت نکند کار فلان کس را در باره من کفایت فرما بدان چه خواهی و هر گونه خواهی و از هر راهی که خواهی و از آنجا که خواهی».

۱ (۴) نوهه و نوه به بالتشديد: شهره و عرفه من التويه.

- مجلسی (ره) گوید: اینکه امام علیه السلام فرمود: «این از ضعف تو است» چند احتمال دارد (۱) اشاره باینست که ضرر زدن بدشمن بسبب نفرین بواسطه ضعف تقوی و ورع و ضعف دعا و توکل بر خدا است.

(۲) اینکه مقصود ضعف یقین تو است که بخدا پناه نبردی و بدرگاه او نرفته و بنزد من آمده‌ای و از من درخواست دعا کنی.

(۳) مقصود ضعف در تقیه و کیفیت معاشرت است که نتوانسته‌ای دشمن را راضی نگهداری.

(۴) اشاره بچیزی که از سخنان آن حضرت در ضمن معلوم می‌شود، که چنین استفاده شود که دعا کرده و چون دعایش

مستجاب نشده اینک بدان حضرت توسل جسته، و معنای فرمایش حضرت بنا بر این چنین است: که مستجاب نشدن دعای تو بخاطر ضعف (و کمی) دانش تو در باره دعا و آداب و شرائط آنست، سپس این دعا را باو آموخت.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي بَجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْمِسْمَعِيِّ قَالَ: لَمَّا قَتَلَ دَاوُدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُعَلِّيَّ بْنَ خُنَيْسٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَادْعُونَ اللَّهَ عَلَى مَنْ قَتَلَ مَوْلَايَ وَ أَخَذَ مَالِي فَقَالَ لَهُ دَاوُدُ بْنُ عَلِيٍّ إِنَّكَ لَتَهْدِدُنِي بِدُعَائِكَ قَالَ حَمَّادُ قَالَ الْمِسْمَعِيُّ فَحَدَّثَنِي مُعْتَبٌ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع لَمْ يَزَلْ لَيْلَتَهُ رَاكِعًا وَ سَاجِدًا فَلَمَّا كَانَ فِي السَّحْرِ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَ هُوَ سَاجِدٌ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ الْقَوِيَّةِ وَ بِجَلَالِكَ الشَّدِيدِ الَّذِي كُلُّ خَلْقِكَ لَهُ ذَلِيلٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ^۱ وَ أَنْ تَأْخُذَهُ السَّاعَةَ السَّاعَةَ فَمَا رَفَعَ رَأْسَهُ حَتَّى سَمِعْنَا الصَّيْحَةَ فِي دَارِ دَاوُدَ بْنِ عَلِيٍّ فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع رَأْسَهُ وَ قَالَ إِنِّي دَعَوْتُ اللَّهَ بِدَعْوَةٍ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ مَلَكًا فَضْرَبَ رَأْسَهُ بِمِرْرَةٍ^۲ مِنْ حَدِيدٍ انْشَقَّتْ مِنْهَا مِثْلَانِ ثُمَّ فَمَاتَ^۳.

مسمعی گوید: همین که داود بن علی (که از جانب خلفای عباسی حاکم مدینه بود) معلی بن خنیس را (که آزاد کرده امام صادق علیه السلام و از نزدیکان آن حضرت بود) کشت، آن حضرت علیه السلام فرمود:

هر آینه نفرین کنم بدرگاه خدا بر کسی که آزادشده من (معلی) را کشته، و مال مرا ربوده است؟ داود بن علی گفت: آیا مرا بنفرین خود تهدید میکنی؟ حماد (که راوی حدیث است) گوید:

مسمعی گفت: معتب (خادم امام صادق علیه السلام) برای من حدیث کرد که امام صادق علیه السلام در آن شب پیوسته در رکوع و سجود بود، پس همین که سحر شد شنیدم که در سجده میفرمود: «بار خدایا از تو به نیروی نیرومندت و بجلالت سختت که همه آفریده‌هایت در برابر آن خوارند درخواست کنم که بر محمد و خاندانش رحمت فرستی و او را هم اکنون الساعه بگیری»-

^۱ (۱) فی بعض النسخ [و آل بیه].

^۲ (۲) الازریة و المرزبة عصية من حدید.

^۳ (۳) داود بن علی هو والی المدینة من قبل ابی العباس عبد الله السفاح و كانت ولايته ثلاثة أشهر دعا المعلى و سأله عن شیعة ابی عبد الله علیه السلام فکتبه و قال: لو كانوا تحت قدمی ما رفعت قدمی عنهم فأمر به فضرب عنقه و صلبه و اخذ ما عنده من مال ابی عبد الله علیه السلام.

^۴ کلیبی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

(معتب گوید:) آن حضرت سر از سجده بر نداشته بود که فریاد شیون از خانه داود بن علی شنیدیم، پس حضرت صادق علیه السلام سر (از سجده) برداشت و فرمود: من خدا را بدعائی خواندم و خدای عز و جل فرشته‌ای فرستاد که با میلی آهنین چنان بر سر او زد که مثانه‌اش از آن ضربت شکافت و مرد.

شرح

- معلى بن خنيس غلام آزاد کرده حضرت صادق علیه السلام بوده و از رویهمرفته اخبار استفاده شود که از نزدیکان آن حضرت و جزء محرمان اسرار بوده است، داود بن علی عباسی او را گرفته بزندان افکند و از او خواست که نام اصحاب حضرت صادق علیه السلام را فاش کند و آنها را معرفی نماید و معلى پذیرفت و در پاسخ گفت: اگر در زیر پلیم باشند تو را از نامشان آگاه نکنم، پس داود بن علی دستور داد گردنش را زدند و بدارش آویختند.

بَابُ الْمُبَاهَلَةِ.

باب (مباهله) یعنی لعن کردن و نفرین کردن بیکدیگر

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي مَسْرُوقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ إِنَّا نُكَلِّمُ النَّاسَ فَنَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي أَمْرَاءِ السَّرَايَا فَنَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ وَ نَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى فَيَقُولُونَ نَزَلَتْ فِي قُرْبَى الْمُسْلِمِينَ قَالَ فَلَمْ أَدْعُ شَيْئًا مِمَّا حَضَرَنِي ذِكْرُهُ مِنْ هَذِهِ وَ شِبْهِهِ إِلَّا ذَكَرْتُهُ فَقَالَ لِي إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْعُهُمْ إِلَى الْمُبَاهَلَةِ قُلْتُ وَ كَيْفَ أَصْنَعُ قَالَ أَصْلِحْ نَفْسَكَ ثَلَاثًا وَ أَطْنُهُ قَالَ وَ صُمْ وَ اغْتَسِلْ وَ ابْرُزْ أَنْتَ وَ هُوَ إِلَى الْجَبَانِ فَشَبَّكَ أَصَابِعَكَ مِنْ يَدِكَ الْيُمْنَى فِي أَصَابِعِهِ ثُمَّ أَنْصَفَهُ وَ اِبْدَأْ بِنَفْسِكَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ إِنْ كَانَ أَبُو مَسْرُوقٍ جَحَدَ حَقًّا وَ ادَّعَى بَاطِلًا فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَذَابًا أَلِيمًا ثُمَّ رُدَّ الدَّعْوَةَ عَلَيْهِ فَقُلْ وَ إِنْ كَانَ فُلَانٌ جَحَدَ حَقًّا وَ ادَّعَى بَاطِلًا فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَذَابًا أَلِيمًا ثُمَّ قَالَ لِي فَإِنَّكَ لَا تَلْبِثُ أَنْ تَرَى ذَلِكَ فِيهِ فَوَ اللَّهُ مَا وَجَدْتُ خَلْقًا يُجِيبُنِي إِلَيْهِ.

ابو مسروق گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: ما با مردم (در باره مذهب و امامت شما) گفتگو کنیم و با آنان احتجاج کنیم و بگفتار خدای عز و جل دلیل آوریم که فرماید: «خدا و رسول را و اولیاء امر را فرمانبرید» (سوره نساء آیه ۵۹) مردم گویند: این آیه در باره فرماندهان قشونها نازل گشته، پس برای آنان بگفتار (دیگر) خدای عز و جل حجت آوریم (که فرماید):

^۱ (۴) المائدة: ۷۸. و قوله: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» E\ بیان لمن له الولاية على الخلق والقيام بأمرهم و يجب طاعته عليهم.

^۲ (۵) الشورى: ۲۳. عليه أجرا أي على ما أتعاطاه من البشارة و التبليغ.

^۳ (۱) الجبان- بالضم و التشديد-: الصحراء، و الحسينان بالضم العذاب و البلاء.

^۴ (۲) يعني لا يرضى بأن يباهلنى يمثل هذا خوفهم على أنفسهم. و هذا يحتمل أن يكون من كلام الإمام عليه السلام و أن يكون من كلام أبي مسروق بحذف «قال» و تقديره.

«جز این نیست که ولی شما خدا و رسول او است»- تا آخر آیه (۵۵ از سوره مائده) پس مردم گویند: این آیه در باره مؤمنین نازل شده، و دلیل آوریم برای آنها بگفتار خدای عز و جل: «بگو ای محمد من از شما مزدی نخواهم جز دوستی در باره نزدیکان (و خویشان)». (سوره شوری آیه ۲۳) گویند: این آیه در باره نزدیکان و خویشان اسلامی نازل شده، گوید: من آنچه در خاطر داشتم از این آیات و مانند آن (و جوابهایی که مردم از آنها دهند) ذکر کردم؟ حضرت بمن فرمود: اگر این طور است آنها را مباحله دعوت کن، عرض کردم: چگونه (مباحله) کنم؟ فرمود: سه روز خود را اصلاح کن- و گمانم که فرمود: روزه بگیر- (یعنی در آن سه روز که در صدد اصلاح خود بتوبه و استغفار و دعا و امثال اینها برآئی روزه هم بگیر) و غسل کن و تو با طرف خود به صحرا بروید و انگشتان دست راست خود را در انگشتان او شبکه وار بینداز، و او را انصاف ده (یعنی ابتداء بخود (لعن و نفرین) کن و بگو: «بار خدایا ای پروردگار هفت آسمان و هفت زمین، و ای دانای نھان و عیان، و ای بخشاینده مهربان، اگر ابو مسروق حقی را انکار کرده و ادعای باطلی کرده پس بر او از آسمان عذابی دردناک نازل فرما» سپس نفرین را باو برگردان و بگو: «و اگر فلان کس حقی را انکار کرده و باطلی را ادعا کرده پس عذابی دردناک از آسمان بر او فرآور» سپس فرمود: پس از آن درنگ نکنی که اثر آن را در آن شخص بچشم خود خواهی دید، (ابو مسروق گوید): پس بخدا سوگند هیچ کس را ندیدم که مرا در این کار اجابت کند (و مباحله حاضر شود).

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الشُّكْرِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الشُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: السَّاعَةُ الَّتِي تُبَاهِلُ فِيهَا مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: ساعتی که در آن مباحله شود میان زدن سپیده تا زدن آفتاب است.

- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الشُّكْرِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع مِثْلَهُ.

و بسند دیگر نیز این حدیث را از آن حضرت علیه السلام حدیث کرده است.

۳- أَحْمَدُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا فِي الْمُبَاهَلَةِ قَالَ: تُشَبِّكُ أَصَابِعَكَ فِي أَصَابِعِهِ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ فُلَانٌ جَحَدًا حَقًّا وَ أَقْرَبَ بِيَاطِلٍ فَأَصِبهُ بِحُسْبَانٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوْ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِكَ وَ تُلَاعِنُهُ سَبْعِينَ مَرَّةً.

برخی از اصحاب ما در کیفیت مباحله گفته است که: انگشتان را در انگشتان او (یعنی طرف بحث) شبکه میکنی سپس میگویی:

«اللهم ان كان فلان (و نام او را میبری) جحد حقا و اقر بياطل فأصبه بحسبان من السماء أو بعذاب من عندك»

و تا هفتاد بار با او باین نحو ملاحظه کنی و بھمدیگر نفرین کنید.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْمُبَاهَلَةِ قَالَ تُشَبِّكُ أَصَابِعَكَ فِي أَصَابِعِهِ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ فُلَانٌ جَحَدًا حَقًّا وَ أَقْرَبَ بِبَاطِلٍ فَأَصِيبُهُ بِحُسْبَانٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوْ بَعْدَابٍ مِنْ عِنْدِكَ وَ ثَلَاعِنُهُ سَبْعِينَ مَرَّةً.

- (مانند همان حدیث (۳) است که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است).

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي جَبِيلَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: إِذَا جَحَدَ الرَّجُلُ الْحَقَّ فَإِنْ أَرَادَ أَنْ ثَلَاعِنَهُ قُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ إِنْ كَانَ فُلَانٌ جَحَدَ الْحَقِّ وَ كَفَرَ بِهِ فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ عَذَابًا أَلِيمًا.

ابو جمیله از برخی از اصحابش نقل کند که گفته است: اگر مردی حق را انکار کرد و خواست که تو با او ملاحظه کنی (و) همدیگر را لعن کنی) بگو:

«اللهم رب السماوات السبع و رب العرش العظيم ان كان- فلان- جحد الحق و كفر به فأنزل عليه حسبانا من السماء او عذابا الیما»

بَابُ مَا يُمَجِّدُ بِهِ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَفْسَهُ

باب آنچه خدای تبارک و تعالی خود را بدان تمجید کرده است

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ فِي اللَّيْلِ وَ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ فِي النَّهَارِ يُمَجِّدُ فِيهِنَّ نَفْسَهُ فَأَوَّلُ سَاعَاتِ النَّهَارِ حِينَ تَكُونُ الشَّمْسُ هَذَا الْجَانِبِ يَغْنِي مِنَ الْمَشْرِقِ مِقْدَارَهَا مِنَ الْعَصْرِ يَعْنِي مِنَ الْمَغْرِبِ إِلَى الصَّلَاةِ الْأُولَى وَ أَوَّلُ سَاعَاتِ اللَّيْلِ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي مِنَ اللَّيْلِ إِلَى أَنْ يَنْفَجِرَ الصُّبْحُ^١ يَقُولُ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ إِنِّي أَنَا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ إِنِّي أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنِّي أَنَا اللَّهُ الْعَمُورُ الرَّحِيمُ إِنِّي أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِنِّي أَنَا اللَّهُ مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَمْ أَزَلْ وَ لَا أَرَأَلْ إِنِّي أَنَا اللَّهُ خَالِقُ الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ إِنِّي أَنَا اللَّهُ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ إِنِّي أَنَا اللَّهُ بَدِيءُ كُلِّ شَيْءٍ وَ إِلَيَّ يَعُودُ إِنِّي أَنَا اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ إِنِّي أَنَا اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ إِنِّي أَنَا اللَّهُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ إِنِّي أَنَا اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لِي الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى قَالَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مِنْ عِنْدِهِ وَ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُهُ فَمَنْ نَارَعَهُ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ أَكْبَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَدْعُو بِيَّنْ مُقْبِلًا قَلْبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا قَضَى حَاجَتَهُ وَ لَوْ كَانَ شَقِيًّا رَجُوتُ أَنْ يُحَوَّلَ سَعِيدًا.

^١ (١) في بعض النسخ [محمد بن أحمد].

^٢ (٢) يشبه أن يكون «من المشرق» و «من المغرب» من كلام الراوي ثم إن كلا من الفقرتين في تحديد الساعة يحتمل وجهين أحدهما أن يكون تحديدا لتمام الثلث بأن يكون الثلث في كل منهما متواليه و الثاني أن يكون تحديدا للساعة الأولى فقط و الأول أظهر و أتم و أوضح (٣).

حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا برای خدای عز و جل در شب سه ساعت است و در روز سه ساعت که خود را در آن ساعات تمجید کند، پس نخستین ساعتها از روز آن ساعت است که خورشید در جانب مشرق باشد و باندازه‌ای که در عصر بغروب مانده است (بوقت نماز ظهر مانده باشد) و تا هنگام نماز اولی (یعنی نماز ظهر) ادامه یابد، و نخستین ساعت‌های شب ثلث آخر شب است تا زدن سپیده (که در این ساعات خداوند خود را تمجید کند و) فرماید:

«انی انا الله العلی العظیم، انی انا الله العزیز الحکیم، انی انا الله الغفور الرحیم، انی انا الله الرحمن الرحیم، انی انا الله مالک یوم الدین، انی انا الله لم ازل و لا ازال، انی انا الله خالق الخیر و الشر، انی انا الله خالق الجنة و النار، انی انا الله بدیء کل شیء و الی یعود، انی انا الله الواحد الصمد، انی انا الله عالم الغیب و الشهادة، انی انا الله الملك القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر، انی انا الله الخالق البارئ المصور لی الاسماء الحسنی، انی انا الله الکبیر المتعال».

سپس حضرت صادق علیه السلام از بیان خودش فرمود:

«و الکبریاء رداؤه»

(یعنی کبریاء و بزرگی براننده حضرت اوست) و هر کس در باره آن با او ستیزه کند خداوند او را به رو در آتش اندازد، سپس فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست که این اسامی را بخواند و دلش متوجه خدای عز و جل باشد جز اینکه حاجتش برآورده شود، و اگر شقی (و با شقاوت) باشد امید دارم که سعید گردد.

توضیح

- یعنی این اسماء شریفه را بخواند، نه اینکه تمامی این جملات را بدون کم و زیاد بگوید چنانچه در حدیث (۲) بیاید.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُمَجِّدُ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَمَنْ بَجَّدَ اللَّهَ بِمَا بَجَّدَ بِهِ نَفْسَهُ ثُمَّ كَانَ فِي حَالٍ شَفِوَةٍ حَوْلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى سَعَادَةٍ يَقُولُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدَأَ الْخَلْقُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَ لَا تَزَالُ أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ- أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ الْكَبِيرِيَاءُ رِدَاؤُكَ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی در هر روز و شب سه بار خود را تمجید کند پس هر که خدا را تمجید کند بهمان نحو که او خودش را تمجید کرده و در حال شقاوت باشد خدای عز و جل او را بحال سعادت در آورد بگوید:

«انت الله لا اله الا انت رب العالمين، انت الله لا اله الا انت الرحمن الرحيم، انت الله لا اله الا انت العزيز [العلی] الكبير، انت الله لا اله الا انت مالك يوم الدين، انت الله لا اله الا انت الغفور الرحيم انت الله لا اله الا انت العزيز الحكيم، انت الله لا اله الا انت منك بدء الخلق و اليك يعود، انت الله [الذی] لا اله الا انت لم تزل و لا تزال، انت الله لا اله الا انت خالق الخير و الشر، انت الله لا اله الا انت خالق الجنة و النار، انت الله لا اله الا انت احد صمد لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً أحد، انت الله لا اله الا انت المَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ، هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - تا آخر سوره (حشر) - انت الله لا اله الا انت الكبير، و الكبرياء رداؤك»

بَابُ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

. باب (ثواب) کسی که لا اله الا الله بگوید

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ مَا مِنْ شَيْءٍ أَعْظَمَ ثَوَابًا مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ وَ لَا يَشْرِكُهُ فِي الْأُمُورِ أَحَدٌ.

ابو حمزه گوید: شنیدم حضرت باقر علیه السلام میفرمود: هیچ چیز ثوابش بزرگتر از این نیست که انسان گواهی دهد بیگانگی خداوند (و لا اله الا الله بگوید) همانا با خداوند عز و جل هیچ چیز برابری نکند، و احدی با او در کارها شرکت نجوید.

۲- عَنْهُ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْوَصَّابِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غُرِسَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ مِنْ ياقوتة حمراء منبتها في مسكٍ أبيضٍ أحلى من العسلِ وَ أشدَّ بياضاً من الثلجِ وَ أطيَّبَ ريحاً من المسكِ فيها أمثالُ نُدِيِّ الأبنكارِ تَعْلُو عَنْ سَبْعِينَ حُلَّةً وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص خَيْرُ الْعِبَادَةِ قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ قَالَ خَيْرُ الْعِبَادَةِ الْإِسْتِعْفَاؤُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ - فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَعْفِرَ لِدُنْبِكَ !

رسول خدا (ص) فرمود: هر که «لا اله الا الله» بگوید، برایش درختی در بهشت کاشته شود که از یاقوت سرخ باشد، و بن آن درخت در مشک سفید است، و (میوه اش) از عسل شیرین تر و از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر است، و در آن درختها است مانند پستانهای دوشیزگان که در زیر هفتاد پیراهن برآمده باشد. و رسول خدا (ص) فرمود: بهترین عبادت گفتن «لا اله الا الله» است.

^۱ (۱) سورة محمد صلى الله عليه و آله: ۲۲ و الخطاب للنبي صلى الله عليه و آله و المراد جميع الأمة و إنما حوطب بذلك لتستن امته بسنته. قاله الطبرسي.

و فرموده است: استغفار بهترین عبادت است (یعنی مجموع این دو از بهترین عبادات است) و اینست گفتار خدای عز و جل در قرآن (که فرماید): پس بدان که همانا نیست معبودی جز خدا و آمرزش خواه برای گناه خویش» (سوره محمد آیه ۱۹).

بَابُ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

باب کسی که بگوید: لا اله الا الله و الله اكبر

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى رَفَعَهُ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ يَعْقُوبَ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَمَنُّ الْجَنَّةَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: بهای بهشت (گفتن): «لا اله الا الله و الله اكبر» است.

بَابُ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ

باب کسی که بگوید: لا اله الا الله وحده وحده وحده

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ جَبْرِئِيلُ ع لِرَسُولِ اللَّهِ ص طُوبَى لِمَنْ قَالَ مِنْ أُمَّتِكَ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل برسول خدا گفت: خوشا بحال هر کس از امت تو که بگوید: «لا اله الا الله وحده وحده وحده».

بَابُ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ عَشْرًا

باب کسی که ده بار بگوید: لا اله الا الله وحده لا شريك له

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عُثْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ* وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْحَيُّزُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* كَانَتْ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ ذَلِكَ الْيَوْمَ.

^۱ (۲) في القاموس رأته وحده مصدر لا يثنى و لا يجمع و نصبه على الحال عند البصريين لا على المصدر.

عبد الکریم بن عتبه گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر که پیش از زدن آفتاب و هم پیش غروب آفتاب ده بار بگوید: «لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قَدِیر» کفارہ گناهان آن روزش گردد.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ صَلَّى الْعِدَّةَ فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَنْفُضَ رُكْبَتَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ* وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* وَ فِي الْمَغْرِبِ مِثْلَهَا لَمْ يَلِقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَبْدًا بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِهِ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِمِثْلِ عَمَلِهِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: هر که نماز صبح بخواند و پیش از آنکه زانوها را حرکت دهد (یعنی از آن حال که در وقت سلام نماز داشته تغییر نکند) ده بار بگوید: «لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و یحیی [و هو حی لا یموت] بیده الخیر و هو علی کل شیء قَدِیر»

بَابُ مَنْ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ

باب کسی که بگوید: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي عُيَيْنَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: هر که بگوید:

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله»

خداوند برای او هزار هزار حسنه بنویسد.

بَابُ مَنْ قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا

باب کسی که در هر روز ده بار بگوید: اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا صمدا لم يتخذ

صاحبة و لا ولدا

^۱ (۱) في بعض النسخ [يقبض] و في بعضها [ينقض] أي يفتي ركبته.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلهًا وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْسَةَ وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ خَمْسَةَ وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ خَمْسَةَ وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ دَرَجَةٍ^۱ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَ كُنَّ لَهُ حِرْزًا فِي يَوْمِهِ مِنَ السُّلْطَانِ وَ الشَّيْطَانِ وَ لَمْ تُحِطْ بِهِ كَبِيرَةٌ مِنَ الدُّنُوبِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که هر روز ده بار بگوید:

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الها واحدا احدا صمدا لم يتخذ صاحبة و لا ولدا»

خداوند برای او چهل و پنج هزار حسنه بنویسد، و چهل و پنج هزار سيئه از او محو کند و چهل و پنج هزار درجه برای او بالا برد.

و در روایت دیگری است که: این ذکر (که ده بار گفته است) در آن روز برای او پناه گاهی محکم در برابر سلطان و شیطان باشد، و هیچ گناه کبیره‌ای پیرامون او را فرا نگیرد.

بَابُ مَنْ قَالَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ

باب کسی که ده بار بگوید: یا الله یا الله

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ أَخِي أُدَيْمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ قِيلَ لَهُ لَبَّيْكَ مَا حَاجَتُكَ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که ده بار بگوید:

یا الله یا الله

باو گفته شود: بله حاجتت چیست؟

بَابُ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا

باب کسی که بگوید: لا اله الا الله حقا حقا

^۱ (۱) في ثواب الأعمال للصدوق رحمه الله [خمسا و أربعين] في الجميع.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْأَزْمِينِيِّ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ الْخَرَّاطِ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ صِدْقًا أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَوْجِهَهُ وَ لَمْ يَصْرِفْ وَجْهَهُ عَنْهُ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: هر کس در هر روز گوید: «

لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودية و رقا، لا اله الا الله ايمانا و صدقا»

خداوند باو رو کند و از او رو برنگرداند تا بهشت رود.

بَابُ مَنْ قَالَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

باب هر کس که «یا رب یا رب» بگوید

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ الْأَخِيِّ أُدِّمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قِيلَ لَهُ لَبَّيْكَ مَا حَاجُكَ.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: هر کس ده بار

«یا رب یا رب»

گوید: بدو گفته شود: بله حاجت چیست؟.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَرَانَ قَالَ: مَرَضَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قُلْ يَا رَبِّ يَا رَبِّ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِنَّ مِنْ قَالَ ذَلِكَ نُودِيَ لَبَّيْكَ مَا حَاجُكَ.

محمد بن حرمان گوید: اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام بیمار شد پس حضرت صادق علیه السلام باو فرمود بگو:

«یا رب یا رب»

زیرا هر کس آن را بگوید باو ندا شود: بله حاجت چیست.

^۱ (۲) فی بعض النسخ [الخیاط].

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ يَا رَبِّ يَا اللَّهُ يَا رَبِّ يَا اللَّهُ حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفْسُهُ قِيلَ لَهُ لَبَّيْكَ مَا حَاجَتُكَ.

ابو بصیر گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که بگوید:

«یا رب یا الله، یا رب یا الله»

تا نفسش برود، باو گفته شود: بله حاجتت چیست؟

بَابُ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا

باب کسی که بگوید: لا اله الا الله مخلصا

۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ السَّوَّاقِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يَا أَبَانُ إِذَا قَدِمْتَ الْكُوفَةَ فَارْزُقْ هَذَا الْحَدِيثَ مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّهُ يَأْتِينِي مِنْ كُلِّ صِنْفٍ مِنَ الْأَصْنَافِ أَفَأَرْزُقِي هُمْ هَذَا الْحَدِيثَ قَالَ نَعَمْ يَا أَبَانُ إِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فَتُسَلَّبُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْهُمْ إِلَّا مَنْ كَانَ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ.

ابان بن تغلب گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای ابان چون بکوفه رفتی این حدیث را (برای مردم) روایت کن: هر که شهادت دهد که معبودی جز خدای نیست در حالی که (دین خود را برای او) پاکیزه کرده است (و بگوید: لا اله الا الله مخلصا)

بهشت برای او واجب گردد، گوید: عرض کردم:

از هر دسته و گروهی نزد من (بدیدتم) می آیند آیا برای همه آنان این حدیث را روایت کنم؟ فرمود: آری ای ابان چون روز قیامت شود و خداوند همه اولین و آخرین را (در آنجا) گرد آورد

«لا اله الا الله»

را از آنها بگیرد جز آن کس که بر این مذهب باشد (یعنی شیعه باشد).

توضیح

^۱ (۱) في بعض النسخ [يا ربى الله يا ربى الله] و في بعضها [يا ربى يا الله يا ربى يا الله].

- گویا اَبان از این فرمایش بشگفت آمده و عرض کرده است: همه گروهی (از شیعه و سنی و فرقه‌های بسیاری که در میان شیعه و سنی هستند) نزد من می‌آیند آیا برای همه این فرمایش شما را بگویم و این بشارت را بجمه بدهم که هر که این شهادت را گفت بهشت بر او واجب گردد؟ و همه این فرقه‌ها با گفتن آن بهشت روند؟ امام علیه السلام برای رفع این شبهه فرمود: روز قیامت کلمه

لا اله الا الله

از آنان گرفته شود، مجلسی (ره) گوید: این که اول حدیث هم فرمود: «من شهد» یعنی هر که گواهی دهد اشاره باینست که گفتار بی‌عقیده و قصد چنین پاداشی نداد، زیرا گواهی باید از صمیم قلب باشد، و نیز از «مخلصا» که در دنبال فرمود این مطلب آشکارا گردد زیرا «مخلصا» یعنی از روی اخلاص دین باشد و اخلاص دین آنست که آمیخته بهیچ نوعی از شرك نباشد مانند انکار رسالت و ولایت و انکار معاد و چیزهای دیگر که از ضروریات دین است.

بَابُ مَنْ قَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

باب کسی که بگوید: ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا دَعَا الرَّجُلُ فَقَالَ بَعْدَ مَا دَعَا- مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ اسْتَبَسَّلَ عَبْدِي وَ اسْتَسَلَّمَ لِأَمْرِي أَفْضُوا حَاجَتَهُ^۱.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه مردی دعا کند و پس از دعا بگوید: ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله» خدای عز و جل فرماید: بنده مؤمن دل بمن نهاد و تسلیم امر من گردید حاجتش را برآورد.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ قَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سَبْعِينَ مَرَّةً صَرَفَ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَيْسُرُ ذَلِكَ الْخُنْفُ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْخُنْفُ قَالَ لَا يَعْتَلُّ بِالْجُنُونِ فَيُخْنَقُ^۲.

جمیل گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام میفرمود: هر که هفتاد بار بگوید:

«ما شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله»

هفتاد نوع از نوع‌های بلا از او دور گردد که آسانترین آنها خناق (و خفه شدن) است، عرض کردم: فدایت شوم خناق چیست؟ فرمود: بدیوانگی دچار نشود (یا کشته نشود) که خفه گردد.

^۱ (۱) المستبسل: الذي يوطن نفسه على الموت.

^۲ کلیبی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

بَابُ مَنْ قَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ* ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ اتُّوبُ إِلَيْهِ

باب کسی که بگوید: استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذو الجلال و الاكرام و اتوب اليه

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ قَالَ فِي ذُبْرِ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّيَ رِجْلَيْهِ- أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ* ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ اتُّوبُ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: هر که دنبال نماز واجب پیش از آنکه پاهای خود را تا کند (و برخیزد، یا پیش از آنکه از حالت و هیئت تشهد زانوهای خود را تغییر دهد) سه بار بگوید:

«استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم ذو الجلال و الاكرام و اتوب اليه»

خدای عز و جل گناهانش را بیامرزد گرچه (در زیادی) مانند کف دریا باشند.

بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ الْإِصْبَاحِ وَالْإِمْسَاءِ

باب گفتار در بامداد و شامگاه

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى- وَ ظِلَاهُمْ بِالْعُدُودِ وَالْأَصَالِ^۱ قَالَ هُوَ الدُّعَاءُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ هِيَ سَاعَةٌ إِبْجَابَةٌ.

حضرت صادق علیه السلام در باره گفتار خدای تبارک و تعالی: «و برای خدا سجده کنند آنان که در آسمانها و زمینند خواه و ناخواه، و سایه‌های آنان در بامداد و شامها» (سوره رعد آیه ۱۵) فرمود: مقصود از آن دعای پیش از زدن آفتاب و پیش از غروب آن است، و آن ساعت اجابت است.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ أَبِي حَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ إِبْلِيسَ عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ يَبِثُ جُنُودَ اللَّيْلِ مِنْ حَيْثُ تَغِيبُ الشَّمْسُ وَ تَطْلُعُ فَأَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ وَ تَعَوَّدُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ وَ عَوَّدُوا صِعَارَكُمْ فِي تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا عَقْلَةٍ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: همانا ابلیس- که لعنت‌های خداوند بر او باد- لشکرهای شبانه خود را از آنجا که خورشید غروب کند و از آنجا که برآید (باطراف) پراکنده کند، پس در این دو ساعت بسیار ذکر خدا گوئید، و از شر ابلیس و لشکریانش

^۱ (۱) الآية في سورة الرعد: ١٥ هكذا «و لِّلّٰهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ ظِلَالُهُم بِالْعُدُودِ وَ الْأَصَالِ» E.

بخدا پناه برید، و خردسالان خود را در این دو ساعت بخدا بسپارید زیرا که این دو ساعت، ساعت‌های غفلت است (که مردمان در این دو ساعت از یاد خدا بیرون روند).

شرح

- مجلسی (ره) گوید: گویا در کلام محذوفی است و اصل کلام این طور است: «بیث جنود اللیل و جنود النهار حیث تطلع الشمس» و بقرینه سیاق و روش کلام در آن اعمال شده، و در برخی نسخه‌ها «جنوده» بدون ذکر شب و روز است و آن ظاهرتر است.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ زَيْنِ صَاحِبِ الْأَمْطِ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ الْمُصْطَفِينَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانٍ إِمَامِي وَ وَلِيِّي وَ أَنَّ أَبَاهُ- رَسُولَ اللَّهِ ص وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ فُلَانًا وَ فُلَانًا حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَيْهِ أَيْمَتِي وَ أَوْلِيَائِي عَلَى ذَلِكَ أَحْيَا وَ عَلَيْهِ أُمُوتُ وَ عَلَيْهِ أُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أُبْرَأُ مِنْ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ فَإِنْ مَاتَ فِي لَيْلَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ.

رزین از یکی از دو امام باقر و یا صادق علیهما السلام حدیث کند که فرمود: هر که بگوید:

«اللهم انی اشهدک و اشهد ملائکتک المقربین و حملة عرشک المصطفین انک انت الله لا اله الا انت الرحمن الرحیم و ان محمدا عبدک و رسولک و ان فلان بن فلان

(و بجای آن نام امام زمان و پدر بزرگوارش علیهما السلام را ببرد)

امامی و ولیی و اباه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علیا و الحسن و الحسین و فلانا و فلانا

- و امامان بعد از حسین علیه السلام را تا برسد به امام زمان علیه السلام نام ببرد-

ائمتی و اولیائی علی ذلك احیا و علیه أُمُوت و علیه ابعث یوم القیامة و أبرأ من فلان و فلان و فلان» پس اگر در همان شب بمیرد وارد بهشت گردد.

توضیح

- «فلان و فلان و فلان» در آخر دعا کنایه از غاصبان خلافتند و در نسخه وافی یک «فلان» دیگر هم هست که رویهم چهار مرتبه ذکر شده و آن چهارمی چنانچه فیض (ره) و مجلسی (قده) گفته‌اند:

کنایه از معاویه است.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ وَ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الشَّعِيرِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ كَلْتَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
أَوْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: تَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتَ- أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ وَ دِينِ عَلِيِّ وَ سُنَّتِهِ وَ دِينِ
الأَوْصِيَاءِ وَ سُنَّتِهِمْ آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ بِمَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ- رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيٌّ ع وَ
الأَوْصِيَاءُ وَ أَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا إِلَيْهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

یزید بن کلمه از حضرت صادق یا حضرت باقر علیهما السلام حدیث کند که فرمود: چون بامداد کردی میگوئی:

«اصبحت بالله مؤمنا على دين محمد و سنته و دين على و سنته و دين الاوصياء و سنتهم آمنت بسرهم و علانيتهم و شاهدهم
و غائبهم و أعوذ بالله مما استعاذ منه رسول الله (ص) و على عليه السلام و الاوصياء، و ارغب الى الله فيما رغبوا اليه و لا حول و
لا قوة الا بالله»

۵- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُثْمَانَ الْحَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
ع إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ص كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ أُنْتَدِي يَوْمِي هَذَا بَيْنَ يَدَيْ نَسْيَانِي وَ عَجَلْتِي بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فَإِذَا فَعَلَ
ذَلِكَ الْعَبْدُ أَجْزَأَهُ مِمَّا نَسِيَ فِي يَوْمِهِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا علی بن الحسین علیهما السلام چنین بود که چون بامداد میگرد میفرمود:

«ابتداء یومی هذا بین یدی نسیانی و عجلتی بسم الله و ما شاء الله»

(یعنی من روز خود را پیش از آنکه خدا را فراموش کنم و از یاد او بچیز دیگری شتاب کنم بنام او آغاز می‌کنم، بنام خدا و
آنچه خدا خواهد- حضرت فرمود:) و چون بنده چنین کند او را از آنچه در آن روز فراموش کند بس باشد (یعنی تا آخر روز ذکر
خدا را فراموش کرد همین ذکر که اول بامداد خوانده او را کفایت کند زیرا روز خود را بنام خدا آغاز کرده است).

۶- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ شَهَابٍ وَ سُلَيْمِ الْفَرَّاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ هَذَا حِينَ يُمْسِي حُفَّ بِجَنَاحٍ مِنْ أَجْنِحَةِ- جَبْرِئِيلَ ع حَتَّى يُصْبِحَ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى الْجَلِيلَ
الْعَظِيمَ نَفْسِي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ نَفْسِي الْمَرْهُوبَ الْمُخَوْفَ الْمُتَضَعِّعَ لِعَظَمَتِهِ كُلِّ شَيْءٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: هر که این ذکر را هنگامی که شب میکند (و داخل در شب می‌گردد) سه بار بگوید، بیالی
از بالهای جبرئیل علیه السلام پوشیده شود تا بامداد (و از همه آفات تا صبح نگهداری شود و آن ذکر اینست:)

^۱ (۱) یعنی قبل از آنکه نسیان را فراموش کند و اعجل عن ذکره إلى غیره (ق).

«استودع الله العلى الاعلى الجليل العظيم نفسى و من يعينى امره، أستودع الله نفسى المرهوب المخوف المتضعع لعظمتته كل

شىء»

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ وَ غَالِبِ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَمْسَيْتَ قُلِ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِنْدَ إِقْبَالِ لَيْلِكَ وَ إِدْبَارِ نَهَارِكَ وَ حُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَ أَصْوَاتِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْعُ بِمَا أَحْبَبْتَ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هنگامی که شب فرا رسيد بگو:

«اللهم انى أسألك عند اقبال ليلك و ادبار نهارك و حضور صلواتك و اصوات دعائك ان تصلى على محمد و آل محمد»

آنگاه بمر چه خواهی دعا کن (و هر چه از خدا خواهی آنگاه بخواه).

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ يَوْمٍ يَأْتِي عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَ أَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ فَعَلْ فِيَّ خَيْرًا وَ اعْمَلْ فِيَّ خَيْرًا أَشْهَدُ لَكَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهَا أَبَدًا قَالَ وَ كَانَ عَلِيٌّ ع إِذَا أَمْسَى يَقُولُ مَرْحَبًا بِاللَّيْلِ الْجَدِيدِ وَ الْكَاتِبِ الشَّهِيدِ أَكْتُبُا عَلَيَّ اسْمَ اللَّهِ ثُمَّ يَذْكُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هيچ روزی نباشد که بر فرزند آدم درآيد جز اينکه آن روز بدو گويد: اى پسر آدم من روز نوين هستم و من بر تو گواهم، پس در من حرف خوب بزن، و کار خير بکن تا در روز قيامت برايت گواهی دهم زيرا پس از اين هرگز مرا نخواهی ديد. فرمود: که على عليه السلام چنين بود که شب ميکرد ميفرمود: مرحبا باين شب تازه و نويسنده گواه، بنويسيد براى من بنام خدا، سپس نام خدای عز و جل را ياد ميفرمود (و بر زبان جاری ميکرد).

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِذَا تَغَيَّرَتِ الشَّمْسُ فَأَذْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِن كُنْتَ مَعَ قَوْمٍ يَشْعَلُونَكَ - فُحْمٌ وَ ادْعُ.

شهاب بن عبد ربه گويد: شنيدم از حضرت صادق عليه السلام که ميفرمود: هنگامی که خورشيد گشت (و غروب آفتاب نزديك شد) پس ذکر خدای عز و جل کن و اگر با مردمی هستی که تو را از ذکر خدا باز دارند پس از نزد آنان برخيز و دعا کن.

۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ثَلَاثٌ تَنَاسَخَهَا الْأَنْبِيَاءُ^۱ مِنْ آدَمَ ع حَتَّى وَصَلْنَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص كَانَ إِذَا أَصْبَحَ يَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ يَقِينًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَ رَضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: سه چیز را پیمبران از همدیگر ارث بردند (یا از همدیگر نسخه گرفتند) از آدم علیه السلام (گرفته) تا رسیدند برسول خدا (ص) که همیشه بامداد که میکرد میگفت:

«اللهم انى أسألك إيمانا تباشر به قلبى و يقينا حتى أعلم انه لا يصيبنى الا ما كتبت لى و رضى بما قسمت لى»

. و این روایت را برخی از اصحاب ما روایت کرده و این جملات را هم بآن افزوده است:

«حتى لا احب تعجيل ما أخرت و لا تأخير ما عجلت يا حى يا قيوم برحمتك استغيث اصلح لى شأنى كله و لا تكلنى الى نفسى طرفة عين ابدًا و صلى الله على محمد و آله»

- وَ رَوَاهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا وَ زَادَ فِيهِ حَتَّى لَا أُحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: سه چیز را پیمبران از همدیگر ارث بردند (یا از همدیگر نسخه گرفتند) از آدم علیه السلام (گرفته) تا رسیدند برسول خدا (ص) که همیشه بامداد که میکرد میگفت:

«اللهم انى أسألك إيمانا تباشر به قلبى و يقينا حتى أعلم انه لا يصيبنى الا ما كتبت لى و رضى بما قسمت لى»

. و این روایت را برخی از اصحاب ما روایت کرده و این جملات را هم بآن افزوده است:

«حتى لا احب تعجيل ما أخرت و لا تأخير ما عجلت يا حى يا قيوم برحمتك استغيث اصلح لى شأنى كله و لا تكلنى الى نفسى طرفة عين ابدًا و صلى الله على محمد و آله»

۱۱- وَ رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَصْبَحْنَا وَ الْمُلْكُ لَهُ وَ أَصْبَحْتُ عَبْدَكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ فِي قَبْضَتِكَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ وَ أَحْفَظْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَفِظُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَفِظُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ لَا تَجْعَلْ لِي حَاجَةً إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ الْبَسْنِي الْعَافِيَةَ وَ ارْزُقْنِي عَلَيْهَا الشُّكْرَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ

^۱ (۱) أي ورثوها من التناسخ في الميراث و هو موت ورثة بعد ورثة و أصل الميراث قائم لم يقسم (ن).

^۲ (۲) «تباشر به قلبى» أي تجده في قلبى و لا يكون إيمانا ظاهريا بمحض اللسان. أو تلى بآياته في قلبى بنفسك. يقال: باشر الامر إذا وليه بنفسه.

يَا صَمَدُ يَا اللَّهُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ وَ رَبِّ الْأَرْبَابِ وَ سَيِّدِ السَّادَاتِ وَ يَا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اشْفِنِي بِشَفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ.

و از حضرت صادق علیه السلام حدیث شده است (که در زمره دعاهاى بامداد ذکر فرموده‌اند)

«الحمد لله الذى اصبحنا و الملك له، و اصبحت عبدك و ابن عبدك و ابن امتك فى قبضتك اللهم ارزقنى من فضلك رزقا من حيث احتسب و من حيث لا احتسب و احفظنى من حيث احتفظ و من حيث لا احتفظ اللهم ارزقنى من فضلك و لا تجعل لى حاجة الى احد من خلقك اللهم بسنى العافية و ارزقنى عليها الشكر يا واحد يا احد يا صمد يا الله الذى لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، يا الله يا رحمان يا رحيم يا مالك الملك و رب الارباب و سيد السادات و يا الله [يا] لا اله الا انت اشفنى بشفائك من كل داء و سقم فانى عبدك و ابن عبدك اتقلب فى قبضتك»

۱۲- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّي وَ هَذَا النَّهَارَ خَلَقَانِ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ لَا تَبْتَلِنِي بِهِ وَ لَا تَبْتَلِهِ بِي اللَّهُمَّ وَ لَا تُرِهْ مِنِّي جُرْأَةً عَلَى مَعَاصِيكَ وَ لَا رُكُوبًا لِمَحَارِمِكَ اللَّهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي الْأَزْلَ وَ اللَّأْوَاءَ وَ الْبَلْوَى وَ سُوءَ الْقَضَاءِ وَ شِمَاتَةَ الْأَعْدَاءِ وَ مَنْظَرَ السُّوءِ فِي نَفْسِي وَ مَالِي قَالَ وَ مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ حِينَ يُمْسِي وَ يُصْبِحُ- رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ ص نَبِيًّا وَ بِالْقُرْآنِ بَلَاغًا وَ بَعَلِيٍّ إِمَامًا ثَلَاثًا إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ أَنْ يُرْضِيَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ وَ كَانَ يَقُولُ ع إِذَا أَمْسَى أَصْبَحْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ فَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا أَمْسَيْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ قَالَ وَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَصْبَحْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَصْبَحْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ.

-محمد بن علی در حدیثی مرفوع از امیر المؤمنین علیه السلام حدیث کند که شیوه آن حضرت چنین بود که (هنگام بامداد) میگفته:

«اللهم انى و هذا النهار خلقان من خلقك، اللهم لا تبتلنى به و لا تبتله بى، اللهم و لا تره منى جرأة على معاصيك و لا ركوبا لمحارمك، اللهم اصرف عنى الازل و اللأواء و البلوى و سوء القضاء و شماتة الاعداء و منظر السوء فى نفسى و مالى»

. و فرمود: و بندهاى نباشد که چون شب کند و يا بامداد کند و سه بار بگويد:

«رضيت بالله ربا و بالاسلام دينا و بمحمد (ص) نبيا و بالقرآن بلاغا و بعلى اماما»

جز اينکه بر خداى عزيز جبار ثابت است که روز قيامت او را خوشنود سازد.

^۱ (۱) الابتلاء: الامتحان و الاختبار و لعل المراد بابتلايه بالنهار أن يناله منه سوءا و بابتلاء النهار به أن يفعل فيه معصية. و الازل: الضيق. و اللأواء: الشدة و الضيق فى المعيشة و فى بعض النسخ الافك و الاذى [مكان الازل و اللأواء. و المنظر: ما نظرت إليه و أعجبك أو ساءك.

و گوید: که امیر المؤمنین علیه السلام چون شب میگرد میفرمود:

«اصبحنا الله شاكرين و امسينا الله حامدين فلك الحمد كما امسينا لك مسلمين سالمين».

گوید: و چون بامداد کرد فرمود:

«امسينا لله شاكرين و أصبحنا لله حامدين و الحمد لله كما أصبحنا لك مسلمين سالمين»

۱۳- عَنْهُ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَبِي ع يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص اللَّهُمَّ إِنِّي كَسَلْتُ نَفْسِي وَ إِنِّي كَانْتُ أَتَمُوتُ بِمِثَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي جَفِظْ الْإِيمَانَ^۱ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ مِنْ قِبَلِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ نَسَأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ شَرِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضَعْفَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضَيْقِ الْقَبْرِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْحَرَامِ^۲ أَبْلِغْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِكَ أَنْ تُمِيتَنِي غَرْقًا أَوْ حَرْقًا أَوْ شَرْقًا أَوْ قَوْدًا أَوْ صَبْرًا أَوْ مَسَمًا^۳ أَوْ تَرْدِيًا فِي بئرٍ أَوْ أَكِيلِ السُّعُ أَوْ مَوْتِ الْفُجَاءَةِ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ مِيتَاتِ السُّوءِ وَ لَكِنِّ أُمْتِنِي عَلَى فِرَاشِي فِي طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ ص مُصِيبًا لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَهُمْ فِي كِتَابِكَ- كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ^۴، أَعِيدُ نَفْسِي وَ وُلْدِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي- بِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ حَتَّى يَخْتِمَ السُّورَةَ وَ أَعِيدُ نَفْسِي وَ وُلْدِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي- بِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ حَتَّى يَخْتِمَ السُّورَةَ وَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلءَ مَا خَلَقَ اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَا نَفْسِهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ الْوَقْرِ^۵ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم چون بامداد میخواند (دعائی را که ترجمه اش چنین است):

«بسم الله و بالله و الى الله و في سبيل الله و على ملة رسول الله

^۱ (۲) أي بان تحفى إيمان أو مع حفظه أو بما تحفظ به أهل الإيمان أو يحفظ تؤمنى به من مخاوف الدنيا و الآخرة فان المؤمن من أحمائه تعالى. و قيل: أى الحفظ الذي يقتضيه الإيمان ليشمل الحفظ عما يضر بالدين كما يشمل الحفظ عما يضر بالدنيا.

^۲ (۱) الحل بالكسر وقت الاحلال و ما جاوز الحرم و المراد به هنا الأول بقرينة المقابلة.

^۳ (۲) الشرق: الغصة. و القود: القصاص. و الصبر ان يمسكه رجل او يشد يداه و رجلاء حتى يضرب عنقه و «مسما» بفتح الميم مصدر ميجى أو بضمها من أحمه إذا سقاه السم و إن لم يذكر في اللغة.

^۴ (۳) الصف: ٤\«الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» E\ و الرص: اتصال بعض البناء ببعض.

^۵ (۴) الوقر: الثقل في الاذن.

، بار خدایا خودم را بتو سپردم و کارم را بتو واگذاردم و بتو توکل کردم ای پروردگار جهانیان، بار خدایا در پناه ایمان مرا از پیش رو و از پشت سر و از راست و چپ و از بالای سر و از پائین پام نگاهدار، معبودی جز تو نیست، و نه جنبش و توانی بجز تو نیست، از تو گذشت و عافیت از هر بدی و شری در دنیا و آخرت خواهم، بار خدایا من از عذاب قبر و فشار و تنگی آن بتو پناه برم، و از بلاهائی که در شب و روز فرود آید بتو پناهنده شوم، بار خدایا ای پروردگار مشعر الحرام، و ای پروردگار شهر حرام (یعنی مکه) و ای خدای حل حرم. محمد و خاندانش را از من سلام برسان، بار خدایا به زره نگاهدارنده تو (کنایه از حفظ و حراست و یا جامه تقوی است) و بجامعیت تو (همه صفات کمالیه را) پناه برم از اینکه مرا بوسیله غرق شدن، یا سوختن یا بقصاص یا دست بسته در دست دشمن یا بزهر خوردن، یا افتادن در چاه، یا طعمه شدن درندگان، یا مرگ ناگهانی یا بهر یک از مردنهای بد مرا بمیرانی، ولی مرا در بستر خود در فرمانبرداری از خودت و رسالت (ص) در حالی که در راه صواب باشم و بخطا نرفته باشم بمیران، یا در صف مجاهدان که در کتاب خود آنان را توصیف کرده‌ای که «گوئیا ایشانند ساختمانی ریخته شده» (سوره صف آیه ۴) پناه دهم خودم و فرزندانم و آنچه پروردگارم بمن روزی کرده به- **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** و تا آخر سوره میخواند- و پناه میدهم خودم و فرزندانم و آنچه پروردگارم بمن روزی کرده به- قل اعوذ برب الناس تا آخر سوره میخواند- و دنبالش میفرمود، سپاس از آن خدا است بشماره آنچه آفریده، و سپاس از آن خدا است بمانند آنچه آفریده، و سپاس از آن خداست بجهه آنچه آفریده، و سپاس از آن خدا است بکشش کلماتش، و سپاس از آن خدا است بوزن عرش او، و سپاس از آن خدا است تا خودش خشنود گردد و

لا اله الا الله الحليم الكريم، و لا اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السماوات و الارضين و ما بينهما و رب العرش العظيم، اللهم اني اعوذ بك من درك الشقاء و من شماتة الاعداء و اعوذ بك من الفقر و الورق، و اعوذ بك من سوء المنظر في الامل و المال و الولد»

و ده بار نیز بر محمد و آل محمد صلوات میفرستاد.

۱۴- **عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ- اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ*** كَثِيرًا لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ إِلَّا ابْتَدَرَهُنَّ مَلَكَ وَ جَعَلَهُنَّ فِي جَوْفٍ^۱ جَنَاحِهِ وَ صَعِدَ بَيْنَ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ مَا مَعَكَ فَيَقُولُ مَعِيَ كَلِمَاتٌ قَالَهُنَّ رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ هِيَ كَذَا وَ كَذَا فَيَقُولُونَ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ قَالَ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ وَ عَفَرَ لَهُ قَالَ وَ كُلَّمَا مَرَّ بِسَمَاءٍ قَالَ لِأَهْلِهَا مِثْلَ ذَلِكَ فَيَقُولُونَ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ قَالَ هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ وَ عَفَرَ لَهُ حَتَّى يَنْتَهِيَ بَيْنَ إِلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ فَيَقُولُ هُمْ إِنَّ مَعِيَ كَلِمَاتٍ تَكَلَّمَ بَيْنَ رَجُلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ هِيَ كَذَا وَ كَذَا فَيَقُولُونَ رَحِمَ اللَّهُ هَذَا الْعَبْدَ وَ عَفَرَ لَهُ انْطَلِقْ بَيْنَ إِلَى حَفْظَةِ كُنُوزِ مَقَالَةِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ هَؤُلَاءِ كَلِمَاتِ الْكُنُوزِ حَتَّى تَكْتُبَهُنَّ فِي دِيْوَانِ الْكُنُوزِ.

^۱ (۵) في بعض النسخ [حرف].

حضرت باقر علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که چون بامداد کند پیش از آفتاب زدن بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بَكْرَةً وَ أَصِيلًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا، لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ»

جز اینکه فرشته‌ای آنها را دریابد و در درون بال خود نهد و با آسمان دنیا بالا برد، پس فرشتگان بدو گویند: چه چیز همراه تو است؟ گویند: با من کلماتی است که یکی از مؤمنین گفته و آنها چنین و چنانند، پس فرشتگان گویند: خدا رحمت کند آن کس که این کلمات را گفته و او را بیامرزد، و بھر آسمانی که بالا رود باهل آن آسمان مانند همان حرف را بزند، و آنها نیز گویند: خدا رحمت کند کسی که این کلمات را گفته و او را بیامرزد تا بجاملین عرش رسد پس بدانها گوید: با من کلماتی است که یکی از مؤمنین بدان تکلم کرده و آنها چنین و چنانند، پس آنها گویند: خدا رحمت کند این بنده را و او را بیامرزد، آنها را ببر نزد نگهبانان گنجهای گفتار مؤمنان، زیرا اینها گنجینه‌های کلماتند تا آنها را در دفتر گنجها بنویسند.

۱۵- **حُمَيْدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَيْرٍ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلْ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ فِي بِلَادِكَ وَ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ وَ جَمَالِكَ وَ حِلْمِكَ وَ كَرَمِكَ كَذَا وَ كَذَا.**

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون صبح کردی بگو:

«اللهم انى اعوذ بك من شر ما خلقت و ما ذرأت و برأت في بلادك و عبادك، اللهم انى أسألك بجلالك و جمالك و حلمك و كرمك- كذا و كذا-»

(و بجای کذا و کذا حاجات خود را بگوید).

۱۶- **عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ عَلِيًّا ص كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ- سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ ثَلَاثًا- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَ مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَ مِنْ فَجْأَةِ نَقْمَتِكَ وَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ مِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي اللَّيْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَ شِدَّةِ قُوَّتِكَ وَ بِعَظِيمِ سُلْطَانِكَ وَ بِعُدْرَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ ثُمَّ سَلَّ حَاجَتَكَ.**

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون صبح کردی بگو:

«اللهم انى اعوذ بك من شر ما خلقت و ما ذرأت و برأت في بلادك و عبادك، اللهم انى أسألك بجلالك و جمالك و حلمك و كرمك- كذا و كذا-»

(و بجای کذا و کذا حاجات خود را بگوید).

۱۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ كَامِلٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَ حَيْفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ عِنْدَ الْمَسَاءِ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ* وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* قَالَ قُلْتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ قَالَ إِنَّ بِيَدِهِ الْخَيْرَ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ وَ حِينَ تَغْرُبُ عَشْرَ مَرَّاتٍ.

علاء بن کامل گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که میفرمود: (در تفسیر این آیه شریفه) «و یاد کن پروردگار خویش را در درون خود بزاری و ترس با صدای آهسته» (سوره اعراف آیه ۲۰۵) (مقصود) هنگام شب است (که بگوئی):

لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد يحيي و يميت و يحيي و هو على كل شيء قدير»

(علاء بن کامل) گوید: گفتم (جمله) «بیده الخیر» (در این ذکر نبود چطور است من در آن بیفزایم؟) فرمود: درست است که خیر بدست خدا است، ولی چنان که گفتم بگو (و کم و زیاد در آن نکن) و آن را ده بار بگو، و نیز هنگام آفتاب زدن و هنگام غروب آن ده بار بگو:

«اعوذ بالله السميع العليم»

۱۸- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: يَقُولُ بَعْدَ الصُّبْحِ^۱ - الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْيُسْرُ وَ الْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ هَبْنِي لِي سَبِيلَهُ وَ بَصِّرْنِي مَخْرَجَهُ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ مَقْدَرَةً بِالشَّرِّ فَخُذْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ وَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ اكْفِنِيهِ بِمَا شِئْتَ وَ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: پس از بامداد میگوئی: «الحمد لله رب الصبح الحمد لله خالق الاصبح»

سه بار (و پس از آن میگوئی):

«اللهم افتح لي باب الامر الذي فيه اليسر و العافية اللهم هبني له سبيله و بصرنني مخرجه اللهم ان كنت قضيت لاحد من خلقك على مقدرة بالشر فخذ من بين يديه و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و من تحت قدميه و من فوق رأسه و اكفنيه بما شئت و من حيث شئت و كيف شئت»

۱۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّتِكَ وَ جِوَارِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَ نَفْسِي وَ دُنْيَايَ

^۱ (۱) في بعض النسخ [تقول].

^۲ (۲) في أكثر نسخ الدعاء [بصرنني سبيله و هبني لي مخرجه].

وَ آخِرَتِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ أَعُوذُ بِكَ يَا عَظِيمُ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ جَمِيعاً وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يُبْلِسُ بِهِ إِبْلِيسُ وَ جُنُودُهُ^۱ إِذَا قَالَ هَذَا الْكَلَامَ لَمْ يَضُرَّهُ يَوْمَهُ ذَلِكَ شَيْءٌ وَ إِذَا أَمْسَى فَقَالَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تِلْكَ اللَّيْلَةُ شَيْءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: هر که چون صبح کند بگوید:

«اللهم انى اصبحت في ذمتك و جوارك، اللهم انى استودعك ديني و نفسى و دنيائى و آخرتى و اهلى و مالى و اعوذ بك يا عظيم من شر خلقك جميعا و اعوذ بك من شر ما يبلس به ابليس و جنوده»

فرمود: چون این کلام را بگوید چیزی در آن روز بوی زیان نرساند، و چون شب کند و آن را بگوید در آن شب چیزی باو زیان نرساند ان شاء الله تعالى.

۲۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِدَاةَ فُتِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهَا لَمْ يُصِبْهُ جُدَامٌ وَ لَا بَرَصٌ وَ لَا جُنُونٌ وَ لَا سَبْعُونَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ قَالَ وَ تَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ- الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبَاحِ الْحَمْدُ لِفَالِقِ الْإِصْبَاحِ مَرَّتَيْنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ اللَّيْلَ بِقُدْرَتِهِ وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ وَ نَحْنُ فِي عَافِيَةٍ وَ يَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ آخِرَ الْحُشْرِ وَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنَ الصَّافَّاتِ وَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيّاً وَ حِينَ تُظْهِرُونَ الْبُحْرَى مِنَ الْمَيْتِ وَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْحَيِّ وَ يُخْرِجُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ سُبُوحٌ قُدُوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ سَبَّتْ رَحْمَتَكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاعْفُ عَنِّي وَ ارْحَمْنِي وَ ثُبِّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون نماز مغرب و صبح را خواندی پس هفت بار بگو:

«بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم»

زیرا هر که آن را بگوید خوره و پیسی و دیوانگی باو نرسد، و هفتاد نوع از انواع بلا (باو نرسد). فرمود: و چون صبح و شام کردی میگویی:

«الحمد لرب الصباح، الحمد لفالق الاصبح»

دو مرتبه (سپس میگویی):

^۱ (۳) في بعض النسخ [يلبس] و التلبس: التخليط و التدليس و لبس بالامر و بالتوب: اختلط.

«الحمد لله الذي اذهب الليل بقدرته و جاء بالنهار برحمته و نحن في عافية»

و میخوانی آیه الکرسی و آخر سوره حشر و ده آیه از سوره صافات با (این آیات)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

با (این آیات و دعا)

«فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ، وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ نُخْرِجُكَ سُبْحَانَ قَدُوسٍ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي وَعَلَيْتُ سِوَاءَ وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تَبَّ عَلَى مَنْكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ».

توضیح

- ظاهر اینست که این دعا مخصوص به بامداد است چنانچه از مضامین آن برآید و دعای شام جز این باشد، مجلسی (ره) گوید: ظاهر آنست که جمله «و أمسیت»- (و چون شام کردی) را برخی از نسخه نویسان و یا برخی از راویان افزوده باشند چنانچه شیخ (ره) و دیگران مانند این دعا را در دعاهای صبح بتنهایی ذکر کرده‌اند سپس گوید: شیخ در مفتاح گفته است: مقصود از آیه الکرسی (که در حدیث فرمود. و میخوانی آیه الکرسی) تا هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ است، و آخر سوره حشر: از آیه: وَ لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ است تا آخر سوره، و برخی گفته‌اند: از آیه: هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ یا از هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ یا از لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ است، و گفته‌اند: مقصود از ده آیه سوره صافات از اول آن است تا آیه شهاب ثاقب و برخی گفته‌اند: «بسم الله» را هم بخواند که با آن یازده آیه می‌شود.

۲۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَحْمَدُكَ وَ اسْتَعِينُكَ وَ أَنْتَ رَبِّي وَ أَنَا عَبْدُكَ أَصْبَحْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ وَ أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوْفِي بِعَهْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَصْبَحْتُ عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ وَ كَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ وَ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ عَلَى ذَلِكَ أَحْيَا وَ أَمُوتُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ اللَّهُمَّ أَحْيِنِي مَا أَحْيَيْتَنِي بِهِ وَ أَمِتْنِي إِذَا أَمِتْنِي عَلَى ذَلِكَ وَ ابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ أَبْتَغِي بِذَلِكَ رِضْوَانَكَ وَ اتَّبَاعَ سَبِيلِكَ إِلَيْكَ الْجَنَّةَ ظَهْرِي وَ إِلَيْكَ فَوَضْتُ أَمْرِي- أَلْ مُحَمَّدٍ أُمَّتِي لَيْسَ لِي أُمَّةٌ غَيْرُهُمْ بِهِمْ أَنتُمْ وَ إِيَّاهُمْ أَتَوَلَّى وَ بِهِمْ أَقْتَدِي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُمْ أَوْلِيَاءِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اجْعَلْنِي أَوْلِيَاءَهُمْ وَ أَعَادِي أَعْدَاءَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْحَفِيَّ بِالصَّالِحِينَ* وَ آبَائِي مَعَهُمْ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون نماز مغرب و صبح را خواندی پس هفت بار بگو:

«بسم الله الرحمن الرحيم لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم»

زیرا هر که آن را بگوید خوره و پیسی و دیوانگی باو نرسد، و هفتاد نوع از انواع بلا (باو نرسد). فرمود: و چون صبح و شام کردی میگوئی:

«الحمد لرب الصباح، الحمد لخالق الاصبح»

دو مرتبه (سپس میگوئی):

«الحمد لله الذى اذهب الليل بقدرته و جاء بالنهار برحمته و نحن في عافية»

و میخوانی آیه الکرسی و آخر سوره حشر و ده آیه از سوره صفات با (این آیات)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعَزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

با (این آیات و دعا)

«فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ، وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبْحَانَ قُدُوسٍ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبُكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»

توضیح

- ظاهر اینست که این دعا مخصوص به بامداد است چنانچه از مضامین آن برآید و دعای شام جز این باشد، مجلسی (ره) گوید: ظاهر آنست که جمله «و أمسیت» - (و چون شام کردی) را برخی از نسخه نویسان و یا برخی از راویان افزوده باشند چنانچه شیخ (ره) و دیگران مانند این دعا را در دعاهای صبح بتنهائی ذکر کرده اند سپس گوید: شیخ در مفتاح گفته است: مقصود از آیه الکرسی (که در حدیث فرمود. و میخوانی آیه الکرسی) تا هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ است، و آخر سوره حشر: از آیه: وَ لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ اسْتَأْذَنَ مِنْكُمْ لَسَبَبْنَا الْأَعْيُنَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ وَ لَسَاءَ مَا يَحْكُمُونَ مِنَ الْعَمَلِ إِنَّهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ است تا آخر سوره، و برخی گفته اند: از آیه: هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ يَا هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يَا هُوَ الَّذِي لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ اسْتَأْذَنَ مِنْكُمْ لَسَبَبْنَا الْأَعْيُنَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ وَ لَسَاءَ مَا يَحْكُمُونَ مِنَ الْعَمَلِ إِنَّهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ است تا آیه شهاب ثاقب و برخی گفته اند: «بسم الله» را هم بخواند که با آن یازده آیه می شود.

۲۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ عَلَّمْنِي شَيْئًا أَقُولُهُ إِذَا أَصْبَحْتُ وَ إِذَا أَمْسَيْتُ فَقَالَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ* وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

صفوان از شخصی نقل میکند که او گوید بامام صادق علیه السلام عرض کردم: بمن دعائی بیاموز که هر گاه صبح کردم و هر گاه شام نمودم آن را بگویم، گوید: فرمود: بگو:

«الحمد لله الذى يفعل ما يشاء و لا يفعل ما يشاء غيره، الحمد لله كما يحب الله ان يحمد الحمد كما هو اهله، اللهم ادخلني في كل خير ادخلت فيه محمد و آل محمد، و اخرجني من كل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد و صلى الله على محمد و آل محمد»

۲۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ الْكُوفِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ الْأَخْنَفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَهْمَا تَرَكْتَ مِنْ شَيْءٍ فَلَا تَتْرُكْ أَنْ تَقُولَ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ-أَسْتَعْفِرُكَ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ لِأَهْلِ رَحْمَتِكَ وَ أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ لَعْنَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَبْرَأُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي هَذَا الصَّبَاحِ بِمَنْ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ مِمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوَاءٍ فَاسْفِينِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ بَرَكَةً عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَ عِقَاباً عَلَى أَعْدَائِكَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاكَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاكَ اللَّهُمَّ اخْتِمْ لِي بِالْإِيمَانِ كُلَّمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِيُؤَدِّي* وَ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَحِمْتَ رَبِّي صَغِيرًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مُنْقَلَبَهُمْ وَ مَنَوَاهُمْ اللَّهُمَّ احْفَظْ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيمًا* وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا سَيِّرًا وَ اجْعَلْ لَهُ وَ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اللَّهُمَّ الْعَنِ فُلَانًا وَ فُلَانًا وَ الْفِرْقَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى رَسُولِكَ وَ وُلَاةِ الْأُمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَ الْأَيِّمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَ شِبَعَتِهِمْ وَ أَسْأَلُكَ الزِّيَادَةَ مِنْ فَضْلِكَ وَ الْإِفْرَارَ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَ الْمُحَافَظَةَ عَلَى مَا أَمَرْتَ بِهِ لَّا أَبْتَغِي بِهِ بَدَلًا وَ لَّا أَشْتَرِي بِهِ مِمَّنَّا قَلِيلًا* اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ قِنِي شَرَّ مَا فَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَّا يُقْضَى عَلَيْكَ وَ لَّا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّ الْبَيْتِ- تَقَبَّلْ مِنِّي دُعَائِي وَ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَضَاعِمُهُ لِي أضعافاً مُضَاعَفَةً كَثِيرَةً وَ آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ أَجْرًا عَظِيمًا رَبِّ مَا أَحْسَنَ مَا ابْتَلَيْتَنِي وَ اعْظَمَ مَا أَعْطَيْتَنِي وَ أطولَ مَا عَافَيْتَنِي وَ أَكْثَرَ مَا سَتَرْتَ عَلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا عَلَيْهِ مِلءُ السَّمَاوَاتِ وَ مِلءُ الْأَرْضِ وَ مِلءُ مَا شَاءَ رَبِّي^۱ - كَمَا يُحِبُّ وَ يَرْضَى وَ كَمَا يُنْبَغِي لَوَجْهِ رَبِّي ذِي الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر چه را واگذاری این دعا را وامگذار که در هر صبح و شام بخوانی (و ترجمه آن دعا اینست: «بار خدایا بامداد کردم و در این بامداد و در این روز از تو آمرزش خواهم برای هر کس که شایسته رحمت تو است، و از آنان که شایسته دوری از رحمت تو هستند بیزاری جویم، در این روز و در این بامداد از آنان که ما در میان آنها هستیم از مشرکان و آنچه می‌پرستند، اینان مردمان بد و تبهکاری هستند، بار خدایا آنچه در این بامداد و در این روز از آسمان بر زمین فرود آوری برکتی بر دوستان و عذابی بر دشمنان ساز، بار خدایا دوست دار هر که دوستت دارد دشمن دار هر که با تو دشمنی کند، بار خدایا هر گاه خورشید بیرون آید و هر گاه پنهان شود (آن روز را) برای من با منیت و ایمان پایان رسان، بار خدایا مرا و پدر و مادر مرا بیامرز و آنان ترحم کن چنانچه مرا در کودکی پروریدند بار خدایا مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات را از زنده و مرده‌شان بیامرز، بار خدایا تو بسرانجام و جایگاه ایشان دانایی، بار خدایا پیشوای مسلمانان را پناه ایمان محافظت کن، و او را یاری کن یاری

^۱ (۱) الملاء بالكسر اسم ما يأخذه الاناء إذا امتلأ. أى حذا بقدر ما تمتلئ هذه الاجسام.

پیروزی بخشی، و بفتح آسانی او را فاتح فرما، و برای او و برای ما سلطنت پیروزمندانه‌ای مقرر ساز، بار خدایا فلان و فلان و گروه‌های پراکنده‌ای که با رسول تو و زعما و پیشوایان پس از او و پیروانشان مخالفت کردند از رحمت خود دور ساز، و فزونی فضل تو را خواستارم، و اعتراف بدان چه از نزدت آمده و تسلیم در برابر دستورت، و نگهداری بر آنچه امر فرمودی خواهانم، و در برابر آنها جایگزینی نجویم و ببهای اندک نفروشم، بار خدایا مرا در زمره آنان که هدایت فرموده‌ای هدایت فرما، و از شر آنچه مقدر

کرده‌ای نگهداری کن، تو حکم کنی و بر تو حکومتی نیست، هر که تو را دوست بدارد خوار نگردد برتر و بلند مقامی، منزهی ای پروردگار خانه کعبه، دعای مرا بپذیر، و آنچه بدان بدرگاهت تقرب جویم از نیکی آن را برای من چند برابر کن، و رحمتی از سوی خود با پاداش بزرگی بما بده، پروردگارا چه نیکو آزمایشم کردی و چه عطای بزرگی بمن دادی، و چه عافیت طولانی بمن کرامت کردی و چه بسیار بر من (از گناهان) پوشاندی، پس از آن تو است سپاس بسیار و پاک و با برکت باندازه آنچه آسمانها و زمین بگیرد، و پر از آنچه خدای من خواهد، هر آن مقدار که دوست دارد و خشنود شود و چنانچه شایسته ذات اوست که صاحب جلالت و کرامت است».

۲۴- عَنْهُ^۱ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ قَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مِائَةً مَرَّةً حِينَ يُصَلِّي الْفَجْرَ^۲ لَمْ يَرِ يَوْمَهُ ذَلِكَ شَيْئًا يَكْرَهُهُ.

حماد بن عثمان گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام میفرمود: هر که هنگامی که نماز صبح را میخواند صد بار بگوید:

«ما شاء الله كان لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم»

در آن روز چیزی که او را ناخوش آید نبیند.

۲۵- عَنْهُ^۱ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ دُبُرِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ سَبْعَ مَرَّاتٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَهْوَنُهَا الرِّيحُ^۲ وَ الْبَرَصُ وَ الْجُنُونُ^۳ وَ إِنْ كَانَ شَقِيئًا مُجِيًّا مِنَ الشَّقَاءِ وَ كُتِبَ فِي السُّعْدَاءِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس پشت نماز صبح و نماز مغرب هفت بار بگوید:

بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم»

^۱ (۲) ضمیر «عنه» راجع إلى البرقي.

^۲ (۱) أي بعد فريضة الصبح عرفا.

^۳ (۲) الريح: الاستسقاء و غيره.

خدای عز و جل از او هفتاد نوع از انواع بلا را دور کند که آسانترین آنها بادهای بد (چون عفونت اعضای که بوی بد دهد) و پیسی و دیوانگی است، و اگر شقی باشد از شقاوت بیرون آید و (نامش) در (طومار) سعادتندان نوشته شود.

۲۶- وَ فِي رِوَايَةِ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عٍ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ أَهْوَنُهُ الْجُنُونُ وَ الْجُدَامُ وَ الْبَرَصُ وَ إِنْ كَانَ شَقِيحاً رَجَوْتُ أَنْ يُحَوِّلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى السَّعَادَةِ.

و در روایت سعدان از ابی بصیر مانند همین حدیث رسیده جز اینکه در این حدیث فرماید:

آسانترین آن بلاها دیوانگی و خوره و پیسی است و اگر شقی باشد من امیدوارم که خدای عز و جل او را بسعادت برگرداند.

۲۷- عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عٍ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: يَفُوهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِينَ يُصْبِحُ وَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِينَ يُمْسِي لَمْ يَخَفْ شَيْطَاناً وَ لَا سُلْطَاناً وَ لَا بَرَصاً وَ لَا جُدَاماً وَ لَمْ يُغْلُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عٍ وَ أَنَا أَفُوهَا مِائَةَ مَرَّةٍ.

و از حضرت ابی الحسن (موسی بن جعفر یا فرزندش حضرت رضا علیهما السلام) مانند این حدیث روایت شده، جز اینکه آن حضرت فرموده است: (هر که) این ذکر را سه بار چون بامداد کند بگوید، و سه بار چون شام کند، نه از شیطان بترسد و نه از سلطان، و نه از پیسی و نه از خوره، و نفرموده هفت بار و حضرت ابو الحسن علیه السلام فرموده است: و من آن را صد بار میگویم.

۲۸- عَنْهُ عَنِ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عٍ قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ الْعِدَاةَ وَ الْمَغْرِبَ فُتِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ مِنْ قَالَهَا لَمْ يُصِبْهُ جُنُونٌ وَ لَا جُدَامٌ وَ لَا بَرَصٌ وَ لَا سَبْعُونَ نَوْعاً مِنَ الْبَلَاءِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون نماز صبح و مغرب را خواندی هفت بار بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

زیرا همانا هر کس آن را بگوید دیوانگی و خوره و پیسی و هفتاد نوع (دیگر) از انواع بلا باو نرسد.

۲۹- عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَعْدِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عٍ إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَلَا تَبْسُطُ رِجْلَكَ وَ لَا تُكَلِّمَ أَحَدًا حَتَّى تَقُولَ مِائَةَ مَرَّةٍ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ مِائَةَ مَرَّةٍ فِي الْعِدَاةِ- فَمَنْ قَالَهَا دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ مِائَةَ نَوْعٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَدْنَى نَوْعٍ مِنْهَا الْبَرَصُ وَ الْجُدَامُ وَ الشَّيْطَانُ وَ السُّلْطَانُ.

حضرت ابو الحسن علیه السلام (حضرت کاظم- و یا حضرت رضا علیهما السلام) فرمود: چون نماز مغرب را خواندی پایت را

نکش و با کسی سخن مگو تا صد بار بگوئی: »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم»

و صد بار هم پس از نماز صبح بگو، پس هر که آن را گوید خداوند از او صد نوع از انواع بلا دفع کند که از آن انواع است: پیسی و خوره و (بلائی که از) شیطان و سلطان (رسد).

۳۰- عَنْهُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ إِذَا أَمْسَيْتَ فَتَنَظَّرْتَ إِلَى الشَّمْسِ فِي غُرُوبٍ وَ إِذْ بَارٍ فُتْلُ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَصِفُ وَ لَا يُوصَفُ وَ يَعْلَمُ وَ لَا يُعْلَمُ حَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَ بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ مَا بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ مَا تَحْتِ الثَّرَى وَ مِنْ شَرِّ مَا ظَهَرَ وَ مَا بَطَنَ وَ مِنْ شَرِّ مَا كَانَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ أَبِي مُرَّةٍ وَ مَا وَلَدَ وَ مِنْ شَرِّ الرَّسِيسِ^۱ وَ مِنْ شَرِّ مَا وَصَفْتُ وَ مَا لَمْ أَصِفْ فَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* ذَكَرَ أَنَّهَا أَمَانٌ مِنَ السَّبْعِ وَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّحِيمِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ قَالَ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ- سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ ثَلَاثًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَ مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَ مِنْ فَجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ مِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي الْكِتَابِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَ شِدَّةِ قُوَّتِكَ وَ بِعَظِيمِ سُلْطَانِكَ وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ.

عبد الله بن ابراهيم جعفری گوید: از حضرت ابو الحسن عليه السلام شنیدم که میفرمود: چون شام کنی و ببینی که خورشید در پنهان شدن و پشت کردن است پس بگو: «

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الحمد لله الذى لم يتخذ ولداً و لم يكن له شريك في الملك الحمد لله الذى يصف و لا يوصف، و يعلم و لا يعلم يعلم حائنة الأعين و ما تخفي الصدور، اعوذ بوجه الله الكريم و باسم الله العظيم من شر ما ذرأ و ما برأ و من شر ما تحت الثرى، و من شر ما ظهر و ما بطن و من شر ما كان في الليل و النهار، و من شر أبي مرة (كنيه شيطانست) و ما ولد و من شر الرسيس و من شر ما وصفت و ما لم أصف فالحمد لله رب العالمين»

آن حضرت عليه السلام یادآور شد که این دعا سبب امان است از (حیوانات) درنده و از شیطان رحیم و ذریه اش.

فرمود: که امیر المؤمنین علیه السلام چون صبح میکرد سه بار میفرمود:

«سبحان الله الملك القدوس»

- (سپس میفرمود)-:

^۱ (۱) أبو مرة: کنیه ابلیس لعنه الله. و الرسيس: العشق الباطل و الحمی أو المفسد أو الکاذب او من يتعرف خير الناس او الارحوفة او انتشار العيوب بين الناس (آت).

«اللهم انى اعوذ بك من زوال نعمتك و من تحويل عافيتك و من فحأة نعمتك و من درك الشقاء و من شر ما سبق فى الكتاب، اللهم انى أسألك بعزة ملكك و شدة قوتك و بعظيم سلطانك بقدرتك على خلقك»

۳۱- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الدُّعَاءَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا سُنَّةٌ وَاجِبَةٌ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ^۱ وَ الْمَغْرِبِ تَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ* وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ تَقُولُ- أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَخْضُرُونَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ* عَشْرَ مَرَّاتٍ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ فَإِنْ نَسِيتَ فَضَيْتَ كَمَا تَقْضِي الصَّلَاةَ إِذَا نَسِيتَهَا.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: همانا دعا پیش از آفتاب زدن و پیش از غروب آن سنت (و روشی) است واجب (و ثابت) هنگام سپیده دم و هنگام مغرب ده بار میگوئی: »

لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك و له الحمد يحيى و يميت و يحيى و هو حى لا يموت بيده الخير و هو على كل شىء قدير»

و میگوئی ده بار:

«اعوذ بالله السميع العليم من همزات الشياطين و أَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَخْضُرُونَ، ان الله هو السميع العليم»

پیش از آفتاب زدن و پیش از غروب، و اگر فراموش کردی آن را قضا میکنی چنانچه نماز را قضا میکنی هر گاه فراموش کنی.

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: این حدیث ضعیف است و کسی را هم ندیده‌ام که بخاطر این حدیث قائل بوجوب این ذکر در صبح و شام شده باشد جز جمع کم و اندکی از متأخرین از محدثین، و بنا بر این مقصود از سنة واجبه یعنی لازمه و مؤکده (نه واجب بمعنای فرض و آنچه در اصطلاح فقهاء است) و در آخر حدیث هم که فرماید: او را مانند نماز که فراموش کنی اگر فراموش شد قضا کن.» مجلسی (ره) گوید: احتمال دارد مقصود نماز واجب باشد و محتمل است مقصود نماز مستحب باشد (پس این جمله نیز دلالتی بر وجوب نکند چنانچه در باره نمازهای مستحبی مانند نماز شب هم دستور بقضای آن در روز در صورت فراموشی رسیده است).

۳۲- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي حَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْ أَسْتَعِذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَخْضُرُونَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ* وَ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ قَالَ

^۱ (۲) « سنة واجبه» أي سنة ثابتة.

^۲ (۳) في بعض النسخ. [الشمس].

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مَفْرُوضٌ هُوَ قَالَ نَعَمْ مَفْرُوضٌ مَحْدُودٌ تَقُولُهُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِنْ فَاتَكَ شَيْءٌ فَأَفْضِهِ مِنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ^١

محمد بن مروان از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: بگو:

«استعین بالله من الشیطان الرجیم و اعوذ بالله ان یحضرن، ان الله هو السميع العليم»

و بگو: «لا اله الا الله وحده لا شریک له یحیی و یمیت و هو علی کل شیء و قدير»

گوید: مردی بآن حضرت عرض کرد: (گفتن) آن فرض شده و محدود است؟ فرمود: آری فرض شده و محدود است، پیش از آفتاب زدن ده بار و پیش از غروب نیز ده بار میگوئی و اگر چیزی از آن از تو فوت شد از شب یا از روز آن را قضا کن.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: این روایت نیز (مانند حدیث گذشته از جهت سند) ضعیف است - و سپس گوید: «فرض» در اصطلاح اخبار آن چیزی است که وجوب آن از قرآن ظاهر گشته، و در برابرش سنت آن چیزی است که وجوب آن از سنت ظاهر شود، و گاهی نیز فرض اطلاق گردد بر آنچه رجحان آن از کتاب ظاهر شود خواه واجب باشد و خواه مستحب و در مقابلش سنت نیز گاهی بر اعم از واجب اطلاق شود سپس کلمات اهل لغت را در معنای فرض ذکر میکند که گفته اند: فرض بمعنای توقیت و قراءه و سنت و واجب آمده آنگاه گوید: اکنون که معانی فرض را دانستی از نظر عرف و لغت بنا بر این استدلال باین احادیث برای واجب بودن این دو ذکر مشکل است، خصوص با ضعیف بودن بیشتر آنها، و اگر واجب بودند سزاوار بود که در روایات متواتری آمده باشد مانند فریضه ها و نمازهای واجب روزانه، با اینکه این دو ذکر بحد استفاضه نیز که در باره نافله های روزانه هست باین حد نیز نرسیده و از لحاظ اصطلاح خبری مستفیض هم نیست. گذشته از اینکه در هیچ خبری تهدید بر ترك آنها وارد نشده با اینکه لازمه واجب شدن چیزی همان تهدید بر ترك آنست، و هم چنین اختلافات بسیاری که در خود آن دو ذکر هست قرینه بر استحباب آن دو میباشد.

۳۳- عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ كَامِلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ مِنْ الدُّعَاءِ مَا يَنْبَغِي لِصَاحِبِهِ إِذَا نَسِيَهُ أَنْ يَقْضِيَهُ يَقُولُ بَعْدَ الْغَدَاةِ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ* وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْحَيَرُ كُلُّهُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ يَقُولُ - أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فَإِذَا نَسِيَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا كَانَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُ.

^١ (١) قوله «مفروض» الفرض في اصطلاح الاخبار ما ظهر وجوبه من القرآن و يقابله السنة أى ما ظهر وجوبه من السنة و قد يطلق الفرض على ما ظهر رجحانه من الكتاب أعم من أن يكون على الوجوب او الاستحباب و يقابله السنة للمعنى الأعم اي ما ظهر شرعيته من السنة أعم من أن يكون واجبا أو مستحبا فيمكن حمل الفرض هنا على هذا المعنى. و المحدود: الموقوت (آت)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: برخی از دعاها است که سزاوار است اگر صاحبش فراموش کرد آن را قضا کند، پس از بامداد ده بار میگوید: »

لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد يحيى و يميت و يحيى و هو حى لا يموت بيده الخير [كله] و هو على كل شىء قدير»

و ده بار میگوید:

«اعوذ بالله السميع العليم»

پس هر گاه چیزی از آن را فراموش کرد بر او است که قضا کند.

۳۴- عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ التَّسْبِيحِ فَقَالَ مَا عَلِمْتُ شَيْئاً مُوظِّفاً غَيْرَ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ ع- وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ بَعْدَ الْفَجْرِ تَقُولُ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ- وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* وَ يُسَبِّحُ مَا شَاءَ تَطَوُّعاً.

محمد بن مسلم گوید: از حضرت باقر علیه السلام در باره تسبیح پرسیدم؟ فرمود: من از تسبیح چیز مقرر و موظفی جز تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام ندانم (و سراغ ندارم) و ده بار پس از طلوع فجر میگوئی: »

لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد [يحيى و يميت] و هو على كل شىء قدير»

و هر چه خواهی تسبیحات مستحبه را بگو.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: مقصود از موظف: چیزی است که دارای عدد مخصوص و هیئت خاصی باشد که بر آن افزوده نشود و از آن کم نگردد، یا مقصود اینست که آن از سنتهای تأکید شده‌ای است که ترك آن سزاوار نیست مگر برای عذر شدید و مواظبت بر آن لازم است.

و در جمله «و یسبح ما شاء تطوعاً»

گوید: گویا مقصود از تسبیح در اینجا چیزی است که اعم از «سبحان الله» و امثال آن باشد، بلکه هر چیزی که دلالت بر بزرگواری و دور کردن خداوند از عیوب و آنچه راهنمایی بر جلالت او کند از ذکرها و تکبیرها را شامل گردد، و تطوع در عرف اخبار و محدثین غالباً بر آن مستحباتی اطلاق گردد که از سنتهایی نباشد که رسول خدا (ص) بر آنها مواظبت داشت، چون نافله‌های

روزانه، و روزه سه روزه در هر ماه و مانند آن، و از این روی صدوق (ره) در کتاب فقیه برای روزه سالیانه يك باب منعقد کرده و برای روزه تطوع بابی دیگر، و از خاصیت‌های سنتها آن است که چون فوت شد قضا شود.

و چون این مطلب را فهمیدی پس بدان که امام علیه السلام در این فرمایش بدو چیز اشاره فرموده: (۱) اینکه این دو ذکر که موظف و سنت است منافاتی با استحباب سایر اذکار ندارد. (۲) اینکه این دو ذکر از سنتهای اکیده است ولی سایر ذکرها از تطوعات است.

۳۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْخَدَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع مَنْ قَالَ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ* وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ سَبَّحَ حَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً وَ هَلَّلَ حَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً وَ حَمَدَ اللَّهَ حَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً لَمْ يُكْتَبْ فِي ذَلِكَ الصَّبَاحِ مِنَ الْعَافِلِينَ وَ إِذَا قَالَهَا فِي الْمَسَاءِ لَمْ يُكْتَبْ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ مِنَ الْعَافِلِينَ.

ابو عبیده خدّاء گوید: حضرت باقر علیه السلام فرمود: هر که هنگام زدن سپیده ده بار بگوید:

«لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد يحيي و يميت [و يميت و يحيي] و هو حي لا يموت بيده الخير و هو على كل شيء قدير»

و ده بار بگوید: «و صلى الله على محمد و آل محمد»

و سی و پنج بار تسبیح (سبحان الله) بگوید، و سی و پنج بار «لا اله الا الله» بگوید، و سی و پنج بار «الحمد لله»

بگوید در آن بامداد در زمره غافلین (و بی‌خبران) نوشته نشود، و چون در شب آن را گوید در آن شب از جمله غافلین نوشته نشود.

۳۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع أَسْأَلُهُ أَنْ يُعَلِّمَنِي دُعَاءً فَكَتَبَ إِلَيَّ تَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ- اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ إِنْ زِدْتَ عَلَى ذَلِكَ فَهُوَ خَيْرٌ ثُمَّ تَدْعُو بِمَا بَدَأَ لَكَ فِي حَاجَتِكَ فَهُوَ لِكُلِّ شَيْءٍ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ*.

محمد بن فضیل گوید: حضرت جواد علیه السلام نوشتم و درخواست کردم که دعائی بمن بیاموزد؟ پس آن حضرت بمن نوشت: چون صبح کنی و شام کنی بگو:

^۱ (۱) أي فهو ينفع لقضاء كل شيء بتوفيق الله.

«اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»

و اگر بر آن بیفزائی نیک است (یا بهتر است) سپس بآنچه خواهی از حاجت خود دعا کن، زیرا که این دعا باذن خدای تعالی برای هر چیز سود دهد، و خدا هر چه خواهد همان کند.

۳۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَدْعُ أَنْ تَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَمْسَيْتَ - اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ فَإِنَّ أَبِي ع كَانَ يَقُولُ هَذَا مِنَ الدُّعَاءِ الْمَحْزُونِ.

داود رقی از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: از این دعا دست بر مدار که سه مرتبه چون بامداد کنی، و سه مرتبه چون شام کنی (بخوانی):

«اللهم اجعلني في درعك الحصينة التي تجعل فيها من تريد»

زیرا پدرم (ع) میفرمود: این از دعاهاى گنجینه شده است (که در گنجینه دعاهاى مؤمنین باشد).

۳۸- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِمِيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا عَنَى بِقَوْلِهِ - وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى^۱ قَالَ كَلِمَاتٍ بَالَعُ فِيهِنَّ قُلْتُ وَ مَا هُنَّ قَالَ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ - أَصْبَحْتُ وَ رَبِّي مُحَمَّدٌ أَصْبَحْتُ لَا أُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا وَ لَا أَدْعُو مَعَهُ إِلَهًا وَ لَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا - ثَلَاثًا وَ إِذَا أَمْسَى قَالَهَا ثَلَاثًا قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ - وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى قُلْتُ فَمَا عَنَى بِقَوْلِهِ فِي نُوحٍ - إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا^۲ قَالَ كَلِمَاتٍ بَالَعُ فِيهِنَّ قُلْتُ وَ مَا هُنَّ قَالَ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ مَا أَصْبَحْتُ بِِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكَ الشُّكْرُ كَثِيرًا كَانَ يَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ ثَلَاثًا وَ إِذَا أَمْسَى ثَلَاثًا قُلْتُ فَمَا عَنَى بِقَوْلِهِ فِي يَحْيَى - وَ حَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَ رِكَادًا^۳ قَالَ تَحْنَنَ اللَّهُ قَالَ قُلْتُ فَمَا بَلَغَ مِنْ تَحْنَنِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ كَانَ إِذَا قَالَ يَا رَبِّ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَبَّيْكَ يَا يَحْيَى.

ابو حمزه گوید: بحضرت باقر علیه السلام عرض کردم: خدای تعالی از این گفتار چه مقصودی دارد (که فرماید): «و ابراهیم که وفا کرده است» (سوره نجم آیه ۳۷) فرمود: (مقصودش) کلماتی بوده که ابراهیم در (گفتن) آنها مبالغه میکرده (و بسیار میگفته) عرض کردم: آنها چیست؟ فرمود: هر گاه صبح میکرد سه بار میگفت:

«اصبحت و ربی محمود، اصبحت لا اشرك بالله شيئا و لا ادعو معه الها، و لا اتخذ من دونه اوليا»

^۱ (۱) في سورة النجم: ۳۷ هكذا «أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى* وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى» E.

^۲ (۲) الإسرائ: ۳.

^۳ (۳) مریم ۱۲ و التحنن: التعطف و الترحم و الاشتياق و البركة. و الحنين: الشوق و توقان النفس تقول منه حن إليه يحن حنيناً. فهو حان و الحنان: الرحمة.

و چون شام میکرد سه بار میگفت. فرمود: پس خدای عز و جل در قرآنش این آیه را نازل فرمود: «و ابراهیم که وفاداری کرد» عرض کردم: در باره حضرت نوح چه قصد کرده که فرموده: «همانا بود او بنده سپاسگزار» (سوره اسراء آیه ۳) فرمود: کلماتی بود که (نوح) در گفتن آنها مبالغه میکرد، عرض کردم: آنها چه بود؟ فرمود: چون صبح میکرد میگفت:

«اصبحت اشهدك ما أصبحت بي من نعمة او عافية في دين او دنيا فإنها منك وحدك لا شريك لك، فلك الحمد على ذلك، و لك الشكر كثيرا»

که هر گاه صبح میکرد سه بار آن را میگفت، و چون شام میکرد سه بار میگفت، عرض کردم: از اینکه در باره یحیی فرماید: «و مهربانی از نزد ما و پاکی» (سوره مریم آیه ۱۲) چه قصد کرده؟ فرمود: مهرورزی خداوند است، گوید: عرض کردم: تا چه حد مهر خداوند بر او بود؟ فرمود: تا بجائی که هر گاه میگفت: پروردگارا، خدای عز و جل میفرمود: بله ای یحیی.

بَابُ الدُّعَاءِ عِنْدَ النَّوْمِ وَ الْإِنْتِبَاهِ

باب دعای هنگام خوابیدن و هنگام بیدار شدن

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى * وَ يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * خَرَجَ مِنَ الدُّنُوبِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس هنگامی که بیستر خواب می‌رود سه بار بگوید:

«الحمد لله الذي على فقهر و الحمد لله الذي بطن فخبير و الحمد لله الذي ملك فقدر و الحمد لله الذي يحيي الموتى و يميت الاحياء و هو على كل شيء قدير»

از گناهان بیرون آید مانند روزی که مادر او را زائیده.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيُكَلِّمِ اللَّهَ إِنِّي اخْتَبَسْتُ نَفْسِي عِنْدَكَ فَاخْتَبَسْنَهَا فِي مَحَلِّ رِضْوَانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ إِن رَدَدْتَهَا إِلَى بَدَنِي فَارْزُدْهَا مُؤَمَّنَةً عَارِفَةً بِحَقِّ أَوْلِيَانِكَ حَتَّى تَتَوَقَّأَهَا عَلَى ذَلِكَ.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: چون یکی از شماها بیستر خود رود پس بگوید:

«اللهم انى احتبست نفسى عندك فاحتبسها فى محل رضوانك و مغفرتك و ان رددتها [الى بدنى] فاردها مؤمنة عارفة بحق اوليائك حتى تتوفاهما على ذلك»

۳- مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَيْرٍ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ بَجِيٍّ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ عِنْدَ مَنْامِهِ- آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنْامِي وَ فِي يَقْظَتِي.

بجی بن ابی العلاء گوید: حضرت صادق علیه السلام را رسم چنین بود که هنگام خواب میفرمود:

«آمنت بالله و کفرت بالطاغوت، اللهم احفظني في منامي و في يقظتي»

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قُلْتُ بَلَى قَالَ كَانَ يَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ يَقُولُ- بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنْامِي وَ فِي يَقْظَتِي.

محمد بن مروان از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: آیا شما را آگاه نکنم بآنچه رسم رسول خدا (ص) بود که چون بیستر خواب میرفت آن را می گفت؟ عرض کردم: چرا، فرمود:

آیه الکرسی را میخواند و می فرمود:

«بسم الله آمنت بالله و کفرت بالطاغوت، اللهم احفظني في منامي و في يقظتي»

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص يَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِحْتِلَامِ وَ مِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَ أَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَ الْمَنَامِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود:

«اللهم انى اعوذ بك من الاحتلام و من سوء الاحلام و ان يلعب بي الشيطان في اليقظة و المنام».

توضیح

- این دعائی است که برای جلوگیری از احتلام خوانده شود و ترجمه آن چنین است:

^۱ (۱) فی بعض النسخ [الحسن بن محمد].

«بار خدایا بتو پناه می‌برم از احتلام و از خوابهای بد، و از اینکه شیطان با من در خواب و بیداری بازی کند» و از آنجائی که یکی از نشانه‌های ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین محتلم نشدن و مستولی نشدن شیطان بر آنها است چه در خواب و چه در بیداری از این رو مرحوم مجلسی (ره) گوید: گویا این دعا برای تعلیم دیگران بوده یا برای اظهار عجز و تواضع و نیازمندی بدرگاه خدای تعالی.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ع إِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ فَكَبِّرِ اللَّهَ أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ وَ أَحْمِدْهُ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ وَ سَبِّحْهُ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ وَ تَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ عَشْرَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ الصَّافَاتِ وَ عَشْرًا مِنْ آخِرِهَا.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: (یکی از جاهائی که) تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام (گفتن آن وارد است) هنگامی است که بخوابگاه خود رفتی، پس سی و چهار بار الله اکبر بگو، و سی و سه بار الحمد لله، و سی و سه بار سبحان الله، و بخوان آیه الکرسی و معوذتین را (دو سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ - وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و ده آیه از اول سوره صافات و ده آیه از آخر آن را.

۷- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَحِيهِ أَنَّ شَهَابَ بْنَ عَبْدِ رَبِّهِ سَأَلَهُ أَنْ يَسْأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ قَالَ قُلْ لَهُ إِنَّ امْرَأَةً تُفْرَعُنِي فِي الْمَنَامِ بِاللَّيْلِ فَقَالَ قُلْ لَهُ اجْعَلْ مِسْبَاحاً وَ كَبِّرِ اللَّهَ أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً وَ سَبِّحِ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً وَ أَحْمِدِ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ وَ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ لَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* عَشْرَ مَرَّاتٍ.

شهاب بن عبد ربه از برادر داود بن فرقد خواش کرد که از حضرت صادق علیه السلام (برای رفع گرفتاری که برایش رخ داده بود) پرسشی کند (و دستوری بگیرد) و (گرفتاریش این بود که) گفت: بآن حضرت عرض کن که زنی است که شبها (بخواب من می‌آید) در خواب مرا بهراس میاندازد حضرت فرمود: باو بگو: تسبیحی بساز و سی و چهار بار الله اکبر بگو و سی و سه بار سبحان الله و سی و سه بار الحمد لله، و ده بار بگو: «لا اله الا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد يحيي و يميت و يحيي، بيده الخير و له اختلاف الليل و النهار و هو على كل شيء قدير».

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ أَتَاهُ ابْنٌ لَهُ لَيْلَةً فَقَالَ لَهُ يَا أَبَتُ أُرِيدُ أَنْ أَنْتَمَ فَقَالَ يَا بَنِيَّ قُلْ - أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا ص عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَعُوذُ بِعَظْمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* وَ أَعُوذُ بِعَفْوِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعُفْرَانِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ^۳ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بَلِيلٍ أَوْ نَهَارٍ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ

^۱ (۲) في بعض النسخ [سألنا أن نسأل].

^۲ (۱) المسباح: ما يسبح به و يعد به الازكار.

^۳ (۲) السامة: ما يسبم و لا يقتل مثل العقرب و الزنور و الهامة ما يسبم و يقتل و قد تطلق على ما يدب و ان لم يقتل كالخشرات (في).

شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَ الْبَرَدِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ قَالَ مُعَاوِيَةُ فَيَقُولُ الصَّبِيُّ الطَّيِّبُ
عِنْدَ ذِكْرِ النَّبِيِّ الْمُبَارَكِ قَالَ نَعَمْ يَا بُنَيَّ الطَّيِّبُ الْمُبَارَكُ^۱.

معاویة بن وهب گوید: شبی یکی از پسران حضرت صادق علیه السلام نزد او آمد و گفت: پدر جان میخواهم بخوابم، فرمود:
پسر جانم بگو:

«اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا (ص) عبده و رسوله، اعوذ بعظمة الله و اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله
و اعوذ بسلطان الله، ان الله على كل شيء قدير و اعوذ بعفو الله و اعوذ بغفران الله و اعوذ برحمة الله من شر السامة و الهامة و من
شر كل دابة صغيرة او كبيرة ليليل او نهار و من شر فسقة الجن و الانس و من شر فسقة العرب و العجم و من شر الصواعق و البرد،
اللهم صل على محمد عبدك و رسولك»

معاویة گوید: آن كودك هنگامی كه نام پیغمبر (ص) برده شد گفت:

«الطيب المبارك» حضرت فرمود: آری پسر جانم

الطيب المبارك.

شرح

- یعنی آن كودك بنام پیغمبر (ص) كه رسید از پیش خود بدان افزود: «الطيب المبارك» آن حضرت آن را تقریر كرد و بر گفتن
آن تحسین فرمود كه آری پسر جانم آن را بگو.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ إِذَا اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَبِيْتَ لَيْلَةً
حَتَّى تَعُوذَ بِأَحَدِ عَشَرَ حَرْفًا قُلْتُ أَخْبَرَنِي بِهَا قَالَ قُلْ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ
بِجَمَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِمَنْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِمَلِكِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ شَرِّ مَا
خَلَقَ وَ بَرَأَ وَ دَرَأَ وَ تَعَوَّذُ بِهِ كُلَّمَا شِئْتَ.

مفضل بن عمر گوید: حضرت صادق بمن فرمود: اگر بتوانی هیچ شیئی نخواستی تا بیازده کلمه پناه ببری، عرض کردم: مرا از آن (بیازده
کلمه) آگاه فرما، فرمود. بگو:

^۱ (۳) یعنی ان الصبی لما بلغ فی متابعة الدعاء الذي يلقيه عليه السلام عليه إلى لفظ رسولك أو الى محمد زاد في وصفه من تلقاء نفسه «الطيب المبارك» و قرره ابوه عليه السلام عليه و كانه عليه السلام
كان يريد إلقاءها عليه فبادر الصبي و ذكرهما فاستحسنه و قرره عليه فالظرف معترض بين الوصفين أو يكون «الطيب» صفة للصبي مدحه الراوي به و المبارك مقول القول و صفة للنبي فاضاف عليه
السلام الطيب أيضا و قال صفة بهما. او عكس ذلك.

«اعوذ بعزة الله، و اعوذ بقدرة الله، و اعوذ بجلال الله، و اعوذ بسلطان الله، و اعوذ بجلال الله، و اعوذ بدفع الله، و اعوذ بمنع الله، و اعوذ بجمع الله، و اعوذ بملك الله، و اعوذ بوجه الله، و اعوذ برسول الله (ص) من شر ما خلق و برأ و ذراً»

و بدان پناه گیر هر زمان که خواهی. (یعنی اختصاص بوقت معینی ندارد در هر وقت از شب و روز بخوانی خوبست).

۱۰. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ قَالَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِذَا أُوْتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ- بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنبِي الْأَيْمَنَ لِلَّهِ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً لِلَّهِ مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

خالد بن نجیح گوید: حضرت صادق علیه السلام میفرمود: هر گاه بیستر خود رفتی بگو:

«بسم الله وضعت جنبي الايمن [لله] على ملة ابراهيم حنيفا لله مسلما و ما انا من المشركين»

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جِرَاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ فَلْيُقَلِّ سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّنَّ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِينَ وَ رَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ^۱ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقَ عَبْدِي وَ شَكَرَ.

جراح مدائنی از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: چون یکی از شماها شب از خواب برخاست پس بگوید:

«سبحان رب النبيين و اله المرسلين و رب المستضعفين، و الحمد لله الذي يحيي الموتى و هو على كل شيء قدير»

خدای عز و جل فرماید: بنده من راست گفتم و شکر گزارم.

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: «المستضعفين» در جمله «رب المستضعفين» مقصود ائمه طاهرين عليهم السلام هستند که مخالفين آنان را مستضعف کردند و اشاره است بآیه شریفه: وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ ... و محتمل است آن را تعميم داد که شيعيانشان را نیز شامل گردد.

۱۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا قُمْتَ بِاللَّيْلِ مِنْ مَنَامِكَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدِهِ وَ أَعْبَدَهُ فَإِذَا سَمِعْتَ صَوْتَ الدَّيْكِ فَقُلْ- سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حَدِّكَ عَمِلْتُ سُوءاً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفُرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَإِذَا قُمْتَ فَانظُرْ فِي آفَاقِ السَّمَاءِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ لَا يُؤَارِي مِنْكَ لَيْلٌ دَاجٍ وَ لَا سَمَاءٌ دَاثٌ أُبْرَاجٍ وَ لَا أَرْضٌ دَاثٌ مِهَادٍ وَ لَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَ لَا بَحْرٌ جُمِّيٌّ تُدَلِّجُ

^۱ (۱) المراد بالمستضعفين الأئمة عليهم السلام كما يشعر به الآية.

بَيَّنَّ يَدَيَّ الْمُدْلَجِ مِنْ خَلْقِكَ تَعَلَّمْ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ غَارَتِ النُّجُومُ وَ نَامَتِ الْعُيُونُ وَ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ
وَ لَا نَوْمٌ سُبْحَانَ رَبِّيَ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَهَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ*.

زراره از حضرت باقر علیه السلام حدیث کند که فرمود: چون شب از خواب برخاستی بگو:

«الحمد لله الذي رد على روحى لا حمده و أعبده»

و چون بانگ خروس را شنیدی بگو:

«سبوح قدوس رب الملائكة و الروح سبقت رحمتك غضبك لا اله الا انت وحدك عملت سوءا و ظلمت نفسى فاغفر لي فإنه لا
يغفر الذنوب الا أنت»

و چون برخاستی در کرانه‌های آسمان نگاه کن و بگو:

«اللهم لا يوارى منك ليل داج و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا ظلمات بعضها فوق بعض و لا بحر لجيّ تدلج بين
يدى المدلج من خلقك تعلم خائنة الأعين و ما تخفى الصدور غارت النجوم و نامت العيون و انت الحى القيوم لا تأخذك سنة و لا
نوم سبحان ربى رب العالمين و اله المرسلين و الحمد لله رب العالمين»

۱۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى
عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا قَامَ آخِرَ اللَّيْلِ يَرْفَعُ صَوْتَهُ حَتَّى يُسْمَعَ أَهْلَ الدَّارِ وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ
أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمَطْلَعِ وَ وَسَّعْ عَلَيَّ ضَيْقَ الْمَضْجَعِ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.

عبد الرحمن بن حجاج گوید: رسم حضرت صادق علیه السلام این بود که چون آخر شب برمیخاست بانک برمیداشت چنان که
اهل خانه می شنیدند و میگفت:

«اللهم اعنى على هول المطلع، و وسع على ضيق المضجع و ارزقنى خير ما قبل الموت و ارزقنى خير ما بعد الموت».

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: بلند کردن بانگ حضرت برای این بوده که بیدار شود هر که میخواید بیدار شود، و برخیزد هر که میخواهد
برخیزد، و در این حدیث اشاره باینست که جایز است انسان دیگری را برای عبادت بیدار کند در صورتی که راضی باشد.

۱۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: تَقُولُ إِذَا أَرَدْتَ النَّوْمَ- اللَّهُمَّ إِنْ أَمْسَكَتْ نَفْسِي
فَارْحَمْهَا وَ إِنْ أُرْسَلَتْهَا فَاحْفَظْهَا.

- علی بن ابراهیم در حدیث مرفوعی (که سند را بمعصوم رسانده) حدیث کند که فرمود:

چون خواستی بخوابی میگوئی:

«اللهم ان امسکت نفسی فارحمها و ان ارسلتها فاحفظها»

۱۵- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةً مَرَّةٍ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غُفِرَ لَهُ مَا عَمِلَ قَبْلَ ذَلِكَ خَمْسِينَ عَاماً وَ قَالَ يَحْيَى فَسَأَلْتُ سَمَاعَةَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ حَدَّثَنِي أَبُو بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ ذَلِكَ وَ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَمَا إِنَّكَ إِنْ جَرَيْتَهُ وَجَدْتَهُ سَدِيداً^۱.

ابو اسامة گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که می فرمود: هر کس هنگامی که بیستر خواب می رود صد بار قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بخواند خداوند گناهان گذشته او را تا پنجاه سال بپارزد، یحیی گوید: این مطلب را از سماعة پرسیدم؟ گفت: ابو بصیر برای من حدیث کرد و گفت: شنیدم که حضرت صادق علیه السلام این را فرمود: و فرمود: ای ابا محمد (کینه ابو بصیر است) هر آینه اگر تو آن را تجربه کنی میبایی که درست است.

شرح

- یعنی در خواب میبایی، یا آثار آن را در بیداری می بینی چون نورانی شدن دل و توفیق و هدایت، یا حالات غریبه و کمالات عجیبه ای برای خواننده آن ظاهر گردد، یا بتجربه رسیده است که پس از پنجاه سال برای کسی که مواظبت برخواندنش کند بلائی باو نرسد و بگرفتاری دچار نشود و این نشانه آمرزش گناهان او است زیرا بلاها کفاره گناهان است، اینها احتمالاتی است که مرحوم مجلسی (ره) ذکر کرده و سپس گوید: پوشیده نماند که بیشتر این احتمالات بعید است.

۱۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ- اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَحْيَا وَ بِاسْمِكَ أَمُوتُ فَإِذَا قَامَ مِنْ نَوْمِهِ قَالَ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ وَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ قَرَأَ عِنْدَ مَنَامِهِ آيَةَ الْكُرْسِيِّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ الْآيَةَ الَّتِي فِي آلِ عِمْرَانَ- شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ آيَةَ السُّحْرَةِ وَ آيَةَ السَّجْدَةِ^۲ وَكُلَّ بِه شَيْطَانَانِ يَحْفَظَانِهِ مِنْ مَرَدَةِ الشَّيَاطِينِ شَاءُوا أَوْ أَبَوْا وَ مَعَهُمَا مِنَ اللَّهِ ثَلَاثُونَ مَلَكاً يَحْمَدُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُسَبِّحُونَهُ وَ يَهَلِّلُونَهُ وَ يُكَبِّرُونَهُ وَ يَسْتَعْفِفُونَ لَهُ إِلَى أَنْ يَنْتَبَهَ ذَلِكَ الْعَبْدُ مِنْ نَوْمِهِ وَ ثَوَابُ ذَلِكَ لَهُ.

^۱ (۱) لعله بجد سداده بتنوير قلبه فانه علامة المغفرة.

^۲ (۲) آية السحرة في سورة الأعراف\«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ E\- إلى قوله\«إِنَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ»-E. و قيل: «إلى فرب من المحسنين». و قال الشيخ بمائى (ره) المراد بالآية الجنس و سميت سحرة لدلائلها على تسخير الله تعالى للأشياء و تذليله لها. و المشهور ان المراد بآية السحرة آيتان في آخر حم السجدة: سترهم آياتنا إلى آخر السورة»(آت).

ابن قدام گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسم رسول خدا (ص) این بود که چون در بستر خواب می‌فرمود:

«اللهم باسمك أحيا و باسمك أموت»

و چون از خواب برمیخاست می‌فرمود:

«الحمد لله الذي احياني بعد ما امانتي و اليه النشور»

. گوید: و حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس هنگام خوابیدنش سه بار آیه الکرسی را بخواند، و هم چنین آیه‌ای که در سوره آل عمران است: **شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ ...** - آیه ۱۸ و آیه سحره (که آیه ۵۴ از سوره اعراف است) و آیه سجده را (که مشهور بنا بگفته مرحوم مجلسی دو آیه آخر سوره حم سجده است، و برخی گفته‌اند آیه چسبیده بآیه سجده‌ای است که در سوره الم سجده است - یعنی آیه ۱۶ - سپس گوید: و احتیاط جمع است) - (پس) - دو شیطان بر او گمارده شود که او را از مرده شیاطین محافظت کنند چه بخواهند و چه نخواهند، و با آن دو سی نفر فرشته باشند که خدای را حمد کنند و تسبیح و تهلیل و تکبیر گویند، و برای آن بنده آمرزش خواهند تا از خواب بیدار شود، و ثواب آنها همه از آن اوست.

۱۷- **أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوَيْطِيُّ عَنْ حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُدَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ يَفْرَأُ آخِرَ الْكَهْفِ عِنْدَ النَّوْمِ إِلَّا تَبَقَّظَ فِي السَّاعَةِ الَّتِي يُرِيدُ^۱.**

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هیچ کس نیست که (آیه) آخر سوره کهف (یعنی آیه **قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ ...**) را هنگام خوابیدنش بخواند جز اینکه در هر ساعتی که بخواد از خواب بیدار شود.

۱۸- **عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ص مَنْ أَرَادَ شَيْئاً مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ وَ أَخَذَ مَضْجَعَهُ فَلْيُقِلْ - بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ أَقُومُ سَاعَةً كَذَا وَ كَذَا إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مَلَكاً يُنَبِّئُهُ تِلْكَ السَّاعَةَ.**

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: که رسول خدا (ص) فرموده: هر که بخواد مقداری از شب را (برای عبادت) برخیزد، بیستر خواب که رود، بگوید:

« [بسم الله] اللهم لا تؤمنني مكرك و لا تنسني ذكرك، و لا تجعلني من الغافلين، اقوم ساعة كذا و كذا»

^۱ (۱) یعنی قل إنما أنا بشر مثلكم ... الآية. و «تبقظ» بصيغة الماضي من باب التفعّل.

(و بجای کذا و کذا ساعتی که می خواهد برخیزد بگوید) پس خدای عز و جل فرشته‌ای بدو گمارد تا او را در همان ساعت از خواب بیدار کند.

بَابُ الدُّعَاءِ إِذَا خَرَجَ الْإِنْسَانُ مِنْ مَنْزِلِهِ

باب دعای هنگام بیرون رفتن از منزل

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخُرَّازِيِّ عَنْ أَبِي هَمزَةَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يُحْرِكُ شَفَتَيْهِ حِينَ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ وَ هُوَ قَائِمٌ عَلَى الْبَابِ فَقُلْتُ إِنِّي رَأَيْتُكَ تُحْرِكُ شَفَتَيْكَ حِينَ خَرَجْتَ فَهَلْ قُلْتَ شَيْئاً قَالَ نَعَمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قَالَ حِينَ يُرِيدُ أَنْ يَخْرُجَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثًا - بِاللَّهِ أَخْرُجْ وَ بِاللَّهِ أَدْخُلْ وَ عَلَى اللَّهِ أَتَوَكَّلُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بَحِيرٍ وَ اخْتِمْ لِي بَحِيرٍ وَ فِي شَرِّ كُلِّ ذَاتَةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ لَمْ يَزَلْ فِي ضَمَانِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى يَرُدَّهُ اللَّهُ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي كَانَ فِيهِ.

ابو حمزه گوید: حضرت صادق علیه السلام را دیدم که هنگامی که میخواست از منزل بیرون رود لبانش را میجنبانید و بر در خانه ایستاده بود، عرض کردم: من شما را دیدم که هنگامی که از منزل بیرون آمدی لبانت را می جنبانیدی آیا چیزی گفتی؟ فرمود: آری همانا انسان چون از منزل بیرون رود هنگامی که خواهد بیرون رود سه بار بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ»

و سه بار بگوید:

«بِاللَّهِ أَخْرُجْ وَ بِاللَّهِ أَدْخُلْ وَ عَلَى اللَّهِ أَتَوَكَّلُ»

(سپس گوید:)

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بَحِيرٍ وَ اخْتِمْ لِي بَحِيرٍ وَ فِي شَرِّ كُلِّ ذَاتَةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

پیوسته در ضمانت خدای عز و جل میباشد تا خداوند او را بجائی که بوده است برگرداند. و بسند دیگر این حدیث را از ابی حمزه روایت کرده است.

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي هَمزَةَ مِثْلَهُ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي هَمزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: أَتَيْتُ بَابَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع فَوَافَقْتُهُ حِينَ خَرَجَ مِنَ الْبَابِ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا هَمزَةَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ

عَرَضَ لَهُ الشَّيْطَانُ فَإِذَا قَالَ بِسْمِ اللَّهِ قَالَ الْمَلَكُ كُنَيْتَ فَإِذَا قَالَ آمَنْتُ بِاللَّهِ قَالَ هُدَيْتَ - فَإِذَا قَالَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ قَالَ أُوقِيَتْ
فَيَنْتَحَى الشَّيْطَانُ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ كَيْفَ لَنَا بِمَنْ هُدِيَ وَوُقِيَّ قَالَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ عَرَضِي لَكَ الْيَوْمَ^١ - ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا حَمزَةَ
إِنْ تَرَكْتَ النَّاسَ لَمْ يَتْرُكُواكَ وَإِنْ رَفَضْتَهُمْ لَمْ يَرْفُضُواكَ قُلْتُ فَمَا أَصْنَعُ قَالَ أَعْطِهِمْ مِنْ عَرَضِكَ لِيَوْمِ فَرَاكَ وَفَاقَتِكَ.

و نیز ابو حمزه ثمالی گوید: بدر خانه حضرت علی بن الحسین علیهما السلام آمدم و هنگامی رسیدم که آن حضرت از خانه بیرون میرفت، پس فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ»

سپس فرمود:

ای ابا حمزه بنده چون از خانه‌اش بیرون رود شیطان سر راه او آید، پس همین که

«بِسْمِ اللَّهِ»

گوید دو فرشته (موکل بر او) گویند: کفایت شدی، و همین که گوید:

«آمَنْتُ بِاللَّهِ»

گویند: راهنمایی شدی، و چون گوید: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» گویند: نگهداری شدی، و شیطانها از او دور شوند و برخی از آنها
برخی گویند: چگونه ما راه داریم بکسی که راهنمایی و کفایت و نگهداری شده، گوید: سپس فرمود: بار خدایا امروز آبروی من
از آن تو است، سپس فرمود: ای ابا حمزه اگر تو مردم را رها کنی آنها تو را رها نکنند، و اگر تو آنها را ترک گوئی آنها ترا ترک نگویند،
عرض کردم: پس من چه کنم؟ فرمود: از آبروی خود بآنها بده و آن را برای روز احتیاج و نیاز خود ذخیره کن.

شرح

- مجلسی (ره) در آنجا که حضرت فرموده:

«اللهم ان عرضي لك اليوم ..»

. یعنی خدایا آبروی من امروز از آن تو است» گوید: یعنی من بخاطر تو متعرض آن کس که آبرویم را بریزد نشوم یا باینکه او را
عفو کنم و یا برای تقیه جواب او را ندهم.

^١ (١) أي لا أتعرض لمن هتك عرضي لوجهك اما عفوا أو تقية و كلاهما لله رضى.

و فیض (ره) گوید: یعنی من آبروی خود را بخاطر تو مباح کردم پس اگر غیبت مرا کردند یا بیدی مرا یاد کردند از آنها گذشتم و در عوض اجر آن را در قیامت از تو خواهم، زیرا تو دستور بعفو و گذشت دادی، و در حدیث وارد شده که روز قیامت ندا شود: هر که بر خدا مزدی دارد برخیزد، پس برنخیزد جز آن کس که در دنیا گذشت و عفو داشته، و از پیغمبر (ص) حدیث شده که فرمود: آیا شما عاجزید که چون آبی ضمضم باشید که هر گاه از خانه بیرون میرفت میگفت: بار خدایا من آبروی خود را بمردم صدقه دادم یعنی من در باره آن روز قیامت داد خواهی نکنم، و این باعث نشود که غیبت آن حضرت بر مردمان حلال شود زیرا بمجرد مباح کردن انسان آبروی خود را برای مردم حقش ساقط نشود زیرا این گذشت از چیزی است که هنوز ثابت نشده، جز اینکه وعده‌ای است که سزاوار است بدان وفا کند خصوص اگر برای خدا قرار دهد.

مجلسی (ره) باین کلام فیض (ره) ایراد کند: که در خصوص مورد حدیث که امام علیه السلام است عفو و گذشت سودی ندارد زیرا مذمت و غیبت امام کفر است و گذشت آنها در رفع عقاب سودی ندارد، و شفاعت او را هم نکنند زیرا شفاعت نکنند جز از کسی که خدا از او خوشنود باشد و کافر پسندیده نزد خداوند و مورد خشنودی نیست.

و برخی از حاشیه نویسان وافی گوید: وجه مباح نبودن آبروی مردم نه آنست که فیض (ره) گفته است بلکه شاید وجهش این باشد که غیبت چون از فواحش دیگری است که شارع بانجام آن در خارج بهیچ گونه راضی نیست مانند زنا و محرمات دیگر، و این مانند آنست که کسی بگوید: من بر تو مباح کردم که مرا بکشی، یا دست مرا جدا کنی، پس چنانچه آن جایز نیست این نیز روا نیست، زیرا غیبت و مانند آن دارای دو جنبه است یکی حق خدائی و دیگر حق بنده و با اسقاط حق بنده حق خداوندی ساقط نگردد.

۲- **عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي حمزة قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فَخَرَجَ إِلَيَّ وَ شَفْتَاهُ تَتَحَرَّكَانِ فَقُلْتُ لَهُ فَقَالَ أَ فَطَنْتَ لِدَلِيكَ يَا ثُمَالِي قُلْتُ نَعَمْ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِيَّيَّ وَ اللَّهُ تَكَلَّمْتُ بِكَلَامٍ مَا تَكَلَّمُ بِهِ أَحَدٌ قَطُّ إِلَّا كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَ آخِرَتِهِ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَخْبِرْنِي بِهِ قَالَ نَعَمْ مَنْ قَالَ حِينَ يُخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ- بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَ آخِرَتِهِ.**

ابو حمزه گوید: اجازه شرفیابی از حضرت باقر علیه السلام خواستم (دیدم) آن حضرت بنزد من بیرون آمد و لبانش میجنبید، باو عرض کردم (که آنچه میفرمودی چه بود) فرمود: آن را متوجه شدی ای ثمالی؟ عرض کردم: آری فدایت شوم، فرمود: همانا بخدا سوگند من بکلامی تکلم کردم که هیچ کس بدان لب ننگشاید جز اینکه خدا کفایت کند از کار دنیا و آخرتش آنچه که او را اندوهگین ساخته، گوید:

عرض کردم: مرا از آن آگاه فرما، فرمود: آری هر گاه بگوید هنگامی که از خانه‌اش بیرون آید:

«بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ»

خداوند او را از آنچه اندوهگینش کرده از کارهای دنیا و آخرتش کفایت کند.

۳- عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهِ- أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ غَيْرِي وَ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ- وَ مِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ السَّبَاعِ وَ الْهُوَامِ وَ مِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا أَجِيرُ نَفْسِي بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ شَرِّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ تَابَ عَلَيْهِ وَ كَفَاهُ الْهَمَّ وَ حَجَزَهُ عَنِ السُّوءِ وَ عَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ.

ابو بصیر از حضرت باقر علیه السلام حدیث کند که فرمود: هر کس هنگامی که از در خانه‌اش بیرون می‌رود بگوید:

«اعوذ بما عادت به ملائكة الله من شر هذا اليوم الجديد الذي اذا غابت شمسهُ لم تعد من شر نفسي و من شر غیری و من شر الشیاطین و من شر من نصب لاولیاء الله و من شر الجن و الانس و من شر السباع و الهوام و من شر ركوب المحارم كلها، اجیر نفسي بالله من كل شر»

خداوند او را بیمارزد و توبه‌اش بپذیرد و مهمش را کفایت کند، و از بدی او را جلوگیری کند و از شر او را نگاهدارد.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ حُبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَهُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ أَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةَ رَسُولِكَ .ص

معاویة بن عمار از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: هر گاه (خواستی) از منزلت بیرون روی بگو:

«بسم الله توكلت على الله، لا حول و لا قوة الا بالله، اللهم اني أسألك خير ما خرجت له و اعوذ بك من شر ما خرجت له، اللهم اوسع علي من فضلك، و اتمم علي نعمتك، و استعملني في طاعتك و اجعل رغبتني فيما عندك، و توفني على ملتك و ملة رسولك صلى الله عليه و آله»

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا خَرَجَ يَقُولُ- اللَّهُمَّ بِكَ خَرَجْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَ ارْزُقْنِي فَوْزَهُ وَ فَتَحَهُ وَ نَصْرَهُ وَ طَهُورَهُ وَ هُدَاهُ وَ بَرَكَتَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَ شَرِّ مَا فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ خَرَجْتُ فَبَارِكْ لِي فِي خُرُوجِي وَ انْفَعْنِي بِهِ قَالَ وَ إِذَا دَخَلَ فِي مَنْزِلِهِ قَالَ ذَلِكَ.

ابو خدیجه گوید: هر گاه حضرت صادق علیه السلام از خانه بیرون می‌رفت می‌فرمود:

«اللهم بك خرجت و لك اسلمت و بك آمنت و عليك توكلت، اللهم بارك لي في يومي هذا و ارزقني فوزه و فتحه و نصره و طهوره و هداة و بركته و اصرف عني شره و شر ما فيه، بسم الله و بالله و الله اكبر و الحمد لله رب العالمين،

اللهم اني قد خرجت فبارك لي في خروجي و انفعني به»

گوید: و چون وارد منزل هم می شد همین را می فرمود.

توضیح

- (مجلسی ره) گوید: یعنی با مختصر تغییری همین دعا را می خواند و بجای «خرجت» و

«قد خرجت»

و

«في خروجي»

دخلت و قد دخلت و في دخولي میفرمود.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الرَّضَا ع قَالَ: كَانَ أَبِي ع إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قَالَ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ لَا بِحَوْلِ مَنِيْٓ١ وَ لَا قُوَّتِي بَلْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ يَا رَبِّ مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ فَأَنْبِيْ بِهِ فِي عَافِيَةٍ.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر گاه پدرم از منزل بیرون میرفت میگفت:

«بسم الله الرحمن الرحيم خرجت بحول الله و قوته لا بحول مني و لا قوتي بل بحولك و قوتك يا رب متعرضا لرزقك فأتني به في عافية»

٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ لَمْ يَزَلْ فِي حِفْظِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كِلَاءَتِهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ^٢.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر کس هنگامی که از خانه اش بیرون میرود ده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ بخواند پیوسته در حفظ خداوند و نگهداری او است تا بخانه اش برگردد.

^١ (١) في بعض النسخ: [بلا حول مني].

^٢ (٢) «كلايته» أي في حفظه. كلاء الله كلاءة بالكسر و المد حفظه

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو الْحُسَيْنِ ع إِذَا أَرَدْتَ السَّفَرَ فَتَقِفْ عَلَى بَابِ دَارِكَ وَ أَقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَمَامَكَ وَ عَنْ يَمِينِكَ وَ عَنْ شِمَالِكَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَمَامَكَ وَ عَنْ يَمِينِكَ وَ عَنْ شِمَالِكَ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ أَمَامَكَ وَ عَنْ يَمِينِكَ وَ عَنْ شِمَالِكَ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْ مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِأَعْيُنِ حَسَنَاتٍ ثُمَّ قَالَ أَمَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُحْفَظُ وَ لَا يُحْفَظُ مَا مَعَهُ وَ يَسَلِّمْ وَ لَا يَسَلِّمُ مَا مَعَهُ وَ يَبْلُغُ وَ لَا يَبْلُغُ مَا مَعَهُ.

صبح حداء گوید: حضرت ابو الحسن (موسی بن جعفر) علیهما السلام فرمود: چون آهنگ مسافرت کردی بر در خانهات بایست، و سوره حمد را از جلو رو و از طرف راست و چپ بخوان، و نیز سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را از پیش رو و از طرف راست و چپ بخوان، و نیز سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ را از جلو و از راست و چپ بخوان سپس بگو:

«اللهم احفظني و احفظ ما معي و سلمني و سلم ما معي، و بلغني و بلغ ما معي بلاغا حسنا»

سپس فرمود: آیا دیده‌ای که مرد محفوظ ماند ولی آنچه با اوست محفوظ نماند؟ و خودش سالم بماند و آنچه با او است سالم نماند؟ و خودش بمنزل برسد و آنچه با اوست نرسد؟

توضیح

- مجلسی (ره) گوید: این فرمایش از حضرت در دنباله دعا «اما رأیت...» برای بیان فائده ضمیمه کردن «ما معی» در فقرات دعا است.

۱۰- حُمَيْدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

ابو حمزه گوید: حضرت باقر علیه السلام هر گاه از خانه بیرون میرفت میفرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَبَّاحِ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ ع قَالَ: يَا صَبَّاحُ لَوْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا قَامَ عَلَى بَابِ دَارِهِ تَلْقَاءَ وَجْهِ الَّذِي يَتَوَجَّهُ لَهُ فَقَرَأَ الْحَمْدَ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْ مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لِحَفِظَةِ اللَّهِ وَ حَفِظَ مَا مَعَهُ وَ سَلِّمْ مَعَهُ وَ بَلِّغْ مَا مَعَهُ وَ بَلِّغْ مَا مَعَهُ وَ لَا يُحْفَظُ مَا مَعَهُ وَ لَا يُبْلَغُ مَا مَعَهُ وَ لَا يَسَلِّمُ مَا مَعَهُ.

صبحا حذاء از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام حدیث کند گوید که فرمود: ای صباح اگر هر گاه مردی از شما آهنگ سفری میکرد بر در خانه‌اش روی خود را بجانب آنجائی که میخواهد برود متوجه میکرد، و سوره حمد را از پیش رو و از سمت راست و چپش میخواند و نیز معوذتین یعنی دو سوره **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ** و **قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** را از پیش رو و طرف راست و چپش میخواند، و همچنین سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را از پیش رو و سمت راست و چپش میخواند، و نیز آیه الکرسی را از پیش رو و جانب راست و چپش میخواند، و سپس بگوید:

«اللهم احفظني و احفظ ما معي و سلمني و سلم ما معي و بلغني و بلغ ما معي ببلاغك الحسن الجميل»

هر آینه خداوند او را و هر چه همراه اوست حفظ کند، و او را با هر چه همراه او است سالم دارد، و او را با هر چه همراه اوست بمنزل رساند، آیا دیده‌ای که مرد خودش محفوظ ماند ولی آنچه با اوست حفظ نشود؟ و خودش بمقصد رسد ولی آنچه با اوست بمقصد نرسد؟ و خودش سالم ماند ولی آنچه با او است سالم نماند.

حسن بن جهم از حضرت رضا علیه السلام حدیث کند که فرمود: چون (خواستی) از منزلت بیرون روی در سفر باشد یا در حضر بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

پس شیاطین باو برخوردند و بازگردند و فرشتگان بر وی آنها بزنند و بگویند: چه راهی شما بدو دارید در صورتی که او نام خدا را برده و باو ایمان آورده و بر او توکل کرده و گفته است:

«ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله»

۱۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ ع قَالَ: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرَ فَقُلْ- بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَتَلَقَّاهُ الشَّيَاطِينُ فَتَنْصَرِفُ^۱ وَ تَضْرِبُ الْمَلَائِكَةُ^۲ وُجُوهَهَا وَ تَقُولُ مَا سَبَّحْتُمْ عَلَيْهِ- وَ قَدْ سَمِيَ اللَّهُ وَ آمَنَ بِهِ وَ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ وَ قَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

بَابُ الدُّعَاءِ قَبْلَ الصَّلَاةِ

باب دعا پیش از نماز

^۱ (۱) في الكلام حذف يعني فان من قال ذلك تلقاه. و يحتمل سقوطه.

^۲ (۲) في بعض النسخ: [و تصرف الملائكة].

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ مَنْ قَالَ هَذَا الْقَوْلَ كَانَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ إِذَا قَامَ قَبْلَ أَنْ يَسْتَفْتِحَ الصَّلَاةَ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ- بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَقْدَمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ صَلَاتِي وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ^۱ فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ مَنْنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لِي بِطَاعَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ وَ وَلَايَتِهِمْ فَإِنَّهَا السَّعَادَةُ وَ اخْتِمْ لِي بِهَا فَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* ثُمَّ تُصَلِّي فَإِذَا انْصَرَفْتَ قُلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَ بَلَاءٍ وَ اجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ مَثْوَى وَ مُنْقَلَبٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَيَاتِي حَيَاتِي حَيَاهُمْ وَ مَمَاتِي مَمَاتِهِمْ وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ*.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: که امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود: هر که این کلام را بگوید با محمد و آل محمد خواهد بود، هنگامی که (برای نماز) برخیزد پیش از اینکه شروع بنماز و (تکبیر الاحرام) کند (بگوید)

«اللهم انى أتوجه اليك بمحمد و آل محمد و أقدمهم بين يدي صلاتي و أتقرب بهم اليك فاجعلني بهم وجيها في الدنيا و الآخرة و من المقربين مننت على معرفتهم فاختم لي بطاعتهم و معرفتهم و ولايتهم فإنها السعادة و اختم لي بها فانك على كل شىء قدير»
سپس نماز میخوانی و چون از نماز فارغ شدی بگوئی:

اللهم اجعلني مع محمد و آل محمد في كل عافية و بلاء و اجعلني مع محمد و آل محمد في كل مثنوى و منقلب، اللهم اجعل حياي و حياهم و مماتي مماتهم و اجعلني معهم في المواطن كلها، و لا تفرق بيني و بينهم انك على كل شىء قدير»

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ: تَقُولُ قَبْلَ دُخُولِكَ فِي الصَّلَاةِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدَمُ- مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ ص بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِي وَ أَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ فِي طَلِبَتِي فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مُتَقَبَّلَةً وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَ دُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و در حدیث مرفوعی (که سندش بمعصوم رسد) فرمود: پیش از آنکه وارد در نماز شوی گوئی:

«اللهم انى اقدم محمدا نبيك صلى الله عليه و آله بين يدي حاجتي و أتوجه به [اليك] في طلبتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا و الآخرة و من المقربين، اللهم اجعل صلاتي بهم متقبلة و ذنبي بهم مغفورا و دعائي بهم مستجابا يا أرحم الراحمين»

۳- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ الْجُمَالِ قَالَ: شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ قَبْلَ التَّكْبِيرِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ رَوْحِكَ وَ لَا تُقَنْطِطِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تُؤَمِّمِي مَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا يَأْمُنُ مَكَرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ- قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا سَمِعْتُ بِهَذَا مِنْ أَحَدٍ قَبْلَكَ فَقَالَ إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ الْكِبَائِرِ عِنْدَ اللَّهِ الْيَأْسَ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ الْقُنُوطَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ الْأَمْنَ مِنْ مَكَرِ اللَّهِ.

^۱ (۳) یعنی أتوجه إليك متلبسا بعرفانهم، مقتديا بهم، مقتضيا آثارهم، مقدما جهم، مستنهما مسلكهم، عاكفا على طاعتهم، آتيا أو امرهم تاركا نواهيهم، متقربا بذلك كله إليك زلفي.

صفوان جمال گوید: من (هنگام نماز) خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم که پیش از تکبیرة الاحرام روبروی قبله ایستاد و گفت:

«اللهم لا تؤیسی من روحك و لا تقنطی من رحمتك و لا تؤمنی مكرك فإنه لا یأمن مكر الله الا القوم الخاسرون»

(یعنی بار خدایا مرا از رحمت خود محروم مساز و از مهر خود ناامیدم مکن، و از مکر و کیفر خود آسوده خاطر منما زیرا از مکر خدا آسوده خاطر نشوند جز مردمان زیان کار) گوید: من عرض کردم: قربانت من این دعا را از هیچ کس پیش از شما نشنیدم:

فرمود: همانا از بزرگترین گناهان کبیره در نزد خداوند ناامیدی از رحمت خدا و آسوده خاطر بودن از کیفر و مکر خدا است.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: مکر خدا همانند استدراج است که دلش آسوده گردد و از مجازات خداوند در معصیتش نترسد، و معتقد باشد که گنااهش آمرزیده است، زیرا این اعتقاد دروغ پنداشتن وعیدهای خدا است، و این خوش گمانی بخدا نیست، زیرا خوش گمانی آنست که عمل کند و آموزش خواهد و گمان داشته باشد که عملش مقبول درگاه است و پیش از این گفته شد.

بَابُ الدُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ

باب دعا دنبال نمازها

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّقِئِيِّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص يَقُولُ إِذَا فَرَغَ مِنَ الرَّوَالِ^۱ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ - بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَنِي عَنِّي وَ بِي الْفَاقَهُ إِلَيْكَ أَنْتَ الْعَنِي وَ أَنَا الْفَقِيرُ إِلَيْكَ أَقْلَتْنِي عَنِّي وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبِي فَاقْضِ لِي الْيَوْمَ حَاجَتِي وَ لَا تُعَذِّبْنِي بِمَبِيحٍ مَا تَعْلَمُ مِنِّي بَلْ عَفْوِكَ^۲ وَ جُودِكَ يَسْعُنِي قَالَ ثُمَّ يَخْرُ سَاجِداً وَ يَقُولُ يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ يَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ يَا بُرِّ يَا رَحِيمُ أَنْتَ أَبْرُّ بِي مِنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ أَقْبَلْنِي^۳ بِقَضَاءِ حَاجَتِي مُجَاباً دُعَائِي مَرْحُوماً صَوْتِي فَدْ كَشَفْتَ أَنْوَاعَ الْبَلَايَا عَنِّي.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین صلوات الله علیه چون از نماز ظهر فارغ میشد

میگفت:

^۱ (۱) «إذا فرغ من الروال» بحتمل الفريضة و النافلة لكن الشيخ الطوسي و غيره ذكروها في تعقيب نوافل الروال بادن تغيير و اطلاق صلاة الروال على النافلة في عرف الاخبار أكثر (آ).

^۲ (۲) في بعض النسخ [فان عفوك].

^۳ (۳) في بعض النسخ: [أقبلني].

«اللهم انى اتقرب اليك بجودك وكرمك و اتقرب اليك بمحمد عبدك و رسولك و أتقرب اليك بملائكتك المقربين و انبيائك المرسلين و بك، اللهم انت الغنى عنى و بي الفاقة اليك، و انت الغنى و أنا الفقير اليك، أقلتني عشرتى و سترت على ذنوبى فاقض لى اليوم حاجتى و لا تعدبنى بقبيح ما تعلم منى، بل عفوك و جودك يسعنى»

فرمود: پس بسجده مى افتاد و ميگفت:

«يا اهل التقوى و يا اهل المغفرة يا بر يا رحيم أنت أبر بي من أبى و امى و من جميع الخلائق أقبلى بقضاء حاجتى مجابا دعائى، مرحوما صوتى، قد كشفت أنواع البلايا عنى»

۲- عَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا صَلَّى الْمَغْرِبَ ثَلَاثَ مَرَّاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ أُعْطِيَ خَيْرًا كَثِيرًا.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: هر که چون نماز مغرب را خواند سه بار بگوید:

«الحمد لله الذى يفعل ما يشاء و لا يفعل ما يشاء غيره»

خير بسيارى باو داده شود.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ: يَقُولُ بَعْدَ الْعِشَاءِ يَنْبَغُ بِكَ مَقَادِيرُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَقَادِيرُ الْمَوْتِ وَ الْحَيَاةِ وَ مَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ مَقَادِيرُ النَّصْرِ وَ الْخِذْلَانِ وَ مَقَادِيرُ الْغِنَى وَ الْفَقْرِ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ فِي جَسَدِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي اللَّهُمَّ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ اجْعَلْ مُنْقَلَبِي إِلَى خَيْرٍ دَائِمٍ وَ نَعِيمٍ لَا يَزُولُ.

در حدیثی مرفوع (که سند بمعصوم علیه السلام رسیده) فرمود: پس از نماز مغرب و عشاء میگوئی:

«اللهم بيدك مقادير الليل و النهار، و مقادير الدنيا و الآخرة، و مقادير الموت و الحياة، و مقادير الشمس و القمر، و مقادير النصر و الخذلان، و مقادير الغنى و الفقر، اللهم بارك لى في دينى و دنياى و في جسدى و اهلى و ولدى، اللهم ادرا عني شر فسقة العرب و العجم و الجن و الانس و اجعل منقلبي الى خير دائم و نعيم لا يزول»

۴- عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ^۱: مَنْ قَالَ بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ وَ هُوَ آخِذٌ بِلِحْيَتِهِ بِيَدِهِ الْيُمْنَى - يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ارْحَمْنِي مِنَ النَّارِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ يَدُهُ الْيُسْرَى مَرْفُوعَةً وَ بَطْنُهَا إِلَى مَا يَلِي السَّمَاءَ ثُمَّ يَقُولُ أَجْرَنِي مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يُؤَخَّرُ

^۱ (۱) مرفوع مضمهر.

يَدُهُ عَنِ لِحْيَتِهِ ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَهُ وَ يَجْعَلُ بَطْنَهَا مِمَّا يَلِي السَّمَاءَ^١ ثُمَّ يَقُولُ يَا عَزِيزُ يَا كَرِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ وَ يَقْلِبُ يَدَيْهِ وَ يَجْعَلُ
بُطُونَهُمَا مِمَّا يَلِي السَّمَاءَ ثُمَّ يَقُولُ أَجْرِنِي مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ الْمَلَائِكَةَ وَ الرُّوحَ غُفِرَ
لَهُ وَ رَضِيَ عَنْهُ وَ وُصِلَ بِالِاسْتِغْفَارِ لَهُ حَتَّى يَمُوتَ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ الْحَيَّ وَ الْإِنْسَ وَ قَالَ إِذَا فَرَعْتَ مِنْ تَشَهُدِكَ فَارْفَعْ
يَدَيْكَ وَ قُلْ - اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْمًا جَزْمًا لَا تُعَادِرُ ذَنْبًا وَ لَا أَزْتَكِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّمًا أَبَدًا وَ عَافِنِي مُعَافَاةً لَا بَلْوَى بَعْدَهَا أَبَدًا
وَ اهْدِنِي هُدًى لَا أَضِلُّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَ انْفَعِنِي يَا رَبِّ بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ اجْعَلْهُ لِي وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ وَ ارزُقْنِي كِفَافًا وَ رَضِّنِي بِهِ يَا رَبَّنَا وَ
ثُبِّ عَلَيَّ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ
مِنْ سَعَةِ رِزْقِكَ وَ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ وَ اغْصِمْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ أُنْبِغْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ
عَنِّي نَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَامًا وَ اهْدِنِي بِهَذَاكَ وَ أَعْنِنِي بِعِنَاكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُخْلِصِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
أَمِينَ قَالَ مَنْ قَالَ هَذَا - بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ رُوحَهُ فِي قَبْرِهِ^٢ وَ كَانَ حَيًّا مَرْزُوقًا نَاعِمًا مَسْرُورًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

و نیز در حدیثی مرفوع معصوم علیه السلام فرمود: هر که پس از هر نمازی با دست راست ریش خود را بگیرد و سه بار بگوید:

«یا ذا الجلال و الاکرام ارحمنا من النار»

و دست چپ را بلند کند و کف آن را برابر آسمان گیرد، سپس سه بار بگوید:

«اجرنی من العذاب الالیم»

سپس دست را از ریش خود دور کند و بطرف آسمان بلند کند بطوری که کف آن را برابر آسمان گیرد، و بگوید:

«یا عزیز یا کریم یا رحمان یا رحیم»

سپس دستها را بگرداند و (دوباره) کفهای آن دو را با آسمان کند و سه بار بگوید:

«اجرنی من العذاب الالیم»

- (سپس بگوید):

«صلی علی محمد و آل محمد و الملائکة و الروح»

^١ (٢) الظاهر أنه يجعل بطن اليمنى فقط إلى السماء كما يشعر به ما بعده (لح).

^٢ (١) أي بالحياة التي تكون في البرزخ بالجسد المثالي أو غيره كالشهداء لا بهذا البدن و ان احتمال ذلك على بعد في غير المعصومين (آت).

آموزید شود و خدا از او خوشنود گردد، و تا هنگام مردنش همه خلائق بآمرزشخواهی برای او بوی احسان کنند، بلکه همه جن و انس بدان وسیله باو نیکی کنند.

فرمود: و چون از تشهد فارغ شدی (یعنی سلام نماز را دادی) - چون سلام تابع تشهد اخیر است چنانچه مجلسی (ره) گوید پس دستهای خود را بلند کن و بگو:

«اللهم اغفر لی مغفرة عرما جزما لا تغادر ذنبا و لا ارتكب بعدها محرما ابدًا و عافنی معافاة لا بلوی بعدها ابدًا، و اهدنی هدی لا اضل بعده ابدًا، و انفعنی یا رب بما علمتني و اجعله لی و لا تجعله علی و ارزقنی کفافی و رضنی به یا ربا و تب علی یا الله یا الله یا الله یا رحمان یا رحمان یا رحیم یا رحیم یا رحمن من النار ذات السعیر و ابسط علی من سعة رزقک و اهدنی لما اختلف فيه من الحق باذنک و اعصمنی من الشیطان الرجیم و ابلیغ محمد صلی الله علیه و آله عنی تحية كثيرة و سلاما و اهدنی بمداک، و اغنی بغناک و اجعلنی من اولیائك المخلصین و صلی الله علی محمد و آل محمد آمین»

فرمود: هر که این دعا را پس از هر نمازی بخواند خداوند روحش را در گور او بوی باز گرداند و زنده گردد و روزی داده شود و در نعمت و شادی باشد تا روز قیامت.

۵- عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ^۱: تَقُولُ بَعْدَ الْفَجْرِ - اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ رِضَاكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا حِزَاءَ لِقَائِهِ إِلَّا رِضَاكَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا أَنْتَ أَهْلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى حَيْثُ مَا يُجِبُّ رَبِّي وَ يَرْضَى وَ تَقُولُ بَعْدَ الْفَجْرِ قَبْلَ أَنْ تَتَكَلَّمَ - الْحَمْدُ لِلَّهِ مِنْ مِيزَانِ الرِّضَا وَ زِينَةِ الْعَرْشِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ مِنْ مِيزَانِ الرِّضَا وَ زِينَةِ الْعَرْشِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ مِيزَانِ الرِّضَا وَ زِينَةِ الْعَرْشِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ مِيزَانِ الرِّضَا وَ زِينَةِ الْعَرْشِ تُعِيدُ ذَلِكَ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ الْعَبْدَ الدَّلِيلَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْفِرَ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ تُقْضِيَ لَنَا حَوَائِجَنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ.

و نیز حدیث را بمعصوم رسانده که فرمود: پس از نماز صبح گوئی:

«اللهم لك الحمد حمدا خالدا مع خلودك، و لك الحمد حمدا لا منتهى له دون رضاك و لك الحمد حمدا لا امد له دون مشيئتك، و لك الحمد حمدا لا جزاء لقائه إلا رضاك، اللهم لك الحمد كما أنت أهله، الحمد لله بمحامده كلها على نعمائه كلها حتى ينتهي الحمد الى حيث ما يجب ربي و يرضى»

و نیز میگوئی پس از نماز صبح پیش از آنکه سخنی بگوئی:

^۱ (۲) مضمّر.

«الحمد لله ملء الميزان و منتهى الرضا و زنة العرش، و سبحان الله ملء الميزان و منتهى الرضا و زنة العرش، و الله أكبر ملء الميزان و منتهى الرضا و زنة العرش، و لا اله الا الله ملء الميزان و منتهى الرضا و زنة العرش»

و چهار بار آن را تکرار میکنی سپس میگوئی:

«اللهم أسألك مسألة العبد الذليل ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تغفر لنا ذنوبنا و تقضى لنا حوائجنا في الدنيا و الآخرة في يسر منك و عافية».

توضیح

- مجلسی (ره) در فرمایش حضرت علیه السلام

«تعيد ذلك اربع مرات»

که فرمود:

چهار مرتبه آن را تکرار میکنی گوید: از قبیل تأکید است نه تأسیس یعنی مقصود این است که آن فقرات را (یعنی ملء الميزان و منتهى الرضا و زنة العرش) را چهار مرتبه همان طور که خود معصوم علیه السلام فرمود دنبال هر يك از

الحمد لله و سبحان الله و الله أكبر و لا اله الا الله

میخوانی نه اینکه تمامی این دعا را چهار مرتبه میخوانی، گرچه برخی از اصحاب هم این طور استنباط کرده‌اند و آن را تأسیس گرفته‌اند.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ ابْنُ الرِّضَا ع بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ عَلَّمَنِيهِ^١ وَ قَالَ مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ لَمْ يَلْتَمِسْ حَاجَةً إِلَّا تَيَسَّرَتْ لَهُ وَ كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ - بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ بَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ إِنْ كَرِهَ النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمُزْتَوِبِينَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ الَّذِي لَمْ يَزَلْ حَسْبِي مُنْذُ قَطُّ^٢ حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ قَالَ إِذَا انْصَرَفْتَ مِنْ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَقُلْ رَضِيتُ بِاللَّهِ

^١ (٣) «بهذا الدعاء» الباء للتقوية و «علمنيه» أي بعد ما لقيته مشافهة علمني معاني الدعاء و كيفية قراءته (آت).

^٢ (١) «منذ قط» كأن فيه تقديرا أي: منذ كنت أو خلقت و قط تأكيد. أو «قط» بمعنى الازال أي من ازل الازال الى الآن أو منذ كان الدهر و الزمان. و في الفقيه هكذا «حسي من كان منذ كنت لم يزل حسي، حسي الله لا اله الا هو» و في مفتاح الفلاح للشيخ: «حسي من كان منذ كنت حسي» فلا تكلف فيهما.

رَبًّا وَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِفُلَانٍ وَ فُلَانٍ أَيْمَةً اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ فُلَانٌ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ قَوْفِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ امُدُّ لَهُ فِي عُمْرِهِ وَ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ وَ الْمُتَّصِرَ لِدِينِكَ وَ أَرِهِ مَا يُحِبُّ وَ مَا تَقْرُبُ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ فِي شَيْعَتِهِ وَ فِي عَدُوِّهِ وَ أَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَ أَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَ تَقْرُبُ بِهِ عَيْنُهُ وَ اشْفِ صُدُورَنَا وَ صُدُورَ قَوْمِ مُؤْمِنِينَ قَالَ وَ كَانَ النَّبِيُّ ص يَقُولُ إِذَا فَرَعَ مِنْ صَلَاتِهِ- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ وَ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ أَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِلِعْلَمِكَ الْغَيْبِ وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي فَأَحْيِنِي وَ تَوَفَّيْ إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتِكَ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْعُضْبِ وَ الرِّضَا وَ الْقُصْدَ فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنَى وَ أَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْقُذُ وَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا يَنْقُطُ وَ أَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ بَرَكَةَ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَيْشِ وَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ لَذَّةَ الْمُنَظَرِ إِلَى وَجْهِكَ وَ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْكَ وَ لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَاءٍ مُضِرَّةٍ وَ لَا فِتْنَةٍ مُضَلِّةٍ اللَّهُمَّ زَيْنًا بَرِينَةً الْإِيمَانَ وَ اجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْدِيِينَ اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيْمَنْ هَدَيْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَزِيمَةَ الرَّشَادِ وَ الثَّبَاتِ فِي الْأَمْرِ وَ الرُّشْدِ وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ حُسْنَ عَافِيَتِكَ وَ آدَاءَ حَقِّكَ وَ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَلْبًا سَلِيمًا وَ لِسَانًا صَادِقًا وَ أَسْتَعِينُكَ لِمَا تَعْلَمُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَعْلَمُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا تَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ*.

-محمد بن فرج گوید: حضرت جواد علیه السلام این دعا را بمن نوشت و آن را بمن آموخت و فرمود: هر که آن را پس از نماز صبح بخواند حاجتی نخواهد جز اینکه برایش میسر گردد، و خداوند مهم او را کفایت کند (و آن دعا اینست): «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَقْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوْقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ بِحَيْثَانَهُ مِنَ الْعَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ، حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ [العلی العظیم] مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللَّهُ وَ ان كره الناس، حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ الَّذِي لَمْ يَزَلْ حَسْبِي مِنْذُ قَطٍ، حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ».

و فرمود: چون از نماز واجب فارغ شدی پس بگو: (و دعائی دستور داد که ترجمه اش اینست) «خشنودم که خدا پروردگارم باشد و محمد (ص) پیغمبرم باشد، و اسلام دینم باشد و قرآن کتابم و فلان و فلان (و نام امامان را ببرد) امامان من باشند، بار خدایا ولی تو فلان (و نام امام زمان علیه السلام را ببرد) است پس او را از برابر و از پشت سر و از راست و چپ و بالای سر و پائین پایش نگهداری فرما، و عمرش را دراز کن، و او را بامر خود قائم کن، و یاری کننده دینت قرارش ده، و باو بنما آنچه را دوست دارد و آنچه چشمش را روشنی بخشد در باره خودش و فرزندانش و خاندان و مالش و در باره شیعیان و دشمنانش، و بدشمنانش بنما چیزی را که بدان بترسند و باو بنما در باره دشمنانش چیزی که او دوست دارد و چشمش را بدان وسیله روشنی بخش، و درد دلهای ما و سینه های مؤمنین را شفا بخش».

فرمود: و چون پیغمبر (ص) از نماز فارغ میشد میخواند (دعائی را که ترجمه اش چنین است):

«بار خدایا بیامرز برای من آنچه پیش کرده‌ام و آنچه بتأخیر انداخته‌ام و آنچه نهان کردم و آنچه عیان نمودم، و اسراف مرا در باره خودم بیامرز و آنچه تو بدان داناتری، بار خدایا تو پیش اندازی، و تو پس‌اندازی، معبودی جز تو نیست، بحق دانائیت بر غیب و توانائیت بر همه خلق (سوگند) تا آنگاه که زندگی را برانم بهتر دانی مرا زنده دار، و آنگاه که مرگ را برانم بهتر دانی جانم را بگیر، بار خدایا من از تو خواهم ترس از تو را در پنهانی و عیان، و سخن حق را در حال خشم و خشنودی، و میانه روی را در حال فقر و توانگری، و از تو خواهم نعمتی که فانی نشود و روشنی چشمی که منقطع نگردد و از تو خواهم راضی بودن بقضا و میمنت مرگ را پس از زندگی، و گوارائی زندگی را پس از مرگ و لذت دیدارت و شوق زیارت و لقایت را بی‌آنکه زبانی ضرر زنده یافته‌ای گمراه‌کننده بمن رسد، بار خدایا ما را بآرایش ایمان بیاری، و راهنمایی هدایت شده فرامان ده، بار خدایا ما را در زمره کسانی که رهبری کردی رهبری فرما، بار خدایا من از تو خواهم تصمیم‌پایداری در کار و براه راست شدن را، و از تو خواهم توفیق شکرگزاری نعمت و عافیتی نیکو و پرداخت حقت را، و از تو خواهم بار پروردگارا دلی سالم و زبانی راستگو و از تو آمرزش خواهم از آنچه میدانی و از تو خواهم بهتر آنچه دانی، و پناه برم بخودت از بدی آنچه (نسبت بمن) میدانی زیرا که تو میدانی و ما نمیدانیم و توئی علام الغیوب».

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ جَاءَ جَبْرِئِيلُ ع إِلَى يُوسُفَ وَ هُوَ فِي السَّجْنِ فَقَالَ لَهُ يَا يُوسُفُ قُلْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ- اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرْجًا وَ مَخْرَجًا وَ ارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ.

سیف بن عمیره گوید: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که فرمود: جبرئیل علیه السلام آنگاه که یوسف در زندان بود نزد وی آمد و باو گفت: ای یوسف در عقب هر نمازی بخوان (این دعا را):

«اللهم اجعل لي فرجا و مخرجا و ارزقني من حيث احتسب و من حيث لا احتسب»

. توضیح

- مجلسی (ره) گوید: و گفته شده که خداوند به جزء اول این دعا او را از زندان آزاد کرد، و بجزء دومش او را بسلطنت رسانید.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ حُفِظَ فِي نَفْسِهِ وَ دَارِهِ وَ مَالِهِ وَ وُلْدِهِ- أُجِرَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ دَارِي وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ أُجِرَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي بَرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ إِلَى آخِرِهَا وَ بَرَبِّ النَّاسِ إِلَى آخِرِهَا وَ آيَةِ الْكُرْسِيِّ إِلَى آخِرِهَا.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که این کلمات را در نزد هر نماز واجبی بخواند خودش و خانه‌اش و مال و فرزندش محفوظ بماند (و دعا اینست):

«اجیر نفسی و مالی و ولدی و اهلی و داری و کل ما هو منی بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احدٌ، و اجیر نفسی و مالی و ولدی و کلما هو منی برَبِّ الفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ

(و تا آخر سوره بخواند-) و بِرَبِّ النَّاسِ (و تا باخر سوره قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخواند-) و آیه الکرسی را با باخر بخواند (یعنی بگوید:

و اجیر نفسی و مالی و ولدی [و اهلی و داری] و کل ما هو منی بالله الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ...
تا باخر).

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: مَنْ قَالَ فِي ذُبْرِ الْفَرِيضَةِ - يَا مَنْ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ وَ لَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ أَحَدٌ غَيْرُهُ ثَلَاثًا ثُمَّ سَأَلَ أُعْطِيَ مَا سَأَلَ.

معاویة بن عمار (از حضرت صادق علیه السلام و احتمالاً از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام) حدیث کند که فرمود: هر که سه بار دنبال نماز واجب بگوید:

«یا من یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء احد غیره»

سپس درخواستی کند باو داده شود هر چه درخواست کرده.

۹- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَأَمِّرْ يَدَكَ عَلَى جَبْهَتِكَ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ ... الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي الْهَمَّ وَ الْعَمَّ وَ الْحَزْنَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

سعید بن یسار گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: همین که نماز مغرب را گزاردی، پس دست خود را به پیشانیت بکش و سه بار بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنِّي الْهَمَّ وَ الْعَمَّ وَ الْحَزْنَ»

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُنْتُ كَثِيرًا مَا أَشْتَكِي عَيْنِي فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءً لِدُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ وَ بَلَاغًا لَوْجِعِ عَيْنِكَ قُلْتُ بَلَى قَالَ تَقُولُ فِي

دُبُرِ الْفَجْرِ وَ دُبُرِ الْمَغْرِبِ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ^١ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي.

محمد جعفری از پدرش حدیث کند که گفت: من بسیار بدرد چشم مبتلا میشدم پس از این درد بحضرت صادق علیه السلام شکایت کردم فرمود: آیا دعائی بتو نیاموزم که برای دنیا و آخرت (سودمند باشد) و درد چشم تو را کفایت کند؟ عرض کردم: چرا: فرمود: پس از نماز صبح و نماز مغرب میگوئی،

«اللهم اني أسألك بحق محمد و آل محمد عليك صل على محمد و آل محمد و اجعل النور في بصري و البصيرة في ديني و اليقين في قلبي و الاخلاص في عملي و السلامة في نفسي و السعة في رزقي و الشكر لك ابدًا ما ابقيتني»

. توضیح

- مجلسی (ره) گوید: این دعا با کوتاهی و اختصارش از دعاهای جامعی است که حاجتهای دنیا و آخرت را در بردارد ... سپس يك يك آنها را شمرده و شرح دهد.

١٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ الشَّامِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي رَجُلٌ بِالشَّامِ يُقَالُ لَهُ هَلْقَامُ بْنُ أَبِي هَلْقَامٍ قَالَ: أَتَيْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ ع فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ عَلَّمَنِي دُعَاءَ جَامِعاً لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَوْجَزَ فَقَالَ قُلْ فِي دُبُرِ الْفَجْرِ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ - سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ قَالَ هَلْقَامُ لَقَدْ كُنْتُ مِنْ أَسْوَأِ أَهْلِ بَيْتِي حَالًا فَمَا عَلِمْتُ حَتَّى أَتَانِي مِيرَاثٌ مِنْ قَبْلِ رَجُلٍ مَا ظَنَنْتُ أَنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ قَرَابَةٌ وَ إِنِّي الْيَوْمَ لَمِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ مَا ذَلِكَ إِلَّا بِمَا عَلَّمَنِي مَوْلَايَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ ع.

ابو جعفر شامی گوید: مردی در شام که نامش هلقام بن ابی هلقام بود برای من حدیث کرد که خدمت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام رفتم، باو عرض کردم: فدایت شوم يك دعای جامعی برای دنیا و آخرت بمن بیاموز که کوتاه باشد، فرمود: پس از نماز صبح تا آفتاب زدن بگو:

«سبحان الله العظيم و بحمده استغفر الله و أسأله من فضله»

^١ (١) في مجالس الشيخ و أكثر كتب الدعاء «أن تصلى على محمد و آل محمد و أن تجعل النور - الخ» و هو أظهر و على ما هنا كانه استيناف بيان أي حقهم عليك أن تصلى عليهم و اجعل النور في بصري (آ).

. هلقام گوید: من از همه فامیلم حالم بدتر بود (و در اثر خواندن این دعا) از مردی ندانسته بمن ارثی رسید که من گمان نداشتم میان من و آن مرد خویشاوندی باشد، و اکنون من از تمام فامیلم زندگانیم بهتر است، و این نیست جز بواسطه آن دعائی که آقایم حضرت موسی - ابن جعفر علیهما السلام بمن آموخت.

شرح

- مجلسی (ره) در فرمایش حضرت که فرمود: «پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب بگو...» دو احتمال میدهد: یکی اینکه مقصود این باشد که این دعا را در تمامی این مدت بخوان و تکرار کن، دیگر اینکه مقصود بیان وقت این دعا است که موقع گفتن آن از بعد از نماز صبح است تا آفتاب زدن، سپس گوید: و احتمال اولی روشن تر است.

بَابُ الدُّعَاءِ لِلرِّزْقِ

باب دعا برای روزی

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ أَنْ يُعَلِّمَنِي دُعَاءَ لِلرِّزْقِ فَعَلَّمَنِي دُعَاءَ مَا رَأَيْتُ أَجْلَبَ مِنْهُ لِلرِّزْقِ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ ارزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالاً طَيِّباً بَلَاغاً لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ صَبَّأً صَبَّأً هَنِئاً مَرِيئاً مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَ لَا مَنْ مِنْ أَحَدٍ خَلَقَكَ إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ^۱ فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ يَدِكَ الْمَلَأَى أَسْأَلُ.

معاویة بن عمار گوید: از حضرت صادق علیه السلام خواش کردم که دعائی برای روزی بمن بیاموزد.

پس دعائی بمن آموخت که من بهتر از آن برای جلب روزی ندیدم، فرمود:

«اللهم ارزقني من فضلك الواسع الحلال الطيب رزقا واسعا حلالا طيبا بلاغا للدنيا و الآخرة، صبا صبا، هنيئا مريئا، من غيرك و لا من من أحد [من] خلقك إلا سعة من فضلك الواسع فانك قلت: «و اسألوا الله من فضله» فمن فضلك أسأل و من عطيتك أسأل، و من يدك الملاء أسأل»

^۱ (۲) أي كثيرا كثيرا، مصدر بمعنى الفاعل أو المفعول.

^۲ (۱) النساء: ۳۱.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ ع لَقَدْ اسْتَبَطَأْتُ الرَّزْقَ فَعَضِبَ ثُمَّ قَالَ لِي قُلِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكْفُلْتَنِي بِرِزْقِي وَرِزْقِ كُلِّ دَابَّةٍ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَيَا خَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَفْضَلَ مُرْتَجَى أَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا^۱.

ابو بصیر گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: من رسیدن روزم را کند می‌شمارم (و روزی من بکندی میرسد و بنظر خودم بیش از آن هم نخواهد رسید؟) آن حضرت در خشم شد سپس بمن فرمود:

بگو:

«اللهم انك تكفلت برزقي و رزق كل دابة، يا خير مدعو و يا خير من اعطى، و يا خير من سئل و يا افضل مرتجى افعل بي كذا و كذا»

(و بجای کذا و کذا حاجت خود را در مقدار زیاد شدن روزی بگوید).

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: أَبْطَأَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ص عَنْهُ ثُمَّ أَتَاهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا أَبْطَأَ بِكَ عَنَّا فَقَالَ السُّقْمُ وَ الْفَقْرُ فَقَالَ لَهُ أَفَلَا أُعَلِّمُكَ دُعَاءً يَذْهَبُ اللَّهُ عَنْكَ بِالسُّقْمِ وَ الْفَقْرِ قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ قُلْ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الدُّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا قَالَ فَمَا لَيْتَ أَنْ عَادَ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي السُّقْمَ وَ الْفَقْرَ.

-اسماعیل بن عبد الخالق گوید: مردی از اصحاب پیغمبر (ص) (چندی) بخدمت آن حضرت (ص) نیامد، (و پس از مدتی) خدمتش رسید، رسول خدا (ص) باو فرمود: چه چیز تو را از ما دور کرده بود؟

عرض کرد: بیماری و نداری، باو فرمود: آیا بتو نیاموزم دعائی که خداوند از تو بیماری و نداری را دور سازد؟ عرض کرد: چرا یا رسول الله، فرمود: بگو:

«لا حول و لا قوة الا بالله [العلی العظیم] توكلت على الحي الذي لا يموت و الحمد لله الذي لم يتخذ [صاحبة و لا] و لَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الدُّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا»

گوید: پس درنگی نکرد (و طولی نکشید) که خدمت پیغمبر (ص) بازگشت و عرض کرد: ای رسول خدا خداوند بیماری و نداری را از من برد.

^۱ (۲) یأتی بسند آخر عن یونس عن قریب.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: ادْعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فِي الْمَكْتُوبَةِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ ارْزُقْنِي وَ ارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.

زيد شحام از حضرت باقر علیه السلام حدیث کند که فرمود: برای خواستن روزی (از خداوند) در نماز واجب در سجده بگو:

«یا خیر المسئولین و یا خیر المعطین ارزقی و ارزق عیالی من فضلك الواسع فانك ذو الفضل العظيم»

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِي حَمِيلَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْحَاجَةَ وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يُعَلِّمَنِي دُعَاءَ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فَعَلَّمَنِي دُعَاءً مَا احْتَجْتُ مِنْهُ دَعْوَةٌ بِهِ قَالَ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَ يَا خَيْرَ مَسْئُولٍ- وَ يَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى وَ يَا خَيْرَ مُرْتَجَى ارْزُقْنِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ سَبِّبْ لِي رِزْقًا مِنْ قِبَلِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ*.

ابو بصیر گوید: حضرت صادق علیه السلام از نیازمندی و تنگدستی شکایت کردم و از او خواستم که دعائی برای طلب روزی بمن بیاموزد، پس آن حضرت دعائی بمن آموخت که از آن زمان که بوسیله آن دعا کردم نیازمند نگشتم، فرمود: پس از نماز شب در سجده بگو:

«یا خیر مدعو و یا خیر مسئول و یا اوسع من أعطى و یا خیر مرتجى، ارزقى و اوسع على من رزقك، سبب لى رزقا من قبلك، انك على كل شىء قدير»

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي ذُو عِيَالٍ وَ عَلَيَّ دَيْنٌ وَ قَدْ اشْتَدَّتْ حَالِي فَعَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ لِيَرْزُقَنِي مَا أَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَ أَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَبْدَ اللَّهِ تَوَضَّأْ وَ أَسْبِغْ وُضُوئَكَ ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ تُتِمُّ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ ثُمَّ قُلْ يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ يَا دَائِمُ اتَّوَجَّهْ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ص يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي وَ رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ نَفْحَةَ كَرِيمَةٍ مِنْ نَفْحَاتِكَ وَ فَتْحًا يَسِيرًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا أَلُمُّ بِهِ شَعْنِي وَ أَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَ أَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: مردی خدمت پیغمبر (ص) رسید و عرضکرد: ای رسول خدا من مردی هستم عیالمنند و قرض دار، و حالم سخت شده، پس دعائی بمن بیاموز که با آن بدرگاه خدای عز و جل دعا کنم تا بمن روزی دهد بمقداری که با آن قرضم را ادا کنم و بوسیله آن بر (مخارج) نانخورها و عیالم کمک جویم، پس رسول خدا (ص) فرمود: ای بنده خدا وضوی خوب و کاملی بساز، و سپس دو رکعت نماز بگزار و رکوع و سجودش را کامل و نیکو بجای آر، سپس (پس از فراغت از نماز) بگو:

«یا ماجد یا واحد یا کریم [یا دائم] أتوجه الیک بمحمد نبیک نبی الرحمة (ص) یا محمد یا رسول الله انی أتوجه بک الی الله ربک و ربی و رب کل شیء ان تصلى علی محمد و اهل بیتی و أسألك نعمة کريمة من نجاتک و فتحا یسیرا و رزقا واسعا ألم به شعنی، و أفضی به دینی و استعین به علی عیالی»

۶- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي بَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِبِيِّ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص هَذَا الدُّعَاءَ يَا رَازِقَ الْمُقْلِينَ^۱ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ يَا وَليَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ ارزُقْنِي وَ عَافِنِي وَ اكْفِنِي مَا أَهْمَنِي.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) این دعا را (برای زیاد شدن روزی آموخت:

«یا رازق المقلین، یا راحم المساکین، یا ولی المؤمنین، یا ذا القوة المتین، صلی علی محمد و اهل بیتی و ارزقنی و عافی و اکفی ما أهمنی»

۷- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ نَظَرَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِلَى رَجُلٍ وَ هُوَ یَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع سَأَلْتَ قُوَّةَ النَّبِيِّينَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِزْقًا حَلَالًا وَاسِعًا طَيِّبًا مِنْ رِزْقِكَ.

معمر بن خلاد گوید: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: حضرت باقر علیه السلام مردی را دید که میگوید: «بار خدایا من از روزی حلال تو خواستارم» حضرت باقر علیه السلام باو فرمود: تو قوت (و روزی) پیغمبران را خواستار شدی بگو: «بار خدایا من از تو روزی فراوان پاکیزه‌ای از روزیت را خواستارم».

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا ع جُعِلْتُ فِدَاكَ ادْعُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَرْزُقَنِي الْحَلَالَ فَقَالَ أَ تَدْرِي مَا الْحَلَالُ قُلْتُ الَّذِي عِنْدَنَا الْكَسْبُ الطَّيِّبُ فَقَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ الْحَلَالُ هُوَ قُوَّةُ الْمُصْطَفَيْنِ ثُمَّ قَالَ قُلْ أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ.

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: بحضرت رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم خدای عز و جل را بخوان (و دعا کن) که روزی حلال بمن روزی کند، فرمود: آیا میدانی حلال چیست؟ عرض کردم:

آنچه نزد ما است از در آمد پاک است، فرمود: علی بن الحسین علیهما السلام میفرمود: حلال قوت (و روزی) برگزیدگانست، سپس فرمود: (بار خدایا) از تو از روزی فراوانت خواستارم».

^۱ (۱) رجل مقل أي فقير، و أقل أي افتقر.

۹- عَنْهُ^۱ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ مَزِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ اْمُدِّدْ لِي فِي عُمْرِي وَ اجْعَلْ لِي مِنْ يَتَنَصَّرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي.

مفضل بن مزید از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: بگو

«اللهم اوسع على في رزقي و امدد لي في عمري و اجعل لي من يتنصر به لدينك و لا تستبدل بي غيري»

۱۰- عَنْهُ^۲ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع دُعَاءٌ فِي الرِّزْقِ- يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقَّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ- أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَرْزُقَنِي الْعَمَلَ بِمَا عَلَّمْتَنِي مِنْ مَعْرِفَةِ حَقِّكَ وَ أَنْ تَبْسُطَ عَلَيَّ مَا حَظَرْتَ مِنْ رِزْقِكَ^۳.

و نیز از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام دعائی برای روزی روایت کرده (و آن اینست):

«يا الله يا الله يا الله أسئلك بحق من حقه عليك عظيم أن تصلي على محمد و آل محمد و ان ترزقني العمل بما علمتني من معرفة حقاك و ان تبسط على ما حظرت من رزقك»

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْعَطَّارِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّا قَدْ اسْتَبْطَأْنَا الرِّزْقَ فَغَضِبَ ثُمَّ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكْفُلْتِ بِرِزْقِي وَ رِزْقِ كُلِّ دَابَّةٍ فِيَا خَيْرٍ مَنْ دُعِيَ وَ يَا خَيْرٍ مَنْ سُئِلَ وَ يَا خَيْرٍ مَنْ أُعْطِيَ وَ يَا أَفْضَلَ مَرْتَجَى افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا^۴.

ابو بصیر گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: ما رسیدن روزی را بکنند میدانیم حضرت در خشم شد و فرمود: بگو:

«اللهم انك تكفلت برزقي و رزق كل دابة فيا خيرا من دعي و يا خيرا من سئل و يا افضل مرتجى افعل بي كذا و كذا»

(و بجای افعل بی کذا و کذا حاجت خود را ذکر کند).

۱۲- أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الْمَعِيشَةِ مَعِيشَةً أَتَقَوَّى بِهَا عَلَيَّ جَمِيعَ حَوَائِجِي وَ أَتَوَصَّلُ بِهَا فِي الْحَيَاةِ إِلَى آخِرَتِي مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتْرِفَنِي فِيهَا فَأَطْعَمِي أَوْ تُفْتَرَّ بِهَا عَلَيَّ فَأَشْفَمِي- أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ حَالَِلِ رِزْقِكَ وَ أَفْضُضْ عَلَيَّ مِنْ سَيِّبِ فَضْلِكَ؛ نِعْمَةً مِنْكَ سَابِعَةً وَ عَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ ثُمَّ لَا تَشْعَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ

^۱ (۱) الضمير راجع إلى البرقي.

^۲ (۲) حظرت، أي منعت و حبست.

^۳ (۳) تقدم بسند آخر عن يونس أنفا.

^۴ (۴) السيب: العطاء.

بِأَكْثَارٍ مِنْهَا تُلْهِبُنِي بَهْجَتُهُ وَ تَفْتِنُنِي زَهْرَاتِ زَهْوَتِهِ^١ وَ لَا بِإِقْلَالٍ عَلَيَّ مِنْهَا يَفْضُرُ بِعَمَلِي كَدُّهُ وَ بِمَلَأُ صَدْرِي هُمُّهُ أَعْطَانِي مِنْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي غِيَّ عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ بَلَاغاً أَنَالَ بِهِ رِضْوَانَكَ وَ أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا لَا يَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِخْنًا وَ لَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ^٢ وَ مَسَاكِنِ الْأَخْيَارِ وَ أَبْدِلْنِي بِالدُّنْيَا الْفَانِيَةِ نَعِيمَ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَرْهَابِهَا^٣ وَ زَلْزَلِهَا وَ سَطَوَاتِ شَيْطَانِهَا وَ سَلَاطِينِهَا وَ نَكَالِهَا وَ مِنْ بَعِي مَنْ بَعَى عَلَيَّ فِيهَا اللَّهُمَّ مَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ وَ مَنْ أَرَادَنِي فَأَرِدْهُ وَ فُلَّ عَنِّي حَدَّ مَنْ نَصَبَ لِي حَدَّهُ وَ أَطْفِ عَنِّي نَارَ مَنْ شَبَّ لِي^٤ وَ قُودُهُ وَ أَكْفَنِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ وَ افْتَأْ عَنِّي عُيُونَ الْكُفْرَةِ وَ أَكْفِنِي هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَ ادْفَعْ عَنِّي شَرَّ الْحَسَدَةِ وَ اعْصِمْنِي مِنْ ذَلِكَ بِالسَّكِينَةِ وَ أَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَ اخْبَأْنِي^٥ فِي سِتْرِكَ الْوَاقِي وَ أَصْلِحْ لِي حَالِي وَ صَدِّقْ قَوْلِي بِفَعَالِي وَ بَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَ مَالِي^٦.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: که علی بن الحسین علیهما السلام این دعا را میخواند (که ترجمه اش چنین است): بار خدایا از تو خواهم معیشت خوبی که بدان وسیله بهمه حوائجم نیرو بگیرم و در این دوران زندگی بدان وسیله باخرتم رسم، بدون آنکه مرا در آن بخوشگذرانی وادار کنی تا در نتیجه سرکش شوم یا بر من تنگ گیری که بدبخت شوم، روزی مرا از روزی حلال خود وسیع گردان و از باران فضلت بر من فرو ریز، و نعمتی پیوسته و عطائی بی منت (بمن ده) سپس بواسطه زیادتی آن مرا از شکر آن باز مدار که خرمی آن مرا بخود سرگرم سازد، و درخشندگی شکوفه هایش مرا گول زند (یا گمراه سازد) و کمی آن مرا دچار مساز که رنج تحصیل آن مرا از کردار و عبادتم باز دارد و اندوه بدست آوردنش سینه ام را فرا گیرد، بار خدایا چندان روزی بمن بده برای بی نیازی از بدان خلقت، و وسیله ای باشد که مرا بخشنودی (یا رضوانت) برساند، و ای خدای من بتو پناه برم از شر دنیا و شر آنچه در آنست، دنیا را بر من زندان مساز، و جدائی آن را اندوه من مکن، مرا از فتنه هایش بیرون بر بدانسان که مورد پسند باشم، و کردارم مورد پذیرش باشد که بخانه جاویدان زندگی و محل سکونت نیکام برساند، و بجای دنیای فانی نعمتهای خانه باقی را بمن ارزانی کن، بار خدایا من بتو پناه برم از تنگدستی و سختی و پریشانیهای دنیا و حمله شیاطین و سلاطین آن و از شکنجه هایش، و از ستم آنکه در این دنیا بمن ستم کند.

بار خدایا هر که بمن کید کند با او کید کن، و هر که آهنگ من کند آهنگ او کن، و تیغ آن کس که بروی من تیغ کشد تیغش را کند نما، و آتش آن کس که برای من آتش افروزد خاموش ساز، و مکر مکرکنندگان را از من کفایت کن، و چشم کافران را از توجه بمن از بیخ درآور، و اندوه آن کس که اندوهش را بر من وارد کند کفایت نما، و شر حسودان را از من باز دار، و با آرامش

^١ (٥) و زهرة الدنيا بالتسكين: غزارتها و حسنها. و الزهو: المنزل الحسن و الثياب الفاخرة (فی).

^٢ (١) فی بعض النسخ: [دار الخلد].

^٣ (٢) الازل: الضيق و الشدة.

^٤ (٣) الفل: التلم. و الشب: الايقاد.

^٥ (٤) خبأه: ستره و فی بعض النسخ [و أجننی].

^٦ کلیبی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

خود مرا از آن نگهدار، و زره نگهبان خود را بمن بپوشان، و مرا در پرده پوشاننده خود مستور دار، و حالم را اصلاح کن و گفتارم را بکردارم تصدیق کن (یعنی کردارم را گواه راست گفتارم کن) و در باره خاندان و مالم برکت بمن ده».

بَابُ الدُّعَاءِ لِلدِّينِ

باب دعا برای دین و وام

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ وَليدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ دَيْنًا لِي عَلَى أَنَسٍ فَقَالَ قُلِ اللَّهُمَّ لِحَظَاتِكَ تَيَسَّرَ عَلَيَّ غُرْمَائِي بِهَا الْقَضَاءُ وَ تَيَسَّرَ لِي بِهَا الْإِقْتِضَاءُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ*.

ولید بن صبیح گوید: بحضرت صادق علیه السلام از وامی که از من بگردن مردمی است (و من از آنها بستانکارم و نمیتوانم یا نمیخواهند بدهند) شکایت بردم فرمود: بگو؟

«اللهم لحظتك تيسر لي بها القضاء و تيسر لي بها الاقتضاء انك على كل شيء قدير»

(یعنی بار خدایا نظری فرما که بدهکاران من توان پرداخت یابند و من توان دریافت، تو بر هر چیز توانایی).

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ ص رَجُلٌ فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهُ الْعَالِبُ عَلَيَّ الدَّيْنُ وَ وَسْوَسةُ الصَّدْرِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص قُلْ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الدُّنْيَا وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا قَالَ فَصَبَرَ الرَّجُلُ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ مَرَّ عَلَى النَّبِيِّ ص فَهَتَفَ بِهِ فَقَالَ مَا صَنَعْتَ فَقَالَ أَدْمَنْتُ مَا قُلْتَ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَضَى اللَّهُ دَيْنِي وَ أَذْهَبَ وَسْوَسةُ صَدْرِي.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: مردی خدمت رسول خدا (ص) آمده عرضکرد: ای پیغمبر خدا قرض و وسوسه در دل بر من غالب گشته (دستوری برای رفع هر دو بمن بدهید) پس پیغمبر (ص) باو فرمود: بگو:

«توكلت على الحي الذي لا يموت، الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة و لا ولداً و لم يكن له شريك في الملك و لم يكن له ولي من الدنن و كبره تكبيراً»

حضرت صادق علیه السلام فرمود: مدتی بر این جریان گذشت، پس روزی آن مرد بر پیغمبر (ص) گذر کرد آن حضرت صدای او زد و فرمود: چه کردی؟

عرضکرد: ای رسول خدا آنچه بمن فرمودی بدان ادامه دادم و خدا دین مرا ادا کرد و وسوسه خاطرم را نیز از میان برد.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ لَقِيتُ شِدَّةً مِنْ وَسْوَسةِ الصَّدْرِ وَ أَنَا رَجُلٌ مَدِينٌ مُعِيلٌ مُخَوِّجٌ^۱ فَقَالَ لَهُ كَرِّزْ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ - تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وُلْدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الدُّلِّ وَ كِبْرَهُ تَكْبِيرًا فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ جَاءَهُ فَقَالَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنِّي وَ وَسْوَسةَ صَدْرِي وَ فَضَى عَنِّي دِينِي وَ وَسَّعَ عَلَيَّ رِزْقِي.

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: مردی نزد پیغمبر (ص) آمده عرضکرد: ای رسول خدا من از وسوسه خاطر سختی کشیده‌ام، و مردی عیال‌وار و بدهکار و نیازمند هستم، پیغمبر (ص) باو فرمود: این کلمات را بسیار بگو:

«توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة و لا ولداً و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الدل و کبره تکبیراً»

پس زمانی نگذشت که آن مرد نزد آن حضرت آمده عرضکرد: خداوند وسوسه خاطر من را برطرف کرد و بدهی و قرضم را ادا فرمود و روزم را فراوان ساخت.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع كَانَ كَتَبَهُ لِي فِي قِرْطَاسٍ - اللَّهُمَّ ارْزُدْ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ مَظَالِمَهُمُ الَّتِي قَبْلِي صَغِيرَهَا وَ كَبِيرَهَا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ مَا لَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَسْعُهُ ذَاتُ يَدِي وَ لَمْ يَقْوِ عَلَيْهِ بَدَنِي وَ يَقِينِي وَ نَفْسِي^۲ فَأَدِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلٍ مَا عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ ثُمَّ لَا تَخْلُفْ عَلَيَّ مِنْهُ شَيْئًا تَقْضِيهِ مِنْ حَسَنَاتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَ أَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا وُصِفَ وَ أَنَّ الْكِتَابَ كَمَا أُنزِلَ وَ أَنَّ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ذَكَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِخَيْرٍ وَ حَيَّا مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِالسَّلَامِ.

موسی بن بکر از حضرت کاظم علیه السلام حدیث کند که (برای پرداخت بدهکاری که داشتیم این دعا را) برای من در کاغذی نوشت:

«اللهم اردد الی جمیع خلقک مظلّمهم الی قبلی، صغیرها و کبیرها فی یسر منک و عافیة و ما لم تبلغه قوتی و لم تسعه ذات یدی و لم یقو علیه بدنی و یقینی و نفسی فأدّه عنی من جزیل ما عندک من فضلك ثم لا تخلّف علی منه شیئا تقضیه من حسناتی، یا أرحم الراحمین، اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، و اشهد أن محمدا عبده و رسوله و ان الذین کما شرع و ان الاسلام کما وصف و ان الکتاب کما انزل و ان القول کما حدث و ان الله هو الحق المبین، ذکر الله محمدا و اهل بیته بخیر و حیا محمدا و اهل بیته بالسلاّم»

^۱ (۱) المدین بفتح المیم: المدیون. و المعیل: ذو عیال. و الخوج: المحتاج.

^۲ (۲) قوة یقین بالمظلّمة عبارة عن عدم التیقن بتحقیقها لتطرق النسیان علیها (فی).

بَابُ الدُّعَاءِ لِلْكَرْبِ وَ الِهَمِّ وَ الحُزْنِ وَ الخَوْفِ

. باب دعا برای رفع اندوه و سختی و غم و دلستگی و ترس

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع يَا أَبَا حَمْزَةَ مَا لَكَ إِذَا أَتَى بِكَ أَمْرٌ تَخَافُهُ أَنْ لَا تَتَوَجَّهَ إِلَى بَعْضِ زَوَايَا بَيْتِكَ يَعْني الْقِبْلَةَ فَتُصَلِّيَ رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ تَقُولُ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سَبْعِينَ مَرَّةً كُلَّمَا دَعَوْتَ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ مَرَّةً سَأَلْتَ حَاجَةً.

ابو حمزه گوید: حضرت باقر علیه السلام بمن فرمود: ای ابا حمزه چرا هر گاه برای تو پیش آمدی میکند که تو را بترس و خوف اندازد بیکی از گوشه‌های خانه‌ات- یعنی بسوی قبله- رو نمیکنی، پس دو رکعت نماز بخوانی سپس هفتاد بار بگوئی:

«يا أبصر الناظرين و يا اسمع السامعين و يا أسرع الحاسبين و يا أرحم الراحمين»

و هر بار که این کلمات را می‌گوئی حاجت خود را بخواهی.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ ثَابِتٍ عَنْ أَسْمَاءَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَصَابَهُ هَمٌّ أَوْ عَمٌّ أَوْ كَرْبٌ أَوْ بَلَاءٌ أَوْ لَأْوَاءٌ^۱ فَلْيُقِلِّ اللَّهُ رَيْبِي وَ لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ.

اسماء گوید: رسول خدا (ص) فرمود: هر کس باو اندوهی یا غمی یا سختی یا بلائی یا دشواری برسد پس بگوید:

«اللَّهُ ربي و لا اشرك به شيئا، توكلت على الحي الذي لا يموت»

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا نَزَلَتْ بِرَجُلٍ نَارِلَةٌ أَوْ شَدِيدَةٌ أَوْ كَرْبَةٌ أَمْرٌ فَلْيُكْشِفْ عَنْ رُكْبَتَيْهِ وَ ذِرَاعَيْهِ وَ لْيُلْصِقْهُمَا بِالْأَرْضِ وَ لْيُلْزِقْ جُجُوهُهُ بِالْأَرْضِ^۲ ثُمَّ لِيَدْعُ بِحَاجَتِهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ.

هشام بن سالم گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه برای مردی پیش آمد ناگوارى یا سختی کرد، یا امری او را اندوهناک ساخت پس دو زانوی خود را با آرنجهای دستانش برهنه کند و بزمین بچسباند، و سینه خود را بزمین گذارد و با این حال در سجده برای حاجت خود دعا کند.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَمَّارٍ الدَّهَّانِ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا طَرَحَ إِخْوَهُ يُوسُفَ- يُوسُفَ فِي الْجُبِّ أَنَاهُ جَبْرَيْلُ ع فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا غُلَامُ مَا تَصْنَعُ هَاهُنَا فَقَالَ إِنَّ إِخْوَتِي الْقَوِي فِي الْجُبِّ قَالَ

^۱ (۱) الأواء: الشدة في المعيشة.

^۲ (۲) الجؤجؤ كهدهد: الصدر.

فُتِحِبُ أَنْ تُخْرِجَ مِنْهُ قَالَ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ شَاءَ أَخْرَجَنِي قَالَ فَقَالَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لَكَ ادْعُنِي بِهَذَا الدُّعَاءِ حَتَّى أُخْرِجَكَ مِنَ الْجَبِّ فَقَالَ لَهُ وَ مَا الدُّعَاءُ فَقَالَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ * ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي بِمَا أَنَا فِيهِ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا قَالَ ثُمَّ كَانَ مِنْ قِصَّتِهِ مَا ذَكَرَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: چون برادران یوسف او را در چاه افکندند جبرئیل نزدش آمد و گفت: ای پسرک در اینجا چه میکنی؟ گفت: همانا برادران من مرا در این چاه افکندند جبرئیل گفت: میخواهی که از این چاه بیرون آئی؟ یوسف گفت: این با خدای عز و جل است اگر خواهد مرا بیرون آرد، امام صادق علیه السلام فرمود: پس جبرئیل باو گفت: همانا خدای تعالی بتو فرماید: مرا با این دعا بخوان تا از چاه بیرون آوری، یوسف گفت: آن دعا کدام است؟ گفت: بگو:

«اللهم انی أسألك بأن لك الحمد، لا اله الا انت المنان بديع السماوات و الارض ذو الجلال و الاكرام ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تجعل لی مما انا فيه فرجا و مخرجا»

امام صادق علیه السلام فرمود: پس داستانش همان شد که خداوند در کتابش یاد فرموده است.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ الَّذِي دَعَا بِهِ- أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَى دَاوُدَ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ قَتَلَ الْمُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ وَ أَخَذَ مَالَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ الَّذِي لَا يُطْفِئُ وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُخْفَى وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يُنْقِضِي وَ بِنِعْمَتِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي كَفَّمْتَ بِهِ- فِرْعَوْنَ عَنْ مُوسَى ع.

معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام حدیث کند که آن دعائی که حضرت صادق علیه السلام بوسیله آن دباود بن علی نفرین کرد در داستان کشتن او معلی بن خنیس و گرفتن اموال آن حضرت را از او (که در باب نفرین بر دشمن حدیث (۵) داستانش گذشت، آن دعا اینست.

«اللهم انی أسألك بنورك الذى لا يطفى و بعزائمك التى لا تخفى و بعزك الذى لا ينقضى و بنعمتك التى لا تحصى و بسطانك الذى كففت به فرعون عن موسى عليه السلام

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الْهَمِّ قَالَ تَعْتَسِلُ وَ تُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ وَ تَقُولُ يَا فَارِحَ الْهَمِّ وَ يَا كَاشِفَ الْعَمِّ يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا فَرِّجْ هَمِّي وَ اكْشِفْ عَمِّي يَا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ اغْصِنِي وَ طَهِّرْنِي وَ اذْهَبْ بِلَيْتِي وَ اقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ.

اسماعیل بن جابر از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که برای رفع اندوه فرمود: غسل میکنی و دو رکعت نماز میخوانی و میگوئی:

«یا فارح الهم و یا کاشف الهم یا رحمان الدنیا و الآخرة و رحیمهما فرح همی و اکشف غمی یا الله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم ینکن له کفواً أحد اعصمنی و طهرنی و اذهب ببلیتی»

و آیه الکرسی را با دو سوره معوذتین (یعنی قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس) بخوان.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا خِفْتَ أَمْرًا فَقُلْ - اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَا يَكْفِي مِنْكَ أَحَدٌ وَ أَنْتَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَاكْفِنِي كَذَا وَ كَذَا وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ تَقُولُ يَا كَافِيَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ اكْفِنِي مَا أَهَمِّي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ - وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ دَخَلَ عَلَى سُلْطَانٍ يَهَابُهُ فَلْيَقُلْ بِاللَّهِ اسْتَفْتِحْ وَ بِاللَّهِ اسْتَنْجِحْ وَ بِمُحَمَّدٍ ص اتَّوَجَّهُ اللَّهُمَّ ذَلِكَ لِي صُعُوبَتَهُ وَ سَهْلٌ لِي حُزُونَتَهُ فَإِنَّكَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ وَ تَقُولُ أَيْضاً - حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ أَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ أَمْتَنِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

۸- سماعة گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر گاه از پیش آمدی بترسی پس بگو:

۹- «اللهم انك لا يكفي منك أحد و أنت تكفي من كل أحد من خلقك فاكفني كذا و كذا

۱۰- (و بجای کذا و کذا گرفتاری خود را ذکر کند).

۱۱- و در حدیث دیگر است که فرمود: میگوئی:

۱۲- «یا کافیا من کل شیء و لا ینکفی منک شیء فی السماوات و الارض، اکفنی ما أهمنی من أمر الدنیا و الآخرة و صلی الله علی محمد و آله».

۱۳- و حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که بر سلطانی وارد شود که از او ترس دارد پس بگوید:

۱۴- «بالله استفتح و بالله استنجح و بمحمد صلی الله علیه و آله أتوجه، اللهم ذل لي صعوبته و سهل لي حزونته فانك تمحو ما تشاء و تثبت و عندك ام الكتاب.

۱۵- و نیز میگوئی:

۱۶- «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ أَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ أَمْتَنِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

۹- عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا رَفَعُوهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ مِنْ دُعَاءِ أَبِي ع فِي الْأَمْرِ يَخْدُثُ - اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ يَسِّرْ مُنْقَلَبِي وَ اهد قلبي وَ آمِنْ حَوْبِي وَ عَافِنِي فِي عُمْرِي كُلِّهِ وَ نَبِّتْ حُجَّتِي وَ اغْفِرْ خَطَايَايَ وَ بَيِّضْ وَجْهِي وَ اعصمني في ديني وَ سهّلْ مطلبي وَ وسّعْ عليّ في رزقي فأبني ضعيفاً وَ تجاوز عن سيّئ ما عندي

بِحُسْنِ مَا عِنْدَكَ وَ لَا تَفْجَعْنِي بِنَفْسِي وَ لَا تَفْجَعْ لِي حَمِيماً وَ هَبْ لِي يَا إِلَهِي لِحُظَّةً مِنْ لِحْظَاتِكَ تَكْشِفُ بِهَا عَنِّي جَمِيعَ مَا بِهِ ابْتَلَيْتَنِي وَ تَرُدُّ بِهَا عَلَيَّ مَا هُوَ أَحْسَنُ عَادَاتِكَ عِنْدِي فَقَدْ ضَعُفْتُ قُوَّتِي وَ قَلَّتْ حِيلَتِي وَ انْقَطَعَ مِنْ خَلْقِكَ رَجَائِي وَ لَمْ يَبْقَ إِلَّا رَجَاؤُكَ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَ قُدِّرْتُكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ أَنْ تَرْحَمَنِي وَ تُعَافِيَنِي كَقُدِّرْتَكْ عَلَيَّ أَنْ تُعَذِّبَنِي وَ تَبْتَلِيَنِي إِلَهِي ذَكِّرْ عَوَائِدِكَ يُؤْنِسُنِي وَ الرَّجَاءُ لِإِنْعَامِكَ يُقَوِّبُنِي وَ لَمْ أَخْلُ مِنْ نِعْمِكَ مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَ أَنْتَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَفْرَعِي وَ مَلْجَأِي وَ الْحَافِظُ لِي وَ الدَّابُّ عَنِّي وَ الرَّحِيمُ بِي وَ الْمُتَكَفِّلُ بِرِزْقِي وَ فِي قَضَائِكَ وَ قُدِّرْتَكْ كُلُّ مَا أَنَا فِيهِ فَلْيَكُنْ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ فِيمَا قَضَيْتَ وَ قَدَّرْتَ وَ حَتَمْتَ تَعْجِيلُ خَلَاصِي مِمَّا أَنَا فِيهِ جَمِيعِهِ وَ العَافِيَةُ لِي فَإِنِّي لَا أَجِدُ لِدَفْعِ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرَكَ وَ لَا أَعْتَمِدُ فِيهِ إِلَّا عَلَيْكَ فَكُنْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ وَ رَجَائِي لَكَ وَ أَرْحَمَ تَضَرُّعِي وَ اسْتِكَانَتِي وَ ضَعْفَ زِكْرِي وَ ائْتِنُ بِذَلِكَ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ كُلِّ دَاعٍ دَعَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

-امام صادق علیه السلام فرمود: از دعاهاى پدرم که در هنگامى که امرى پیش مى آمد مىخواند این بود (و ترجمه اش چنین است): «اللهم صل على محمد و آل محمد و بيامرز مرا و بمن رحم کن و کردار مرا پاکیزه فرما و بازگشت مرا آسان کن، و دل مرا آرام نما، و از ترسم آسوده فرما، و در همه عمرم بمن عافیت ده، و حجت مرا پابرجا کن، و خطاهایم را ببخش، و روم را سپید گردان، و در باره دینم مرا نگهدار، و رسیدن بدان چه را جویای آتم بر من آسان کن، و روزم را فراوان کن زیرا من ناتوانم، و از بدى که نزد من است بآن خوبی که در نزد تو است درگذر، و مرا در باره خودم داغدار مکن، و نزدیکانم را نیز داغدار منما، و بمن ببخش بار خدایا يك لحظه ای (و يك نظر رحمتی) که بدان همه گرفتاریهایم را برطرف سازی، و بدان وسیله بازگردانی بمن هر آن خوبی که پیش تو بهتر است، که هر آینه نیروم سست، و چاره ام کم شده، و امیدم از خلق تو بریده و جز امید بتو و توکل بر تو چیزی نمانده، و توانائیت پروردگارا اگر بمن رحم کنی و عافیتم بخشی چون توانائیت بعداب و گرفتاری من است، خدایا یاد بخششهایت مرا آرام کند و امید بانعام تو بمن نیرو دهد، و از آن زمان که مرا آفریدی تھی از نعمت های تو نبودم، و تویی پروردگارم من و آقام و دادرسم و پناهگاهم و نگهدارم، و دورکننده از من (بلاها را) و مهربان بمن و کفیل روزیم، و هر آنچه که من در آتم بقضا و قدر تو است، پس ای آقا و ای مولای من در آنچه مقدر فرموده ای و حتم کرده ای رهائی من باشد از همه گرفتاریهایی که در آتم، و عافیت من در آن باشد، زیرا من برای دور ساختن آنها جز تو کسی را ندارم، و بغیر تو اعتمادی ندارم، پس ای صاحب جلالت و اکرام با من برابر خوش گمانی و امیدوارم رفتار کن و بزاری و ناتوانی و سستی من ترحم کن

و بدان بر من منت نه و نیز بمر کس که بدرگاهت دعا کند یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله».

۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ قَالَ قَالَ^۱: إِذَا أَحْرَزَكَ أَمْرٌ فَقُلْ فِي آخِرِ سُجُودِكَ- يَا جَبْرَيْلُ يَا مُحَمَّدُ يَا جَبْرَيْلُ يَا مُحَمَّدُ تُكْرِرُ ذَلِكَ- أَكْفِيَانِي مَا أَنَا فِيهِ فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَ احْفَظَانِي بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِنَّكُمَا حَافِظَانِ.

^۱ (۱) مضمّر.

و آن حضرت علیها السلام فرمود: هر گاه امری تو را بانده افکند بگو در آخر سجدهات (یا در آخرین سجدهات):

«یا جبرئیل یا محمد، یا جبرئیل یا محمد- و آن را تکرار کن- اکیانی ما انا فیه فانکما کافیان و احفظانی باذن الله فانکما حافظان»

۱۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ بَشْرِ بْنِ مَسْلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ مَا أَبَايَ إِذَا قُلْتُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيَّ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ - بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَ إِلَيْكَ فَوَضْتُ أَمْرِي اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ مِنْ قِبَلِي وَ ادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: که علی بن الحسین علیهما السلام میفرمود: من باکی ندارم چون این کلمات را بگویم اگر جن و انس بر علیه من گرد آیند (و بضرر من اجتماع کنند، و آن کلمات این است):

«بسم الله و بالله و من الله و الى الله و في سبيل الله و على ملة رسول الله صلى الله عليه و آله اللهم اليك أسلمت نفسي و اليك و جهت وجهي و اليك ألتأت ظهري و اليك فوضت أمري اللهم احفظني بحفظ الايمان من بين يدي و من خلفي و عن يميني و عن شمالي و من فوقي و من تحتي و من قبلي و ادفع عني بحولك و قوتك، فإنه لا حول و لا قوة الا بك»

- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ مِثْلَهُ.

. و بسند دیگر این حدیث را بهمین نحو روایت کرده.

۱۲- عَنْهُ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لِي رَجُلٌ أَيَّ شَيْءٍ قُلْتَ حِينَ دَخَلْتَ عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ بِالرَّبْدَةِ^۲ قَالَ قُلْتُ - اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ فَآكْفِنِي بِمَا شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ وَ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ أَيْ شِئْتَ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: مردی بمن گفت: هنگامی که در ربذه بر ابی جعفر (منصور عباسی دومین خلیفه بنی عباس) وارد شدی چه دعائی خواندی؟ فرمود: گفتم:

«اللهم انك تكفي من كل شيء و لا يكفي منك شيء فاكفني بما شئت و كيف شئت و من حيث شئت و اني شئت».

^۱ (۲) في بعض النسخ [ما قبلي].

^۲ (۳) ارید بأبی جعفر: الخلیفة العباسی المنصور الدوانیقی و الربذة: الموضع الذي دفن فيه أبو ذر الغفاری رضي الله عنه.

- ابو جعفر منصور دومین خلیفه بنی عباس و از خلفائی است که بر بنی هاشم بسیار ستم روا میداشت و مخصوصاً باولاد حضرت مجتبی علیه السلام بسیار اذیت کرد و جمعی از آنها را در زندانهای تاریک در مدینه و کوفه زندانی کرده بود و شکنجه‌هایی که این مرد ستمگر در زندانها بفرزندان پیغمبر (ص) داده قلم از بیان آن شرم دارد و بالاخره تمامی آنها را که حدود سی نفر از اولاد امام حسن علیه السلام بودند در زندان بدستور او با وضع فجیعی کشتند و یا سقف زندان را بر سر آنها خراب کردند، و شهادت عبد الله محض و فرزندانش نفس زکیه و برادرش محمد دیباج و دیگر از اولاد حضرت مجتبی که بدست خودش یا لشکریانش اتفاق افتاده در تواریخ مضبوط است، و از ستمهای آن مرد خبیث بفرزندان رسول خدا این بود که در سال ۱۴۴ بنام حج بمکه سفر کرد و در بازگشت در ربه که دهی بوده در چهار منزلی مدینه طیبه و قبر ابو ذر غفاری رضوان الله تعالی علیه در آنجاست منزل کرد، و چند روزی در آنجا توقف کرد و دستور داد زندانیان مدینه که از آن جمله محمد دیباج و عبد الله محض بودند نزدش برآیند، محمد دیباج را دستور داد در حضورش چهار صد تازیانه زند کند که مورّخین مینویسند یک چشم محمد در اثر تازیانه از حدقه بیرون آمد و پیراهنش از بسیاری خون بر تنش چسبیده بود که پس از چندی که خواستند آن پیراهن را از تنش بیرون آورند با روغن زیتون چرب کردند و با این حال با پوست از بدنش کنده شد، و سپس تمامی آن زندانیان را با وضع بسیار رقت باری همراه خود بکوفه برد و در کوفه زندان کرد و در زندان بودند تا از دنیا رفتند، و رفتن امام صادق علیه السلام در ربه نزد منصور در همین مسافرت بوده است که حضرت را از مدینه خواست و گویا نظر اذیت و شاید قتل آن حضرت را نیز داشت ولی خداوند تعالی ببرکت دعای آن حضرت شر او را کفایت فرمود.

۱۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ^۱ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُيسِرٍ قَالَ: لَمَّا قَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ أَقَامَ أَبُو جَعْفَرٍ مَوْلَى لَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَ قَالَ لَهُ إِذَا دَخَلَ عَلَيَّ فَاضْرِبْ عُنُقَهُ فَلَمَّا دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع نَظَرَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَسْرَّ شَيْئاً فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ نَفْسِهِ لَا يَدْرِي مَا هُوَ ثُمَّ أَظْهَرَ يَا مَنْ يَكْفِي خَلْقَهُ كُلَّهُمْ وَ لَا يَكْفِيهِ أَحَدٌ أَكْفِي شَرَّ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ فَصَارَ أَبُو جَعْفَرٍ لَا يُبْصِرُ مَوْلَاهُ وَ صَارَ مَوْلَاهُ لَا يُبْصِرُهُ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ يَا جَعْفَرُ يَا مُحَمَّدُ لَقَدْ عَيَّبْتَنِي فِي هَذَا الْحَرِّ فَأَنْصَرِفْ فَخَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مِنْ عِنْدِهِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لِمَوْلَاهُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَفْعَلَ مَا أَمَرْتُكَ بِهِ فَقَالَ لَا وَ اللَّهُ مَا أَبْصَرْتُهُ وَ لَقَدْ جَاءَ شَيْءٌ فَحَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ وَ اللَّهُ لَئِنْ حَدَّثْتَ بِهَذَا الْحَدِيثِ أَحَدًا لَأَقْتُلَنَّكَ.

- علی بن میسر گوید: چون امام صادق علیه السلام بر ابی جعفر منصور درآمد، منصور یکی از غلامان خود را بالای سر خود نگهداشت و باو گفت: همین که (جعفر بن محمد) بر من وارد شد گردنش را بزنی، حضرت صادق علیه السلام هنگامی که وارد شد نگاهی بمنصور کرد و زیر لب سخنی گفت که کسی نفهمید چه بود، و سپس این جمله را آشکارا گفت: «یا من یکفی خلقه کلهم و لا یکفیه أحد، اکفی شر عبد الله بن علی» (منصور نامش عبد الله و فرزند محمد بن علی بن عبد الله بن عباس بوده است) گوید: پس منصور غلامش را ندید و غلام نیز او را نمی‌دید، پس منصور بحضرت صادق علیه السلام گفت: ای جعفر.

^۱ (۴) فی بعض النسخ [الحسین بن علی].

ابن محمد راستی من شما را در این گرما برنج و تعب انداختم برگرد (بمنزل، و معذرت خواهی کرد) پس حضرت صادق علیه السلام از نزدش بیرون رفت، پس از آن منصور بغلامش گفت: چرا آنچه بتو دستور داده بودم انجام ندادی (و گردن جعفر بن محمد را نزدی؟) گفت: بخدا سوگند من او را ندیدم و چیزی آمد و میان من و او حائل شد، منصور باو گفت: بخدا سوگند اگر این داستان را برای احدی گفתי هر آینه تو را خواهم کشت.

۱۳- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي دَاوُدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ لِي أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءً تَدْعُو بِهِ إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا كَرَبْنَا أَمْرًا وَ نَحْوُونَا مِنَ السُّلْطَانِ أَمْرًا لَا قَبْلَ لَنَا بِهِ نَدْعُو بِهِ قُلْتُ بَلَى يَا أَبَتِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ قُلْ- يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ يَا مُكُونًا كُلِّ شَيْءٍ وَ يَا بَاقِي بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

عبد الله بن عبد الرحمن گوید: حضرت باقر علیه السلام بمن فرمود: آیا دعائی بتو نیاموزم که بوسیله آن دعا کنی؟ و همانا ما خاندان هر گاه امری اندوهناکمان کند و از سلطان برای امری بترسیم که تاب آن را نداریم با آن دعا (بدرگاه خداوند) دعا میکنیم؟ عرضکردم: چرا، پدر و مادرم بفدایت باد ای فرزند رسول خدا، فرمود: بگو:

«یا کائنا قبل کل شیء، و یا مکون کل شیء، و یا باقی بعد کل شیء صل علی محمد و آل محمد، و افعل بی کذا و کذا»

(و بجای آن جمله اخیر حاجت خود را ذکر کند).

۱۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَارٍ قَالَ: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْرَةَ الْعَنْبُورِيُّ إِلَيَّ يَسْأَلُنِي أَنْ أَكْتُبَ إِلَيْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي دُعَاءٍ يُعَلِّمُهُ يَرْجُو بِهِ الْفَرَجَ فَكُتِبَ إِلَيَّ أَمَّا مَا سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْرَةَ مِنْ تَعْلِيمِهِ دُعَاءً يَرْجُو بِهِ الْفَرَجَ فَقُلْ لَهُ يَلْزَمُ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ أَكْفِي مَا أَهْمَنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ يُكْفِي مَا هُوَ فِيهِ مِنَ الْعَمِّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى فَأَعْلَمْتُهُ ذَلِكَ فَمَا أَتَى عَلَيْهِ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى خَرَجَ مِنَ الْحَبْسِ.

علی بن مهزیار گوید: محمد بن حمزه غنوی بمن نوشت و از من خواست که بحضرت جواد علیه السلام بنویسم که دعائی باو بیاموزد که بدان وسیله گشایشی برایش حاصل گردد (و از زندانی که در آن گرفتار شده بود خلاص گردد) پس آن حضرت بمن نوشت: اما آنچه محمد بن حمزه درخواست کرده که دعائی بیاموزد که بدان فرج و گشایش یابد پس باو بگو که ملازم این دعا باشد (و همیشه بگوید)

«یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء اکفی ما اهنی مما انا فيه»

پس من امید دارم که اندوه و گرفتاریش برطرف شود ان شاء الله تعالی، من هم آن دعا را باو رساندم، و بر او نگذشت جز مدت کمی که از زندان بیرون آمد.

۱۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع يَقُولُ لِإِنِّهِ يَا بُيِّ مَنْ أَصَابَهُ مِنْكُمْ مُصِيبَةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ نَارِلَةٌ فَلْيَتَوَضَّأْ وَ لِيَسْبِغِ الوُضُوءَ ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ يَقُولُ فِي آخِرِهِنَّ- يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَ يَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى وَ شَاهِدَ كُلِّ مَلَأٍ وَ عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَ يَا دَافِعَ مَا يَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ وَ يَا خَلِيلَ إِبْرَاهِيمَ وَ يَا بُحْيَى مُوسَى وَ يَا مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ ص أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ قَلَّتْ حِيلَتُهُ وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ دُعَاءَ الْغَرِيبِ الْمُضْطَرِّ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِ مَا هُوَ فِيهِ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَإِنَّهُ لَا يَدْعُو بِهِ أَحَدٌ إِلَّا كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

ابن ابی حمزه گوید: از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام شنیدم که بفرزندش میفرمود ای پسر جانم برای هر کدام از شما مصیبتی رسید یا پیش آمد ناگواری اتفاق افتاد، پس وضوء بسازد و باید وضوء کاملی باشد سپس دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخواند، سپس در آخر آنها (یعنی در سجده آخر و یا بعد از نماز) بگوید:

«یا موضع کل شکوی و یا سامع کل نجوی و یا شاهد کل ملاء و عالم کل خفیه و یا دافع ما یشاء من بلیة و یا خلیل ابراهیم و یا نجی موسی و یا مصطفی محمد (ص) ادعوك دعاء من اشتدت فاقته و قلت حيلته و ضعفت قوته، دعاء الغریب المضطر الذی لا یجد لکشف ما هو فیہ الا انت یا ارحم الراحمین»

زیرا کسی باین دعا خدا را نخواند جز اینکه خداوند گرفتاریش را برطرف سازد ان شاء الله.

۱۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أَخِي سَعِيدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع يَدْخُلُنِي الْعَمُ فَقَالَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ تَقُولَ- اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً فَإِذَا خِفتَ وَسْوَسةً أَوْ حَدِيثِ نَفْسٍ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ نَاصِيتِي بِيَدِكَ عَدْلٌ فِي حُكْمِكَ مَاضٍ فِي قَضَاؤِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ نُورَ بَصَرِي وَ رِيحَ قَلْبِي وَ جَلَاءَ حُزْنِي وَ ذَهَابَ هَمِّي اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً.

سعید بن یسار گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: (من گاهی) اندوهگین شوم (و برای رفع آن از آن حضرت دستوری خواستم) فرمود: بسیار بگو:

«اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً»

(پس هر گاه از وسوسه یا حدیث نفس (خاطره‌های شیطانی) بترسی بگو:

«اللهم انی عبدک و ابن عبدک و ابن امتک ناصیتی بیدک عدل فی حکمک، ماض فی قضاؤک، اللهم انی أسألك بكل اسم هو لك أنزلته فی کتابک أو علمته أحدا من خلقک أو استأثرت به فی علم الغیب عندک ان تصلّی علی محمد و آل محمد و ان تجعل القرآن نور بصری و ریح قلبی و جلاء حزنی و ذهاب همی الله الله ربی لا اشرك به شیئا»

۱۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ دُعَاءُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي لَيْلَةِ الْأَحْزَابِ - يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ يَا كَاشِفَ غَمِّي أَكْشِفْ عَنِّي غَمِّي وَ هَمِّي وَ كَرِّبِي فَإِنَّكَ تَعْلَمُ حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي وَ أَكْفِينِي هَوْلَ عَدُوِّي.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: دعای پیغمبر (ص) در شب احزاب (آن شبی که در جنگ احزاب کار بر آن حضرت سخت شد) این بود (که گفت):

«یا صریخ المکروبین، و یا مجیب دعوة المضطربین و یا کاشف غمی و همی و کرّبی فانک تعلم حالی و حال اصحابی و اکفنی هول عدوی»

۱۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي سَبَاطٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي إِسْرَائِيلَ عَنِ الرَّضَا ع قَالَ: خَرَجَ بِجَارِيَةٍ لَنَا خَنَازِيرُ فِي عُتْقِهَا فَأَتَانِي آتٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ قُلْ لَهَا فَلْتَقُلْ يَا رُؤُوفُ يَا رَحِيمُ يَا رَبَّ يَا سَيِّدِي تُكْرِرُهُ قَالَ فَقَالَتْهُ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهَا قَالَ وَ قَالَ هَذَا الدُّعَاءُ الَّذِي دَعَا بِهِ جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: دخترکی از ما (یا کنیزکی) در گردنش خنازیری بیرون آمد (خنازیر غده‌هائی است که در زیر گلو و گردن پیدا شود و از آن چرک می‌آید) پس کسی نزد من آمد و گفت: ای علی (بن موسی الرضا) باو بگو: (این دعا را) بخواند:

«یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی»

و آن را تکرار کند، فرمود: پس این کلمات را گفت و خدای عز و جل آن خنازیر را از او برطرف کرد (راوی) گوید: فرمود: و این دعا همانست که جعفر بن سلیمان با آن دعا کرد.

شرح

- مجلسی (ره) گوید: شاید معنای کلام امام علیه السلام این باشد که جعفر بن سلیمان نیز گرفتار این بیماری بود بوسیله این دعا شفا یافت، و امام علیه السلام برای بیان تأثیر دعا این دنباله را فرموده است.

۱۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع دُعَاءً وَ أَنَا خَلْفُهُ فَقَالَ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ سِمِّكَ الْعَظِيمِ وَ بَعِيَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا قَالَ وَ كَتَبَ إِلَيَّ رُفْعَةَ بِحَطِّهِ قُلْ يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ وَ بَطَّنَ فَخَبَّرَ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ وَ يَا مَنْ يُجِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا ثُمَّ قُلْ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الرَّحْمَنُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الرَّحْمَنُ وَ كَتَبَ إِلَيَّ فِي رُفْعَةِ أُخْرَى يَأْمُرُنِي أَنْ أَقُولَ- اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي يَوْمِي هَذَا وَ شَهْرِي هَذَا وَ عَامِي هَذَا بِرَكَاتِكَ فِيهَا وَ مَا يَنْزِلُ فِيهَا مِنْ غُفْوَةٍ أَوْ مَكْرُوهٍ أَوْ بَلَاءٍ

فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَ عَن وُلْدِي بِجَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَ مِنْ فَجْأَةِ نِقْمَتِكَ وَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ سَبَقَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا.

حسین گوید: از حضرت ابی الحسن علیه السلام دعائی خواستم و من پشت سر آن حضرت بودم پس فرمود:

«اللهم انى أسألك بوجهك الكريم و اسمك العظيم و بعزتك التى لا ترام و بقدرتك التى لا يمتنع منها شىء ان تفعل بى كذا و كذا»

(و بجای تفعل بى كذا و كذا حاجت خود را بگويد).

گوید: و در نامه‌ای بخط خودش بمن نوشت که بگو:

«يا من علا فقهر و بطن فخير يا من ملك فقدر و يا من يحيى الموتى و هو على كل شىء قدير، صل على محمد و آل محمد و

افعل بى كذا و كذا»

(و بجای آن حاجت خود را بگويد) سپس بگو:

«يا لا اله الا الله ارحمنى بحق لا اله الا الله ارحمنى».

و در نامه دیگر بمن نوشت و دستور داد که بگويم:

«اللهم اذفع عنى بجولك و قوتك، اللهم انى أسألك فى يومى هذا و شهرى هذا و عامى هذا بركاتك فيها و ما ينزل فيها من عقوبة او مكروه او بلاء فاصرفه عنى و عن ولى بجولك و قوتك انك على كل شىء قدير، اللهم انى اعوذ بك من زوال نعمتك و تحويل عافيتك، و من فجأة نقمته و من شر كتاب قد سبق، اللهم انى اعوذ بك من شر نفسى، و من شر كل دابة انت آخذ بناصيتها انك على كل شىء قدير، وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا»

۱۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدٍ^۱ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَكَفِّنِي مَا أَهْمَنِي وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي تَقُولُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ.

و از عمر بن یزید حدیث شده است که این دعا را صد بار در سجده میخوانی:

«يا حى يا قيوم يا لا اله الا انت، برحمتك استغيث، فكفنى ما اهنى و لا تكلنى الى نفسى»

^۱ (۱) کذا مضمرًا.

٢٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ حَنَانٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَوْرَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع إِذَا كَانَ لَكَ يَا سَمَاعَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةٌ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ فَإِنَّهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ وَقَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ مُتَّخَنٌ إِلَّا وَهُوَ يَخْتَاجُ إِلَيْهِمَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.

سماعة گوید: حضرت ابو الحسن (موسی بن جعفر علیهما السلام) بمن فرمود: ای سماعة هر گاه برای تو نزد خدای عز و جل حاجتی است پس بگو:

«اللهم انی أسألك بحق محمد و علی فان لهما عندك شأنًا من الشأن و قدرا من القدر، فبحق ذلك الشأن و بحق ذلك القدر ان تصلى علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی كذا و كذا»

و بجای تفعل بی كذا و كذا حاجت خود را بگوید) زیرا همانا چون روز قیامت شود هیچ فرشته مقرب و نه پیغمبر مرسل و نه مؤمن آزمایش شده نماند جز آنکه در آن روز بآن دو (یعنی محمد و علی علیهما السلام) نیاز دارند.

٢١- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ الْعَلَاءِ بْنِ سَيَّابَةَ وَ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ قَالَ: لَمَّا بَعَثَ أَبُو الدَّوَانِيقِ^١ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ حَفِظْتَ الْعَلَامِينَ بِصَلَاةِ أَبِيهِمَا فَاحْفَظْنِي بِصَلَاةِ آبَائِي مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ^٢ فِي نَحْوِهِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ ثُمَّ قَالَ لِلْحَمَّالِ سِرًّا فَلَمَّا اسْتَقْبَلَهُ الرَّيِّعُ بِيَابِ أَبِي الدَّوَانِيقِ قَالَ لَهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا أَشَدَّ بَاطِنَهُ عَلَيْكَ لَقَدْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَاللَّهِ لَا تَرَكْتُ هُمْ نُحْلًا إِلَّا عَقَرْتُهُ وَلَا مَالًا إِلَّا نَهَبْتُهُ وَلَا دُرِّيَّةً إِلَّا سَبَيْتُهَا قَالَ فَهَمَسَ بِشَيْءٍ خَفِيِّ^٣ وَ حَرَّكَ شَفْتَيْهِ فَلَمَّا دَخَلَ سَلَّمَ وَ قَعَدَ فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ لَا أَتْرُكَ لَكَ نُحْلًا إِلَّا عَقَرْتُهُ وَلَا مَالًا إِلَّا أَخَذْتُهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ اللَّهَ ابْتَلَى أَيُّوبَ فَصَبَرَ وَ أَعْطَى دَاوُدَ فَشَكَرَ وَ قَدَّرَ يُوسُفَ فَعَفَرَ وَ أَنْتَ مِنْ ذَلِكَ النَّسْلِ وَ لَا يَأْتِي ذَلِكَ النَّسْلُ إِلَّا بِمَا يُشْبِهُهُ فَقَالَ صَدَقْتَ قَدْ عَفَوْتُ عَنْكُمْ فَقَالَ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ هَذَا الْمَلِكَ كَانَ فِي آلِ أَبِي سُفْيَانَ فَلَمَّا قَتَلَ يَرِيدُ حُسَيْنًا سَلَبَهُ اللَّهُ مَلِكَهُ فَوَرَّتَهُ آلَ مَرْوَانَ فَلَمَّا قَتَلَ هِشَامًا زَبَدًا سَلَبَهُ اللَّهُ مَلِكَهُ فَوَرَّتَهُ مَرْوَانَ بَنُ مُحَمَّدٍ فَلَمَّا قَتَلَ مَرْوَانَ إِبْرَاهِيمَ سَلَبَهُ اللَّهُ مَلِكَهُ فَأَعْطَا كُمُوهُ فَقَالَ صَدَقْتَ هَاتِ أَرْفَعُ حَوَائِجَكَ فَقَالَ الْإِدْنُ فَقَالَ هُوَ

^١ (١) أبو الدوانيق هو الثاني من خلفاء بني العباس و اشتهر بالدوانيقی لانه لما أراد حفر الخندق بالكوفة قسط على كل واحد منهم دائق فضة و اخذه و صرفه في الحفر.

^٢ (٢) أي أدفعك. و في بعض النسخ [أدرؤك].

^٣ (٣) الهمس: الصوت الخفي.

^٤ (٤) أي التهب غضبا.

^٥ (٥) الرسل بالكسر: الرفق و التؤدة.

فِي يَدِكَ مَتَى شِئْتَ فَخَرَجَ فَقَالَ لَهُ الرَّبِيعُ قَدْ أَمَرَ لَكَ بِعَشْرَةِ آلَافٍ دِرْهَمٍ قَالَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا قَالَ إِذَنْ تُعْضِبُهُ فَخُذْهَا ثُمَّ تَصَدَّقْ بِهَا.

معاویه بن عمار و علاء بن سیابه و ظریف بن ناصح گویند: چون ابو الدوانیق منصور دوانیقی) بسراغ حضرت صادق علیه السلام فرستاد آن حضرت دست بآسمان برداشت سپس گفت:

«اللهم انك حفظت الغلامين بصلاح ابويهما فاحفظني بصلاح آبائي محمد و علي و الحسن و الحسين و علي بن الحسين و محمد بن علي، اللهم اني أدرك بك في نحره و اعوذ بك من شره»

یعنی بار خدایا تو آن دو پسر بچه را بخاطر نیکی و خوبی پدر و مادرشان نگهداری کردی مرا هم بخاطر خوبی پدرام: محمد و علی و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی نگهداری فرما، بار خدایا من بوسیله تو در گلویش او را دور سازم، و از شرش بتو پناه برم) سپس بشتربان (که مهار شتر حضرت در دستش بود) فرمود: برو، پس همین که ربیع (حاجب منصور) در خانه منصور او را دیدار کرد بوی عرضکرد: ای ابا عبد الله و چه اندازه دلش نسبت بشما سخت شده، و من همانا شنیدم که میگفت: بخدا سوگند هیچ نخل خرمائی برای آنها باقی نگذارم جز اینکه همه را ببرم، و هیچ مالی برای آنها باقی نگذارم و همه را غارت کنم، و هیچ کودکی برای ایشان باقی نگذارم و همه را با سیری ببرم؟ گوید: پس آن حضرت زیر لب چیزی گفت و لبانش را جنبانید، پس همین که بر منصور وارد شد سلام کرد و نشست، منصور جواب سلام حضرت را داد سپس گفت: بخدا قسم آهنگ داشتم که يك درخت خرما برایت باقی نگذارم و همه را قطع کنم، و هر چه داری بگیرم؟ حضرت صادق علیه السلام فرمود: یا امیر المؤمنین همانا خداوند ایوب را گرفتار کرد و او صبر کرد، و بدادود نعمت داد او شکر کرد، و یوسف را بر برادران چیره کرد (ولی او انتقام نگرفت) و از آنها در گذشت، و تو از این نژادی و این نژاد کاری نکنند جز بدان چه مانند کردار آنان باشد، گفت: راست گفتمی و من از شما در گذشتم و (شما را) بخشیدم، فرمود: یا امیر المؤمنین هر آینه هیچ کس دست خود را بخون ما خاندان نیالوده است جز اینکه خداوند سلطنتش را برگرفته، منصور از این سخن برآشفته و خشم کرد، حضرت فرمود:

یا امیر المؤمنین آرام باش (تا دنباله سخن را بگویم) همانا این سلطنت در خاندان ابي سفیان بود تا اینکه یزید حسین علیه السلام را کشت پس خداوند سلطنتش را از او برگرفت و آل مروان بدان رسیدند، و چون هشام زید را کشت خداوند سلطنتش را گرفت و بمروان بن محمد رسید، و چون مروان ابراهیم را که برادر منصور و بابراهیم امام معروف بود) کشت خداوند سلطنتش را گرفت و بشما داد، گفت: راست گفتمی بزرگترین حاجتت را) بگو (تا برآورم) فرمود: اذن بده (که برگردم) گفت: آن بدست شما است هر گاه بخواهی (در بازگشت آزادید) پس آن حضرت بیرون آمد، ربیع حاجب عرضکرد: ده هزار درهم برای شما داده فرمود: من بدان حاجتی ندارم، عرضکرد: اگر نپذیری او را خشمگین خواهی کرد (و از نپذیرفتن شما بخشم آید) آن را بگیر و در راه خدا صدقه بده.

شرح

- سیوطی در تاریخ الخلفاء گوید: جهت اینکه منصور را ابو الدوانیق لقب دادند این بود که بسیار حریص و بخیل بود و از کارگران و صنعتگران خود به دانه و حبه نیز حساب میکشید، و دانه معرب دانگ است که در فارسی گویند و آن يك ششم درهم است.

و مقصود از «غلامین» دو پسر بچه که امام علیه السلام در دعا بدانها اشاره فرمود همان دو غلامی است که خداوند متعال در داستان حضرت موسی و خضر علیهما السلام در آیه ۸۲ از سوره کهف بیان فرموده که فرماید: **وَ أَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَ كَانَ أَبُوهُمَا صَالِحاً ...**

و ملخص داستان این بود که حضرت موسی و خضر دو پیامبر الهی مأموریت پیدا کردند دیواری که رو بخرابی و انهدام بود از خرابی آن جلوگیری کنند و آن را از نو بسازند بخاطر گنجی که در زیر آن پنهان بود و آن گنج متعلق بدو پسر بچه بود که در آن شهر بودند و پدر و مادر آن دو کودک مردمان صالح و شایسته بودند و خداوند متعال خواست نتیجه نیکی آن پدر و مادر صالح را عاید این دو پسر بچه کند و در تفسیر مجمع البیان و تفسیر عیاشی و برخی از کتابهای دیگر است که فاصله میان این دو پسر بچه و آن پدر و مادر صالح هفتصد سال و یا هفت پشت بوده است.

و ربیع حاجب (دریان منصور، و پیشخدمت مخصوص) ظاهراً علاقه‌مند بدان حضرت علیه السلام بوده بلکه از برخی از روایات استفاده شود از شیعیان بوده و پاره‌ای روایات نیز از او نقل شده گرچه از جهت وثاقت در حدیث مورد اعتماد دانشمندان رجال نویس نبوده ولی از روی هم رفته چند حدیث که یکی همین حدیث شریف است استفاده می‌شود که از علاقه‌مندان حضرت صادق علیه السلام بوده است و شاید هم علاقه‌مندی او نسبت بحضرت صادق فقط در پیش روی آن حضرت بوده ولی در مورد انجام فرمان منصور کاملاً مطیع او بوده است.

۲۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ قَيْسِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ص يَقُولُ مَا أَبَالِي إِذَا قُلْتُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسُ - بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسَلْتُ نَفْسِي وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَ إِلَيْكَ فَوَضْتُ أَمْرِي اللَّهُمَّ احْفَظْني بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ مِنْ قَبْلِي وَ ادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

- (این حدیث مانند حدیث (۱۰) از همین باب است مراجع شود)

بَابُ الدُّعَاءِ لِلْعَلَلِ وَ الْأَمْرَاضِ

باب دعا برای دردها و بیماریها

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نُجْرَانَ وَ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ يُثَوِّلُ عِنْدَ الْعَلَّةِ- اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَيْرَتَ أَقْوَاماً فَقُلْتَ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَ لَا تَحْوِيلًا فَيَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ ضُرِّي وَ لَا تَحْوِيلَهُ عَنِّي أَحَدٌ غَيْرُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اكْشِفْ ضُرِّي وَ حَوْلَهُ إِلَى مَنْ يَدْعُو مَعَكَ إِلَهَا آخَرَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.

برخی از اصحاب ما حدیث کرده‌اند که حضرت صادق علیه السلام هنگام درد و بیماری (این دعا را میخواند) میگفت:

«اللهم انك عيرت اقواما فقلت: قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَ لَا تَحْوِيلًا، فَيَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ ضُرِّي وَ لَا تَحْوِيلَهُ عَنِّي أَحَدٌ غَيْرُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اكْشِفْ ضُرِّي وَ حَوْلَهُ إِلَى مَنْ يَدْعُو مَعَكَ إِلَهَا آخَرَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ»

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ زُرَيْبٍ قَالَ: مَرَضْتُ بِالْمَدِينَةِ مَرَضاً شَدِيداً فَبَلَغَ ذَلِكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَكَتَبَ إِلَيَّ قَدْ بَلَغَنِي عِلَّتُكَ فَاشْتَرِ صَاعاً مِنْ بُرٍّ ثُمَّ اسْتَلْقِ عَلَى قَفَاكَ^۱ وَ انثُرْهُ عَلَى صَدْرِكَ كَيْفَمَا انْتَرَّ وَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلْتُكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ- كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي ثُمَّ اسْتَوِ جَالِساً وَ اجْمَعْ الْبُرَّ مِنْ حَوْلِكَ وَ قُلِ مِثْلَ ذَلِكَ وَ ائْسِمُهُ مُدّاً مُدّاً لِكُلِّ مَسْكِينٍ وَ قُلِ مِثْلَ ذَلِكَ قَالَ دَاوُدُ فَقَعَلْتُ ذَلِكَ فَكَأَنَّمَا نَشِطْتُ مِنْ عِقَالٍ وَ قَدْ فَعَلَهُ غَيْرٌ وَاحِدٍ فَانْتَفَعَ بِهِ.

داود بن زریر گوید: من در مدینه بیمار سختی شدم، و خبر آن به حضرت صادق علیه السلام رسید، پس بمن نوشت: خبر بیماریت بمن رسید، پس يك صاع (تقریباً سه کیلو) گندم بخر، سپس پشت بخواب و آن گندم را روی سینهات بریز و پهن کن بھر گونه که ریخت و بگو:

«اللهم اني أسألك باسمك الذي اذا سألك به المضطر كشفت ما به من ضر و مكنت له في الارض و جعلته خليفتك على خلقك ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تعافيني من علتی»

سپس برخیز و درست بنشین و گندمها را از اطراف خود جمع کن، و (دوباره) همان دعا را بخوان و آن را بچهار مد (که هر مدی تقریباً ده سیر است) تقسیم کن، هر قسمتی را بمسکینی (و مستمندی) بده و همان دعا را بخوان. داود گوید: من دستور آن حضرت را انجام دادم (و آنقدر زود اثر داشت که همان ساعت بیماریم برطرف شد) و گویا از بند آزاد شدم، و بسیاری از مردم آن را انجام داده‌اند و از آن سود برده‌اند.

^۱ (۱) الإسراء: ۵۸. ای لا يستطيعون كشف الضر كالمريض و الفقر.

^۲ (۲) أي تم على ظهره.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نُعَيْمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: اشْتَكَيْتُ بَعْضُ وُلْدِهِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ قُلْ - اللَّهُمَّ اشْفِنِي بِشَفَائِكَ وَ دَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَ عَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ.

حسین بن نعیم گوید: یکی از فرزندان حضرت صادق علیه السلام بیمار شد حضرت باو فرمود:

ای پسرکم! بگو:

«اللهم اشفني بشفائك و داوینی بدوائك و عافنی من بلائك فانی عبدك و ابن عبدك»

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا الَّذِي قَدْ ظَهَرَ بِوَجْهِ يَزْعُمُ النَّاسُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَبْتَلِ بِهِ عَبْدًا لَهُ فِيهِ حَاجَةٌ فَقَالَ لِي لَا لَقَدْ كَانَ مُؤْمِنٌ آلِ فِرْعَوْنَ مَكْنَعُ الْأَصَابِعِ فَكَانَ يَقُولُ هَكَذَا وَ يَمُدُّ يَدَهُ وَ يَقُولُ - يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ قَالَ ثُمَّ قَالَ إِذَا كَانَ الثُّلُثُ الْأَخِيرُ مِنَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِهِ فَتَوَضَّأْ وَ قُمْ إِلَى صَلَاتِكَ الَّتِي تُصَلِّيهَا فَإِذَا سَأَلْتِ فِي السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ مِنَ الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ فَقُلْ وَ أَنْتِ سَاجِدٌ - يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ وَ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَذْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجْعَ وَ سَمِّهِ فَإِنَّهُ قَدْ غَاطَنِي وَ أَحْزَنَنِي وَ أَلْحَ فِي الدُّعَاءِ قَالَ فَمَا وَصَلْتُ إِلَى الْكُوفَةِ حَتَّى أَذْهَبَ اللَّهُ بِهِ عَنِّي كُلَّهُ.

یونس بن عمار را (غده یا جراحت دیگری در صورتش پیدا شد) گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم این (علتی) که در صورت من پیدا شده مردم پندارند که همانا خدای عز و جل هر کس را از بندگانش که دوست دارد بدان دچار نکند (و مرا خدا نخواست که بدان دچار شده ام)؟ آن حضرت علیه السلام بمن فرمود: نه (این طور نیست) هر آینه مؤمن آل فرعون سر انگشتانش ریخته بود (که استخوانهای بندهای آنها آشکار بود) و این طور میگفت - و دستش را دراز میکرد: «ای مردم پیروی کنید از فرستادگان خدا» (سوره یس آیه ۲۰) گوید: سپس فرمود: چون ثلث آخر شب شد در ساعت اول آن (برخیز) و وضوء بساز و بنمازی که میخوانی بپرداز (مقصود نماز شب است) پس چون در سجده آخرین از دو رکعت اول (از هشت رکعت نماز شب) رسیدی در حال سجده بگو:

«یا علی یا عظیم یا رحمان یا رحیم یا سامع الدعوات و یا معطی الخیرات صل علی محمد و آل محمد و اعطنی من خیر الدنیا و الآخرة ما أنت أهله و اصرف عنی من شر الدنیا و الآخرة ما أنت أهله و اذهب عنی هذا الوجع (و نام آن درد را ببر) فإنه قد غاطنی و [أ] حزنی»

. و در دعا پافشاری کن، گوید: هنوز بکوفه نرسیده بودم که خداوند تمام آن درد را از من ببرد بواسطه دعائی که آن حضرت بمن آموخت اثری از آن بیماری در چهره من بجای نماند.

- مجلسی (ره) گوید: اینست که (اشتباهی از روایان و یا نسخه نویسان در این حدیث شده و صحیح آن) مؤمن آل یس (بجای مؤمن آل فرعون) باشد چنان که در اخبار دیگر وارد شده و گفتار:

یا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ از مؤمن آل یس است و در داستان او آمده است، و شاید این اشتباه (بین «یس» و «فرعون») از روایان بوده است، و برخی از افاضل گفته‌اند: این دو مؤمن هر دو یکنفر بوده‌اند و همان مؤمن آل فرعون بوده که عمرش طولانی گشته (و زمان حضرت عیسی علیه السلام و فرستادگان شمعون صفا را درک کرده است) ولی دور بودن این کلام (از تاریخ و اخبار) پوشیده نیست، و گذشته این حرف با اخبار بسیاری که در هر دو مؤمن رسیده است سازش ندارد.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ جَمِيعاً عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَرَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَقُلْ - الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَ فَضَّلَنِي عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ وَ لَا تُسْمِعُهُ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: چون مردی را دیدی که گرفتار بلا شده (بشکرانه اینکه تو بدان بلا گرفتار نشده‌ای) بگو:

«الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاك به و فضلني عليك و علي كثير ممن خلق»

و نگذار او بشنود.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ دَاوُدَ بْنِ زُرَيْجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي فِيهِ الْوَجَعُ وَ تَقُولُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ فَرَجُهَا عَنِّي.

داود بن زری گوید: حضرت صادق علیه السلام (در باره کسی که جایی از بدنش دردی دارد) فرمود: دست خود را بر جای درد بگذارد و سه بار بگوید:

«اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ فَرَجُهَا عَنِّي»

۷- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ دَاوُدَ عَنْ مُفَضَّلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع لِلأَوْجَاعِ تَقُولُ - بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فِي عِزِّ سَاكِنٍ وَ غَيْرِ سَاكِنٍ عَلَى عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ غَيْرِ شَاكِرٍ وَ تَأْخُذُ لِحْيَتِكَ بِيَدِكَ الْيُمْنَى بَعْدَ صَلَاةٍ مَفْرُوضَةٍ وَ تَقُولُ - اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُرْبَتِي وَ عَجِّلْ عَافِيَتِي وَ اكْشِفْ ضَرْبِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ احْرِصْ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مَعَ دُمُوعٍ وَ بُكَاءٍ.

مفضل از امام صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: برای هر دردی بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فِي عِرْقِ سَاكِنٍ وَ غَيْرِ سَاكِنٍ عَلَى عَبْدِ شَاكِرٍ وَ غَيْرِ شَاكِرٍ»

و ریش خود را بدست راست بگیر و پس از نماز واجب سه بار (این دعا را) بخوان:

«اللَّهُمَّ فِرْجَ عَنِي كِرْبَتِي وَ عَجَلَ عَافِيَتِي وَ اكْشِفْ ضَرِي»

و بکوش که خواندنت با اشک و گریه توأم باشد.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ وَجَعًا فِي فَقَالَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ ثُمَّ امْسَحْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي تَقُولُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ قَالَ فَفَعَلْتُ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا الْوَجَعَ عَنِّي.

ابراهیم بن عبد الحمید از مردی حدیث کند که گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رفتم و از دردی که داشتم بوی شکایت کردم (و برای رفع آن از آن حضرت علیه السلام چاره‌ای خواستم) فرمود: بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ» و دست بر آن موضع درد بکش و بگو:

و اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرته الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بجمع الله، و اعوذ برسول الله و اعوذ باسماء الله من شر ما احذر و من شر ما أخاف على نفسي»

و آن را هفت بار بگو، گوید: من این کار را کردم و خداوند ببرکت آن دعا درد را از من برد.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَوْنٍ قَالَ: أَمَرَ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ الْوَجَعِ ثُمَّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ ثُمَّ مُرُّ يَدَكَ الْيُمْنَى وَ تَمْسَحْ مَوْضِعَ الْوَجَعِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

و از عون حدیث شده که فرمود: دستت را بجای درد بکش و بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ»

سپس با دست راستت سه بار بر موضع درد بکش.

۱۰- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْيَى عَزَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ الْوَجَعِ ثُمَّ تَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مُحَمَّدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ وَ تَمْسَحُ الْوَجَعَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

عبد الله بن سنان گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: دستت را بر جای درد بگذار و بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مُحَمَّدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَحَدُ»

و سه بار بجای درد دست بکش.

۱۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمِّهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ عَلَّمْنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ لِوَجَعِ أَصَابِنِي قَالَ قُلْ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ- يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا رَبَّ الْأَرْيَابِ وَ إِلَهَ الْأَلْهَةِ وَ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَ يَا سَيِّدَ السَّادَةِ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ فَإِنِّي عَبْدُكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ.

علی بن عیسی از عمویش حدیث کند که گوید: باو (یعنی امام علیه السلام) عرض کردم: دعائی بمن بیاموز که برای برطرف شدن دردی که بمن رسیده آن را بخوانم، فرمود: در حال سجده بگو:

«یا الله یا رحمان [یا رحیم] یا رب الارباب و اله الالهة و یا ملک الملوک و یا سید السادة اشفنی بشفائک من کل داء و سقم فانی عبدک أتقلب فی قبضتک»

۱۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي نُجْرَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَقُلْ أُعِيدُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَفَّارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ سَبْعَ مَرَّاتٍ.

زراره از یکی از دو امام باقر و یا امام صادق علیهما السلام حدیث کند که فرمود: هر گاه بالای سر بیماری رفتی هفت بار بگو:

اعيدك بالله العظيم رب العرش العظيم من شر كل عرق نفار و من شر حر النار»

۱۳- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا اشْتَكَى الْإِنْسَانُ فَلْيَقُلْ- بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مُحَمَّدَ رَسُولِ اللَّهِ ص أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ.

^۱ (۱) «عرق نفار» قال في القاموس: نفرت العين و غيرها تنفر نفورا هاجت و ورمت و في بعض النسخ [نعار] بالعين المهملة و في الصحاح نعر العرق ينعر بالفتح فيهما نعا أي فار منه الدم فهو عرق نعا و نعور.

امام باقر علیه السلام فرمود: هر گاه انسان مریض شد (این دعا را بخواند) بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أُجَدُ»

۱۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ هِشَامِ الْجَوَالِقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع يَا مَنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ أَنْزِلْ عَلَيَّ مَا بِي مِنْ دَاءٍ شِفَاءً.

امام صادق علیه السلام فرمود: (برای رفع درد و بیماری بگوید):

«یا منزل الشفاء و مذهب الداء انزل علی ما بی من داء شفاء»

۱۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ صَاحِبِ الشَّعْبِ عَنْ حُسَيْنِ الْخُرَّاسَانِيِّ وَ كَانَ خَبَّازًا قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَجَعًا بِي فَقَالَ إِذَا صَلَّيْتَ فَضَعْ يَدَكَ مَوْضِعَ سُجُودِكَ ثُمَّ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ص اشْفِنِي يَا شَافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا يُعَادِرُ سُقْمًا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ.

حسین خراسانی نانوایان گوید: از دردی که داشتم بحضرت صادق علیه السلام شکایت کردم، فرمود: چون نماز خواندی پس بجای سجدهات دست بگذار و بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اشْفِنِي يَا شَافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يَغَادِرُ سُقْمًا، شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ»

۱۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَرِضَ عَلِيُّ ص فَأَتَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهُ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ وَ صَبْرًا عَلَى بَلِيَّتِكَ وَ خُرُوجًا إِلَى رَحْمَتِكَ.

-امام باقر علیه السلام فرمود: علی علیه السلام بیمار شد و رسول خدا (ص) بعیادتش آمده و باو فرمود:

بگو:

«اللهم انى أسألك تعجيل عافيتك و صبرا على بليتك و خروجا الى رحمتك»

۱۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ النَّبِيَّ ص كَانَ يُنَشِّرُ بِهَذَا الدُّعَاءِ^۱ تَضَعُ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ الْوَجَعِ وَ تَقُولُ أَيُّهَا الْوَجَعُ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَ قِرْ بِوَقَارِ اللَّهِ وَ انْحَجِزْ بِحَاجِزِ اللَّهِ وَ اهدأْ بهدأِ اللَّهِ^۲ أُعِيدَكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ بِمَا أَعَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عَرْشَهُ وَ مَلَائِكَتَهُ- يَوْمَ الرَّجْفَةِ وَ الزَّلَازِلِ^۳ تَقُولُ ذَلِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ لَا أَقَلَّ مِنَ الثَّلَاثِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: همانا پیغمبر (ص) باین دعا معالجه میگرد میفرمود: دست بر جای درد میگذاری و میگویی:

«ایها الوجع اسکن بسکینه الله و قر بوقار الله و انحجز بحاجز الله و اهدأ بهدأ الله ایها الانسان بما اعاد الله عز و جل به عرشه و ملائکته يوم الرجفة و الزلازل»

هفت بار این را میگوئی و گر نه کمتر از سه بار نباشد.

۱۸- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمَّارِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَوْنِ بْنِ سَعْدِ مَوْلَى الْجَعْفَرِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلَى مَوْضِعِ الْوَجَعِ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الَّذِي نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ عَلَيَّ حَكِيمٌ أَنْ تَشْفِيَنِي بِشِفَائِكَ وَ تُدَاوِيَنِي بِدَوَائِكَ وَ تُعَافِيَنِي مِنْ بَلَائِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: دستت را بر موضع درد میگذاری و سه بار می گوئی:

«اللهم انی أسألك بحق القرآن العظيم الذى نزل به الروح الامين و هو عندك في ام الكتاب على حكيم ان تشفینى بشفائك و تداوینى بدوائك و تعافینى من بلائك»

و بر محمد و آل او صلوات میفرستی

۱۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَوَّيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنِ أَبِي هَمْرَةَ قَالَ: عَرَضَ بِي وَجَعٌ فِي رُكْبَتِي فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فَقَالَ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ فَقُلْ- يَا أَجُودَ مَنْ أَعْطَى وَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْجَمَ اِرْحَمْ ضَعْفِي وَ قَلَّةَ حِيلَتِي وَ عَافِنِي مِنْ وَجْعِي قَالَ فَفَعَلْتُهُ فَعُوفِيْتُ.^۴

ابو حمزة گوید: در زانوی من دردی پیدا شد پس بحضرت باقر علیه السلام عرض حال کردم فرمود: چون نماز خواندی بگو:

^۱ (۲) في النهاية النشرة بالضم ضرب من الرقية و العلاج يعالج به من كان يظن به مسا من الجن، سميت نشرة لانه ينشر به عنه ما ضامره من الداء اي يكشف و يزول.

^۲ (۱) هدا كمنع: سكن.

^۳ (۲) «يوم الرجفة» أي في بدء الخلق و يحتمل القيامة (آت).

^۴ كليبي، محمد بن يعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

«یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل و یا أرحم من استرحم، ارحم ضعفی و قلة حیلتی و عافی من وجعی»

گوید: من این کار را کردم و عافیت یافتم.

بَابُ الْحِرْزِ وَ الْعُوذَةِ

باب حرز و تعویذ

مترجم گوید

: حرز بمعنای پناهگاه و جای محکم و استوار و دعائی که بر کاغذ نویسند و برای دفع چشم زخم یا دفع بلا همراه خود نگهدارند آمده، و تعویذ هم معانی شبیه حرز دارد و بمعنای پناه دادن نیز آمده و مقصود در اینجا چنان که از دعاهائی که می آید معلوم گردد دعاهائی است که با خواندن یا نوشتن و همراه کردن آنها انسان از دردها و یا جانوران مودی و درندگان و ترس و دیگر چیزها در امان ماند.

۱- حُمَيْدُ بْنُ زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي بَانَ عَنِ ابْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ: ذُكِرَتْ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ الْوَحْشَةُ فَقَالَ أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِذَا قُلْتُمُوهُ لَمْ تَسْتَوْحِشُوا بِلَيْلٍ وَ لَا نَهَارٍ - بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ أَنَّهُ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ وَ فِي جِوَارِكَ وَ اجْعَلْنِي فِي أَمَانِكَ وَ فِي مَنْعِكَ فَقَالَ بَلَعْنَا أَنَّ رَجُلًا قَالَمَا ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ تَرَكَهَا لَيْلَةً فَلَسَعَتْهُ عَقْرَبٌ.

ابن منذر گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام از وحشت (ترس و اندوه از تنهائی) یاد آور شدم فرمود: آیا شما را آگاه نکنم بچیزی که هر گاه آن را بگوئید نه در شب و نه در روز از تنهائی نترسید؟ (و آل اینست):

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ انه مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ وَ فِي جِوَارِكَ وَ اجْعَلْنِي فِي أَمَامِكَ وَ فِي مَنْعِكَ»

پس فرمود: بما رسیده که مردی سی سال این دعا را میخواند و يك شب آن را ترك کرد و همان شب او را عقرب گزید.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَفْوِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِمَغْفِرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* وَ أَعُوذُ بِكَرَمِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ- وَ شَرِّ

كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ أَوْ ضَعِيفٍ أَوْ شَدِيدٍ وَ مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الهَامَةِ وَ العَامَةِ ۱ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بَلِيلٍ أَوْ نَهَارٍ
وَ مِنْ شَرِّ فُسَّاقِ العَرَبِ وَ العَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَ الإنْسِ.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: بگو:

«اعوذ بعزة الله و اعوذ بقدرة الله و اعوذ بجلال الله و اعوذ بعظمة الله و اعوذ بعفو الله و اعوذ بمغفرة الله و اعوذ برحمة الله و اعوذ بسلطان الله الذى هو على كل شىء قدير و اعوذ بكرم الله، و اعوذ بجمع الله من شر كل جبار عنيد و كل شيطان مرید و شر كل قريب أو بعيد أو ضعيف أو شديد و من شر السامة و الهامة و العامة و من شر كل دابة صغيرة او كبيرة بليل او نهار و من شر فساق العرب و العجم و من شر فسقة الجن و الانس»

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع رَفَى النَّبِيُّ ص حَسَنًا وَ حُسَيْنًا فَقَالَ أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ وَ أَسْمَائِهِ الْحُسْنَى كُلِّهَا عَامَّةً مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الهَامَةِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَامَةٍ ۲ وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ثُمَّ التَّفَتَ النَّبِيُّ ص إِلَيْنَا فَقَالَ هَكَذَا كَانَ يُعَوِّذُ إِبْرَاهِيمَ- إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ ع.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: أمير المؤمنین علیه السلام فرمود: که پیغمبر (ص) حسن و حسین را رقیه نمود (رقیه بمعنای: دعا، تعویذ، افسون و آنچه برای حفظ و نگهداری بکار برند میباشند) باین کلمات و فرمود:

«اعیذ كما بكلمات الله التامات و اسمائه الحسنی كلها عامة من شر السامة و الهامة و من شر كل عين لامة و من شر حاسد اذا حسد»

سپس پیغمبر (ص) رو بما کرده فرمود: ابراهیم (ع) اینسان اسماعیل و اسحاق را در پناه خدا مینهاد (و تعویذشان میکرد).

۴- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ إِذَا أَمْسَيْتَ فَتَنَظَّرْتَ إِلَى الشَّمْسِ فِي غُرُوبٍ وَ إِذْ بَارَ فُتِّلْ- بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ الدُّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَصِفُ وَ لَا يُوصَفُ وَ يَعْلَمُ وَ لَا يُعْلَمُ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَ بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَ ذَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ مَا تَحْتِ الثَّرَى وَ مِنْ شَرِّ مَا بَطَّنَ وَ ظَهَرَ وَ مِنْ شَرِّ مَا وَصَفَتْ وَ مَا لَمْ أَصِفْ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* ذَكَرَ أَنَّهَا أَمَانٌ مِنْ كُلِّ سَبْعٍ وَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ كُلِّ مَا عَضَّ أَوْ لَسَعَ وَ لَا يَخَافُ صَاحِبُهَا إِذَا تَكَلَّمَ بِهَا لِصَا وَ لَا عُوْلًا قَالَ قُلْتُ لَهُ إِنَّي صَاحِبُ صَيْدِ السَّبْعِ وَ أَنَا أَيْتٌ فِي اللَّيْلِ فِي الخِرَابَاتِ وَ أَتَوَحَّشْتُ فَقَالَ لِي قُلْ إِذَا دَخَلْتَ بِسْمِ اللَّهِ أَدْخُلْ وَ أَدْخَلَ رَجُلَكَ الْيُمْنَى وَ إِذَا خَرَجْتَ فَأَخْرِجْ رَجُلَكَ الْيُسْرَى وَ سَمَّ اللَّهُ فَإِنَّكَ لَا تَرَى مَكْرُوهًا.

۱ (۱) السامة ذات السم. و الهامة واحدة الهوام و لا يقع هذا الاسم الا على المخوف و المراد بالعامية سنة القحط.

۲ (۲) العين اللامة التي تصيب بسوء.

سلیمان جعفری گوید: از حضرت أبو الحسن علیه السلام (ظاهراً مقصود حضرت رضا علیه السلام است) شنیدم که میفرمود:
چون شام کنی و بینی که خورشید رو بغروب کردن و پشت کردن است پس بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا وَلَا يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَا يَكُنْ لَهُ وَايٌ مِّنَ الدُّلِّ وَلَا كِبْرَةٌ تَكْبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَصِفُ وَلَا يوصفُ وَيَعْلَمُ وَلَا يَعْلَمُ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَاعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَبِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَذُرًّا وَمِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَمِنْ شَرِّ مَا بَطَنَ وَظَهَرَ وَمِنْ شَرِّ مَا وَصَفَتْ وَمَا لَمْ أَصِفْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

و فرمود: که این دعا امان است از هر درنده و از شیطان رحیم (رانده شده از درگاه خداوند) و فرزندانش، و از حیوانی که دندان گیرد، یا بگزد، «گوینده این کلمات آنگاه که آن را خواند از دزد و دیو نترسد، گوید: من عرض کردم: که من شکار درنده کنم و شبها که در ویرانهها میخوام وحشت میکنم؟ بمن فرمود: چون وارد بر ویرانه شوی بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ أَدْخُلْ»

و پای راست را پیش بنه، و چون بیرون آئی پای چپ را پیش بنه و نام خدا را بر زبان ببر که تو بد نخواهی دید.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعَشَى قَالَ: عَلَّمَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ الْجَلِيلِ أُعِيدُ فَلَانًا بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنَ الْهَامَةِ وَالسَّامَةِ وَاللَّامَةِ وَالْعَامَةِ وَمِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَمِنَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنَ نَفْتِهِمْ^۱ وَبَعْغِهِمْ وَنَفْحِهِمْ وَبَايَةِ الْكُرْسِيِّ^۲ ثُمَّ تَقْرُوهَا ثُمَّ تَقُولُ فِي الثَّانِيَةِ - بِسْمِ اللَّهِ أُعِيدُ فَلَانًا بِاللَّهِ الْجَلِيلِ حَتَّى تَأْتِيَ عَلَيْهِ^۲.

قتیبه اعشی گوید: حضرت صادق علیه السلام بمن آموخت (که اگر خواستم کسی را تعویذ کنم) فرمود: بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ الْجَلِيلِ أُعِيدُ فَلَانًا (و بجای فلان نام آن شخص را بگویم) بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنَ الْهَامَةِ وَالسَّامَةِ وَاللَّامَةِ وَالْعَامَةِ وَمِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنَ الْكُرْسِيِّ»

- و آن را (یعنی آیه الکرسی را) بخوان سپس دوباره میگوئی:

«بِسْمِ اللَّهِ أُعِيدُ فَلَانًا بِاللَّهِ الْجَلِيلِ...»

تا بآخر همان (دعای بالا).

^۱ (۱) أي من سحرهم: و النفث شبه النفخ و النفثات في العقد: السواحر.

^۲ (۲) أي الى أن يتم الدعاء.

- مجلسی (ره) گوید: یعنی دربار دوم «الجلیل» را پس از «بسم الله» بر میداری و بجای «العظیم» میگذاری.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَخَافُ الْعُقَابَ فَقَالَ انظُرْ إِلَى بَنَاتِ نَعَشِ الْكُؤَاكِبِ الثَّلَاثَةِ الْوُسْطَى مِنْهَا بِجَنْبِهِ كَوْكَبٌ صَغِيرٌ قَرِيبٌ مِنْهُ تُسَمِّيهِ الْعَرَبُ السُّهَاءَ وَنَحْنُ نُسَمِّيهِ أَسْلَمًا أَحَدَ النَّظَرِ إِلَيْهِ كُلِّ لَيْلَةٍ وَ قُلْنَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ رَبِّ أَسْلَمَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَّلْ فَرَجَهُمْ وَ سَلِّمْ عَلَيْنَا قَالَ إِسْحَاقُ فَمَا تَرَكْتُهُ مِنْذُ دَهْرِي إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً فَضَرَبْتَنِي الْعُقْرُبُ.

۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فَأَنَا ضَامِنٌ لَهُ أَلَّا يُصِيبَهُ عُقْرُبٌ وَ لَا هَامَةٌ حَتَّى يُصْبِحَ- أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

سعد اسکاف گوید: از آن حضرت شنیدم که میفرمود: هر کس این کلمات را بگوید من ضمانت کنم که عقرب و گزندگان دیگر او را (در شب) آسیب نرسانند تا بامداد کند (و آن کلمات اینست):

«اعوذ بكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما ذرأ و من شر ما برأ و من شر كل دابة هو آخذٌ بناصيتها
إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حمزة عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي بَعْضِ مَعَارِيزِهِ إِذَا شَكُوا إِلَيْهِ الْبَرَاغِيثَ أَنَّهَا تُؤْذِيهِمْ فَقَالَ إِذَا أَخَذَ أَحَدُكُمْ مَضْجَعَهُ فَلْيُثَلِّئْ أُيُّهَا الْأَسْوَدُ الْوَثَابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلَقًا وَ لَا بَابًا عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِأَمِّ الْكِتَابِ^۱ أَلَّا تُؤْذِيَنِي وَ أَصْحَابِي إِلَى أَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَ يَجِيءَ الصُّبْحُ بِمَا جَاءَ وَ الَّذِي نَعْرِفُهُ إِلَى أَنْ يُتُوبَ الصُّبْحُ مَتَى مَا آتَى^۲.

علی بن ابی حمزه از حضرت ابی الحسن (موسی بن جعفر) علیه السلام حدیث کند که فرمود:

برسول خدا (ص) در برخی از غزوات و جنگها (اصحاب) از کیک شکایت کردند که ایشان را آزار میدهد حضرت فرمود: چون هر کدام از شما بیستر خواب رود بگوید:

^۱ (۳) فی بعض النسخ [اللهم رب أسلم].

^۲ (۱) أي أقسمت عليك.

^۳ (۲) «و الذي تعرفه» هذا كلام الراوي اي علي بن الحكم يقول: المشهور بيننا هذه العبارة مكان «الى أن يذهب الليل- الخ» لكن هذه الرواية هكذا جاءت و قيل: هو كلام أبي حمزة اعتراضا على الإمام عليه السلام لكونه واقفيا بناء على أن المراد بابي الحسن، الرضا عليه السلام و لا يخفى ما فيه (آت).

«ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا و لا بابا عزمت علیک بام الکتاب ألا تؤذینی و أصحابی الی أن یذهب اللیل و یجیء الصبح بما جاء»

- (علی بن حکم که یکی از راویان حدیث است گوید:) و آنچه ما میدانیم اینست که (بجای جمله اخیر یعنی) (الی ان یذهب ...» این جمله میان ما معروف است):

«الی أن یغوب الصبح متی ما آب»

۱۰- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِذَا لَقِيتَ السَّبْعَ فَقُلْ- أَعُوذُ بِرَبِّ دَانِيَالَ وَ الْجُبِّ مِنْ شَرِّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ .

امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هر گاه درنده‌ای دیدار کردی بگو:

«أعوذ برب دانيال و الجب من شر كل اسد مستأسد»

(یعنی پناه میبرم پیروردگار دانیال و چاه از شر هر شیر درنده‌ای).

شرح

- فیض (ره) گوید: تفسیر این حدیث چنانچه صاحب تہذیب (شیخ طوسی ره) در کتاب امالی خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کند اینست که فرمود: هر کس برای روزی اندوه بخود راه دهد گناهی بر او نوشته شود، همانا دانیال علیه السلام در زمان پادشاهی جبار و سرکش بود و او را گرفت و در چاهی انداخت (مجلسی ره) گوید: که آن پادشاه بخت نصر بود) و درندگان را نیز با او در آن چاه انداخت، ولی آن درندگان بآن حضرت نزدیک نمی شدند، و آن پادشاه دانیال را از آن چاه بیرون نیاورد تا خداوند به پیغمبری از پیغمبرانش وحی کرد که خوراک و طعامی برای دانیال ببر ... (و سپس حضرت داستان آمدن آن پیغمبر را بر سر چاه و خوراک آوردن و دعای دانیال را بیان فرماید).

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ أَبُو الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع يَسْأَلُهُ عُوذَةَ لِلرَّيَّاحِ الَّتِي تَعْرِضُ لِلصَّبَّانِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ بِحَطِّهِ بِهَاتَيْنِ الْعُوذَتَيْنِ وَ زَعَمَ صَالِحٌ أَنَّهُ أَنْفَذَهُمَا إِلَيْ إِبْرَاهِيمَ بِحَطِّهِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ

^۱ (۳) تفسیر هذا الحدیث فیما رواه صاحب التہذیب (ره) فی أمالیہ عن أبي عبد الله علیه السلام أنه قال: من اهتم لرزقہ كتب علیہ خطیبة، إن دانیال علیہ السلام كان فی زمن ملك جبار عات بخت نصر [أخذہ فطرحہ فی جب و طرح معہ السباع فلم تدنوا منه و لم تخرجه فأوحى الله عز و جل إلى نبی من انبیائه أن ائت دانیال بطعام، قال: یا رب و این دانیال؟ قال تخرج من القرية فیستقبلک ضیع فاتبعه فانه یذلک الیہ، فأئت به الضیع إلى ذلك الجب فاذا فیہ دانیال فأدلی الیہ الطعام فقال دانیال الحمد لله الذي لا ینسی من ذکره و الحمد لله الذي لا یحیی من دعاه الحمد لله الذي من تکرل علیہ کفاه الحمد لله الذي من وثق به لم یكله إلى غیره الحمد لله الذي یجزی بالاحسان إحسانا و بالسیئات غفرانا و بالصریر نجاة. ثم قال أبو عبد الله علیه السلام: إن الله أبی الا أن یجعل ارزاق المتقین من حیث لا یحتسبون و أن لا یقبل لاولیائہ شهادة فی دولة الظالمین (فی). و أسد مستأسد أي قوی مجترى، و یقال: أسد و استأسد إذا اجتأ. و تأسد النبت قوی و التفت.

أَكْبَرُ اللَّهِ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا رَبَّ لِي إِلَّا اللَّهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ
 الْحَمْدُ لَا شَرِيكَ لَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ اللَّهُ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ رَبِّ مُوسَى وَ عِيسَى وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي
 وَفَى إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مَعَ مَا عَدَّدْتَ مِنْ آيَاتِكَ وَ بِعَظَمَتِكَ وَ بِمَا سَأَلْتُكَ
 بِهِ النَّبِيُّونَ وَ بِأَنَّكَ رَبُّ النَّاسِ كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ أَنْتَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُمْسِكُ بِهِ السَّمَاوَاتِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ
 إِلَّا بِإِذْنِكَ وَ بِكَلِمَاتِكَ التَّامَاتِ الَّتِي تُحْيِي بِهِ الْمَوْتَى أَنْ تُجِيرَ عَبْدَكَ فَلَانًا مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْزِجُ إِلَيْهَا وَ مَا يَخْرُجُ مِنَ
 الْأَرْضِ وَ مَا يَلِجُ فِيهَا وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ أَيْضًا بِحَطِّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ كَمَا شَاءَ
 اللَّهُ وَ أَعِيذُهُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ جَبْرُوتِ اللَّهِ وَ قُدْرَةِ اللَّهِ وَ مَلَكُوتِ اللَّهِ هَذَا الْكِتَابُ مِنَ اللَّهِ شِفَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ ابْنِ عَبْدِكَ وَ ابْنِ أُمَّتِكَ
 عَبْدِي اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.^٢

- صالح بن سعيد از ابراهيم بن محمد بن هارون حديث كند كه بحضورت ابي جعفر عليه السلام نوشت و از آن حضرت دعائی
 برای بادهائی كه كودكان بدان دچار گردند درخواست، حضرت بخط خود اين دو دعا را نوشت، و صالح (بن سعيد) معتقد بود كه
 آن حضرت اين دو دعا را بخط خود برای ابراهيم فرستاد (يا ابراهيم دعاها را كه بخط حضرت بود برای صالح فرستاد).

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا رَبَّ لِي إِلَّا
 اللَّهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ لَا شَرِيكَ لَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ اللَّهُ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ. رَبِّ مُوسَى وَ
 عِيسَى وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَى، إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ مَا عَدَّدْتَ مِنْ آيَاتِكَ
 وَ بِعَظَمَتِكَ وَ بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ النَّبِيُّونَ وَ بِأَنَّكَ رَبُّ النَّاسِ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُمْسِكُ بِهِ السَّمَاوَاتِ أَنْ تَقَعَ عَلَى
 الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ، وَ بِكَلِمَاتِكَ التَّامَاتِ الَّتِي تُحْيِي بِهِ الْمَوْتَى أَنْ تُجِيرَ عَبْدَكَ فَلَانًا (نام آن كودك را ببرد) مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ
 مَا يَعْزِجُ إِلَيْهَا، وَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ وَ يَلِجُ فِيهَا وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

. و نیز بخط مبارکش باو نوشت:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ كَمَا شَاءَ اللَّهُ وَ أَعِيذُهُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ جَبْرُوتِ اللَّهِ وَ قُدْرَةِ اللَّهِ وَ مَلَكُوتِ اللَّهِ هَذَا الْكِتَابُ مِنَ اللَّهِ شِفَاءً
 لِفُلَانِ بْنِ فُلَانِ عَبْدِكَ وَ ابْنِ أُمَّتِكَ (و نام او و پدرش را ببرد)

عبدی اللہ صلی اللہ علی محمد و آلہ» یا «علی رسول اللہ و آلہ».

شرح

^١ (١) في بعض النسخ [و ما يعرج فيها].

^٢ (٢) في بعض النسخ [و صلى الله على رسول الله و آلہ].

- مجلسی (ره) گوید: بادی که دچار کودکان شود همانست که در فارسی بدان «باد جن» گویند و همان ام الصبیان است، که شیخ در کتاب قانون آن را ریح الصبیان (باد کودکان) نامیده است، سپس کلامی از کتاب نهایه نقل کند که باد در امثال این حدیث کنایه از «جن» است.

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا لَقَيْتَ السَّبْعَ فَافْرَأْ فِي وَجْهِهِ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ قُلْ لَهُ عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِعَزِيمَةِ اللَّهِ وَ عَزِيمَةِ مُحَمَّدٍ ص وَ عَزِيمَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ ع وَ عَزِيمَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع وَ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّهُ يَنْصَرِفُ عَنْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ فَخَرَجْتُ فَإِذَا السَّبْعُ قَدْ اعْتَرَضَ فَعَزَمْتُ عَلَيْهِ وَ قُلْتُ لَهُ إِلَّا تَنْحَيْتَ عَنْ طَرِيقِنَا وَ لَمْ تُؤْذِنَا قَالَ فَنَظَرْتُ إِلَيْهِ قَدْ طَاطَأَ بِرَأْسِهِ وَ أَدْخَلَ ذَنْبَهُ بَيْنَ رِجْلَيْهِ وَ أَنْصَرَفَ.

عبد الله بن يحيى کاهلی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه بنده‌ای برخورد کردی در روی او آیت الکرسی را بخوان و بگو:

«عزمت عليك بعزيمة الله و عزيمة محمد (ص) و عزيمة سليمان ابن داود عليهما السلام و عزيمة امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام و الائمة الطاهرين من بعده»

که آن درنده ان شاء الله از تو روی گرداند. (کاهلی) گوید: پس من (زمانی از شهر) بیرون رفتم و ناگاه درنده‌ای سر راه مرا گرفت پس من او را (بهمان نحو که حضرت فرموده بود) قسم دادم، و گفتم: از راه ما باز گرد و ما را میازار؟ گوید: پس دیدم سرش را بزیر انداخت و دمش را میان دو پایش برد و برگشت.

۱۱- عَنْهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يُونُسَ^۱ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ قَالَ فِي دُبْرِ الْفَرِيضَةِ-
أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الْجَلِيلَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ مَنْ يَغْنَبِي أَمْرُهُ^۲ وَ أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعِّعَ لِعَظَمَتِهِ
كُلُّ شَيْءٍ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ مَنْ يَغْنَبِي أَمْرُهُ حَفَّ بِجَنَاحٍ مِنْ أَجْنِحَةِ جَبْرَائِيلَ ع وَ حُفِظَ فِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ
مَالِهِ.

و نیز حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر که دنبال نماز واجب بگوید

«استودع الله العظيم الجليل نفسي و اهلی و ولدی و من یغنی امره و استودع الله المرهوب المخوف المتضعع لعظمته كل شيء نفسي و اهلی و مالی و ولدی و من یغنی امره»

^۱ (۱) في بعض النسخ [جعفر بن محمد بن يونس]

^۲ (۲) أي يهمني و يشغلني شأنه.

در زیر یکی از بالهای جبرئیل درآید و خودش و خاندان و مالش محفوظ ماند.

۱۲- عَنْهُ رَفَعَهُ^۱ قَالَ: مَنْ بَاتَ فِي دَارٍ وَ بَيْتٍ وَحَدَهُ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ لِيُقَلِّبِ اللَّهُمَّ آنِسَ وَحَشْتِي وَ آمِنَ رَوْعِي وَ أَعِنِّي عَلَى وَحْدَتِي.

و در حدیث مرفوعی (که سند را بمعصوم رسانند) حدیث کنند که فرمود: هر که در خانه واطاقی تنها بخوابد پس آیه الکرسی را بخواند و بگوید: «اللهم آنس وحشتی و آمن روعتی و أعنی علی وحدتی».

۱۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَيْخٍ عَنْ يَزِيدَ بْنِ مُرَّةَ عَنْ بُكَيْرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ أ لَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ أَوْ بَلِيَّةٍ فُقِلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَصْرِفُ بِهَا عَنْكَ مَا يَشَاءُ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ.

بکیر گوید: شنیده از امیر المؤمنین علیه السلام که میفرمود: رسول خدا (ص) بمن فرمود:

ای علی آیا بتو نیاموزم کلماتی؟ هر گاه در ورطه (امری که خلاصی از آن دشوار باشد) یا بلائی افتادی پس بگو: «

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»

زیرا خداوند عز و جل ببرکت این دعا آنچه خواهد از اقسام بلا از تو دور کند

بَابُ الدُّعَاءِ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ

باب دعا هنگام خواندن قرآن

۱- قَالَ^۲: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَدْعُو عِنْدَ قِرَاءَةِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْمُتَوَحِّدُ بِالْقُدْرَةِ وَ السُّلْطَانِ الْمَتِينِ وَ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْمُتَعَالِي بِالْعِزِّ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ فَوْقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبَّنَا وَ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْمُكْتَفِي بِعِلْمِكَ- وَ الْمُحْتَاجُ إِلَيْكَ كُلُّ ذِي عِلْمٍ رَبَّنَا وَ لَكَ الْحَمْدُ يَا مُنْزِلَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرِ الْعَظِيمِ رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ بِمَا عَلَّمْتَنَا مِنْ الْحِكْمَةِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الْمُبِينِ اللَّهُمَّ أَنْتَ عَلَّمْتَنَا قَبْلَ رَغَبَتِنَا فِي تَعَلُّمِهِ وَ اخْتَصَصْتَنَا بِهِ قَبْلَ رَغَبَتِنَا بِنَفْعِهِ اللَّهُمَّ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ مَنَّا مِنْكَ وَ فَضلاً وَ جوداً وَ لطفاً بنا وَ رَحمةً لنا وَ ائْتِنَا عَلَيْنَا مِنْ غَيْرِ حَوْلِنَا وَ لَا حِيلَتِنَا وَ لَا قُوَّتِنَا اللَّهُمَّ فَحَبِّبْ إِلَيْنَا حُسْنَ تِلَاوَتِهِ وَ حِفْظَ آيَاتِهِ وَ إِيمَاناً بِمُتَشَابِهِهِ وَ عَمَلاً بِمُحْكَمِهِ وَ سَبَباً فِي تَأْوِيلِهِ وَ هُدًى فِي تَدْبِيرِهِ وَ بَصِيرَةً بِنُورِهِ اللَّهُمَّ وَ كَمَا أَنْزَلْتَهُ

^۱ (۳) کذا مرفوعاً.

^۲ (۴) الورطة: الهلكة و كل امر تعسر منه النجاة.

^۳ (۵) مرسل.

^۴ (۶) أي حال كونك مستولياً و متسلطاً على السماوات و العرش.

شِفَاءً لِأَوْلِيَانِكَ وَ شَفَاءً عَلَى أَعْدَانِكَ وَ عَمَى عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ وَ نُورًا لِأَهْلِ طَاعَتِكَ^١ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لَنَا حِصْنًا مِنْ عَدَائِكَ وَ جِزْأً مِنْ غَضَبِكَ وَ حَاجِزًا عَنِ مَعْصِيَتِكَ وَ عِصْمَةً مِنْ سَخَطِكَ وَ دَلِيلًا عَلَى طَاعَتِكَ وَ نُورًا يَوْمَ نَلْقَاكَ^٢ نَسْتَضِيءُ بِهِ فِي خَلْقِكَ وَ نَجُوزُ بِهِ عَلَى صِرَاطِكَ وَ نَهْتَدِي بِهِ إِلَى جَنَّتِكَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّقْوَةِ فِي حَمْلِهِ وَ الْعَمَى عَنِ عَمَلِهِ^٣ وَ الْجُورِ عَنِ حُكْمِهِ وَ الْعُلُوِّ عَنِ فَصْدِهِ وَ التَّفْصِيرِ دُونَ حَقِّهِ اللَّهُمَّ اِحْمِلْ عَنَّا ثِقَلَهُ وَ أَوْجِبْ لَنَا أَجْرَهُ وَ أَوْزِعْنَا شُكْرَهُ^٤ وَ اجْعَلْنَا تُرَاعِيَهُ وَ نَحْفَظْهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا نَتَّبِعُ حَلَالَهُ وَ نَجْتَنِبُ حَرَامَهُ وَ نُقِيمُ حُدُودَهُ وَ نُؤَدِّي فَرَائِضَهُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَلَاوَةً فِي تِلَاوَتِهِ وَ نَشَاطًا فِي قِيَامِهِ^٥ وَ وَجَلًا فِي تَرْتِيلِهِ^٦ وَ قُوَّةً فِي اسْتِعْمَالِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَ أَطْرَافِ النَّهَارِ اللَّهُمَّ وَ اشْفِنَا مِنَ النَّوْمِ بِالْيَسِيرِ^٧ وَ أَيَقِظْنَا فِي سَاعَةِ اللَّيْلِ مِنْ رُقَادِ الرَّاقِدِينَ وَ نَبِّهْنَا عِنْدَ الْأَحْيَانِ الَّتِي يُسْتَحَابُّ فِيهَا الدُّعَاءُ مِنْ سِنَةِ الْوَسْطَانِينَ^٨ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِقُلُوبِنَا دَكَاةً عِنْدَ عَجَائِبِهِ الَّتِي لَا تَنْفِضِي وَ لَدَادَةً عِنْدَ تَزْدِيدِهِ وَ عِبْرَةً عِنْدَ تَرْجِيْعِهِ وَ نَفْعًا بَيْنًا عِنْدَ اسْتِفْهَامِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَخْلُفِهِ فِي قُلُوبِنَا وَ تَوَسُّدِهِ عِنْدَ رُقَادِنَا^٩ وَ تَبْذِهِ وَرَاءَ ظَهْرِنَا وَ نَعُوذُ بِكَ مِنْ قَسَاوَةِ قُلُوبِنَا لِمَا بِهِ وَعَظَّتْنَا اللَّهُمَّ انْفَعْنَا بِمَا صَرَفْتَ فِيهِ مِنَ الْآيَاتِ وَ ذَكَّرْنَا بِمَا صَرَفْتَ فِيهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ^{١٠} وَ كَفَّرْ عَنَّا بِتَأْوِيلِهِ السَّيِّئَاتِ وَ ضَاعِفْ لَنَا بِهِ جِزَاءً فِي الْحَسَنَاتِ وَ ازْفَعْنَا بِهِ ثَوَابًا فِي الدَّرَجَاتِ وَ لَقَّنَا بِهِ الْبُشْرَى بَعْدَ الْمَمَاتِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا زَادًا تُقَوِّينَا بِهِ فِي الْمَوْقِفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ طَرِيقًا وَاضِحًا نَسْلُكُ بِهِ إِلَيْكَ وَ عِلْمًا نَافِعًا نَشْكُرُ بِهِ نِعْمَاءَكَ وَ تَحْشَعًا صَادِقًا نُسَبِّحُ بِهِ أَسْمَاءَكَ فَإِنَّكَ اتَّخَذْتَ بِهِ عَلَيْنَا حُجَّةً قَطَعْتَ بِهِ عُذْرَنَا وَ اصْطَنَعْتَ بِهِ عِنْدَنَا نِعْمَةً قَصُرَ عَنْهَا شُكْرُنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا وَلِيًّا يُتَبَّنَى مِنَ الرَّكْلِ وَ دَلِيلًا يَهْدِينَا لِصَالِحِ الْعَمَلِ وَ عَوْنًا هَادِيًا يُقَوِّمُنَا مِنَ الْمِيلِ^{١١} وَ عَوْنًا يُقَوِّينَا مِنَ الْمَلَلِ حَتَّى يَبْلُغَ بِنَا أَفْضَلَ الْأَمَلِ^{١٢} اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا يَوْمَ اللَّقَاءِ وَ سِلَاحًا يَوْمَ الْإِرْتِقَاءِ وَ حَاجِيزًا يَوْمَ الْقَضَاءِ وَ نُورًا يَوْمَ الظُّلْمَاءِ يَوْمَ لَا أَرْضَ وَ لَا سَمَاءَ يَوْمَ يُجْزَى كُلُّ سَاحٍ بِمَا سَعَى اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا رِيًّا يَوْمَ الظَّمِّ وَ فَوْزًا يَوْمَ الْجُزَاءِ مِنْ نَارٍ حَامِيَةٍ قَلِيلَةَ الْبُقْيَا^{١٣} عَلَى مَنْ بِهَا اصْطَلَى وَ بِحَرْهَا تَلْظَى اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا بُرْهَانًا عَلَى رُءُوسِ الْمَلَا يَوْمَ يُجْمَعُ فِيهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ عَيْشَ السُّعَدَاءِ وَ مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ *.

^١ (١) في بعض النسخ [و سيلا لاهل طاعتك].

^٢ (٢) في بعض النسخ [يوم القيامة].

^٣ (٣) في بعض النسخ [عن علمه].

^٤ (٤) في بعض النسخ [و الغلق].

^٥ (٥) أوزعنا أي ألهمنا.

^٦ (٦) أي في القيام بتلاوته أو في القيام به للصلاة.

^٧ (٧) الترتيل: التأتى في القرآن و التمهّل و تبين الحروف و الحركات.

^٨ (٨) في بعض النسخ [اسقنا] و على هذا شبه السهر بالعطش و النوم بالماء فاستعير له السقى ثم ضمن السقى معنى الاقناع و الارضاء فعدى بالباء.

^٩ (٩) الاحيان جمع الاحيان جمع حين و هو وقت مبهم يصلح لجميع الازمان طال أو قصر و في النهاية الوسنان الذي ليس بمستغرق في نومه. و الوسن أول النوم.

^{١٠} (١٠) لعل المراد من أن يتخلف عن قلوبنا أي يتأخر فيقدم عليه شيئاً أو يتخلف في قلوبنا فلا يظهر أثره على أعضائنا و جوارحنا. و قوله: «و توسده عند رقادنا» أي من أن ينام عنه بالليل غير متهجدين به بأن يكون متوسداً معنا أو من أن تمتهنه و نظرحه عند منامنا غير مبجلين.

^{١١} (١١) في بعض النسخ [من الامثال].

^{١٢} (١٢) الميل بالتحريك ما كان خلقه.

^{١٣} (١٣) في بعض النسخ [أفضل العمل].

^{١٤} (١٤) (٥) البقيا بالضم فالسكون: الرحمة و الشفقة من أقيمت عليه إبقاء رحمته و أشفقت عليه (لح).

حضرت صادق علیه السلام هنگام خواندن قرآن این دعا را میخواند (که ترجمه‌اش چنین است):

«بار خدایا ای پروردگار ما ستایش مخصوص تو است، توئی یگانه در قدرت و پادشاهی استوار، و مخصوص تو است ستایش، توئی برتر بعزت و کبریاء و مسلط بر فراز آسمانها و عرش بزرگ، پروردگار ما و از آن تو است ستایش، توئی که همه چیز را بذات خود دانائی و هر دانشمندی نیازمند درگاه تو است، پروردگار ما از آن تو است ستایش ای فرود فرستنده آیه‌ها و ذکر عظیم، پروردگار ما مخصوص تو است ستایش بدانچه بما آموختی از حکمت و قرآن عظیم آشکارکننده، بار خدایا توئی که پیش از رغبت ما در آموختنش آن را بما آموختی، و پیش از اظهار شوق مادر سودش ما را بدان مخصوص گردانیدی، بارخدایا در این صورت این منی است از تو بر ما، و فضل وجود و لطفی است بما و رحمتی است برای ما و امتنانی است بر سر ما، بدون اینکه از جانب ما جنبش و حرکت و توانائی و چاره‌جوئی شود، بار خدایا پس تلاوت این قرآن و در برداشتن آیاتش را محبوب ما ساز، و بما ارزانی دار ایمان بآیات متشابه آن را، و توفیق عمل بمحکمش را، و بما ده وسیله تأویل آن را، و راهنمایی در تدبیر آن و بینائی در پرتو نورش را بما عنایت فرما.

بار خدایا چنانچه آن را فرو فرستادی درمان برای دوستانت، و وسیله بدبختی برای دشمنانت، و سبب کوری نافرمانت، و وسیله روشنی فرمانبردارانت، بار خدایا آن را قرار ده برای ما پناهگاه محکمی از عذابت، و دژی از خشم، و جلوگیری از نافرمانیت و نگهداری از قهر و غضبت، و راهنمایی بفرمانبرداریت، و نوری در روز دیدارت که بدان در میان خلق تو روشنی یابیم، و بر صراط تو بدان وسیله بگذریم، و بهبهشت راه یابیم.

بار خدایا بتو پناه بریم از بدبختی در حمل آن، و کوری از عمل [یا علم] بآن، و کجروی در حکم آن و برتری نمودن از توجه بدان (یا پیشتازی از میانه روی آن) و کوتاهی کردن در برابر حق آن، بار خدایا سنگینی آن را از ما بردار و مزدش را برای ما لازم گردان، و سپاسگزاریش را نصیب ما گردان، و ما را چنان کن که مراعات و محافظتت کنیم، بار خدایا ما را چنان ساز که از حلالش پیروی کنیم و از حرامش اجتناب ورزیم، و حدود آن را بر پا داریم، و فرائض آن را بجا آوریم.

بار خدایا روزی ما گردان شیرینی تلاوتش را و نشاط در باره قیام بدان، و ترس در هنگام خواندنش و نیروئی برای بکار بستن آن در هر آن از شب و روز، بار خدایا باندکی خواب خستگی ما را درمان کن (و بنا بر نسخه «اسقنا» یعنی عطش خواب ما را باندکی از آن فرو نشان) و در ساعت مخصوص شب ما را از خوابها بیدار کن، و درگاه‌هایی که دعا باجابت رسد ما را از چرت چرتیها بچود آر.

بار خدایا دلهای ما را در برابر عجائب بی‌پایانش تیز هوش کن، و زمزمه آن را لذت بخش نما، و هنگام مراجعه بآن عبرتی بما بده، و سود آشکاری هنگام فهم جوئیش بما عنایت فرما، بار خدایا بتو پناه بریم از تخلف قرآن در دلهای ما (یعنی اثر آن در اعضاء و جوارح ما آشکار نشود) و از اینکه آن را بالش خواب خود کنیم (فیض «ره») گوید: یعنی شب بخوابیم با او و تهجد با او نکنیم یا او را در کنار رختخواب خود اندازیم و آن را گرمی نداریم) و از اینکه آن را پشت سر اندازیم، و از قساوت دلهامان نسبت بدان

چه ما را بدان پند دادی بتو پناه بریم، بار خدایا بآیاتی که در آن آوردی ما را سود ده، و بمثلهایی که در آن زده‌ای ما را متذکر ساز، و بتأویل آن بدیهای ما را حیران کن و بدان وسیله مزدکدار نیک ما را دو چندان کن، و درجات ما را بالا ببر، و پس از مرگ بسبب آن بما بشارت تلقین نما، بار خدایا آن را برای ما توشه‌ای ساز که در موقع وقوف در برابرت بدان وسیله بما نیرو دهی، و راه روشنی که که با آن بسوی تو آئیم، و دانش سودمندی که بدان وسیله نعمتهای تو را سپاسگزاریم، و خشوع صادقانه‌ای که با آن نامه‌های تو را تسبیح گوئیم، زیرا تو با فرود فرستادن آن حجتی بر ما آوردی که راه عذر را بر ما بست و نعمتی بما دادی که زبان شکر ما از آن کوتاهست.

بار خدایا آن را برای ما سرپرستی ساز که ما را از لغزش نگهدارد، و راهنمایی ساز که ما را بکار نیک راهنمایی کند، و کمکی راهنمایش ساز که ما را از کجی راست کند، و در خستگی نیرو بخشد، تا بهترین آرزوهایمان رساند، بار خدایا آن را برای ما در روز قیامت شفیع ساز و وسیله‌ای برای ارتقاء و وکیلی پیروز در آن روز قضاوت، و نوری در آن روز تاریکی و ظلمت روزی که نه زمینی است و نه آسمانی، روزی که هر کس بآنچه کوشش کرده بدان مزد گیرد.

بار خدایا آن را برای ما وسیله سیرابی در روز تشنگی ساز، و سبب نجات ما گردان در روز جزا از آن آتش سوزانی که بر هر کس از آن گرمی خواهد ترحم نکند و شعله‌اش زبانه کشد، بار خدایا آن را برای ما برهانی قرار ده در آن روز که همه اهل زمین و آسمانها گرد آیند. بار خدایا منزلهای شهیدان و زندگی سعیدان، و رفاقت پیمبران را روزی ما گردان زیرا تو شنوای دعائی.»

بَابُ الدُّعَاءِ فِي حِفْظِ الْقُرْآنِ

باب دعا برای حفظ کردن قرآن

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ تَعْلَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ لَمْ يَسْأَلِ الْعِبَادُ مِثْلَكَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ وَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ صَفِيَّكَ وَ مُوسَى كَلِيمِكَ وَ بَنِيكَ وَ عِيسَى كَلِمَتِكَ وَ رُوحِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِصُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ تَوْرَةِ مُوسَى وَ زُبُورِ دَاوُدَ وَ إِنْجِيلِ عِيسَى وَ قُرْآنِ مُحَمَّدٍ ص وَ بِكُلِّ وَحْيٍ أَوْحَيْتَهُ وَ قَضَاءٍ أَمْضَيْتَهُ وَ حَقِّ قَضِيَّتِهِ وَ غَنِيِّ أَعْنِيَّتِهِ وَ ضَالِّ هَدْيَتِهِ وَ سَائِلِ أَعْطَيْتَهُ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَ دَعَمَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ^۱ فَاسْتَقَلَّتْ وَ وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبَالِ فَرَسَتْ^۲ - وَ بِاسْمِكَ الَّذِي بَشَّتْ بِهِ الْأَرْزَاقَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُخَيِّي بِهِ الْمَوْتَى وَ أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ^۳ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَرْزُقَنِي حِفْظَ الْقُرْآنِ وَ أَصْنَافَ الْعِلْمِ وَ أَنْ تُنَبِّهَنِي فِي قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصْرِي وَ أَنْ تُخَالِطَ بِهَا حَمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ نُحْيِي وَ تَسْتَعْمِلَ بِهَا لَيْلِي وَ نَهَارِي بِرَحْمَتِكَ وَ قُدْرَتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ قَالَ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ زِيَادَةٌ وَ

^۱ (۱) دعهه كمنعه: أقامه.

^۲ (۲) أي ثبتت. رسي في المشي يرسو ثبت.

^۳ (۳) أي الخصال التي تستحق بها العرش العز أو موضع انعقادها منه و حقيقة معناه بعز عرشك.

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِبَادُكَ الَّذِينَ اسْتَجَبْتَ لَهُمْ وَ أَنْبِيَائُكَ فَعَفَرْتَ لَهُمْ وَ رَحْمَتَهُمْ وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كُتُبِكَ وَ بِاسْمِكَ الَّذِي اسْتَقَرَّ بِهِ عَرْشُكَ وَ بِاسْمِكَ الْوَاحِدِ الْوَاحِدِ الْفَرْدِ الْوَحْدِ الْمُتَعَالِ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْكَانَ كُلَّهَا الطَّاهِرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ الْمُقَدَّسِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ نُورِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ وَ كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ بِالْحَقِّ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ وَ نُورِكَ التَّامِّ وَ بَعْظَمَتِكَ وَ أَرْكَانِكَ^١.

ابان بن تغلب گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: میگوئی (این دعا را که ترجمه اش چنین است): «بار خدایا من از تو خواهم- با اینکه بندگان از چون توئی خواهش نکنند- خواهم بحق محمد پیغمبر و رسولت و بحق ابراهیم خلیل خود و برگزیده ات و بحق موسی هم سخنت و هم رازت، و بحق عیسی کلمه ات و روحت، و از تو خواهم بحق صحف ابراهیم و تورات موسی و زبور داود و انجیل عیسی و قرآن محمد (ص) و بھر وحی که فرستادی و بحق هر آن حکمی که آن را گذرا فرمودی، و هر آن حقی که بدان حکم فرمودی، و هر بی نیازی که توانگرش کردی و هر گمراهی که راهنمائیش کردی، و هر خواهنده ای که بدو عطا فرمودی، و از تو خواهم بدان نامت که بر شب نهادی پس تاریک شد، و بدان نامت که بر روز نهادی پس روشن گشت. و بدان نامت که بر زمین نهادی پس آرامش گرفت، و با آن آسمانها را ستون زدی و استوار شدند، و بدان نامت که بر کوهها نهادی و مستقر شدند، و بدان نامت که روزیها را بدان پراکنده کردی، و از تو خواهم بدان نامت که مردگان را بدان زنده سازی، و از تو خواهم بدان چه مرکز انعقاد عزت عرشت شد، و آخرین رحمتی که از کتابت (قرآن یا لوح محفوظ) آشکار گردد، از تو خواهم که بر محمد و آلش رحمت فرستی و حفظ قرآن و انواع دانش را بمن روزی کن، و اینکه آنها را در دل و گوش و چشمم پا بر جا کنی، و با گوشت و خون و استخوان و مغز من آنها را بیامیزی، و شب و روز مرا از رحمت و قدرت خودت بدانها بکار اندازی، زیرا که نه جنبشی و نه توانائی بجز تو نیست ای زنده و پاینده».

گوید: و در حدیث دیگر اضافه دارد (که ترجمه آن اضافه نیز اینست):

«و از تو خواهم بدان نامت که بندگان را باجابت رساندی بدان ترا خواندند، و پیمبران بدان ترا خواندند که آنها را آمرزیدی و بدانها ترحم کردی، و از تو خواهم بھر نامی که در کتابهایت فرو فرستادی، و بدان نامت که عرش تو بدان پابرجا شد، و بنامت واحد، احد، فرود، وتر، متعال، آنکه همه ارکان را (عرش یا آسمانها و زمینها و جز آن را) پر کرده و پاک، پاکیزه، مبارک مقدس، حی، قیوم، روشنی آسمانها و زمین، رحمان، رحیم، کبیر متعال، و (از تو خواهم) بحق کنایت که بحق و راستی فرود آمده و کلمات تامهات و نور تام تو، و بعظمتت و ارکانت».

- وَ قَالَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَرَادَ أَنْ يُوعِيَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- الْقُرْآنَ وَ الْعِلْمَ فَلْيَكْتُبْ هَذَا الدُّعَاءَ فِي إِنَاءٍ نَظِيفٍ بِعَسَلٍ مَادِيٍّ^٢ ثُمَّ يَغْسِلُهُ بِمَاءِ الْمَطَرِ قَبْلَ أَنْ يَمَسَّ الْأَرْضَ وَ يَشْرَبُهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ عَلَى الرَّيْقِ فَإِنَّهُ يَحْفَظُ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

^١ (١) أي أركان العرش أو أركان الخلق أي السماوات والأرضين وغيرهما و هو إما كناية عن عظمة الاسم تشبيها للمعقول بالخصوس أو المراد أنه يملأ آثاره الأركان و تحيط بجميع الخلق و الله يعلم (أت).

^٢ (٢) العسل المادى: العسل الأبيض.

و گوید: در حدیث دیگری است که رسول خدا (ص) فرمود: هر کس بخواهد که خداوند عز و جل قرآن و دانش را در دل او نهد این دعا را (که گذشت) با عسل سفید در ظرف پاکى بنویسد سپس آن را با آب بارانی که بزمین نرسیده باشد بشوید، و سه روز ناشتا بخورد که ان شاء الله قرآن را حفظ کند.

۲- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَعْلَمُكُمْ دُعَاءً لَا تَنْسَى الْقُرْآنَ - اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ مَعَاصِيكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَ ارْحَمْنِي مِنْ تَكْلُفٍ مَا لَا يَعْينِي وَ ارْزُقْنِي حُسْنَ الْمَنْظَرِ فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ أَلْزِمْ قَلْبِي حِفْظَ كِتَابِكَ كَمَا عَلَّمْتَنِي وَ ارْزُقْنِي أَنْ أَتْلُوهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذِي يُرْضِيكَ عَنِّي اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِكِتَابِكَ بَصْرِي وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَ فَرِّحْ بِهِ قَلْبِي وَ أَطْلِقْ بِهِ لِسَانِي وَ اسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي وَ قَوِّنِي عَلَى ذَلِكَ وَ أَعِنِّي عَلَيْهِ إِنَّهُ لَا مُعِينَ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

حماد در حدیث مرفوعی از امیر المؤمنین حدیث کند که فرمود: رسول خدا (ص) (بمن) فرمود:

بتو پیاموزم دعائی که قرآن را فراموش نکنی (و آن دعا اینست)

«اللهم ارحمني بترك معاصيك ابدًا ما أبقيتني و ارحمني من تكلف ما لا يعينني و ارزقني حسن المنظر فيما يرضيك عني و الزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني و ارزقني أن أتلوه على النحو الذي يرضيك عني، اللهم نور بكتابك بصرى و اشرح به صدرى و فرح به قلبى و أطلق به لسانى و استعمل به بدنى، و قوئى على ذلك و أعنى عليه انه لا معين عليه الا انت، لا اله الا انت»

قَالَ وَ رَوَاهُ - بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ وَليدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ حَفْصِ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.

. و همین حدیث را بسند دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند.

بَابُ دَعَوَاتٍ مُوجِزَاتٍ لِجَمِيعِ الْحَوَائِجِ لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ

باب دعاهای کوتاه و مختصر برای همه حاجتهای دنیا و آخرت

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أُرَاكَ وَ أَسْعُدْنِي بِتَقْوَاكَ وَ لَا تُشَقِّنِي بِنَشْطِي لِمَعَاصِيكَ وَ خِزِّي لِي فِي فَضَائِكَ وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَ لَا تَعْجِلَ مَا أَخَّرْتَ وَ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَ بَصْرِي وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَ انصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ أَرِنِي فِيهِ قُدْرَتَكَ يَا رَبِّ وَ أَقْرَبْ بِذَلِكَ عَيْنِي.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: بگو (دعائی را که ترجمه‌اش چنین است): «بار خدایا مرا از خود ترسان کن چنان که گویا ترا بچشم بینم و با تقوای نسبت بخودت مرا سعادتمند گردان، و بوسیله نشاط در نافرمانیت مرا بدبخت مکن، و خیر و سعادت مرا

۱ (۳) فی بعض النسخ [اللهم احفظنی].

در حکم خود بخواه، و قضا و قدر خود را بر من مبارک گردان تا بدان جا که پس افتادن آنچه را در آن شتاب داری دوست نداشته باشم، و شتاب در آنچه پس افتادنش را خواهی نخواهم، و توانگری مرا در خودم مقرر فرما، و بگوش و چشمم مرا بهره‌مند ساز، و آن دو را وارث من گردان (یعنی آنچه از آن دو بدست من آید برای من باقی نگهدار)

و مرا بآن کس که بمن ستم کند یاری فرما، و قدرت خودت را در باره او بمن بنما ای پروردگار، و دیده‌ام را بدان روشن کن.»

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي سُلَيْمَانَ الْجَصَّاصِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ اللَّهُ ع يَقُولُ اللَّهُمَّ أَعْيِي عَلَيَّ هَوْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْخَوْرِ الْعَيْنِ وَ أَكْفِنِي مَثُونَتِي وَ مَثُونَةَ عِيَالِي وَ مَثُونَةَ النَّاسِ وَ أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.

ابراهیم بن میمون گوید: شنیدم حضرت صادق علیه السلام دعائی میخواند (که ترجمه‌اش این است): «بار خدایا بر هراس روز قیامت مرا یاری فرما، و از دنیا سالم بیرونم ببر، و حور العین را بمن تزویج کن، و خرج خود و عیالم و خرج مردم را از من کفایت فرما، و مرا برحمت خود در زمره بندگان شایسته‌ات درآور.»

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ.

زراره از حضرت باقر علیه السلام حدیث کند که فرمود: بگو (دعائی را که ترجمه‌اش چنین است): «بار خدایا از تو خواهم هر خوایی را که دانشت آن را فرا گرفته، و بتو پناه برم از هر بدی که دانشت آن را احاطه کرده، بار خدایا از تو خواهم عافیت خود را در همه کارهایم، و پناه برم بتو از خواری و رسوائی دنیا و از عذاب آخرت.»

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ زِيَادٍ قَالَ: كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ بَصِيرٍ^۱ يَسْأَلُهُ أَنْ يَكْتُبَ لَهُ فِي أَسْفَلِ كِتَابِهِ دُعَاءً يُعَلِّمُهُ إِبَاهُ يَدْعُو بِهِ فَيُعْصَمُ بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ جَامِعاً لِلدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ فَكَتَبَ ع بِحُطْبِهِ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ وَ لَمْ يَهْتِكِ السُّرَّ عَنِّي يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ بَحْوَى وَ يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّنَا يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا يَا غِيَاثَنَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُجْعَلَنِي فِي النَّارِ ثُمَّ تَسْأَلُ مَا بَدَا لَكَ.

^۱ (۱) في بعض النسخ [على بن بصير].

علی بن زیاد گوید: علی بن بصیر بدان حضرت نامه نوشت و درخواست کرد که در پائین نامه‌اش دعائی برای او بنویسد و بیاموزد که بوسیله آن از گناهان نگهداری شود و دعائی جامع برای (حوایج) دنیا و آخرت باشد، پس حضرت علیه السلام در پاسخش بخط خود نوشت (دعائی که ترجمه‌اش اینست):

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِی کسی که نیک را آشکار کند، و زشت را بپوشاند، و پرده مرا ندرد، اِی درگذشت کریم، و اِی خوش درگذرنده (از گناه) اِی وسیع در آمرزش اِی پر بخشش در رحمت اِی دمساز در هر راز، و اِی پایان هر شکایت، اِی درگذرنده با کرامت، و اِی بزرگ در منت، و اِی آغازکننده بمر نعمت جلوتر از استحقاق آن، اِی پروردگار و اِی آقا و اِی مولی و اِی فریادرس، رحمت بر محمد و آلش فرست و از تو خواهیم که در دوزخم جا ندهی» سپس بخواه هر چه خواهی.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِیْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّزَقِيِّ وَ أَبِي طَالِبٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقِي فِي كُلِّ كَرْبَةٍ وَ أَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ أَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلِي بِثِقَةٍ وَ عِدَّةٍ كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ وَ تَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَ يَخْذُلُ عَنْهُ الْقَرِيبُ وَ الْبَعِيدُ وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَعِينِي فِيهِ الْأُمُورُ أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَ شَكْوَتُهُ إِلَيْكَ رَاغِبًا فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَ كَشَفْتَهُ وَ كَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا وَ لَكَ الْمَنُّ فَاضِلًا.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«اللهم أنت تقی فی کل کربة و أنت رجائی فی کل شدة و أنت لی فی کل امر نزل بی ثقة و عده، کم من کرب یضعف عنه الفؤاد و تقل فیہ الحيلة و یخذل عنه القریب و البعید، و یשמته به العدو و تعینی فیہ الامور انزلته بک و شکوته الیک راغباً فیہ عن سواک ففرجته و کشفته و کفیتنیہ، فأنت ولی کل نعمة و صاحب کل حاجة و منتهی کل رغبة، فلك الحمد کثیراً و لك المن فاضلاً»

۵- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عِیْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ وَ جَمَالِكَ وَ كَرَمِكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.

عیسی بن عبد الله قمی از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که فرمود: بگو:

«اللهم انی أسألك بجلالك و جمالك و كرمك ان تفعل بی كذا و كذا» (و بجای «كذا و كذا»)

حاجت خود را ذکر کند).

^۱ (۱) فی بعض النسخ [تفل] بالفاء.

٦- عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ قَالَ لِي أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تَقُولَ- اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُعَارِينِ^١ وَ لَا تُخْرِجَنِي مِنَ التَّقْصِيرِ قَالَ قُلْتُ أَمَّا الْمُعَارِينُ فَقَدْ عَرَفْتُ فَمَا مَعْنَى لَا تُخْرِجَنِي مِنَ التَّقْصِيرِ قَالَ كُلُّ عَمَلٍ تَعْمَلُهُ تُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَكُنْ فِيهِ مُقْصِرًا عِنْدَ نَفْسِكَ فَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مُقْصِرُونَ.

فضل بن یونس از حضرت ابی الحسن (موسی بن جعفر) علیه السلام حدیث کند که آن حضرت بمن فرمود: این دعا را بسیار بخوان:

[اللهم] لا تجعلني من المعارين و لا تخرجني من التقصير»

(یعنی بار خدایا مرا از عاریت داده‌شدگان (ایمان) قرار مده: و از تقصیر بیرون مبر) گوید: من عرض کردم: اما عاریت داده‌شدگان، معنایش را دانستم، آیا معنای «مرا از تقصیر بیرون مبر» چیست؟ (و یعنی چه؟) فرمود: هر کاری را که بخاطر خدای عز و جل انجام دهی پس خود را در آن کار پیش خود مقصر بدان، زیرا که همه مردم در کارهایشان میان خود و خدای عز و جل تقصیر کار و مقصرند.

٧- عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ بِكَلِمَتَيْنِ دَعَا بِهِمَا قَالَ- اللَّهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَهْلٌ لِدَلِّكَ أَنَا وَ إِنْ تَغْفِرْ لِي فَأَهْلٌ لِدَلِّكَ أَنْتَ فَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ.

حضرت باقر علیه السلام فرمود: بحقیقت و راستی که خدا مردی بیابانی را با دو کلمه که با آنها بدرگاه خداوند دعا کرد آمرزید (و آن دو کلمه این بود که) گفت:

«اللهم ان تعذبني فأهل لذلك أنا، و ان تغفر لي فأهل لذلك أنت»

(یعنی بار خدایا اگر مرا عذاب فرمائی پس من سزاوار آنم، و اگر بیامری پس تو شایسته آنی) پس خداوند او را آمرزید.

٨- عَنْهُ عَنِ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ عَمِّهِ عَنِ الرِّضَا ع قَالَ: يَا مَنْ دَلَّنِي عَلَى نَفْسِيهِ وَ دَلَّلَ قَلْبِي بِتَصْدِيقِهِ أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَ الْإِيمَانَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

حضرت رضا علیه السلام (این دعا را میخواند) فرمود:

«يا من دلني على نفسه، و دلت قلبي بتصديقه أسألك الامن و الايمان في الدنيا و الآخرة»

^١ (٢) أي لا تجعلني من الذين يكون إيمانهم عندهم معارا.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع فِي فِنَاءِ الْكَعْبَةِ فِي اللَّيْلِ وَ هُوَ يُصَلِّي فَأَطَالَ الْقِيَامَ- حَتَّى جَعَلَ مَرَّةً يَتَوَكَّأُ عَلَى رِجْلِهِ الْيُمْنَى وَ مَرَّةً عَلَى رِجْلِهِ الْيُسْرَى ثُمَّ سَمِعْتُهُ يَقُولُ بِصَوْتٍ كَأَنَّهُ بَاكِ- يَا سَيِّدِي تُعَذِّبُنِي وَ حُبُّكَ فِي قَلْبِي أَمَا وَ عِزَّتِكَ لَئِنْ فَعَلْتَ لِتَجْمَعَنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ قَوْمٍ طَالَ مَا عَادَيْتُهُمْ فَيْكَ^۱.

محمد بن ابی حمزه از پدرش نقل کند که گوید: شی شی حضرت علی بن الحسین علیهما السلام را در کنار خانه کعبه دیدم که نماز میخواند و قیام آن را طول داد تا بجدی که گاهی بر پای راستش تکیه میداد، و گاهی بر پای چپ، سپس شنیدم با صدائی مانند شخص گریان میگفت:

«یا سیدی تعذیبی و حبک فی قلبی،؟ اما و عزتک لئن فعلت لتجمعن بینی و بین قوم طال ما عادیتهم فیک»

. (یعنی ای آقای من آیا مرا عذاب کنی با اینکه دوستی تو را در دل دارم؟ هر آینه بعزت سوگند اگر چنین کنی میان من و مردمی جمع کنی- و مرا با مردمی گرد آوری- که دیر زمانی بخاطر تو با آنان دشمنی ورزیده‌ام).

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ بَعْضِ اصْحَابِنَا عَنْ دَاوُدَ الرَّقِیِّ قَالَ: اِنِّي كُنْتُ اَسْمَعُ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ ع اَكْثَرَ مَا يُلِحُّ بِهِ فِي الدُّعَاءِ عَلٰى اللّٰهِ بِحَقِّ الْحَمْسَةِ يَعْنِي رَسُوْلَ اللّٰهِ ص وَ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ ص.

داود رقی گوید: من شنیدم که حضرت صادق علیه السلام بیشتر چیزی که در هنگام دعا بر آن اصرار داشت این بود که خدا را بحق پنج تن میخواند، یعنی رسول خدا و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله عليهم اجمعین.

۱۱- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أُيُوبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ: عَلَّمَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع دُعَاءً وَ أَمَرَنَا أَنْ نَدْعُو بِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ- اللّٰهُمَّ اِنِّي تَعَمَّدْتُ اِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَ اَنْزَلْتَ بِكَ الْيَوْمَ فَقْرِي وَ مَسْكِنَتِي فَاَنَا الْيَوْمَ لِمَغْفِرَتِكَ اَرْجِي مَنِّي لِعَمَلِي وَ لِمَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي فَتَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا وَ تَبْسِيرِ ذَلِكَ عَلَيْكَ وَ لِقَفْرِي اِلَيْكَ فَاِنِّي لَمْ اُصِبْ خَيْرًا قَطُّ اِلَّا مِنْكَ وَ لَمْ يَصْرِفْ عَنِّي اَحَدٌ شَرًّا قَطُّ غَيْرُكَ وَ لَيْسَ اَرْجُو لِاِحْرَاقِي وَ دُنْيَايَ سِوَاكَ وَ لَا لِيَوْمِ فَقْرِي وَ يَوْمِ يُفْرِدُنِي النَّاسُ فِي خُفْرِي وَ اَفْضِي اِلَيْكَ يَا رَبِّ بِفَقْرِي^۲.

-ابراهیم کرخی گوید: امام صادق علیه السلام دعائی بما آموخت و بما دستور داد که آن را در روز جمعه بخوانیم:

«اللهم اني تعمدت اليك بحاجتي و انزلت بك اليوم فقري و مسكنتي، فانا [اليوم] لمغفرتك أرجى مني لعملي و لمغفرتك و رحمتك أوسع من ذنوبي فتول قضاء كل حاجة هي لي بقدرتك عليها و تبسیر ذلك عليك و لفقري اليك فاني لم اصب خيرا قط إلا منك و

^۱ (۱) الواو في قوله: «تعذبي و حبك في قلبي» للحال و الاستفهام للانكار.

^۲ (۲) «أفضي إليك» في بعض النسخ بالقاف و يقال: قضى إليه أمّا به و أعلمه.

لم يصرف عنى أحد شرا قط غيرك و ليس أرجو لآخرتى و دنيای سؤلك، و لا ليوم فقري [و] يوم يفردي الناس في حفرتي و افضى اليك يا رب بفقري»

۱۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ زَيْدِ الصَّائِغِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ادْعُ اللَّهَ لَنَا فَقَالَ- اللَّهُمَّ ارْزُقْهُمْ صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ آدَاءَ الْأَمَانَةِ وَ الْمُحَافَظَةَ عَلَى الصَّلَوَاتِ اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَحَقُّ خَلْقِكَ أَنْ تَفْعَلَهُ بِهِمْ اللَّهُمَّ وَ افْعَلْهُ بِهِمْ.

زيد صائغ گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: برای ما دعا کن، پس (در باره ما دعائی) فرمود: (که ترجمه اش اینست) «بار خدایا روزی ایشان کن راستگویی و امانت داری و محافظت بر ادای نمازها را، بار خدایا اینان سزاوارترین خلق تو هستند که این کار را در باره آنها انجام دهی بار خدایا آن را در باره آنان انجام ده.»

۱۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص يَقُولُ اللَّهُمَّ مَنْ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَ التَّفْوِيزِ إِلَيْكَ وَ الرِّضَا بِقَدْرِكَ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام (در دعا این گونه) میفرمود:

«اللهم من علی بالتوکل عليك و التفویض اليك و الرضا بقدرک و التسليم لامرک، حتی لا احب تعجيل ما احرث و لا تأخير ما عجلت يا رب العالمين»

۱۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ سُحَيْمٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَ هُوَ رَافِعٌ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ- رَبِّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ قَالَ فَمَا كَانَ بِأَسْرَعٍ مِنْ أَنْ تَحَدَّرَ الدُّمُوعُ مِنْ جَوَانِبِ لِحْيَتِهِ^۱ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقَالَ يَا ابْنَ أَبِي يَعْفُورِ إِنَّ يُونُسَ بْنَ مَتَّى وَكَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى نَفْسِهِ أَقَلَّ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ فَأُحْدِثَ ذَلِكَ الذَّنْبَ^۲ قُلْتُ فَبَلَّغْ بِهِ كُفْرًا أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَالَ لَا وَ لَكِنَّ الْمَوْتَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ هَلَاكَ.

ابن ابی یعفور گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که در حالی که دست با آسمان برداشته بود میگفت:

«رب لا تکنی الی نفسی طرفة عين ابدا لا اقل من ذلك و لا اکثر»

(یعنی پروردگارا مرا چشم بهمزدنی بخودم وامگذار نه کمتر از آن و نه بیشتر) گوید: این را گفت و اشکهایش از اطراف محاسنش می ریخت، سپس رو بمن کرد و فرمود: ای پسر ابی یعفور همانا یونس بن متی را خداوند کمتر از چشم بهمزدنی بخودش واگذار و آن

^۱ (۱) تحدري تنزل.

^۲ (۲) أي ترك الأولى. و هو ضلالة بالنسبة إلى الأنبياء و الأوصياء و موجب لنقصان درجتهم عليهم السلام (لح).

گناه را (یعنی ترک اولی را) انجام داد، عرضکردم: خداوند کار شما را نیکو کند آیا آن کار او را بحد کفر رسانید؟ فرمود: نه ولی مردن با این حال هلاکت است (و لایق بشأن انبیاء و پیمبران الهی نیست).

۱۵- **عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ رَفَعَهُ قَالَ: أَتَى حَبْرِيْلُ عِ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ لَهُ إِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ لَكَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْبُدَنِي يَوْمًا وَ لَيْلَةً حَقَّ عِبَادَتِي فَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَيَّ وَ قُلِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيئَتِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا جَزَاءَ لِقَائِهِ إِلَّا رِضَاكَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْمَنْ كُلُّهُ وَ لَكَ الْفَخْرُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْبَهَاءُ كُلُّهُ وَ لَكَ النُّورُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْعِزَّةُ كُلُّهَا وَ لَكَ الْجَبْرُوتُ كُلُّهَا وَ لَكَ الْعِزْمَةُ كُلُّهَا وَ لَكَ الدُّنْيَا كُلُّهَا وَ لَكَ الْآخِرَةُ كُلُّهَا وَ لَكَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ وَ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ عِلَانِيَتُهُ وَ سِرُّهُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَبَدًا أَنْتَ حَسَنُ الْبَلَاءِ جَلِيلُ الثَّنَاءِ سَابِغُ النِّعَمَاءِ عَدْلُ الْقَضَاءِ جَزِيلُ الْعَطَاءِ حَسَنُ الْأَلَاءِ إِلَهٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ إِلَهٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي السَّبْعِ الشَّدَادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْأَرْضِ الْمِهَادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ طَاقَةَ الْعِبَادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ سَعَةَ الْبِلَادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْجِبَالِ الْأَوْتَادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ سُبْحَانَكَ رَبَّنَا وَ تَعَالَيْتَ وَ تَبَارَكْتَ وَ تَقَدَّسَتْ خَلْقَتْ كُلُّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِكَ وَ قَهَرْتَ كُلُّ شَيْءٍ بِعِزَّتِكَ وَ عَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بِازْتِفَاعِكَ وَ عَلَبْتَ كُلُّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَ ابْتَدَعْتَ كُلُّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَ عِلْمِكَ وَ بَعَثْتَ الرُّسُلَ بِكُتُبِكَ وَ هَدَيْتَ الصَّالِحِينَ بِإِذْنِكَ وَ أَيَّدْتَ الْمُؤْمِنِينَ بِنَصْرِكَ وَ قَهَرْتَ الْخَلْقَ بِسُلْطَانِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَا تَعْبُدُ غَيْرَكَ وَ لَا نَسْأَلُ إِلَّا إِيَّاكَ وَ لَا نَرْغَبُ إِلَّا إِلَيْكَ أَنْتَ مَوْضِعُ شُكْرَانِنَا وَ مُنْتَهَى رَغْبَتِنَا وَ إِلَهْنَا وَ مَلِكُنَا.**

احمد بن محمد بن خالد در حدیث مرفوعی (که سند را بمعصوم علیه السلام رسانده) حدیث کند که جبرئیل خدمت پیغمبر (ص) آمده و باو عرضکرد: همانا پروردگارت بتو میفرماید: هر گاه خواستی در شب و روزی چنانچه شاید مرا پرستش کنی پس دستهایت را بسوی من بردار و بگو:

«اللهم لك الحمد حمدا حمدا خالدا مع خلودك و لك الحمد حمدا لا منتهى له دون علمك، و لك الحمد حمدا لا امد له دون مشيئتك، و لك الحمد حمدا الاجزاء لقائله الا رضاك، اللهم لك الحمد كله، و لك المن كله، و لك الفخر كله، و لك البهاء كله، و لك النور كله، و لك العزة كلها، و لك الجبروت كلها، و لك العظمة كلها، و لك الدنيا كلها و لك الآخرة كلها، و لك الليل و النهار كله، و لك الخلق كله، و بيدك الخير كله، و اليك يرجع الامر كله علانيته و سره، اللهم لك الحمد حمدا أبدا أنت حسن البلاء، جليل الثناء، سابغ النعماء، عدل القضاء جزيل العطاء حسن الالاء، اله [من] في الارض و اله [من] في السماء، اللهم لك الحمد في السبع الشداد، و لك الحمد في الارض المهاد، و لك الحمد طاقة العباد، و لك الحمد سعة البلاد، و لك الحمد في الجبال الاوتاد، و لك الحمد في الليل اذا يغشى، و لك الحمد في النهار اذا تجلى، و لك الحمد في الآخرة و الاولى، و لك الحمد في المثاني و القرآن العظيم، و سبحان الله و بحمده و الأرض جميعاً قبضته يوم القيامة و السماوات مطويات بيمينه، سبحانه و تعالى عما يشركون، سبحان الله و بحمده كل شيء هالك إلا وجهه سبحانك ربنا و تعاليت و تباركت و تقدست، خلقت كل شيء بقدرتك و قهرت كل شيء بعزتك و

علوت فوق كل شيء بارتفاعك، و غلبت كل شيء بقوتك و ابتدعت كل شيء بحكمتك و علمك، و بعثت الرسل بكتبك، و هديت الصالحين باذنك، و ايدت المؤمنين بنصرك، و قهرت الخلق بسلطانك، لا اله الا أنت وحدك لا شريك لك لا نعبد غيرك و لا نسئل الا اياك و لا نرغب الا اليك، انت موضع شكوانا و منتهى رغبتنا هنا و مليكننا»

١٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ابْتِدَاءً مِنْهُ يَا مُعَاوِيَةُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَجُلًا أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ص فَشَكَكَ الْإِنْبَاءَ عَلَيْهِ فِي الْجَوَابِ فِي دُعَائِهِ فَقَالَ لَهُ أَيْنَ أَنْتَ عَنِ الدُّعَاءِ السَّرِيعِ الْإِجَابَةِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ مَا هُوَ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الْمُخْزُونِ الْمَكْنُونِ النُّورِ الْحَقِّ الْبُرْهَانِ الْمُبِينِ الَّذِي هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ وَ نُورٌ مِنْ نُورٍ وَ نُورٌ فِي نُورٍ وَ نُورٌ عَلَى نُورٍ وَ نُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَ نُورٌ يُضِيءُ بِهِ كُلُّ ظُلْمَةٍ وَ يُكْسِرُ بِهِ كُلُّ شِدَّةٍ وَ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ لَا تَقْرُبُهُ أَرْضٌ^١ وَ لَا تَقُومُ بِهِ سَمَاءٌ وَ يَأْمَنُ بِهِ كُلُّ خَائِفٍ وَ يَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ كُلِّ سَاحِرٍ وَ بَغْيُ كُلِّ بَاغٍ وَ حَسَدُ كُلِّ حَاسِدٍ وَ يَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ الْبُرُّ وَ الْبَحْرُ وَ يَسْتَقِلُّ بِهِ الْفُلُكُ حِينَ^٢ يَتَكَلَّمُ بِهِ الْمَلِكُ فَلَا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِ سَبِيلٌ وَ هُوَ

اسْمُكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَجَلِّ النُّورِ الْأَكْبَرِ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَ اسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَى عَرْشِكَ وَ أَتَوَجَّهَ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ أَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِهَمِّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.

معاوية بن عمار گوید: حضرت صادق عليه السلام بدون سخن و پرسشی بمن فرمود: ای معاوية آیا نمیدانی که مردی خدمت امیر المؤمنین عليه السلام آمد و از اینکه اجابت دعایش دیر شده بود بآن حضرت شکایت کرد، آن حضرت باو فرمود: چرا دعای سریع الاجابة را (یعنی دعائی که زود باجابت رسد) نخواندی؟ آن مرد عرضکرد: آن دعا کدام است؟ فرمود: بگو:

«اللهم انى أسألك باسمك العظيم الاعظم الاجل الاكرم المكونون النور الحق البرهان المبين الذى هو نور مع نور، و نور من نور و نور في نور و نور على نور، و نور فوق كل نور، و نور يضيء به كل ظلمة، و يكسر به كل شدة و كل شيطان مرید و كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، لا تقر به ارض، و لا تقوم به سماء، و يأمن به كل خائف، و يبطل به سحر كل ساحر، و بغى كل باغ، و حسد كل حاسد، و يتصدع لعظمته البر و البحر، و يستقل به الفلك، حين يتكلم به الملك فلا يكون للموج عليه سبيل و هو اسمك الاعظم الاعظم، الاجل الاجل النور الاكبر، الذى سميت به نفسك، و استويت به على عرشك، و أتوجه اليك بمحمد و أهل بيته، أسألك بك و بهم ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تفعل بى كذا و كذا»

(و بجای «كذا و كذا» حاجت خود را ذکر کند).

١٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ أَمْلَى عَلَيَّ هَذَا الدُّعَاءَ- أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَ هُوَ جَامِعٌ لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَقُولُ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ- اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّمُ

^١ (١) قال السيد الداماد(ره): الجار و المجرور في «لا تقر به ارض و لا تقوم به سماء» غير متعلق بالفعل المذكور بل بفعل آخر مقدر و التقدير إذا دعيت به لا تقر ارض و إذا دعيت به لا تقوم سماء. أو الباء بمعنى مع أي لا تقر معه ارض و لا تقوم معه سماء و اما «لا تقوم له» باللام موضع الباء فمعناه لا تنهض لمقاومته و معارضة سماء.

^٢ (٢) في بعض النسخ [و يستقر به الفلك] و يمكن أن يقرأ الفلك بفتحيتين أو بضم الفاء و سكون اللام بمعنى السفينة و هي الأصح. و في بعض النسخ [حتى يتكلم].

الكَرِيمُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ* وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ* وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفَّارُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ شَدِيدُ الْمِحَالِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ* وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنِيعُ الْقَدِيرُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَدُودُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَنَّانُ الْمَنَّانُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الدَّيَّانُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْجَوَادُ الْمَاجِدُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَائِبُ الشَّاهِدُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْبَاطِنُ وَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ* تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ رَبَّنَا وَجْهَكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ وَ جَهَّتْكَ خَيْرُ الْجِهَاتِ وَ عَطَيْتَكَ أَفْضَلَ الْعَطَايَا وَ أَهْنَأَهَا تَطَاعَ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَ تُعْصِي رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ تُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ وَ تَكْشِفُ السُّوءَ وَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَ تَعْفُو عَنِ الذُّنُوبِ^١ لَا تُجَازِي أَيَادِيكَ وَ لَا تُحْصِي نِعْمَكَ وَ لَا يَبْلُغُ مَدْحَتَكَ قَوْلُ قَائِلِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ رُوْحَهُمْ وَ رَاحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ- وَ أَدِقِّنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ وَ أَهْلِكْ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ* وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَى رَحْمَتِكَ يَتَوَكَّلُونَ وَ تَبَتَّنِي بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ بَارِكْ لِي فِي الْمَحْيَا وَ الْمَمَاتِ وَ الْمُؤَقِفِ وَ النُّشُورِ وَ الْحِسَابِ وَ الْمِيزَانِ وَ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَلِّمْنِي عَلَى الصِّرَاطِ وَ أَجْزِنِي عَلَيْهِ وَ ارْزُقْنِي عِلْمًا نَافِعًا وَ يَقِينًا صَادِقًا وَ تَقَى وَ بَرًّا وَ وَرَعًا وَ خَوْفًا مِنْكَ وَ فَرَقًا^٢ يُبَلِّغُنِي مِنْكَ زُلْفَى وَ لَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ وَ أَحْبِبْنِي وَ لَا تُبْغِضْنِي وَ تَوَلَّنِي وَ لَا تُخَذِّلْنِي وَ أَعْطِنِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ^٣.

عمرو بن ابى المقدم گوید: حضرت صادق عليه السلام اين دعا را كه جامع حاجتهاى دنيا و آخرت است بمن ديكته فرمود: (و فرمود:) كه پس از حمد و ثناى خداوند ميگوئى:

«اللهم انت الله لا اله الا انت الحليم الكريم، و انت الله لا اله الا انت العزيز الحكيم، و أنت الله لا اله الا انت الواحد القهار، و انت الله لا اله الا انت الملك الجبار، و انت الله لا اله الا انت الرحيم الغفار و انت الله لا اله الا انت شديد المحال، و انت الله لا اله الا انت الكبير المتعال، و انت الله لا اله الا انت السميع البصير، و أنت الله لا اله الا انت المنيع القدير، و انت الله لا اله الا انت الغفور الشكور، و انت الله لا اله الا انت الحميد المجيد، و أنت الله لا اله الا انت الغفور الودود، و انت الله لا اله الا أنت الحنان المنان و أنت الله لا اله الا انت الحليم الديان، و انت الله لا اله الا أنت الجواد الماجد، و أنت الله لا اله الا انت الواحد الاحد، و انت الله لا اله الا انت الغائب الشاهد، و انت الله لا اله الا انت الظاهر الباطن، و انت الله لا اله الا انت بكل شيء عليم، تم نورك فهديت، و بسطت يدك فأعطيت، ربنا وجهك اكرم الوجوه و جهتك خير الجهات و عطيتك أفضل العطايا و أنهاها تطاع ربنا فنشكر و تعصى ربنا فتغفر لمن شئت تجيب المضطرين و تكشف السوء و تقبل التوبة و تعفو عن الذنوب لا تجازى اياديك و لا تحصى نعمك و لا يبلغ مدحتك قول قائل اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و روحهم و راحتهم و سرورهم، و أذقني طعم

^١ (١) في بعض النسخ [تغفر عن الذنب] و في بعضها [عن الذنوب].

^٢ (١) الفرق بالتحريك: الخوف و الفزع.

^٣ (٢) حذافير الشيء أعاليه و نواحيه يقال اعطاه الدنيا بحذافيرها أي باسرها و هو جمع حذافير.

فرجهم و اهلك اعداءهم من الجن و الانس و آتينا في الدنيا حسنة و في الآخرة حسنة و قنا عذاب النار، و اجعلنا من الذين فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون، و اجعلني من الذين صبروا و على ربحهم يتوكلون، و ثبتني بالقول الثابت في الحياة الدنيا و في الآخرة و بارك لي في الحيا و الممات و المواقف و النشور و الحساب و الميزان و أهوال يوم القيامة و سلمني على الصراط و اجرني عليه و ارزقني علما نافعا و يقينا صادقا و تقى و برا و ورعا و خوفا منك و فرقا يبلغني منك زلفى و لا يباعدني عنك، و أحببني و لا تبغضني و تولني و لا تخذلي و اعطني من جميع خير الدنيا و الآخرة، ما علمت منه و ما لم أعلم و اجرني من السوء كله بحذافيره ما علمت منه و ما لم أعلم»

۱۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ لَا تَخْصُنِي بِدُعَاءٍ قَالَ بَلَى قَالَ قُلْ- يَا وَاحِدُ يَا مَاجِدُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يَا عَزِيزُ يَا كَرِيمُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا خَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ قُلْتُ وَ لَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ- نَعَمْ لِنِعْمِ الْمُجِيبِ أَنْتَ وَ نِعْمَ الْمَدْعُوُّ وَ نِعْمَ الْمَسْئُولُ أَسْأَلُكَ بُنُورَ وَجْهِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ جَبْرُوتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِمَلَكُوتِكَ وَ دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَ بِجَمْعِكَ وَ أَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ بِحَقِّ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.

معاوية بن عمار گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم: آیا مرا بدعائی مخصوص نفرمائی؟ فرمود: چرا بگو:

«یا واحد یا ماجد یا احد یا صمد یا من لَمْ یلد و لَمْ یولد و لَمْ یکن له کفواً احد یا عزیز یا کریم یا حنان یا منان یا سامع الدعوات یا اجود من سئل و یا خیر من اعطی یا الله یا الله یا الله قلت و لقد نادانا نوح فلنعم المجیبون»

. سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: که رسول خدا (ص) میفرمود [آری]:

«لنعم المجیب انت و نعم المدعو و نعم المسئول أسألك بنور وجهك، و أسألك بعزتك و قدرتك و جبروتك و أسألك بملکوتك و درعك الحصينة و بجمعك و اركانك كلها و بحق محمد و بحق الاوصياء بعد محمد ان تصلي على محمد و آل محمد و ان تفعل بي كذا و كذا»

(و بجای آن حاجت خود را ذکر کند).

توضیح

- ظاهر اینست که مقصود امام صادق علیه السلام از نقل کلام رسول خدا (ص) دنبال آن دعا آنست که: این دعا از اول تا باخر دعائی است که رسول خدا (ص) آموخته است و من نیز بتو می آموزم و رسول خدا پس از

«فلنعم المجیبون»

ميفرمود:

لنعم الجيب أنت

- الخ».

٢٠- عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِيِّ وَ جَهْمِ بْنِ أَبِي جَهْمَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ كَانَ يُعْرَفُ بِكُنْيَتِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فَقَالَ نَعَمْ قُلْ يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ- وَ يَا مَنْ أَمِنْ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ عَثْرَةٍ وَ يَا مَنْ يُعْطِي بِالْقَلِيلِ الْكَثِيرَ يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً يَا مَنْ أَعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطَانِي بِمَسْأَلَتِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعِ خَيْرِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَنِي وَ زِدْنِي مِنْ سَعَةِ فَضْلِكَ يَا كَرِيمٌ.

ابو جعفر- که مردی بوده است در کوفه و بکنیه اش معروف بوده- گوید: بحضرت صادق علیه السلام عرض کردم دعائی بمن بیاموز که با آن دعا کنم، فرمود: آری بگو:

«یا من ارجوه لكل خير و یا من آمن سخطه عند كل عثرة، و یا من يعطى بالقليل الكثير، یا من اعطى من سئله تحننا منه و رحمة، یا من اعطى من لم يسئله و لم يعرفه صل على محمد و آل محمد و اعطنى بمسئلتى من جميع خير الدنيا و جميع خير الآخرة فإنه غير منقوص ما اعطيتني و زدني من سعة فضلك يا كريم»

٢٠- وَ عَنْهُ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ عَلَّمَ أَخَاهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَلِيٍّ هَذَا الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ ارْفَعْ ظَنِّي صَاعِدًا وَ لَا تَطْمِعْ فِيَّ عَدُوًّا وَ لَا حَاسِدًا وَ احْفَظْنِي قَائِمًا وَ قَاعِدًا وَ يَقْظَانًا [يَقْظَانٌ] وَ رَاقِدًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ اهْدِنِي سَبِيلَكَ الْأَقْوَمَ وَ فِي حَرِّ جَهَنَّمَ وَ احْطُطْ عَنِّي الْمَغْرَمَ وَ الْمَأْتَمَّ وَ اجْعَلْنِي مِنْ خَيْرِ خِيَارِ الْعَالَمِ^١.

و در حدیث مرفوعی از امام باقر علیه السلام حدیث شده که این دعا را ببرادرش عبد الله بن علی آموخت:

«اللهم ارفع ظني صاعدا و لا تطمع في عدوا و لا حاسدا و احفظني قائما و قاعدا و يقظانا و راقدا اللهم اغفر لي و ارحمني و اهدني سبيلك الاقوم و قني حر جهنم و احطط عني المغرم و المأتم و اجعلني من خير خيار العالم»

٢١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى وَ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ ارْحَمْنِي مِمَّا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ.

^١ (١) «سخطه» لعله محمول على السخط الذي يوجب الخلود في النار أو المراد بالأمن رجاء العفو أو محض العثرة بالصغائر (آت).

^٢ (٢) المغرم مصدر وضع الاسم و قيل به مغرم الذنوب و قيل: المغرم كالغرم و هو الدين بفتح الدال. و المأتم: الامر الذي يأتم به الإنسان و هو الاثم نفسه و وضع المصدر للمصدر موضع الاسم (خ).

هارون بن خارجه گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که (این دعا را) میخواند:

«ارحمنی مما لا طاقة لی به و لا صبر لی علیه»

(یعنی (بار خدایا) بمن رحم کن از آنچه تاب آن را ندارم و شکیبائی بر آن نتوانم).

۲۲- عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ حَفْصِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ عَلَّمَنِي دُعَاءً فَقَالَ فَأَيْنَ أَنْتَ عَنْ دُعَاءِ الْإِلْحَاحِ قَالَ قُلْتُ وَ مَا دُعَاءُ الْإِلْحَاحِ فَقَالَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ رَبَّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالَّذِي تَقُومُ بِهِ السَّمَاءُ وَ بِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَ بِهِ تُفَرَّقُ بَيْنَ الْجَمْعِ وَ بِهِ يَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَ بِهِ تَرْزُقُ الْأَحْيَاءَ وَ بِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرَّمَالِ وَ وَزْنَ الْجِبَالِ وَ كَيْلَ الْبُحُورِ ثُمَّ تُصَلِّي عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ تَسْأَلُهُ حَاجَتَكَ وَ أَلْحِ فِي الطَّلَبِ.

محمد بن مسلم گوید: بآن حضرت علیه السلام عرض کردم: دعائی بمن بیاموز، فرمود: تو کجائی از دعای الحاح؟ (و چرا آن را نخوانی؟) گوید: عرض کردم: دعای الحاح کدام است؟ فرمود:

«اللهم رب السماوات السبع و ما بینهن و رب العرش العظيم و رب جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و رب القرآن العظيم و رب محمد خاتم النبیین انی أسألك بالذی تقوم به السماء و به تقوم الارض و به تفرق بین الجمع و به تجمع بین المتفرق و به ترزق الاحیاء و به احصیت عدد الرمال و وزن الجبال و کیل البحور»

سپس بر محمد و آل محمد صلوات میفرستی آنگاه حاجت خود را میخواهی و در درخواست خود اصرار بنما.

۲۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ كَرِّمٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ اللَّهُمَّ امْلَأْ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَ حَشِيَّةً مِنْكَ وَ تَصَدِيقًا وَ إِيمَانًا بِكَ وَ فِرْقًا مِنْكَ^۱ وَ شَوْقًا إِلَيْكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ وَ اجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الْحِفْنِي بِالصَّالِحِينَ* وَ لَا تُؤَخِّرْنِي^۲ مَعَ الْأَشْرَارِ وَ الْحِفْنِي بِصَالِحٍ مِنْ مَضَى وَ اجْعَلْنِي مَعَ صَالِحٍ مِنْ بَقِي وَ خُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَ اعِنِّي عَلَي نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَي أَنْفُسِهِمْ وَ لَا تُرَدِّدْنِي فِي سُوءِ اسْتِنْقَذْتَنِي مِنْهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ تُحِبُّنِي وَ تُبْغِثُنِي عَلَيْهِ إِذَا بَعَثْتَنِي وَ ابْرَأْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ السُّمُوعَةِ وَ الشُّكِّ فِي دِينِكَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي نَصْرًا فِي دِينِكَ وَ قُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ وَ فَهْمًا فِي خَلْقِكَ وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ بَيْضَ وَجْهِي بِنُورِكَ وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِيْمَا عِنْدَكَ وَ تَوَقَّنِي فِي سَبِيلِكَ عَلَي مِلَّتِكَ وَ مِلَّةَ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُسَلِ وَ الْهَرَمِ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَ الْعَقْلَةِ وَ الْقَسْوَةِ وَ الْفُتْرَةِ وَ الْمَسْكَنَةِ وَ أَعُوذُ بِكَ يَا رَبَّ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ

^۱ (۳) کذا، أي باسمك الذي أو باسم الذي.

^۲ (۱) الفرق- محرقة-: الخوف.

^۳ (۲) في بعض النسخ [تحزني].

^۴ (۳) في بعض النسخ [في حملك].

مِنْ دُعَايٍ لَا يُسْمَعُ وَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ وَ أُعِيدُ بِكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَ لَا أَحَدٌ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً فَلَا تَخْذُلْنِي وَ لَا تُزِدْنِي فِي هَلَاكَةٍ وَ لَا تُزِدْنِي بِعَذَابٍ أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ عَلَى دِينِكَ وَ التَّصَدِيقَ بِكِتَابِكَ وَ اتِّبَاعَ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ اذْكُرْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ لَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ ثَوَابَ مَنْطِقِي وَ ثَوَابَ مَجْلِسِي رِضَاكَ عَنِّي وَ اجْعَلْ عَمَلِي وَ دُعَائِي خَالِصاً لَكَ وَ اجْعَلْ ثَوَابِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ اجْمَعْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ اللَّهُمَّ غَارَتِ النُّجُومُ وَ نَامَتِ الْعُيُونُ وَ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا يُوَارِي مِنْكَ لَيْلٌ سَاحٍ وَ لَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ وَ لَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ^١ - وَ لَا بَحْرٌ جُبِّي^٢ وَ لَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ تُدَلِّجُ الرَّحْمَةَ عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَعَلَّمَ حَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ أَشْهَدُ بِمَا شَهِدْتَ بِهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَ شَهِدْتَ مَلَائِكَتُكَ وَ أَوْلُو الْعِلْمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ مَنْ لَمْ يَشْهَدْ بِمَا شَهِدْتَ بِهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَ شَهِدْتَ مَلَائِكَتُكَ وَ أَوْلُو الْعِلْمِ فَانْتَبَ شَهَادَتِي مَكَانَ شَهَادَتِهِمُ اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ أَنْ تُفَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

ابن ابی یغفور از حضرت صادق علیه السلام حدیث کند که میخواند (دعائی را که ترجمه اش چنین است): بار خدایا دل مرا سرشار از محبت خود و ترس از خودت و تصدیق و ایمان بتو و بیم و هراس از تو و اشتیاق بسویت کن ای صاحب جلال و اکرام. بار خدایا لقاقت را محبوب من گردان، و در لقاقت برای من بهترین رحمت و برکت را قرار داده، و مرا به نیکان ملحق ساز، و با بدان بدنبال مینداز، و مرا به نیکان گذشته به پیوند، و با نیکان باقیمانده قرار ده، و براه نیکوکارانم ببر، و مرا در باره خودم کمک کن بدان چه نیکان را در باره خودشان کمک کنی، و مرا بمر بدی که از آن آزاد ساخته ای بدان باز مگردان ای پروردگار جهانیان، از تو ایمانی خواهم که پایانش دیدار تو باشد و مرا بدان زنده بداری و بمیرانی و برانگیزی در آن زمان که مرا برانگیزی، و دلم را از خودنمائی و شهرت طلبی و شک در دینت پاک فرما.

بار خدایا توفیق یاری در باره دینت، و نیروئی در پرستشت و فهمی در باره آفریدگانت (و بنا بر نسخه ای که فیض (ره) نقل کند و فهمی در باره حکم خود) و دو بهره از رحمت بمن عطا فرما، و روی مرا بنور خود سپید (و روشن) گردان، و رغبت مرا (فقط) در آنچه نزد تو است قرار ده، و جان مرا در راه خودت بگیر (و بمیران) بر آئین خودت و آئین پیامبرت.

بار خدایا من بتو پناه برم از بیحالی و پیری و کم دلی و بخل و غفلت و سنگدلی و سستی و زبونی، و بتو پناه میبرم از تنی که سیر نشود و از دلی که خاشع نگردد و از دعائی که شنیده نشود (و باجابت نرسد) و از نمازی که سود ندهد، و در پناه تو نهم خود و زن و فرزندانم را از شیطان رانده شده درگاهت.

بار خدایا براستی در برابر تو کسی نتواند مرا پناه دهد، و جز تو پناهگاهی نیام پس مرا وامگذار و در هلاکت و عذاب مینداز، از تو پایداری در دینت و تصدیق قرآنت و پیروی پیامبرت را خواهانم.

^١ (٤) «لیل ساج» بالسین المهملة و آخره جیم: اسم فاعل من سحی یعنی ركد و استقرار و المراد لیل راكد ظلالمه مستقر قد بلغ غایته. و المهاد: جمع مهود أي ذات امكنة مستوية.

^٢ (١) اللجی بضم أوله و قد تكسر و الجیم المكسورة المشددة: العظیم.

بار خدایا مرا به بخشایش خود یاد کن نه بخطاهای من، و از من بپذیر و از فضل خود بر من بیفزای.

بار خدایا پاداش مجلس و گفتار مرا خشنودیت از من قرار ده و کردار و دعلم را خالص برای خودت ساز، و برحمت خودت بهشت را پاداش من مقرر دار، و آنچه از تو خواستم برای من گرد آر و از بخششت بر من بیفزای که من تو را خواهانم.

بار خدایا ستارگان فرو رفتند و دیده‌ها بخواب اندر شدند، و توئی زنده و پاینده، از تو پنهان نسازد چیزی را شب تار و نه آسمان برج دار و نه زمین بسترگاه، و نه دریای ژرف، و نه تاریکیهای درهم و برهم، رحمت را بهر که خواهی شبانه دهی، توئی که خیانت دیده‌ها، و آنچه نماند سینه‌ها بدانی، گواهی دهم بدان چه خودت برای خود بدانی گواهی دادی و فرشتگان و دانشمندان گواهی دادند، معبودی جز تو که عزیز و حکیمی نیست، و هر که گواهی ندهد بدان چه خودت برای خود گواهی دهی و فرشتگان و دانشمندان بدان گواهی دهند گواهی مرا بجای گواهی آنها بنویس (یعنی من بجای آنان گواهی دهم و پاداشش را بمن عطا فرما) خدایا توئی سلام (یعنی سالم از عیوب و نقائص) و از جانب تو است سلامت، ای دارای جلالت و اکرام از تو خواستارم که مرا از دوزخ برهانی.

۲۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْحُثَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ أَبَا ذَرٍّ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص وَمَعَهُ جَبْرِئِيلُ ع فِي صُورَةِ دَحِيَّةِ الْكَلْبِيِّ وَ قَدْ اسْتَخْلَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَلَمَّا رَأَاهُمَا انْصَرَفَ عَنْهُمَا وَ لَمْ يَقْطَعْ كَلَامَهُمَا فَقَالَ جَبْرِئِيلُ ع يَا مُحَمَّدُ هَذَا أَبُو ذَرٍّ قَدْ مَرَّ بِنَا وَ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَيْنَا أَمَا لَوْ سَلَّمْ لَرَدَدْنَا عَلَيْهِ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ لَهُ دُعَاءً يَدْعُو بِهِ مَعْرُوفاً عِنْدَ أَهْلِ السَّمَاءِ فَسَلِّمْ لَهُ إِذَا عَرَجْتَ إِلَى السَّمَاءِ فَلَمَّا ارْتَفَعَ جَبْرِئِيلُ جَاءَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا مَنَعَكَ يَا أَبَا ذَرٍّ أَنْ تَكُونَ سَلِّمْتَ عَلَيْنَا حِينَ مَرَرْتَ بِنَا فَقَالَ ظَنَنْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّ الَّذِي كَانَ مَعَكَ - دَحِيَّةُ الْكَلْبِيِّ قَدْ اسْتَخْلَيْتَهُ لِيَعْضُ شَأْنِكَ فَقَالَ ذَلِكَ جَبْرِئِيلُ ع يَا أَبَا ذَرٍّ وَ قَدْ قَالَ أَمَا لَوْ سَلَّمْ عَلَيْنَا لَرَدَدْنَا عَلَيْهِ فَلَمَّا عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ أَنَّهُ كَانَ جَبْرِئِيلُ ع دَخَلَهُ مِنَ التَّدَامَةِ حَيْثُ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَيْهِ مَا شَاءَ اللَّهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا هَذَا الدُّعَاءُ الَّذِي تَدْعُو بِهِ فَقَدْ أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ ع أَنَّ لَكَ دُعَاءً تَدْعُو بِهِ مَعْرُوفاً فِي السَّمَاءِ فَقَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَ الْإِيمَانَ بِكَ وَ التَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ وَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ الْغِنَى عَنِ شِرَارِ النَّاسِ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: (زمانی) ابو ذر خدمت رسول خدا (ص) آمد و جبرئیل بصورت دحیه کلبی در خدمتش بود و با آن حضرت خلوت کرده بوده، چون ابو ذر آن دو را دید بازگشت و سخن آنها را نبرید، پس جبرئیل گفت: ای محمد این ابو ذر بود که بر ما گذشت و بما سلام نکرد و اگر بما سلام کرده بود پاسخ او را میدادیم، ای محمد این ابا ذر دعائی دارد که میخواند، و نزد اهل آسمان معروف است، پس آنگاه که من با آسمان رفتم تو آن دعا را از او پرس، همین که جبرئیل بالا رفت ابو ذر خدمت پیغمبر (ص) شرفیاب شد، رسول خدا (ص) باو فرمود: ای ابا ذر چه تو را باز داشت از اینکه بر ما سلام کنی آنگاه که بر ما گذشتی، عرضکرد: گمان کردم که آن کس که با شما بود دحیه کلبی است و برای پاره‌ای کارهای شخصی با او خلوت کرده‌ای، فرمود: ای ابا ذر او جبرئیل بود و گفت: اگر ابا ذر بما سلام کرده بود جوابش را میدادیم، پس همین که ابا ذر دانست که او جبرئیل بوده، خدا میداند که چه اندازه پشیمان شد (و افسوس خورد) که چرا بر او سلام نکرده، پس رسول خدا (ص) فرمود:

آن دعائی که تو میخوانی چیست؟ زیرا جبرئیل بمن خبر داد که تو دعائی داری که آن را میخوانی و در آسمان (پیش اهل آن) معروف است؟ عرضکرد: آری ای رسول خدا (ص) می گویم:

«اللهم انی أسألك الامن و الايمان بك و التصديق بنبيك و العافية من جميع البلاء و الشكر على العافية و الغنى عن شرار الناس»

۲۵- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ: أَخَذْتُ هَذَا الدُّعَاءَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ يُسَمِّيهِ الْجَامِعَ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِجَمِيعِ رُسُلِهِ وَ بِجَمِيعِ مَا أَنْزَلَ بِهِ عَلَيَّ جَمِيعِ الرُّسُلِ وَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِقَاءَهُ حَقٌّ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ بَلَغَ الْمُرْسَلُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* وَ سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمَدَ اللَّهُ شَيْءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحَمَدَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهُ شَيْءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَفَاتِيحَ الْخَيْرِ وَ خَوَاتِيمَهُ وَ سَوَابِعَهُ وَ فَوَائِدَهُ وَ بَرَكَاتِهِ وَ مَا بَلَغَ عِلْمُهُ عِلْمِي وَ مَا قَصُرَ عَنْ إِحْصَائِهِ حِفْظِي اللَّهُمَّ انْهَجْ إِلَيَّ أَسْبَابَ مَعْرِفَتِهِ وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ وَ عَشِّنِي بِبَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ وَ مَنْ عَلَيَّ بِعِصْمَةٍ عَنِ الْإِزَالَةِ عَنِ دِينِكَ وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الشُّكِّ وَ لَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ وَ عَاجِلِ مَعَاشِي عَنِ آجِلِ ثَوَابِ آخِرَتِي وَ اشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ مَا لَا تَقْبَلُ مِنِّي جَهْلُهُ وَ دَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسَانِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ لَا تُجْرِدْ فِي مَفَاصِلِي وَ اجْعَلْ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَ أَنْوَاعِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا ظَاهِرِهَا وَ بَاطِنِهَا وَ غَفَلَاتِهَا وَ جَمِيعِ مَا يُرِيدُنِي بِهِ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ وَ مَا يُرِيدُنِي بِهِ السُّلْطَانُ الْعَنِيدُ بِمَا أَحْطَتْ بِعِلْمِهِ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَيَّ صَرَفِهِ عَنِّي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ زَوَابِعِهِمْ وَ بَوَائِقِهِمْ وَ مَكَايِدِهِمْ وَ مَشَاهِدِ الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ ٢ وَ أَنْ أُسْتَزَلَّ عَنِ دِينِي فَتَفْسُدَ عَلَيَّ آخِرَتِي وَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنْهُمْ ضَرَرًا عَلَيَّ فِي مَعَاشِي أَوْ يَعْزُضَ بِلَاءٌ ٣ يُصِيبُنِي مِنْهُمْ لَا قُوَّةَ لِي بِهِ وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَيَّ اِحْتِمَالِهِ فَلَا تَبْتَلِنِي يَا إِلَهِي بِمُقَاسَاتِهِ فَيَمْنَعَنِي ذَلِكَ عَنِ ذِكْرِكَ وَ يَشْغَلَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ أَنْتَ الْعَاصِمُ الْمَانِعُ الدَّافِعُ الْوَاقِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاقِيَّةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْتَغِيَنَّ مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَ أَبْلُغُ بِهَا رِضْوَانَكَ وَ أَصِيرُ بِهَا إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ عَدَاً وَ لَا تَرْزُقْنِي رِزْقًا يُطْغِيَنِي وَ لَا تَبْتَلِنِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضِيقًا عَلَيَّ أَعْطِنِي حِطًّا وَافِرًا فِي آخِرَتِي وَ مَعَاشًا وَاسِعًا هَنِئًا مَرِيئًا فِي دُنْيَايَ وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَ لَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا أَجْرِي مِنْ فِتْنَتِهَا وَ اجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَ سَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا اللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ بِمِثْلِهِ وَ مَنْ كَادَنِي فِيهَا فَكِدْهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَ امْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِي فَإِنَّكَ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ وَ أَفْقًا ٤ عَنِّي عُيُونَ الْكَفَرَةِ الظَّلْمَةِ وَ الطُّغَاةِ وَ الْحَسَدَةِ اللَّهُمَّ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْكَ السَّكِينَةَ وَ الْبَسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَ احْفَظْنِي بِسِتْرِكَ

١ (١) أي أنزل الملك به و في التهذيب و المصباح [أنزلت به جميع] و هو الصواب.

٢ (٢) في نسخ المصباح هكذا [من طوارق الانس و الجن و زوابعهم و توابعهم و حسدهم و مكائدهم و مشاهد الفسقة منهم]. و في القاموس الزبوجة اسم شيطان او رئيس الجن و هي بالزاي و الباء الموحدة و العين المهملة.

٣ (٣) في بعض النسخ [بعرض بلاء].

٤ (١) فقأ العين: قلعتها.

الْوَاقِي وَ جَلَّلِي عَافِيَتِكَ النَّافِعَةَ وَ صَدَّقَ قَوْلِي وَ فَعَالِي وَ بَارِكْ لِي فِي وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَا لِي اللَّهُمَّ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا
أَغْفَلْتُ وَ مَا تَعَمَّدْتُ وَ مَا تَوَانَيْتُ^۱ وَ مَا أَعْلَنْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ فَاعْفِرْهُ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ابو حمزه گوید: من این دعا را از امام باقر علیه السلام گرفتم و آن حضرت آن را دعای جامع مینامید (و آن اینست:)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِجَمِيعِ رِسَالِهِ وَ
بِجَمِيعِ مَا أَنْزَلَ بِهِ عَلَيَّ جَمِيعَ الرِّسَالِ وَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِقَاءَهُ حَقٌّ، وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ بَلَغَ الْمُرْسَلُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ سُبْحَانَ
اللَّهِ كَلِمًا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْءٌ وَ كَمَا يَجِبُ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَلِمًا حَمْدَ اللَّهِ شَيْءٌ وَ كَمَا يَجِبُ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلِمًا
هَلَّلَ اللَّهُ شَيْءٌ وَ كَمَا يَجِبُ اللَّهُ أَنْ يَهْلَلَ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ كَلِمًا كَبَرَ اللَّهُ شَيْءٌ وَ كَمَا يَجِبُ اللَّهُ أَنْ يَكْبَرَ

(و دنباله دعا ترجمه‌اش چنین است). بار خدایا از تو خواهم کلیدهای خیر و پایانه‌های آن و کامله‌هایش و فوایدش و برکاتش و
آنچه پایه دانش من بدان رسد و آنچه حافظه‌ام از شماره‌اش کوتاه است، بار خدایا اسباب شناسائیش را برای من روشن ساز، و
دره‌های آن را بر وی من بگشا، و در برکات رحمت مرا فرو بر، و بخود داری از دور شدن از دینت بر من منت گذار، و دل مرا از
شک پاک کن، و آن را باین دنیا و زندگی زودگذرم از ثواب آینده آخرتم سرگرم مکن، و دل مرا بدر یاد داشتن آنچه نادانیش را
نپذیری سرگرم کن، و برای هر خیری زبان مرا رام کن و دلم را از ریاء و خودنمائی پاک ساز، و آن را در مفاصل من وارد نکن، و
کردارم را برای خود خالص گردان.

بار خدایا بتو پناه برم از شر و از همه انواع زشتیها پیدا و نهانش و بی‌خبریهایش، و از هر چه شیطان رجیم بدان آهنگم کرده و
از من خواهد، و آنچه سلطان معاند از من طلبد، از آنچه دانش تو بدان رسد و تو بر دور کردن آن از من قادر و توانائی.

بار خدایا بتو پناه برم از شبگردان جن و انس، و گروههای چرخنده آنان و گرفتاریها و نیرنگهای آنان و مراکز اجتماع فاسقان
جن و انس، و از اینکه از دین خود بلغزم و در نتیجه آخرتم تباه گردد، و از زیان رساندن آنها در آنچه بدان زندگی کنم، یا بلائی
از ایشان بمن رسد که بدان توانائی ندارم و شکیبائی بر تحمل آن نتوانم، پس ای معبود من مرا برنج برده‌های آن دچار مکن زیرا که
آن مرا از یاد تو باز دارد و از پرستش تو سرگرم کند؛ توئی نگهدار و باز دارنده و دافع و حافظ از همه اینها.

بار خدایا از تو خواهم رفاه در معیشتم را تا بدان جا که زنده‌ام داری، معاشی که بدان وسیله توانائی بر پیرویت داشته باشم و
بخشنودیت (یا رضوانت) برسم، و بخانه زندگی (که بهشت است) فردای قیامت برسم، و روزی مکن برایم آن روزی را که سرکشم
کند، و بفقری گرفتارم مکن که برای تنگی آن به بدبختی افتم، و بهره‌افری در آخرت بمن عطا فرما، و معاش وسیع گوارا و خشگوار
در دنیا بمن عنایت کن، و دنیا را بر من زندان مکن و جدائیش را اندوه من مساز، از فتنه‌های آن مرا در پناه خود گیر، و کرده‌هایم
را در آن بپذیر و کوششتم را در آن قابل تقدیر ساز.

^۱ (۲) توانی فی حاجته: فقر و قصر و لم یهتم بها.

بار خدایا هر که آهنگ بدی در باره من دارد تو در باره اش مانند همان آهنگ را بکن، و هر که بمن کیدی ورزد تو باو کیدی ورز، و اندوه هر آن کس که اندوهش را بدل من اندازد از من باز دار و هر که با من مکر کند با او مکر کن که تو بهترین مکرکنندگانی، و از توجه بمن چشم کفار و ستمکاران و سرکشان و حسودان را درآور، بار خدایا آرامش دلی از جانب خودت بر من فرو فرست، و وزه محافظت کننده خود را بر من پوشان، و به پرده نگهدارنده مرا پوشان و جامه عافیت را در برم کن، و راست گفتار و درست کردارم، و در فرزندان و خاندان و مالم برکت ده، بار خدایا آنچه از من گذشته و آنچه پس انداخته ام و آنچه غفلت کردم و آنچه تعهد کردم و آنچه در آن سستی کردم و آنچه آشکار کردم و آنچه در نهان کردم (همه را) بیامرز یا ارحم الراحمین».

۲۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجُبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَىٰ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ اْمُدِّدْ لِي فِي عُمْرِي وَ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِذَنْبِكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي.

محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام حدیث کند که فرمود: بگو:

«اللهم اوسع على في رزقي و امدد لي في عمري و اغفر لي ذنبي و اجعلني ممن تنتصر به لدينك و لا تستبدل بي غيري»

۲۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ يَا مَنْ يَشْكُرُ الْيَسِيرَ وَ يَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ وَ هُوَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ* اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي ذَهَبَتْ لَدُنَّهَا وَ بَقِيَتْ بَعْتُهَا.

يعقوب بن شعيب از امام صادق علیه السلام حدیث کند که میخواند (دعائی را که ترجمه اش اینست): «ای آنکه از اندک قدردانی کنی و از بسیار درگذری و او است آمرزنده و مهربان بیامر از من گناهایی که لذت آن رفته و کيفر آن مانده است».

۲۹- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ مِنْ دُعَائِهِ يَقُولُ- يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَيِّرُ النَّعَمَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُجِلُّ النَّعَمَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهُوَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُكْشِفُ الْغِطَاءَ وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَرُدُّ عَيْثَ السَّمَاءِ.

و از دعاهاى امام صادق علیه السلام این بود:

«يا نور يا قدوس يا اول الاولين و يا آخر الآخريين يا رحمان يا رحيم اغفر لي الذنوب التي تغير النعم و اغفر لي الذنوب التي تحل النعم و اغفر لي الذنوب التي تهتك العصم و اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء و اغفر لي الذنوب التي تدل الاعداء و اغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء و اغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء و اغفر لي الذنوب التي تظلم الهواه، و اغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء، و اغفر لي الذنوب التي ترد عيث السماء»

٣٠- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ يَعْقُوبِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَ يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي وَ يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي وَ يَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي قَالَ وَ كَانَ مِنْ دُعَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع- اللَّهُمَّ كَتَبْتَ الْأَثَارَ وَ عَلِمْتَ الْأَخْبَارَ وَ أَطَلَعْتَ عَلَى الْأَسْرَارِ فَحُلَّتْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقُلُوبِ فَالَسِّرْ عِنْدَكَ عَلَانِيَةً وَ الْقُلُوبَ إِلَيْكَ مُفَضَّاةً وَ إِنَّمَا أَمْرُكَ لِيَشِيءُ إِذَا أَرَدْتَهُ أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ* فقلن بِرَحْمَتِكَ لِبَطَاعَتِكَ أَنْ تَدْخُلَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي وَ لَا تُفَارِقَنِي حَتَّى أَلْفَاكَ وَ قُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي فَلَا تُفَرِّقَنِي^١ حَتَّى أَلْفَاكَ وَ ارزُقْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَ زَهِّدْنِي فِيهَا وَ لَا تَزُوها عَنِّي وَ رَغْبَتِي فِيهَا يَا رَحْمَانُ.

و از دعاهاى امام صادق عليه السلام نيز (اين دعا است):

«يا عدتى في كربتى و يا صاحبي في شدتى و يا وليي في نعمتى و يا غياثي في رغبتى».

فرمود: و از دعاهاى امير المؤمنين عليه السلام است (دعايى كه ترجمه‌اش اين است): «بار خدايا اثرها (يعنى كردارهاى نيك و بد) را ثبت كرده‌اى، و اخبار را دانسته‌اى، و بر اسرار آگاهى، پس ميان ما و دلها حائل شدى، نمان در پيش تو عيانست، و دلها بسوى تو كشيده شده، و جز اين نيست كه فرمانت بچيزى كه خواهى بدان گوى باش ميباشد، پس با رحمت خود بطاعتت بگو در هر عضوى از اعضاى من در آيد، و از من جدا نشود تا ديدارت كنم، و با رحمت خود بنافرمانيت بگو از هر عضوى از اعضاى من بيرون رود و نزديك بمن نشود تا تو را ديدار كنم، و از دنيا بمن روزى كن، و در آن مرا بى رغبت كن، و آن را از من دور مكن با رغبت من در آن اى خداى بخشاينده».

٣١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَّابَةَ قَالَ: أَعْطَانِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع هَذَا الدُّعَاءَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيُّ الْحَمْدِ وَ أَهْلِهِ وَ مُنْتَهَاهُ وَ مَحَلِّهِ أَخْلَصَ مِنْ وَحْدِهِ وَ اهْتَدَى مِنْ عَبْدِهِ وَ فَازَ مِنْ أَطَاعِهِ وَ آمِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ اللَّهُمَّ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْمَجْدِ وَ الثَّنَاءِ الْجَمِيلِ وَ الْحَمْدِ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةً مِنْ خَضَعُ لَكَ بِرَقَبَتِهِ وَ رَغِمَ لَكَ أَنْفُهُ وَ عَقَرَ لَكَ وَجْهَهُ وَ ذَلَّلَ لَكَ نَفْسَهُ وَ فَاضَتْ مِنْ خَوْفِكَ دُمُوعُهُ وَ تَرَدَّدَتْ عِبْرَتُهُ وَ اعْتَرَفَ لَكَ بِدُنُوبِهِ وَ فَضَحَتْ عِنْدَكَ خَطِيئَتَهُ وَ شَانَتْهُ عِنْدَكَ جَرِيرَتُهُ وَ ضَعُفَتْ عِنْدَ ذَلِكَ قُوَّتُهُ وَ قَلَّتْ حِيلَتُهُ وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَسْبَابُ خَدَائِعِهِ وَ اضْمَحَلَّ عَنْهُ كُلُّ بَاطِلٍ وَ أَلْجَأَتْهُ ذُنُوبُهُ إِلَى ذُلِّ مَقَامِهِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ خُضُوعِهِ لَدَيْكَ وَ ابْتِهَالِهِ إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ سُؤَالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ أَرْعَبَ إِلَيْكَ كَرَعَتِي وَ أَنْضَرَعُ إِلَيْكَ كَتَضْرُعِهِ- وَ ابْتِهَالُ إِلَيْكَ كَأَشَدِّ ابْتِهَالِهِ اللَّهُمَّ فَارْحَمِ اسْتِكَانَةَ مَنْطِقِي وَ ذُلَّ مَقَامِي وَ مَجْلِسِي وَ خُضُوعِي إِلَيْكَ بِرَقَبَتِي اللَّهُمَّ اهْدِيَ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الْبَصِيرَةَ مِنَ الْعَمَى وَ الرُّشْدَ مِنَ الْعَوَايَةِ وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ أَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ- وَ أَفْضَلَ الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ وَ التَّسْلِيمَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَ أَسْأَلُكَ الْقُوَّةَ فِي طَاعَتِكَ وَ الضَّعْفَ عَنِ مَعْصِيَتِكَ وَ الْهَرَبَ إِلَيْكَ مِنْكَ وَ التَّقَرُّبَ إِلَيْكَ رَبِّ لِزُرْئِي وَ التَّحَرِّيَ لِكُلِّ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي فِي إِسْحَاطِ خَلْقِكَ التَّمَّاساً لِرِضَاكَ رَبِّ مَنْ أَرْجُوهُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي أَوْ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ أَقْصَيْتَنِي أَوْ مَنْ يَنْفَعُنِي عَفْوُهُ إِنْ عَاقَبْتَنِي أَوْ مَنْ أَمَلُ عَطَايَاهُ إِنْ حَرَمْتَنِي أَوْ مَنْ يَمْلِكُ كَرَامَتِي إِنْ أَهَنْتَنِي أَوْ مَنْ يَصْرِفُنِي هَوَانَهُ إِنْ أَكْرَمْتَنِي رَبِّ مَا أَسْأَلُكَ فَعَلِي وَ أَقْبَحَ عَمَلِي وَ أَفْسَى قَلْبِي وَ أَطْوَلَ أَمَلِي وَ أَقْصَرَ أَجَلِي وَ أَجْرَأَنِي عَلَى عِصْيَانٍ مِنْ خَلْقَنِي رَبِّ وَ مَا أَحْسَنَ بِلَاءَكَ عِنْدِي وَ أَظْهَرَ نِعْمَاءَكَ عَلَيَّ

١ (١) في بعض النسخ [حلت].

٢ (٢) في بعض النسخ [تقارني].

كثُرَتْ عَلَيَّ مِنْكَ النَّعْمُ فَمَا أَحْصَيْهَا^١ وَ قَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَنِيهِ فَبَطِرْتُ بِالنَّعْمِ^٢ وَ تَعَرَّضْتُ لِلنِّعَمِ وَ سَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ وَ رَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ وَ حُزْتُ مِنَ الْعَدْلِ إِلَى الظُّلْمِ وَ جَاوَزْتُ الْبِرَّ إِلَى الْإِثْمِ وَ صِرْتُ إِلَى الْهَرَبِ^٣ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْحُزْنِ فَمَا أَصْعَرَ حَسَنَاتِي وَ أَقْلَهَا فِي كَثْرَةِ دُنُوبِي وَ مَا أَكْثَرَ دُنُوبِي وَ أَعْظَمَهَا عَلَى قَدْرِ صِغَرِ خَلْقِي وَ ضَعْفِ زُكْنِي رَبِّ وَ مَا أَطْوَلَ أَمَلِي فِي قِصْرِ أَجَلِي وَ أَقْصَرَ أَجَلِي فِي بُعْدِ أَمَلِي وَ مَا أَفْبَحَ سِرِّي وَ عَلَانِيَتِي رَبِّ لَا حُجَّةَ لِي إِذَا اخْتَجَجْتُ وَ لَا عُذْرَ لِي إِذَا اعْتَذَرْتُ وَ لَا شُكْرَ عِنْدِي إِذَا ابْتُلِيْتُ وَ أُولِيْتُ إِذَا لَمْ تُعِنِّي عَلَى شُكْرِكَ مَا أُولِيْتُ رَبِّ مَا أَحْفَ مِيزَانِي عَدَاً إِذَا لَمْ تُرَجِّحْهُ وَ أَزَلَّ لِسَانِي إِذَا لَمْ تُثَبِّتْهُ وَ أَسْوَدَ وَجْهِي إِذَا لَمْ تُبَيِّضْهُ رَبِّ كَيْفَ لِي بِدُنُوبِي الَّتِي سَلَفَتْ مِنِّي قَدْ هَدَيْتَ لَهَا أَرْكَانِي رَبِّ كَيْفَ أَطْلُبُ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا وَ أَبْكِي عَلَى خِيَّتِي فِيهَا وَ لَا أَبْكِي وَ تَشْتَدُّ حَسْرَاتِي عَلَى عِصْيَانِي وَ تَفْرِيطِي رَبِّ دَعْنِي دَوَاعِي الدُّنْيَا فَاجْتَبِئْهَا سَرِيحاً وَ رَكَنْتُ إِلَيْهَا طَائِعاً وَ دَعْتَنِي دَوَاعِي الْآخِرَةِ فَتَتَبَطَّطْتُ عَنْهَا وَ أَبْطَأْتُ فِي الْإِجَابَةِ وَ الْمُسَارَعَةِ إِلَيْهَا كَمَا سَارَعْتُ إِلَى دَوَاعِي الدُّنْيَا وَ حُطَّامِهَا الْهَامِدِ وَ هَشِيمِهَا الْبَائِدِ وَ سَرَاهِمَا الدَّاهِبِ^٤ رَبِّ خَوْفَتِي وَ شَوْفَتِي وَ اخْتَجَجْتُ عَلَيَّ بِرِقِّي وَ كَفَلْتَ لِي بِرِزْقِي فَأَمِنْتُ مِنْ خَوْفِكَ وَ تَتَبَطَّطْتُ عَنْ تَشْوِيقِكَ وَ لَمْ أَتَّكِلْ عَلَى ضَمَانِكَ وَ تَهَاوَنْتُ بِاحْتِجَاجِكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ أَمْنِي مِنْكَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَوْفاً وَ حَوْلَ تَتَبَطُّطِي شَوْفاً وَ تَهَاوُنِي بِحُجَّتِكَ فَرَقاً مِنْكَ ثُمَّ رَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي مِنْ رِزْقِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ رِضَاكَ عِنْدَ السَّخَطَةِ وَ الْفَرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ وَ النُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَ الْبَصِيرَةَ عِنْدَ تَشْبِيهِ الْفِتْنَةِ رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتِي مِنْ خَطَايَايَ حَصِينَةً وَ دَرَجَاتِي فِي الْجَنَانِ رَفِيعَةً وَ أَعْمَالِي كُلَّهَا مُتَقَبَّلَةً وَ حَسَنَاتِي مُضَاعَفَةً زَاكِيَةً وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّهَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ وَ مِنَ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَ الْمَشْرَبِ وَ مِنَ شَرِّ مَا أَعْلَمُ وَ مِنَ شَرِّ مَا لَا أَعْلَمُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ وَ الْجَفَاءَ بِالْحِلْمِ وَ الْجُورَ بِالْعَدْلِ وَ الْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ وَ الْجُرْعَ^٥ بِالصَّبْرِ وَ الْمُهْدَى بِالضَّلَالَةِ^٦ وَ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ.

عبد الرحمن بن سيباه گوید: حضرت صادق علیه السلام این دعا را بمن داد (که ترجمه اش اینست: «سپاس خدائی را که خود سرپرست آن (و یا سزاوارتر بآن) است و شایسته آن و پایان آن و در خور آن است، هر کس او را یگانه دانست او (کردارش) پاکست، و هر که او را پرستش کند بهدایت رسیده، و هر کس فرمانش برد رستگار شده و هر که بدو پناه برد آسوده شود.

بار خدایا ای صاحب جود و بزرگی و ستایش نیکو و سپاس، از تو درخواست کنم درخواست کسی که گردنش را بدرگاهت نهاده، و بینی در برابرت بچاک مالیده و چهره خویش را برای تو بچاک سائیده و خویشش را در مقابل تو خوار کرده، و اشگانش از ترس تو ریزان، و گریه راه گلویش را گرفته، و بگناهان خویش اعتراف دارد و خطایش او را در پیش تو رسوا ساخته، و جنایتش او را نزد تو زشت کرده، و روی این جهات نیرویش کم شده، و چاره اش اندک، و اسباب فریب از او دور شده و هر باطلی از نزدش ناپود گردید، و گناهانش بناچار او را بخواری در درگاهت، و فروتنی در پیشت، و زاری در برابرت کشانده است.

^١ (١) في بعض النسخ [في أحصيتها].

^٢ (٢) البطر شدة الفرج.

^٣ (٣) في بعض النسخ [إلى اللهو].

^٤ (٤) الهامد: البالي المتغير و اليابس من النبات. و الهشيم: الحشيش اليابس و باد يبيد:

ذهب و انقطع و في بعض النسخ [شرايها الداهب].

^٥ (٥) في بعض النسخ [الجوع].

^٦ (٦) في المصباح و الوائى [أو الضلالة بالهدى] و لعله من النشاخ.

و از تو درخواست کنم بار الها درخواست کسی که مانند او باشد (یعنی من خویشتن را بمنزله چنین کسی دانم و بحالت چنین کسی درآرم) مانند او بجانب رو کنم، و چون خواری و فروتنیش بدرگاهت خواری و فروتنی کنم، و چون سخت ترین زاریهایش بدرگاهت زاری کنم، بار الها پس بزبونی گفتارم و خواری مقام و مجلسم و فروتنی در برابرت بمن ترحم فرما.

از تو درخواست کنم خداوندا هدایت از گمراهی، و بینائی از کوری، و ره جوئی از بیراهی، و از تو خواهم بار خدایا که در حال آسودگی تو را بسیار حمد کنم، و در حال مصیبت بهترین صبر را، و در جای شکر بهترین شکرها را، و در هنگام شبها تسلیم باشم.

و از تو خواهم نیروئی برای فرمانبرداریت، و سستی در برابر نافرمانیت، و گریز از خودت بسوی خودت، و تقرب جوئی بدرگاهت تا آنکه خوشنود شوی، و کاوش در هر چه ترا در برابر خشم مخلوق از من خوشنود سازد بخاطر رضایت جوئی تو.

پروردگارا بکه امیدوار شوم اگر تو بمن ترحم نکنی، یا که بمن سر زند اگر تو دورم کنی یا گذشت چه کسی بمن سود دهد اگر تو عقابم کنی، یا بخشش چه کسی را آرزو کنم اگر تو محروم سازی یا چه کسی تواند مرا ارجمند کند اگر تو مرا پست کنی یا پست کردن چه کسی بمن زیان رساند آنگاه که تو مرا ارجمند کنی؟! پروردگارا چه بد است کردارم و چه زشت است رفتارم، و چه سخت است دلم، و چه دراز است آرزویم و کوتاه است عمرم و (این درازی آرزو...) مرا بر نافرمانی آفریدگارم دلیر کرده. پروردگارا چه اندازه آزمایش و بلایت نزد من نیکو است، و نعمتهایت بر من آشکار؟ نعمتهایت بر من بسیار است که شماره اش نتوانم و سپاسگزاری من در برابر آنها اندک است، پس بنعمت تو سرمست شدم و در معرض انتقام و پاداش بد تو قرار گرفتم، یاد تو فراموشم شد، و پس از دانائی بنادانی گرائیدم، و از عدالت بسوی ستم رفتم، و از نیکی بگناه درافتادم، و بخاطر ترس و خوفی که پیدا کردم پا بگریز نهادم، و که چه اندازه اندک و کم است حسنات من در برابر گناهانم؟ و چه اندازه گناهانم در برابر کوچکی جثه ام و ناتوانی اعضايم بسیار و بزرگ است؟.

پروردگارا چه اندازه آرزویم دراز است در برابر عمر کوتاهم، و عمرم کوتاه است در مقابل آرزوهای دور و درازم، و چه مقدار درون و بروتم زشت است.

پروردگارا اگر بخوام (برای کارهایم) دلیلی آورم دلیل ندارم، و اگر خواهم عذر آورم عذری ندارم و اگر مبتلا گردم یا نعمتی بمن داده شود شکر ندارم اگر تو مرا در شکر آن کمک نکنی، پروردگارا چه اندازه میزان (اعمال) من در قیامت سبک است اگر تو او را نچربانی، و زیانم لرزانست اگر تو آن را ثابت نکنی، و رویم سیاه است اگر تو او را سپید نکنی، پروردگارا چگونه گناهان گذشته ام ارکان مرا شکسته اند؟ پروردگارا چگونه جویای شهوتهای دنیا هستم و بر ناامید شدنم از رسیدن بآنها گریه کنم، ولی گریه نکنم بر اینکه افسوسهای بر گناهانم و تقصیرم سخت و بسیار است؟ پروردگارا دواعی دنیا مرا بسوی خود خواندند و من زود آنها را اجابت کردم و با میل بسوی آنها رفتم، ولی دواعی آخرت مرا بسوی خود خواندند و من در اجابتش درنگ کردم و کندی ورزیدم و بدانسان

که بسوی دنیا و کالای بی‌ارزشش، و گیاههای پوسیده و بر باد رفته‌اش، و سراب رونده‌اش شتاب داشتم بسوی آخرت شتاب نکردم.

پروردگارا مرا ترساندی و تشویق نمودی و به بنده بودم برهان آوردی، و روزی مرا متکفل شدی پس من از ترس تو آسوده شدم، و از تشویقی که از من کردی (در انجام فرمان تو) کوتاهی کردم، و بکفالت تو (که از روزی من کردی) تکیه نزدم و برهان آوردنت را خوار شمردم.

بار خدایا این آسودگی خاطر مرا در این دنیا ترس قرار ده (و بترس و خوف مبدل کن) و تنبلی و سستی مرا بشوق و نشاط تبدیل کن، و بی‌اعتنائی مرا به برهان آوردنت بدهشت و هراس مبدل فرما، سپس مرا بدان چه از روزیت قسمت کرده‌ای راضی کن، ای خدای کریم بنام عظیمت از تو درخواست کنم خوشنودیت را هنگام خشم و گشایش تو را در هنگام دشواری، و روشنیت را هنگام تاریکی و ظلمت، و بینائی در هنگام درهم شدن و اشتباه کاری فتنه.

پروردگارا سپر مرا در برابر خطاهایم محکم کن، و درجاتم را در بهشت بلند کن، و کردارهایم را پذیرفته کن، و حسانتم را دو چندان و پاکیزه فرما، و بتو پناه برم از تمامی فتنه‌ها آنچه آشکار است از آنها و آنچه نهانست، و از خوراک و نوشیدنی بسیار (و بتو پناه برم) از شر آنچه دادم و از شر آنچه (اکنون) ندادم، و پناه میرم بتو از اینکه با دادن دانش نادانی بخرم و با بردباری جفا کاری، و با عدالت ستمکاری، و با نیکی کردن (به پدر و مادر و نزدیکان) بریدن از آنها، و با شکیبائی بی‌تابی بخرم، و بجای هدایت گمراهی، و بجای ایمان کفر بگیرم.

- **ابن محبوب عن جمیل بن صالح أنه ذکر أيضاً مثله و ذکر أنه دعاء علی بن الحسین ص و زاد في آخره آمین رب العالمین.**

و از جمیل بن صالح مانند این دعا از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام نقل کرده و در پایانش این جمله را افزوده است:

«آمین یا رب العالمین»

۳۲- **ابن محبوب قال حدثنا نوح أبو اليقظان عن أبي عبد الله ع قال: ادع بهذا الدعاء- اللهم إني أسألك برحمتك التي لا تُنأل منك إلا برضاك و الخروج من جميع معاصيك و الدخول في كل ما يرضيك و النجاة من كل ورطة و المخرج من كل كبير أتى بها مني عمد أو زل بها مني خطأ أو خطر بها علي خطرات الشيطان أسألك خوفاً توقفني به على حدود رضاك و تشعبت به عني كل شهوة خطر بها هواي و استزل بها رأبي ليجاوز حد حلالك أسألك اللهم الأخذ- بأحسن ما تعلم و ترك سيئ كل ما تعلم أو أخطأ من حيث لا أعلم أو من حيث أعلم أسألك السعة في الرزق و الرهد في الكفاف و المخرج بالبيان من كل شبهة و الصواب في كل حجة و الصدق في جميع المواطن و إنصاف الناس من نفسي فيما علي و لي و التذلل في إعطاء النصف من جميع مواطن السخط و الرضا و ترك قليل البغي و كثيره في القول مني و الفعل و تمام نعمتك^۱ في جميع الأشياء و الشكر لك عليها لكي ترضى و بعد الرضا و**

^۱ (۱) في بعض النسخ [نعمك].

أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ فِي كُلِّ مَا يَكُونُ فِيهِ الْخَيْرُ بِمَيَسُورِ الْأُمُورِ كُلِّهَا لَا يَمَعُورُهَا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ وَ افْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْعَافِيَةُ
وَالْفَرْجُ وَ افْتَحْ لِي بَابَهُ وَ يَسِّرْ لِي مَخْرَجَهُ وَ مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ عَلَيَّ مَقْدَرَهُ مِنْ خَلْقِكَ فَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدَهُ وَ خُذْهُ عَن
يَمِينِهِ وَ عَن يَسَارِهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ مِنْ قُدَامِهِ وَ امْنَعُهُ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ بِسُوءِ عَزِّ جَارِكَ وَ جَلِّ تَنَاءُ وَجْهِكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ أَنْتَ رَبِّي وَ أَنَا
عَبْدُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ كَرْبَةٍ وَ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ أَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عِدَّةٌ فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ
الْفُرَادُ وَ تَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَ يَشْتَمُ فِيهِ الْعَدُوُّ وَ تَعْيَا فِيهِ الْأُمُورُ أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ قَدْ فَرَجْتَهُ وَ كَفَيْتَهُ
فَأَنْتَ وَ لِي كُلُّ نِعْمَةٍ وَ صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيرًا وَ لَكَ الْمَنُّ فَاضِلًا.

نوح ابو اليقظان از حضرت صادق عليه السلام حديث كند كه آن حضرت فرمود اين دعا را بخوان (كه ترجمه اش اينست): «بار
خدایا بحق رحمت كه جز بخشنودی تو بدست نیاید از تو خواهم بیرون شدن از همه نافرمانیهايت و در آمدن در آنچه تو را خشنود
سازد، و رهائی از هر گرداب و پرتگاهی (كه رهائی از آن نشود) و بیرون رفتن از هر گناهی كه عمدا از من سرزده، یا بخطا در آن
لغزش شده، یا خاطره شیطانی برای آن در دلم افتاده، از تو خواهم ترسی كه مرا در مرزهای خشنودیت نگهدارد، و هر شهوتی كه
هوای نفسم در خاطره من انداخته بر هم زند، و رأی كه من بر تجاوز از مرز هلال تو گرفته ام بلغزاند، بار خدایا از تو خواهم رفتار
بهترین عملی كه تو دانی، و واگذاردن هر بدی كه تو میدانی و یا از روی نادانی خود بخطا روم، از تو خواهم گشایش در روزی و
زهد در اندازه كفايت، و از هر شبهه با بیان بیرون آمم، و در هر حجتي بدرستی گرامم، و در هر جا براستی سخن رانم، و در مورد
سود و زیانم با مردم بانصاف رفتار كنم، و در برابر آن در جای خشم و گاه خوشنودی فروتن باشم، و در گفتار و كردار ستم را از
كم و بیش واگذارم، و پیاپی رساندن نعمت را در همه چیز بر خودم و شكرگزاری بر آن تا خشنود شوی و پس از خشنودی را
خواهانم، و از تو راهنمایی خواهم بآنچه خیر در آن است با سمانهای آن نه بدشواریهایش ای كريم، ای كريم، ای كريم، و برای من
در هر كاری كه در آن گشایش و عافیت است بگشا، و بیرون شدن از آن را بر من آسان فرما، و برای هر يك از بندگانت كه بر
من توانائی مقدر كرده ای گوش و چشم و زبان و دستش را از من بازگیر، و از سمت راست و چپ و پشت سر و جلوی رویش او
را نگهداری فرما كه بدی بمن نرساند، عزیز است آن كس كه بتو پناه برد، و ستایشش والا است، و معبودی جز تو نیست، تو
پروردگار منی و منم بنده تو، بار خدایا توئی امید من در هر گرفتاری، و توئی مورد اعتمادم در هر سختی، و تو در هر پیش آمدی
پشت و پناهم هستی، چه بسیار گرفتاری كه دل را ناتوان كرد، و چاره را كم كرد و دشمن را شاد ساخت، و هر چاره ای در آن
واماند و من آن را باستان تو فرود آوردم، و بدرگاه تو شكایت كردم و در باره آن از جز تو روگرداندم و تو گشایش دادی و آن را
برطرف كردی، پس توئی ولی هر نعمتی و صاحب هر حاجتی، و پایان هر رغبتی، سپاس فراوان از آن تو است، و برای تو است كه
هر چه بیشتر منت نهی.

۳۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُؤُنْسَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِينَ وَ عَمَلَهُمْ وَ نُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَ صِدْقَهُمْ وَ بَحَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَ ثَوَابَهُمْ وَ شُكْرَ الْمُصْطَفَيْنِ وَ نَصِيحَتَهُمْ وَ عَمَلَ الدَّاكِرِينَ
وَ يَقِينَهُمْ وَ إِيْمَانَ الْعُلَمَاءِ وَ فَهْمَهُمْ وَ تَعَبُّدَ الْحَاشِعِينَ وَ تَوَاضُعَهُمْ وَ حُكْمَ الْفُقَهَاءِ وَ سِيرَتَهُمْ وَ حَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ وَ رَغْبَتَهُمْ وَ تَصَدِيقَ

۱ (۲) في بعض النسخ [يعني].

المؤمنينَ وَ تَوَكَّلْتَهُمْ وَ رَجَاءَ الْمُحْسِنِينَ وَ بِرَّهْمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ وَ مَنزِلَةَ الْمُتَّقِينَ وَ مُرَافَقَةَ النَّبِيِّنَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَالَمِينَ لَكَ وَ عَمَلَ الْحَائِفِينَ مِنْكَ وَ خُشُوعَ الْعَابِدِينَ لَكَ وَ يَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَ تَوَكَّلَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ بِحَاجَتِي عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلِّمٍ وَ أَنْتَ لَهَا وَاسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ سَائِلٌ^١ وَ لَا يَنْفُصُكَ نَائِلٌ وَ لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ^٢ قَوْلٌ قَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا نَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرَجاً قَرِيباً وَ أَجراً عَظِيماً وَ سِتْراً جَمِيلاً اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي عَلَى ظُلْمِي لِنَفْسِي وَ إِسْرَافِي عَلَيْهَا لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ ضِدّاً وَ لَا نِدّاً وَ لَا صَاحِبَةً وَ لَا وَلِداً يَا مَنْ لَا تُعْلَطُهُ الْمَسَائِلُ يَا مَنْ لَا يَشْعَلُهُ شَيْءٌ عَنِ شَيْءٍ وَ لَا سَمِعَ عَنْ سَمِعٍ وَ لَا بَصَرَ عَنْ بَصَرٍ وَ لَا يُرْمُهُ الْخَاطِئُ الْمُلْحِحِينَ^٣ أَسْأَلُكَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي فِي سَاعَتِي هَذِهِ مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ إِنَّكَ تُخَيِّي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ وَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* يَا مَنْ فَلَّ شُكْرِي لَهُ فَلَمْ يَحْرَمْنِي وَ عَظَّمْتَ حَظِيئِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَ رَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِي فَلَمْ يَجْهَنِّي^٤ وَ خَلَقَنِي لِلَّذِي خَلَقَنِي لَهُ فَصَنَعْتَ غَيْرَ الَّذِي خَلَقَنِي لَهُ^٥ فَنِعْمَ الْمَوْلَى أَنْتَ يَا سَيِّدِي وَ بِنَسِ الْعَبْدِ أَنَا وَ جَدْتَنِي وَ نِعْمَ الطَّالِبُ أَنْتَ رَبِّي وَ بِنَسِ الْمَطْلُوبُ أَنَا أَلْفَيْتَنِي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ مَا شِئْتَ صَنَعْتَ بِي اللَّهُمَّ هَدَاتِ الْأَصْوَاتِ وَ سَكَتِ الْحَرَكَاتِ وَ خَلَا كُلِّ حَيْبٍ بِحَبِيْبِهِ وَ خَلَوْتُ بِكَ أَنْتَ الْمَحْبُوبُ إِلَيَّ فَاجْعَلْ خَلْوَتِي مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْعَتَقَ مِنَ النَّارِ يَا مَنْ لَيْسَتْ لِعَالَمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ يَا مَنْ لَيْسَ لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ مَنَعَةٌ^٦ يَا أَوَّلَ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ وَ يَا آخِرَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ عُنْصُرٌ^٧ وَ يَا مَنْ لَيْسَ لِآخِرِهِ فَنَاءٌ وَ يَا أَكْمَلَ مَنُوعٍ وَ يَا أَسْمَحَ الْمُعْطِينَ وَ يَا مَنْ يَفْقَهُ بِكُلِّ لَعْنَةٍ يُدْعَى بِهَا وَ يَا مَنْ عَفُوهُ قَدِيمٌ وَ بَطْشُهُ شَدِيدٌ وَ مُلْكُهُ مُسْتَقِيمٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَافَهْتَ بِهِ مُوسَى^٨ - يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّمَدُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.

امام صادق عليه السلام بابي بصير فرمود: بخوان (و این دعا را باو آموخت که ترجمه اش چنین است:) «بار خدایا از تو درخواست کنم گفتار توبه کنندگان و کردارشان را و (نیز از تو خواهم) نور پیمبران و راستی آنها را، و رستگاری مجاهدان و پاداششان را، و شکرگزاری برگزیدگان و نصیحت آنها را، و کردار ذکر گویان و یقین ایشان را، و ایمان دانشمندان و فهم ایشان را، و پرستیدن خاشعان و فروتنیشان را، و حکمت فقیهان و سیره آنها را، و ترس پرهیزکاران و رغبتشان را، و باور داشتن مؤمنان و توکل آنها را، و امید نیکوکاران و نیکبهایشان را.

^١ (١) الاحفاء: الاستقصاء في الكلام.

^٢ (٢) في بعض النسخ [مدحك].

^٣ (٣) ابرمه: آله و أشجره.

^٤ (٤) جبهته بالمرکوه و إذا استقبله به. هداً يهدأ هداً: سكن.

^٥ (٥) زيد هنا في بعض النسخ في الهامش [و ضيعت الذي خلقني له].

^٦ (٦) «ليست لعالم فوقة صفة» لعل المراد ليس لعالم صفة في العلم يكون فوقة أي ليس أحد أعلم منه أو لا يمكن للعلماء أن يبلغوا في وصفه حتى يكون أكثر مما هو عليه بل كلما بالغوا فيه فهم مقصرون و الأخير أظهر (آت) و قيل في «ليس لمخلوق دونه منعة»: أي ليس لما دونه من المخلوقات امتناع من أن يصل إليهم مكرهه أو ليس لمخلوق بدون لطفه و حفظه منعة و في النهاية يقال: قوم ليست لهم منعة أي قوة تمنع من يريدهم بسوء و قد يفتح النون (آت).

^٧ (٧) العنصر بضم العين و فتح الصاد: الأصل و قد يضم. و النون عند سيبويه زائدة.

^٨ (٨) في بعض النسخ [شافهك].

بار خدایا من از تو خواهم پاداش شاکران، و مقام مقربان و رفاقت پیمبران را. بار خدایا از تو خواهم ترس آنان که عمل برای تو کنند، و کردار آنان را که از تو ترسند، و خشوع آنان که برایت پرستش کنند، و یقین آنان که بر تو توکل کنند؛ و توکل آنان که بر تو گرویدند.

بار الها تو بحاجت من نگفته دانائی، و بر آوردنش برای تو آسان و بی تکلف است، و توئی که هیچ سائلی تو را در سؤال دچار نسازد، و هیچ بدگوئی از (مقام) تو نکاهد، و گفتار هیچ گوینده مدحی بحق مدحت تو نرسد، تو آنچنانی که خود فرمائی و برتر از آنی که ما بگوئیم.

بار خدایا برای من گشایشی نزدیک قرار ده، و مزد بزرگی بمن عطا فرما، و پوششی نیکو بر عیوبم کن، بار خدایا تو دانائی که من با اینکه بر خودم ستم کردم و بر نفس خود اسراف نمودم ولی برای تو ضد و همتا و همسر و فرزندی نگرفتم. ای کسی که مسائل بسیار او را بغلط نیندازد، و ای کسی که چیزی از چیزی دیگر او را سرگرم نکند، و نه شنیدنی از شنیدنی دیگر و نه دیدنی از دیدنی دیگر، و اصرار و پافشاری اصرارکنندگان او را بستوه نیاورد، از تو درخواست کنم که در همین ساعت بمن گشایشی دهی از جایی که گمان برم و از جایی که گمان ندارم، توئی که استخوانهای پوسیده را زنده کنی، و بر هر چیز توانائی.

ای کسی که شکر من (در برابر نعمتهایش) اندک بود ولی باز هم مرا محروم نکرد، و خطایم بزرگ بود ولی رسوایم نساخت، و بر نافرمانیها مرا دید ولی برویم نزد، و مرا آفرید برای آنچه آفرید و من جز آنچه برای آن آفریدم کردم، پس چه خوب مولائی هستی تو ای آقای من، و چه بد بنده ای هستم من که دریافتی، و چه نیکو طالب و خواهانی هستی تو ای پروردگار من، و بد مطلوب و خواسته شده ای هستم من که مرا یافتی، بنده تو و زاده بنده و کنیز توام که در برابرت هستم و هر چه خواهی در باره من انجام دهی.

بار خدایا آوازاها خاموش شده و حرکات آرام شدند، و هر دوستی با دوستش خلوت کرده و من با تو خلوت کرده ام، توئی محبوب من، پس نتیجه این خلوتم را با خودت در این شب آزادی از دوزخ قرار ده، ای کسی که برتر از دانش او برای دانشمندی وصفی نماند (یعنی کسی از او دانشمندتر نیست) و ای کسی که بدون لطف او برای هیچ مخلوقی نگهبانی نیست، ای آنکه پیش از هر چیز بوده و ای آنکه پس از هر چیز خواهی بود، ای کسی که عنصر (و ماده ای) برایش نیست، و ای کسی که پایان او فناء ندارد (چون پایان ندارد) ای کاملترین توصیف شدگان، و بخشنده ترین دهندگان، و ای کسی که با هر زبانی که خوانده شود آن را بفهمد و ای کسی که گذشت او قلم است، و سخنگیریش سخت است، و ملکش استوار است، تو را بخوانم بآن نامت که بدان با موسی بیواسطه سخن گفتی، ای خدای بخشنده، و ای مهربان، ای آنکه جز تو معبودی نیست، بار خدایا توئی صمد از تو خواهم که رحمت بر محمد و آلش فرستی و برحمت خود مرا ببهشت بری».

۳۴- مُحَمَّدٌ بِنُ بَيْحَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا ع عَلَّمَنِي دُعَاءً وَ أَوْجَزُ فَقَالَ قُلْ يَا مَنْ دَلَّنِي عَلَى نَفْسِهِ وَ دَلَّلَ قَلْبِي بِتَصَدِيقِهِ أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَ الْإِيمَانَ.

یونس گوید: بحضرت رضا علیه السلام عرض کردم: دعائی کوتاه بمن بیاموز فرمود: بگو:

«یا من دلی علی نفسه و ذل قلبی بتصدیقه أسألك الا من و الايمان»

۳۵- عَلِيٌّ بْنُ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ رَجُلًا أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَانَ لِي مَالٌ وَرَثْتُهُ وَ لَمْ أَنْفِقْ مِنْهُ دِرْهَمًا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ أَكْتَسَبْتُ مِنْهُ مَالًا فَلَمْ أَنْفِقْ مِنْهُ دِرْهَمًا فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَعَلَّمَنِي دُعَاءً يُخْلِفُ عَلَيَّ مَا مَضَى وَ يَغْفِرُ لِي مَا عَمِلْتُ أَوْ عَمَلًا أَعْمَلُهُ قَالَ قُلْ قَالَ وَ أَيِّ شَيْءٍ أَقُولُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ قُلْ كَمَا أَقُولُ- يَا نُورِي فِي كُلِّ ظُلْمَةٍ وَ يَا نُورِي فِي كُلِّ وَحْشَةٍ وَ يَا رَجَائِي فِي كُلِّ كُزْبَةٍ وَ يَا ثِقَتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ يَا دَلِيلِي فِي الضَّلَالَةِ أَنْتَ دَلِيلِي إِذَا انْقَطَعَتْ دَلَالَةُ الْأَدْلَاءِ فَإِنَّ دَلَالَتَكَ لَا تَنْقَطِعُ وَ لَا يَضِلُّ مَنْ هَدَيْتَ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَأَسْبَعْتَ وَ رَزَقْتَنِي فَوَفَّرْتَ وَ غَدَّيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ غِدَائِي وَ أَعْطَيْتَنِي فَأَجْرَلْتْ بِلَا اسْتِحْقَاقٍ لِذَلِكَ بِفِعْلِ مَنِّي وَ لَكِنْ ابْتِدَاءً مِنْكَ لِكِرْمِكَ وَ جُودِكَ فَتَقَوَّيْتُ بِكَرْمِكَ عَلَيَّ مَعَاصِيكَ وَ تَقَوَّيْتُ بِرِزْقِكَ عَلَيَّ سَخَطِكَ وَ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِيهَا لَا تُحِبُّ فَلَمْ يَمْنَعَكَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ وَ رُكُوبِي لِمَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَ دُخُولِي فِيهَا حَزَمْتَ عَلَيَّ أَنْ غُدَّتْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَ لَمْ يَمْنَعْنِي حِلْمُكَ عَنِّي وَ عَوْدُكَ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ أَنْ غُدْتُ فِي مَعَاصِيكَ فَأَنْتَ الْعَوَاذُ بِالْفَضْلِ وَ أَنَا الْعَوَاذُ بِالْمَعَاصِي فَيَا أَكْرَمَ مَنْ أُقِرُّ لَهُ بِذَنْبٍ وَ أَعَزَّ مَنْ خُضِعَ لَهُ بِذُلِّ لِكِرْمِكَ أَفَرَّرْتُ بِذَنْبِي وَ لِعِزِّكَ خَضَعْتُ بِذُلِّي فَمَا أَنْتَ صَانِعٌ بِي فِي كِرْمِكَ وَ إِفْرَارِي بِذَنْبِي وَ عِزِّكَ وَ خُضُوعِي بِذُلِّي أَفْعَلٌ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ.

حضرت صادق عليه السلام فرمود: مردی خدمت امیر المؤمنین علیه السلام آمد عرضکرد: ای امیر مؤمنان من مالی بارث بردهام (و دارا شده‌ام) و دره‌می از آن را در راه اطاعت خدای عز و جل انفاق نکردم، سپس مالی از راه کسب با آن بدست آوردم و از آن نیز دره‌می در اطاعت خداوند صرف نمودم پس دعائی بمن بیاموز که جای آنچه را از دستم رفته بگیرد، و کارهای گذشته‌ام را و یا آنچه پس از این می‌کنم بیمارزد؟

فرمود: بگو، عرضکرد: چه بگویم ای امیر مؤمنان، فرمود: بگو چنان که من می‌گویم (سپس دعائی تعلیمش فرمود که ترجمه‌اش چنین است:): «ای نور من در هر تاریکی و ای وسیله انس من در هر وحشت و هراس، و ای امید من در هر اندوه، و ای معتمد من در هر سختی، و ای راهنمایم در هر گمراهی، توئی راهنمای من آنگاه که راهنمایی راهنمایان پایان پذیرد زیرا راهنمایی تو بریده نشود و هر که را تو راهنمایی کنی گمراه نگرود، بمن نعمت دادی و فراوان دادی، و روزی دادی و وافر دادی، و غذا دادی پس نیکو غذائی دادی، و عطا کردی و کامل دادی بی آنکه من سزاوار آن باشم بواسطه کاری که از من سرزده باشد، ولی تو بدان آغاز کردی بخاطر کردم وجود خودت، و من بکرم کردم تو بر نافرمانیت نیرو گرفتم، و بکرم روزیت بر خشمگین کردن تو نیرومند شدم، و عمرم را در آنچه تو دوست نداری تباہ کردم، و بی پروائی من بر تو و ارتکاب آنچه غدقن کرده بودی و ورود من در آنچه بر من حرام کرده بودی جلوگیری تو نشد از اینکه بفضل خود بازهم بمن عطا کنی، و بردباریت و بازگشتت بفضل بر من جلوگیری من نشد که در نافرمانیت بازگشت نکنم، پس تو بسیار بازگشت کننده بفضل هستی و من بسیار بازگرد به گناهان، پس ای کریمتر کسی که در برابرش بگناه اعتراف کنم و ای عزیزترین کسی که بذلت در برابرش فروتنی شود، بخاطر کرم تو است که من اعتراف بگناه خود کنم، و بخاطر عزت تو است که بخواری فروتنی کنم، پس تو در مقام کرم خود و اقرار من بگناه با من چه خواهی کرد، و در مقام عزت با فروتنی من بخواری (با من چه خواهی کرد) با من کن آنچه تو شایسته آنی، و با من مکن آنچه را من بدان سزاوارم».